

فصل تیمورک نسبی و ابتدای حالی بیان شده در ۱	فصل تیمورک منزهت بیان شده در ۴	فصل تیمورک قرشی قلعه دخول و واقع اولان خطبی بیان شده در ۵	فصل تیمورک حاکم بدخشان ایلده اولان اتفاقی بیان شده در ۵
فصل طایفه مغولک سلطان حسین افزینه خروجی بیان شده در ۵	فصل تیمورک محل مذکورده نه و چه اوزره حرکت و سلطان حسین عسکر شکست ایتدوکی ۶	فصل تیمورک بدخشان طرفه غریبی بیان شده در ۶	فصل توقتا میش خانک تیمور ایلده اولان محاربه سی بیان شده در ۷
فصل علی شیرک تیمور ایلده اولان شورلوی بیان شده در ۷	فصل بلده سمرقنده اولان مفسد لورک هلاکی بیان شده در ۸	فصل ممالک سمرقند وما بین الشطین بدخشان و جندیان ۸	فصل تیمورک استضعاف ممالک ایتدکنصکره خوارزمه غریبی ۸
فصل تکرار خوارزمه رجوعی بیان شده در ۹	فصل تیمورک هیرات پادشاهی غیاث الدینه غلبه سی بیان شده در ۹	فصل تیمورک خراسان سمت عودت و سجستان تخریبی ۱۰	فصل تیمورک ملک شیرازه غریبی بیان شده در ۱۰
فصل تیمورک سلطان عراق شاه شجاع ایلده مراسلات ۱۱	فصل تیمورک دفعه ثالثه خوارزمه غریبی بیان شده در ۱۳	فصل مازندران حاکمی شاه ولی و ابراهیم قوییه اولان نامه تیمور ترکمانیلده اولان واقعه لوی ۱۴	فصل تیمور عسکرینک ابوبکر ساسانی و سید علی کردی و امت ترکمانیلده اولان واقعه لوی ۱۵
فصل تیمورک عراق عجمه غزیت و شاه منصور ایلده اولان مخاصمه سی ۱۵	فصل شاه منصور واقع سند نصکره اولان وقایع ۱۸	فصل اول غدارک اهل اصفهان اولان غذی بیان شده در ۱۸	فصل تیمورک مغوله استیلا سی ۲۰

فصل تیمورک خراسان و فارس طرفه رجوعی بیان شده در ۲۰	فصل قلعه سیرجانده کودر نام امرک عصیان بیان شده در ۲۲	فصل شاه شجاع برادری سلطان احمدک اوغلی سلطان مهدی و سلیمان خان وقعه لوی ۲۴	فصل حکایه سرگذشت زن شامیه بیان شده در ۲۴
فصل تیمورک عراق عجمه تکرار رجوعی ۲۳	فصل تیمورک بر قاج کون سکونی و تمهید ولایت ایلده آرامی ۲۴	فصل تیمورک لرستان ملکتن تنخیر ایتدوکی بیان شده در ۲۴	فصل تیمورک بغداده نوجوی بیان شده در ۲۵
فصل صفت قلعه بخا سلطان احمد متعلق ۲۵	فصل قلعه مذکورده امیرنک سبب هلاک ۲۶	فصل تیمورک دیار بکر و تکرید و موصل و ما ردین و دهایه غریبی ۲۷	فصل تیمورک قلعه مذکورده یعنی ماردین تنخیر ایتدوکی ۲۸
فصل تیمورک عراق عرب و عجمدن دشت قباچاق طرفه غریبی ۲۹	فصل تیمورک دشت قباچاق طرفیلده اولان وقفه سنه سبب اولدوغی ۳۰	فصل صفت اهالی دشت مذکورده بیان شده در ۳۱	فصل صفت دشت مرفوم بیان شده در ۳۱
فصل صفت بحر کیلان بیان شده در ۳۱	فصل صفت بلده سرای ۳۱	فصل تیمورک دشت مذکور طرفه غریبی ۳۲	فصل تیمور مستدرج الامور احوالی و توقتا میش شکست بولدوکی ۳۳
فصل آیدکوانک تیموره اولان خدعه سی ۳۳	فصل نواحی شمالده امیر آیدکوا ایلده توقتا میش خانک جدال لوی ۳۴	فصل سلطان ماردین الملك الظاهری اطلاق ایتدوکی ۳۵	فصل شام و قیصریه طرفیلده اولان مکتوب لوی ۳۵

فصل صورت خطاب تیمور بمصر بیا ننده در ۳۷	فصل صورت جواب مکتوب ۳۷	فصل تیمور قاصد لرینه سلطان برهان الدینک ترتیب آید و کی عذاب ۳۸	فصل در عقب امیر الامرای شام تنیم نام اوردیجانی نهب آید و کی ۳۸
فصل تیمورک بلاد هند غزمتی بیاندند در ۳۱	فصل پادشاه هند ملوک تحت هنده استقرار بولد و غی بیاندند در ۳۹	فصل تیمورک هند جنگنده اولان حمله سی بیاندند در ۳۹	فصل سلطان سیواس برهان الدینک و ملک مصر الملک الظاهرک وفاندلری ۴۰
فصل معنای مکتوب امیرانشاه به تیمور ۴۱	فصل تیمور و رود کتاب مذکور ایلد تبریزه عنان تابا ولد و غی ۴۲	فصل سلطان برهان الدین احوالی بیاندند ۴۳	فصل قره بلوک ایلد برهان الدینک واقع اولان نزاع و منافرتلری ۴۴
فصل قره بلوک سیواسه غزمتی بیاندند در ۴۶	فصل مشورت اهل سیواس ۴۶	فصل تیمورک ماردین طرفه تکرار غزمتی ۴۷	فصل تیمورک سیواس طرفه غزمتی ۴۷
فصل تیمورک حلب اطرافه استیلا سی ۴۸	فصل عسکر شام و حلب مشاوره لری ۴۹	فصل تیمورک عین تابدن نقل رکاب و حلبه و صولی ۵۰	فصل بود قعه فاقه نک بروجرا و زره ایضاحی ۵۱
فصل تیمورک علماء حلب ایلد مناظره سی ۵۲	فصل تیمورک حلبدن نهضتی بیاندند در ۵۴	فصل تیمورک حلبه تکرار رجعتی بیاندند در ۵۵	فصل شام واقعه سنک تفصیلی ۵۵

فصل الملك الناصرک مصر دن خروجی ۵۶	فصل معركة مذکور نک تفصیلی ۵۸	فصل ذباب و کلای یعنی عسکر مصر ایلد تیمورک عسکر مقابله و مقاتله سی ۵۸	فصل تیمورک هشتم زاده سی سلطان حسین تیمورک روگردان و مصره و ردوغی ۵۸
فصل اعیان عسکر سلطان بیستند واقع اختلاف ۵۸	فصل پادشاه مصرک غزمتی بیاندند در ۵۹	فصل الملك الناصر فرارند و شکسته تا تارک شامه استیلا سی ۵۹	فصل اعیان دمشق مشاوره لری و تیمور مراجعتلری ۶۰
فصل بعض ایا مد علمای شام مجلس تیمور حضور لری ۶۰	فصل عبد الجبار ابن التقمان ایلد علمای شامک مباحتلری ۶۱	فصل احوال عبد الجبار مذکور بیاندند در ۶۲	فصل اهل شامدن تحصیل مال ۶۳
فصل محاصره قلعه داخل بیاندند در ۶۳	فصل بعض ارباب عقولک دفع مضرت تیمور الچون نندارکی ۶۳	فصل الملك الناصر تیموره کوند و ردکی نامه ۶۵	فصل الملك الناصر قاصدی بنسوق تقریری ۶۵
فصل تیمورک بعد الاما اهل دمشق آید و کی غدر ۶۶	فصل تیمورک شامدن اربخالی بیاندند در ۶۶	فصل احوال مصریان بیاندند در ۶۷	فصل اعیان شامک عاقبه الحال لری ۶۷
فصل اقليم شامه استیلا جراد بیاندند در ۶۸	فصل ترك محاصره ماردین وبغداد توجیه تیمور ۶۹	فصل شخیر قلعه مذکور ممکن اولد قده قره بلوک امیر عثمانی اول اماکنه والی نصب آید و کی ۷۰	فصل سلطان الشیخ اولیست طرف رومه غزمتی ۷۰

فصل سلطان خلیل طرفین و خدا داد طرفین الله داده وارد اولان مکاتیب ۱۰۷	فصل الله دادک اشبارده بقا ایتدوکی جنودک مایینلرنده واقع اولان اختلاف ۱۰۸	فصل الله دادک خدا داده اولان خدعه بیاننده در ۱۰۸	فصل سلطان خلیل طرفین الله داده وارد اولان مکاتب ۱۰۹
فصل مکتوب سلطانی ورد و دند نصکره خدا داد تحصیل امن و امان ایچون الله دادک ایتدوکی موافق و عهد ۱۰۹	فصل الله دادک سلطان خلیله محوفی بیاننده در ۱۰۹	فصل الله داد عزمیت ایتدکد نصکره خدا داد پشیمان اولدوغی ۱۱۰	فصل ممالک توراند و واقع اولان حوادث بیاننده در ۱۱۰
فصل آیدکوانک تا تار ایله ماوراء النهره غریمی بیاننده در ۱۱۱	فصل پیر محمد بن جهانگیر دعوی ولی عهدی ایتدوکی بیاننده در ۱۱۱	فصل سلطان خلیل سلطان حسینی پیر و مقابله پیر محمد ارسالی ۱۱۳	فصل الله دادک سلطان حسینه ایتدوکی خدعه بیاننده در ۱۱۳
فصل سلطان حسینک امرادن اخذ میثاق ایله سلطان خلیل اوزرینه غریمی ۱۱۵	فصل بقیه حال پیر محمد بیاننده در ۱۱۵	فصل عسکر خلیل دخی عسکر قندهاردن استقبال لری بیاننده در ۱۱۶	فصل عساکر عراق ماوراء النهر دن خروج و غریمیت وطن ایتدوکلری ۱۱۷
فصل پیر محمد قندهاره وار و تکرار سلطان خلیل اوزرینه کلک ایچون تدارکی ۱۱۷	فصل پیر محمدک سلطان اوزرینه تکرار غریمی ۱۱۷	فصل پیر محمدک وزیر پیر علی خروجی بیاننده ۱۱۸	فصل سلطان خلیل پیر محمدک دد کیدنه کندکده واقع اولان اختلاف ۱۱۹
فصل سلطان خلیلک خدا داد الشیخ نور الدین ایله خدا دادک اختلا فلری بیاننده در ۱۲۰	فصل الشیخ نور الدین ایله خدا دادک اختلا فلری بیاننده در ۱۲۰	فصل سلطان خلیل بلد ترمذ بناسن فرمان ایتدوکی ۱۲۰	فصل شاه رخ دخی حصن الهندی بنا ایتدر دوکی ۱۲۲

فصل افلیم اندر حدوث ایدن فتر بیاننده ۱۲۲	فصل بعض حوادث روزگار بیاننده در ۱۲۳	فصل الله دادک خدا داده ارسال ایتدوکی مکتوب ۱۲۴	فصل خدا دادک سلطان خلیل اولان کیدی بیاننده در ۱۲۴
فصل خدا دادک سلطان خلیل ایله اولان عهدی بیاننده در ۱۲۵	فصل خدا دادک شاه رخ وصولی بیاننده در ۱۲۵	فصل خدا دادک سمرقند قدومنده ظهور ایدن فساد ۱۲۶	فصل شاه رخک سمرقند وصولی بیاننده در ۱۲۶
فصل خدا دادک سلطان خلیله اظهار خلوصی بیاننده در ۱۲۷	فصل خدا دادک سلطان خلیل ایله اولان تکرار عهدی و فوق ۱۲۷	فصل سلطان خلیلک سمرقند عودتی بیاننده در ۱۲۸	فصل تیمورک شکل وهیاتی بیاننده در ۱۲۸
فصل قاضی قضاة مصر ولی الدین ابن خلدو نک تیمور اولان حیل ۱۲۹	فصل تیمورک محب علما اولدوغی بیاننده در ۱۳۰	فصل تیمورک تدبیرند بعید الغور و فکوند عمیق القعر اولدوغی ۱۳۱	فصل تیمورک فراست وبصیرتی بیاننده در ۱۳۱
فصل مشاوره و مطالعة تیمور بیاننده در ۱۳۲	فصل تیمورک قوت عزم و خرمی بیاننده در ۱۳۲	فصل تیمورک هیبت و مخوفی بیاننده در ۱۳۴	فصل نواب تیمور لعب نزد ایدر یچی ۱۳۴
فصل مربورک کونلردن برکون قصد شکار ایتدوکی ۱۳۴	فصل معادن خراسان و لعل بدخشان پشکشری تیموره کلدوکی ۱۳۵	فصل تیمورک زوجاتی بیاننده در ۱۳۵	فصل تیمورک اولادی بیاننده در ۱۳۶

فصل تیمور اولاد و احقا دینک غالبی منقرض اولوب الملق اولاد شاه رنج باقی ۱۳۶	فصل وزرا و امرای تیمور بیاتنه در ۱۳۶	فصل کتاب تیمور بیاتنه در ۱۳۶	فصل تیمورک زمانته اولان علما بیا نده در ۱۳۷
فصل مزبورک زمانته اولان واعظ و متکلمین ۱۳۷	فصل مزبورک خدمته اولان خوشنویس و حکاک و شطرنج باز و مطرب و نقاشگر و غیره ۱۳۷	فصل سمرقند مظنه خبر اولان لردن ۱۳۸	فصل سمرقند یکل و وزن حسابی و محمود خوارز مینک تیمور احوالندن اولان حکایه بی ۱۳۹
فصل تیمور عسکرینک احوالی و سلوک کوی بیاتنه در ۱۴۰	فصل قاضی برهان الدینک عسکر تیمور احوالنده اولان حکایه بی ۱۴۰	فصل تیمور عسکرینک بعض احوالی بیا نده در ۱۴۱	فصل عسکر چغتای مایینده اولان اخبار و دقم و قلم کوی ۱۴۱
فصل تیمورک عسکری مایینده اولان غلاظ و شداد و عالم تقی و شقی ۱۴۲	فصل دمشق کوجه عجمه اعیان و لایتند برینک حکایه بی ۱۴۳	فصل جمال الدین احمد القاری حکایه بی بیاتنه در ۱۴۴	فصل طوایف مذکور بیننده پنجه صلی و عبأ اولدوغی ۱۴۴
فصل الخاتمه ۱۴۷	فصل در بیان ماهو الواقع ۱۴۸	فصل تاریخ تصنیف بیاتنه در ۱۴۹	فصل الذیل امیر تیمور و اولاد تیمور ۱۴۹
فصل ذکر اولاد معین الدین شاه رنج ۱۵۰	فصل ذکر اولاد جلال الدین امیرانشاه ۱۵۱	فصل ذکر اولاد مغز الدین شیخ عمر ۱۵۳	فصل ذکر اولاد غیاث الدین جهانگیر ۱۵۵



۷۴۴

MILLET GENEL KÜTÜPHANESİ	
KISIM :	M. Ali Paşa
ESKİ KAYIT No.	734
YENİ KAYIT No.	
TASNİF No.	



وقایع نامه عجیب دوران تاریخ امیر تیمور گورکان

بسم الله الرحمن الرحيم
قلاید شواهد حمید فراید نوادر عجید اول معبود حقیق مالک الملک
علی التحقیق حضرت تیرینک بارگاه عالمیناه کبریا لرینه تقدیم اول نور که مقام
امور جمهور و عالم منوال را د تلرینه مربوط و مجار تیارا عاصرو دهور
بینوع قضا لرندن فضای قدر لرینه جاری و منوط در احمد خدمت
کان علی شفا حقره من نارها فانقذ منها واشکره شکر من ورطه
فیها عدله فأنجاه آیادی فضله عنها وأشهد أن لا إله إلا الله و
أشهد أن محمدا عبده ورسوله ودخی خطه حد و دایره
عدود بیرون صله صلوات ذاکیات و مخف نجات نامیات نبی
امین شاردع شرع متین صاحب اللوا سبها لار خیل انبیا چار بالش
نشین اصطفی محمد المصطفی الذی ارسله رحمة للعالمین وجعله خاتم
النبین فآخبر عن السیر المصون ونبأ بما کان فی الازل وما یتکون
وآستعاذ من غلبة الذین وقهر الزجالی ومن فتنه الحیا والممات
ومن فتنه المسیح الدجالی النبئی الاکرم صلی الله علیه وسلم ما حرك الشما

دقایق الاغصان و تکرر لایار و امتد الزمان حضرت تیرینک عنبه علیه
وساحه فسیحه لرینه ابشار و نثار و لائق سیاقند شرایف رضا و لقا
سنا سیول سیوف فتوحی قالیم ارضه افاضه و قنادیل ایمانی افطار ساهره
اناره ایدن آل واصحاب کرام حضرت تیرینک پیشگاه خوابگاه فردوس
اشتباه لرینه اهدی قلوب بوملای خیر احتوا ایلر صد و رکبت تواریخ
آراسته اولدوغی کبی ان شاء الله تعالی یور جزاده ثمرات لطیفه سی دخی
اعلائی شما ریخ نخل حسنا تندن اجتنا اولنق امیدا و لنور اما بعد
ضمایر ارباب الباب و قرائع جهابذه اصحابه سیرد کلد رکه مناشیر تواریخ
ان فی ذلک عبرة لمن اعتبر و تذکره لمن تذکر مغر سبغه جمایه بر کار دانا
حل و عقد قانون نامه ما حاضر و سرآمد کان تدبیر امورده دستور
العمل معتبر اولوب قطان دهرک حضور و بوجس بر خظرون عبور و نه
اسلوبد تقدیر و امر و نهی و تحریب و تعمیر غلبه و قهر کسر و جبر و جمع
واحضار و تکرر و افتخار عبس بسیار ضحک و استبشار ایدوب محله مهند
سنت لحد و ارنجه تقلبات اطوار ایلر کاه الفت یارگاه تنفر اغیار ایلر فوج
و کدر و نرسیمه مختلف محالیه شواهن قضا و قدرا اولد قلرندن مخبر
اولوب خصوصاً بیست ترمآمد است نام یعنی جدید و من شانزیه
باس شندیده خولد جالی بیدای تجریده حایر ایدر اعجب قضا یا بلکه اعظم
بلا یادن وقعه تیمور جایردر که اقبال دنیا ایلر افطار ارضه استیلا و هلا
حرث و نسله اجترایدوب ظهور یله خال پاک تلویث و نجس حکمی مقامنه
تنزیل ایتشیکن یتیم سعید و نجه مردان خدای آب پر تاب شمشیر ایلر غسل
و شهید ایتکیان اول داهیه دهیانک قضیه بر عبری اخذی اکثر و اقر
العبرا و لغله تفصیل احوالین فضای متقدمین و فصحا ساقیندن
برالمی سحر بیان استاد سخندان حنفی مذهب عجمی لقب دمشقی مولد سنی

جمع جهیزه رها ذوق
و مبصر معناسنه

عبس و بسیار
یوز آکشمک

معتقد احمد بن محمد بن عبدالله الشهير بابن عرب شاه اكبر الله مابر و شاه
عربيه تصنيف وآب و تاب فصاحته جامع لطايف وزن و سجع مستجمع
خوش ا و تاليف ايد و بحقاكه بلاغت بديعه سنه نسبت لسان حري
عاجز و كليل و ترتيبا بيا تنده زبان متبني عليل در منظور عين عبرت
و محفوظ محفظه و ايتلين يكان يكان محر حرير تفرير و يادكار داربا
حسن تقير ايتكين حالاسنه تسع و مايره و الف تا ريخته كلشن سراي
اولياي عظام ملت احمديه و دار الخلافه خلفاي عباسيه بغداد دار السلطه
جاه عاليله و الى و حامى مسلينه حامى جامع محاسن الاكارم صاحب اذبال
الكارم آصف قدسى نژاد نظام الملك در ويش نهاد مهر طلعت قمر و جاهت
عطا د فطنت ناهيد عشرت مرغ صولت كيوان رفعت چا پاك سوار ميدان
شجاعت سالك طريق شريعت غرا داعى مراسم صلاح و تقوى زين الوزر السلطه
زبد الوكلاء الخافيه دستور مشترى رامشير جهان آرا الوزير على باشا امت
الله عمره مدى للهور و اعانه على تدبير الامور حضر تدينك معتقد محرز مسكو
وامين تجل مسبوك سر سحر خدما مان اندرون خاص الخاص مقربان صداقت
و استقامت مقرون نلى ستمائى شهر الاسامى فخر عالم جود بر صديق عزيز الوجوه
معاد فجز و تيره راغب خاصه اخبار سلف و خلف يعنى فن تا ريخته طالب
اولفين تاليف مذكورك زبان مرصع كاد تركيه ترجمه سى بانبده كوشه ابروى
اشارت و زبان حال شاهد رغبتلى بوفير قليل البضا عه كثير الاضا عه يعنى
مرتضى المشير بنظمي زاده به تعلق ايد و با ملاسن استعدا ايتكله اگرچه عده
اهليت معلوم و اسباب بسط انبساط معد و مر كن ان لم يدرك كله لا يترك
كله اداى خواهشون منابره واجب يلوي تحقيق ترجمه چون مؤلف مرحومك ممكن الايراد
اولان الفاظ و بيات و بعض عبارات اقتباس برله مثال مقال نقل بالمسطر ترجمه اغان
اولوب در كاه ملهم القويد الهام صدق و صواب نياز اولوب فصل تيمورك نسى و ايتدي على

اسمى تيمور تاي مثنات فوقه و ياي ساكنه تخيه ما بين مبم مضمومه و راي مملو
و او ساكنه طريق املا و وزن بوموال و زره اولوب لكن لفظ عجمي لغت عربيه
استعمال و لجنه ما تديكي و صولجان كونه كونه كودان اولوب كاهي تيمور و كاهي
تمرنك ديديلر تيمور ابن مرغاي ابن ابقاي شيخه ترغاي مسقط داسي بلاد ما
وراء النهر دن سمرقند طرف دن كشن نام مدينه اعمال دن خواجه ايلغار نام
قريب اولوب نقل كرده ثقافت كره ليلاه مولدند اوج آسمانده بر شخص بديد
و بر مقدار طيران ايله ساقط و دوى زمينده منبت و متفرق اولوب مانتد
جمرات شراره آتشي با ديه و بلاده منتشر اولدى بود خيرو ايتدركه
اول سقطك وقت سقوطند كفتني دم غليظ ايله ملوا اولدوغى مشاهده
اولوب قيا فان و كاهنان زمانه دن بو خلاف عادت استخبار اولدند قد
بعضيلر بومولود عسكس و بعضيلر حرامى خدا نازس و بعضيلر قضا بيقاك
و بعضيلر جلاد بتان اولور و بو خبر و يرديلر و ايتدركه مزبور و يردى صحاب
مواشيدن لقص قطاع و باديه نشين حشم و خاله و او باش بطلاله دن اولوب
ما و راء النهر ما و او اول ضواحي منشألى ايدى و ايتدركه تيمورك بددى
پيندر و نر و كند و زى برفقير چكوسوز اولوب شده افلاسدن بعض لياله برلى
كوسفند شرفه ايتكله شوبان بيدار خبر داز اولوب برسم مسموم ايله كيقن
ابطال و برين دخی سر عتله خدينه ابصال ايتدى بوا سلوبه فقرى متوافر و غله
فساد و اضار عباد و اصرارى كارت بولوب ذكر حاكم دن اعراض ايتكين عباس
و جهانشاه و قارى و سليمان شاه و آيدكوا و جاكوا و سيف الدين بومقول و ق
اربين قرناء شياطينه قرب اولوب بوقدر تنك دستى و قلت عدد و عدد
و عدم مال و رجال ايله طالب ملك و مؤرد ملوك موارد هلك اولدوغين دخی
ايتد و كجه بومقوله دعواسن استماع ايدنلر حق و قلت عقلنه حل و بربرينه نقل
ايدوب غمض ايدر لرايدى ع

سپهر

بتان
قطاع

جمع مناجده
ناجیه مؤمنه

ربيه

محمول است
یعنی نقل بر ساعد او بخیر عاجز بودی
افغان در وجه سنبله
مال بنیادین و تنبیل المیر اولوب
رفت و مجلد شد

ان المقادیر اذ اسعدت الحقیة العاجز بالحازم دیگر ان القنا
التي شاهدت رفعتها تنو قنت ابوابا فانبوا و ایند که تیمور مابین عز
موهوم و ذل ناجز بر فقیر عاجز ما ملکی بر ثوب قطنی اولوب بلد کسند
اهل بلده معتقد و طالبان دنیا به معتقد شمس الدین نام بر شیخ نور
خبرین آنچه ثوبی بیع و ثمنی ابله بر کچی آلوب هدیه طریقیله کچیسی بایند
عصا سی اندک شیخ مشار الیهک زیارتی قصد بله مجلسنه و اردو صولی
شیخ و مرید لوت حالت توحید و ذکر و ساعت وجد و فکر لوینه مصاف
اولغین خاتمه حال کرینه و ارنجه رعایت آداب قیام کو سرتوب تمام مجلس
و وقت سکون و سکوند نظر شیخ تیموره تعلق ایندو کی تیمور یا غنه
دوشوب تقبیل بدینه مسادعت ایندی شیخ بر مقدار تفکر و تأملدن
صکوه در ویشانه توجیه خطاب ایدوب بومرد نامراد عرضین و غرضین
ایدوب جناح بعوضه به دگر نشسته همچون مستمد و نیاز مند اولمشد
امداد ایدوب محروم و ردا یتیمک منظور مدردیمکله اول بابده عین
جمع ابله دفعه دعالین مرفوع بادگاه کبریا ایندیلر بعد ذلک رشته
خروجی نمرته به کشید و سلم عروجی نه پایه به رسید اولدوغی ان شاء
الله فمما سیاتی بیان اولنور بعضی و ایند اولکراه دهر نلک و ایند
نک و پواید رکن کم کرده راه اولغین کرسنه و نشنه مرتبه هلاکده برهفته
صحرا کرد ضلالت اولوب اتفاقا طریق پادشاه زمانه نک چراگاه خیلنه دوش
مزبور خصایص خیل و جنس و ناجنشدن خبر دار بطار اولغین میر خیلک
معلوم اولوب زیاده رعایت و علی الدوام صحبتنه رغبت ایندی بوانشاده
طرف پادشاهیدن بعضی آت طلب اولغین آتلی تیموره تسلیم و هنر
و فضل و لایق خدمت اولدوغین ترفیم ایدوب واهی یتیمکله وادوب
ادای خدمت و طرف پادشاهیدن الباس خلع فاخر ابله سرافراز و کبر و

میرمقوم

میرمقوم طرفه عودت و رجعت اغاز ایندی بعد زمان میرمزبور نازک
دار غرور اولمغله جاه و اما ریتله تیمور مغرور مسرود اولوب تذکره
بازار استند حاجی و اج بولارق همشیره پادشاهی به دهیاب ازدواج
اولوب مشار بالبنان و سرافراز اقوان اولدی نقلدر که یوما
من الا یا و بعض مقاوله و مباخته لوند همشیره شاه بی غضبناک
ایتمکین اولدخی تیمورک حالت قدیمه و فاقه سابقه سن زیاده و تقریر
ورشته کش تغییر تمکین اولدخی سئل سیف بر حیف و ضعیفه مذکوره به
حواله ایدبخه فقیر اگرچه فران مسادعت ایندی اما فایده مند اولوب
اول ظالم سفاک شهزاده آغشته خون هلاک ایندی بو حرکت ناسزا
ایله ادامه اقتدار ی اولوب فرار و خروج و عصیان فرار و پردی بودخی
نقل کرده ارباب و ایند که شاه مرقوم پادشاه بلخ اولوب
تیمور محبوب خدمتند بوزباشی نامدار و مشهور ایدیا اما مع قولد
تیمورک پدری ارکان دولت سلطانیه نک بری اولوب منتخب نام تاریخ
فارسی دیننده دخی جایل الشیاطین نساء طرفندن علاقه نسب تیمور
چنکیزه اتصال بولدوغی مصنف مرقوم منظورم اولدی دیوشت اثر قلشد
بواقوال جمله قابل توفیق و دفع اشکال ارباب نهاییه نماید بودخی مروید
که فرمود ما و داء النهر استیلا و ترقج بنات ملوک ابله نامدار اولوب
کودکان القابله دخی اشتهار بولدی مخفی اولیکه انراک دخی مانند عشا
عرب قبایل و شعب اولوب پادشاه مرقومک زیرنکین حکمند قبیله ارلات
و قبیله جلایر و قبیله قاف چین و قبیله ترلاس نام و دوت قبیله اولوب
هر رندن برکزیده ممالک مقتدای مسالک و دوت و زیر مستوده تدبیری
اولمغله تیمور و زیر ابعک اوغلی بر شتاب لبیب جلد واریب اولوب مردان
کاددان بینند نشوونما و وزرا زاده لر ابله همواره ذوق و صفا

سمه
قاوچین

ارپ
عاقلی

ایدوب پیوسته عقد مجلس صحبت و نوشا نوش عیش و عشرت ایدر اید
 بعضی لاله کرم کرم گفت و کوا یکن دفع استار اسرار ایدوب هم عشرت
 اولان محادیم کرامه توجیه تغیر و ما فی الضمیر ندن تعبیر ایدر که جدّه
 ضعیفم ذات العیافه و الکمانه حوادث عالم دن خبر دار بر خاتون اولوب
 بعضی احلامدن استدلال ایله اعلام ایدر که اولاد و احفاد ندن بر
 صاحب قران مذل ملوک روی جهان ظهور ایدوب ملک و مملکه متولی
 بلاد و عباد مستولی و لورا و صاحب قران بوفقیق و ملوک جایگیر
 ضمیر مدد بوا مر بکا نصیب و زمان ظهور فریدن دستیار دی توفیق
 ایله اولوقت رفیق و امور مد موافق و معاهد و هجناح و معاضد
 اولور میسر دیو عهد و میثا قلوبیه طلبکارا و ملغین سر حله اتفاق ایله
 بند رابطه میثا قایدیلر لکن احتمال بعید عد و مشاوره لرین مستبعد
 د و نمفله کتم اینیوب نادى بنادی مجلس مجلس مذاکره ایتملر ایله کل سیر جاو
 الانین شاع مدلولجه مشهور عام بلکه معلوم ساکنان خطه مصر
 و شام و ملغین بو خبر شین کوش زو پادشاه اولوب دوجه ملکند غراب
 البین ظهور ندن با خبر و لجه عربیه لا یسلم الشرف الرفیع
 من الادی تحتی براق علی جوانیه الدمر مدلولله
 علم عازم و دفع فساد نیمونه جازم اولدوغندن مزبور خبر دار اولجه
 اولکوندن زانوزن مقام خروج و پانهاده سلم عروج اولدی احتمالاً
 رواندند که تیمورک الشیخ شمس الدین مشار الیهک دعا لرندن
 استمداد لری بوانتاده اوله زیرا هر بار اولوختور نیلد و لت سلطنت
 و فتح مغلقات مملکتی د عالی شمس الدین الفاخوری و همت ذین الدین
 الخوافی و برکت السید برکه یر نسبت ایدر ایدی و کاهی ابواب سعادتک
 انفتاح و مالک عروس فوز و فلاح اولدوغن بختانده دوچار اولدوغی

ذات العیافه
 یعنی کاهنه

مختصر اینست
 اطفال بلده قان و کلکله
 اهل بلدت رفیع و شریف
 آدمی ساری منکره اینی

بلا و اذ در انک مکافاتیدر د بوا دعا ایدر ایدی ظاهر و ایند مغرور
 مزبورک میادی خروجی یدییوزردن صکره التمش ایله یتیمها بیننده
 اولوب لکن تزیل دمشق عالم عامل کامل مکمل علاء الدین ابو عبد الله محمد
 بن محمد بن محمد البخاری حضرت نلربنک سکن یوزرا و توزالتی تار بختند مصنف
 مرحوم اولان نقل لری او زره تیمور مغرور یدییوز یتیمها بر تار بختند بسلج
 پادشاهنک او غلی سلطان حسینک ذورق وجودین غریب لجه عدو
 ایند و کدن صکره سر بر سلطنت و مقام استقلاله ثابت قدم اولوب
 مدت سلطنتی او توزالتی سنه اولمشدرد و ایتد کرکرا و ایل خر و جند
 بغی و عدوان و اموال ناسه اطاله دست خسران ایله دعا یا به نصیق
 اماکن ایند و کندن ناشی جمعیت خاطر فقر امتلاشی و ملغین اکثری ترک
 مسکن و جیحونی عبور و جلای وطن ایدوب ما و راه النهر خالی قالمقده بلاد
 خراسانه استیلا خصوصاً ضوا حی بختستان و مفا و زو و در دما خانه
 القا ایند و کی تیران خسران کجایش پذیر حوصله بیان دکلدرا و لحدو
 افتان و خیزان سرکردان ایکن کند و واصحابنک آتش افلا سمری مله
 و شرابین جوعلری مضطربا و ملغین یوما ما سواد بختانده مبتیت غم
 بر باغ کیروب سرقه غم ایدر ایکن داعی بیدار خبر دار اولوب ما سواد
 د و مصرع شاعرانه مضمون و ایکی تیر موزون ایله کشف و فحشین زخمند
 و قید و بند ایله هیرات پادشاهی سلطان حسین حضورینه احضار ایند
 بعد الضرب صلیبه فرمان صدور ایتیشیکن شهزاده غیاث الدین شفا
 اینمکاله سلطان حسین تعینفا ایدوب بوزای عدم صلاح و کراه فلاح
 اولدوغکه دلالت ایدر بوبر ماده الفساد ابغاسی باعث هلاک عباد
 و خرابی بلاد در د بونصحت ایتد و کجه غیاث الدین نصف آدمک فساد
 ندر خصوصاً زخمناک بویله بر مشرف هلاکک مومنه انهمال معقول

تزیل
 یعنی ساکن

دعای
 بختانده

دکله در جواب تمکین شفاعتی قرین قبول اولوب حتی تداویسنه دخی فرما
اولندی بعد ذلک خدمت پادشاهیده دامن در میان عبودیت اولوب
استعداد و قابلیت ایله ملئقت پادشاهی و مابین خدامه صاحب مقام
مسموع الکلام اولدی اتفاقاً اول اشناده بجهستان حاکمی دفع لواء غوایت
وسلب دبقه اطاعت تمکین بجهیز عسکر و تیمور سر عسکر یقین و راهی
اولدقن و ادوب کچه دفع مخدور و باغی مرقومی بر طرف و مجبور ایتدی
اما کبر و عروق فسادی متحرک و طریق بغی و خروجه سالک اولوب کالاول
اتباع و اعوانیله ما و راه التهر طرفه عطف عنان ایتدی بعض قولده سلطان
حسین اختیار دار قرار ایتد و کدنضکره تیمور نمک بحرا و سلطان غیاث
الذین خدمتند خلع اطاعت و ما و راه التهر طرفه متحرک مہمین عزمت
ایتدی کچه غیاث الذین طرفدن دفع شر و شرورینه کوشش اولندی
لکن هیہات فوت عدل سیف ایلہ ما تند ضرب مثل ضیغ اللبن فی الصیف
اولوب فائز مندا و لما مغله سنا به کزید حیف اولدی **فصل**
تیمورک منہن ما عبور نہر چگون بیانندہ تیمورک نهب و غارت و افساد
مضرتندن اول طرفدن اولان فقرای رعیت شدت و عسرتدن اولغین
رفع از بتی ایچون عساکر جراد یقین و اسراع اولند و غی تحلیش سامعه سی
ایتمکین کند و اصحابیله جیون طرفه سرعت و عبورینه عزمت ایدوب حکم
جیونک وقت طغیان و تلاطم افواج امواج بیکرانہ مضاف اولغین
تیمور اصحابنه خطاب برلہ هر کس سبک سیر و آویخته عنان خیل اولوب عبور
شتاب و مفقود و موجود بمر معلوم اولق ایچون فلان محل جمیع نکاہ اولسون
دیو تنبیه ایتمکله جمله یکسر چون نہنک هفت جگر غوطه خورد ریای خطر اولق
بر بردن پیچر احوال موت و آنا رفوف مشاہد ایدر نہر مذکور عبور و
توفیق ایلہ بر فردینه ضرر و قصور واقع اولدی بو تقریب ایلہ اول طرف فقرانی

شروع و زدن غنوده کھوار امنیت و سر نہادہ بالین راحت و لدیلر ازین
جانب تیمور بختسن اخبار و تتبع آنا رایلہ نهب و غارت و عباد الہی اذیتدن
خالی اولد و غندن غیری فکر نا فرجام ایلہ مدینہ قرشی شخیر بنہ اقدام
ابتدی **فصل تیمورک قرشی قلعه سنہ دخول و واقع اولان خطی بیاتندہ**
تیمور پیشمور بو ما اما عقد مجلس مشورت ایدوب بو قریہ مدینہ مختب
کہ ابو تراب مختبی علیہ الرحمہ شہر یدر بر مدینہ مسوئر و بلدہ مصونہ و لمغله شخیر
میسر اولد ایلہ بر خوش جای ملاذ و معاذ در و حاکمی اولان موسی استیصال
اولوب مال و منالند دست رن اولد و غی ممکن اولور ایلہ تقویہ خیل و عد
و فرج بعد الشدة اولور ایدی و عمر آیدن دخول مدینہ بر بر طریق سہل المنال
بیلورم دیو فتح کلام ایتمکین جمله بیل مرامہ اقدام برلہ آت و اٹقال الذین طشردہ
ابقا ایدوب شخیر ذیل ایلہ ظلت لیلہ طریق مع بودن دخول و سیرای والیہ
الغای پیچہ وصول ایدوب والی خارج بلدہ باغ و بقیہ سیرند بولمغله
اسلحہ و امنہ سن بغا و توابع و لواحقن سیف غد دایله افنا ایدوب ایلہ
سوار و محل مذکور ضبط ایلہ استقرار ایتد و کلوندن اهل بلد خبردار
اولنجه نفیر عام ایلہ جمعیت و والی بہ فی الحال آدمو مسارعت ایتد و درملیله
در حال مداد دخی اقبال ایتمکین اشقیای مذکورہ فی تضیق و تقریق لیلہ
کوشش ایتدی ایلہ فضای عالم دیدہ لرینہ تنک و تار و ظاہر و باطن
تراکم بل آشکار اولوب اختیار بزم ایلہ شرک ہلاکہ گرفتار اولدق دیو مسلوق
العقول مرعوب بالقلوب اولدق لوی تیمور جسورک منظوری اولنجه یادان غف
و ہراس محلی دکلدہ امتحان مردان و قنیدر اتفاق و اتصال تام ایلہ باب مدینہ
ہجومہ اقدام کرک مقابلہ و مقاتلہ بر کمسنہ نک قدرت و قوت اولد و غی
جایکبر ضمیر و نتیجہ حسن تدبیر مدد دیتمکله ہاندر دفع صوت و خوض غارت
موت ایدوب کلکبانک زھر شکاف و ہجوم سینہ در مضاف ایلہ باب

مدینه به مانند هجوم لیث نزول قطرت غیث متوجه اولد و قلند
 فی الواقع مقابلہ و مقاتلہ لرینہ کسسته نک تاب و توانی اولما مغله اول
 ورطه دن دخی تخلیص کریبان جان ایند بلر علی التدریج جمعیتملوی بضای
 ثلثمایه به واصل و فتنه و فساد لوی متواصل اولمغله دفع مضرت لری الجون
 طرف پادشاهیدن تعیین اولنان عسکر دخی شکسته و سبلی ادبار
 ایله برگشته اولمویله شوکت و دفعتمور عالی و بوتقریب ایله اولقربد بر
 حصن حصینه مستولی اولوب جای پناه و داخل قبضه غدر لری ولان امواله
 متذخرگاه اید ندیلر عربیه **لَا تُخْفَرَنَّ شَأْنَ الْعَدُوِّ وَكَيْدُهُ فَلَرَمَتَا**
صَرَخَ الْأَسُودَ وَالنَّعْلَبُ فصل نبودک حاکم بدخشان ایله اتفاق
 بیان ایدر مدینه بدخشان پددون بسو انتقال ایله ایکبر ایدر
 دیرنکین حکمرنده ایکن سلطان حسین زور بازو ایله مزبورانی حکومت
 ابعاد بعد تحت فرمانده اولق اوزر دهن اولد لری ایله کبر و کند و لره
 استرداد ایدوب بو وجه اوزر اسیر قهر اولمویله مزبورانه تیمور آدمی نصیب
 و عهد نامه تحریر ایدوب متابعته دعوت ایتمکله اجابت ایدوب شد و ثا
 اتفاق ایتدیلر فصل طایفه مغول سلطان حسین اوزرینه خروج ایتدیکلر
 بیاننده در طرف شرقیدن مغول غول نهضت شقاوت آمیز ایله دفع لوی
 عصیان فتنه انگیز ایدوب سلطان حسین ایله قصد ستیز ایتد و کلری کوش
 زد پادشاهی اولدقده پادشاه با انتباه تدادک ادوات کبر و دار و تهیه
 عساکر جوایز ایله قطع نهر همچون ایدوب مقاتله اعدایه مقابل اولدقده حکم
 قضا و قدر عسکر پادشاهی راه کرای فرار اولغین بیفایده تضرع دستمایه ایله
 سلطان حسین دخی رجوع به مساعدت ایتدی فی الحال تیمور حیلہ کارسردار
 مغول ولان قمر الدین خانہ ارسال نامه و سلطان حسین اوزرینه کند و
 اتفاق لرین سر زده خامه ایتکین اولد دخی دعوت اجابت و وعدہ مظاہر

دخی غنای ایکبر که مضطرب هم بود فصلک
 عنق انتک مدینه فی ثانی از جانب شاهی حکم ایدر
 بلایه خشک خبر ایتمکله نام ثانی ایتد ایله
 علی لک ترک اولد دخی

ایله دار و دیارنه

ایله دار و دیارینه رجعت ایتدی بونلرک دخی متابعت لری تیمورک
 شوکت تو فیروز و رهبتن قلوب ناسده جایکبر ایتکله بالضروری اطفای
 نایم و تفریق دایره سی تا دیرین سلطان حسین نصب عین ایدوب
 جمع مردان میدان برخاش ایله تیمورک اوزرینه تحریک رکاب عزیمت
 واقصای منزلقین قاغلا نام محل مضرب خیام کروون قیام لری اولد
 محل مذکور بر ساعت مسافه ایک کوه آسمان شکوه مابیننده واقع و و
 بر باب منیع اولوب بند و بست اولدقده بر حصن حصین اولور ایدی
 محل مرقومده طرفینک دخی کهمیان راسخ دم و مردان ثابت قدمی وار
 ایکن طرف پادشاهیدن در بند غرور ضبط اولنوب تیمور و اصحابی
 نیل مریدن دور و طرف آخرده محصور و الدیلر فصل نبودک محل مذکور
 نه وجه اوزر حرکت و سلطان حسین عسکرین شکست ایتد و کی بکانه د
 سلطان حسین در بند مذکور ی ضبط و مدخل و مخزن ربط ایتد و کی
 تیموری بحضور ایتکین اعوان بیاماننه فتح کلار و بونوع تدبیر دخی لقای بجه
 اعتصام ایتدیکه بو مکانک طیر و طیران و بنی آدم گذران اتمش بر جاده غیر
 مسلوک و طریق صعب السلوک معلوم در آنلر بیدکده لیلہ مظلمه وار و
 دشمنی علی الغفله ترک و تا زانمک مبسر اولور ایسه و فوق مرام اوزر غروس
 نصرندن کام آلق مقرر در دیمکله بر وجه اتفاق اول لیلہ ایتدک قطع مسالک
 دخول مهالک ایدوب شوق کریبان فجر و لر بجه اورد و به و صول لری ممکن اولد و
 خواهل لری اوزر و اصل مرام اولوب بکر قرار دام آلام اولدیلر رجوع دخی
 امکانی اولمغله سر عتله دوان و طلوع خسر و آفتابده الحق اورد و نمایان اولد
 که اورد و خلقی دخی نیت رجیل و احوال و اتفاق لرین مجمل ایتشلر اصحاب تیمور اول
 مرتبه بی خود و خواب ایکن حیلہ و مکر لری دشمنک فی الحال معلومی اولور ایسه حال
 دیکر کون اولور و ملاحظه سیله غیر نمیلرین ندانته تبدیل ایدوب ناجا در د امر کند

سعادتی غنی فاطمه اید غریبان
 قز قلین بر جگر سکا ماند
 و اولی سعادتی غنی فاطمه اید غریبان
 قز قلین بر جگر سکا ماند

اختیار بجز ایلد گرفتار اولدق دیو کفت و کولری تیمور جسودک مسموعی اولمغه تیمور
 یاران باس و یاس یوقدراورد و بیر قریب مکانه بر مقدار نوم ایلد استراحت
 و آنلری مرعایه صالوب راحت ایدک دیوتنبیه انمکین هاندم نزول و آنلری
 اولاغ صالوب نوم ایلد مشغول اولدیله عربی
 وَأَإِذَا السَّعَادَةُ أُمِرَتْكَ عِيُونُهَا تَمَّ فَالْمُخَافُوفُ كَلْهَنُ أَمَانُ
 وَأَصْطَلَبَ بِهَا الْعَنْقَاءُ قَرَبَى جَبَائِلُ وَأَقْتُلِ بِهَا الْجَوَازَ فَرَبَى سِنَانُ
 طرز و طور فستین بکرنک و دوا و لمغه اورد و خلقی مزبور لری کند و لردن
 قیاس ایلد مغفول اولوب و ذکید لوبنه مشغول اولدیله آنلرد خدی راحت ایلد
 خوش حال و شمنی بوضو رتد اغفال ایتد و کد نصکره بار کیر لوبنه سوار و یکفیر
 نفره صاعقه کرد ایلد دست بر شمشیر تیز آنش فروز ستیز اولوب اورد و بیر
 هجوم ایتد و کلری کی عسکر کیمی دامگیر دشت انزام کیمی صحرانوردان عدا
 اولدوغی سلطان حسینده دغدغه بخشای اعلام اولدقده قراره اقدار کوشتر
 ساز و سلبلرین برنده ابقا و بلخ طرفنه هزیمت برله تحریک پا ایتمکه اموال و اوقاف
 ضبط اولوب بقیه السیوف اولان عسکر دخی طوعا و کرها تیمورک ربقة مطاوعه
 تسلیم ربقة اطاعت ایتدیله بعد ذلک مستولی ممالک ما و داء التهر و جمله فی زیر
 قهر ایدوب قلاع کثیره بر دست رس اولد و غندن غیری سلطان حسین طرفدن
 سمرقند حاکمی اولان علی شیر ارسال سا یل و دسل ایدوب بضیقت اوزره ملکه
 شرکاتلرین معا هدت و سلطان حسین ازاله سند کد وسیله یکدل و
 اولمغه دعوت ایتمکه اولدخی شروط مذکور ایلد مظاهرت و دعوت اجابت
 ایدوب طرف تیموره تحریک دکاب غزیمت ایتدی وقت ملاقاته تکریم ایلد
 استقبال و اکرامند مبالغه ایلد اجلال اولندی مابینده مخالف اولمغه
 مخالف ایلد عقد و نفاق اتفاق ایتدیله فصل تیمورک بدخشان طرفنه
 غزیمت بیان ایدر تیمور علی شیر ایلد بند رابطه اتفاق

ایتد و کد نصکر

ایتد و کد نصکر بدخشان طرفنه تحریک مہمیز غزیمت ایدوب اولحدوده
 وصولند و ایلد مذکور یز بر وجه شرکت پادشاه اولان اخوین اجلال
 ایلد استقبال و تخاف هدایا و خدم و امداد جیوش و حشم ایدوب فرمانده
 دار و معالیخ طرفنه امالک الکام نعت و سلطان حسین محاصر سند غزیمت
 ایدوب محل مذکور و صول و مقابلد یز نزول سلطان حسین محصور دخی
 اخوین مذکورینک یا تند مرهون اولان اولاد لرین مشافهه لرنده باز جرم
 و جیات کشته شمشیر عقوبت ایدوب هر چند دفع اعدایه سولسوتک و یو
 ایتد یسه چاره کرا و لوبوب ضعیف حال و قلت رجال ایلد دست قضایه تسلیم
 زمام اختیار ایدوب تثبیت دامن استیمان ایلد تیموره منقاد و ربقة
 اطاعتنه تسلیم ربقة انقیاد ایتمکه کندوسی مضبوط و اموال منقبوض
 اولند قد نصکر تیمور بدخشان پادشاه لرین تکریم ایلد دار الحکم لوبنه
 ارسال و سلطان حسین اوب سمرقند طرفنه غزیمت یا ممال ایتدی فصل
 ثوقا میش خانک تیمور ایلد محاربه لری بیسانند در سلطان
 حسینک واقعه فاعده سی دشت ترکستان پادشاهی ثوقا میش خانک
 مسموعی اولمغه سلطان حسین ایلد اولان رابطه نسب و خو جوار ی
 رعایت برله شرین غیرت و حمیتی مضطرب و آنش غضب و نخوتی مله تب
 اولوب تدارک عساکر کیر و دار و تهتیه مردان کارزار ایلد مجند و سمرقند
 قریبده نهرین سیحون و جیحون بینند التقای صفین و اقامه بازار محاربه
 فستین اولوب نازم رزم اناره و آسیاب پر خاش استداره اولند فخر عسکر
 تیمور مانند دانه کندم نطین و مثال برف و باران تحلیل ایلد تغلیل
 بولشیکن السید بکر نام بر مرد غریب تیموره قریب پیدا اولمغه تیمور تسلیم
 عسکر بر کشته و ابواب نصرت بسته اولدی دیود عالوندن مستمد اولمغه
 سید خوف اتمه دبدی و مرکبندن نزول و بر کف حصا ایلد تکرار سوار فرس

الصبر
طلب
رفع صوت

الهمج
التكون

شها اولوب روي دوشمنه مقابل نافع و باغي فاجدي اوزه سبله رفع صوت
عباسي ايدوب نكوار صانع و تتابع صوت ايله يتور دخی اول شيخ بخدي تابع
اولوب بوسوت و صرخ كوشكذار عسكر مشتشت اولدوغی كي سر جمله مانند
شتمست و بقر ضالته الولد هجوع و میدان جنكه رجوع ايدوب همت متعا
و همت متعا صند ايله دليزانه هجوم شیرانه ایتد و كلوري كي عسكر توقا امیش
سيلي خوراد بار و دامنيك دشت فرار اولمير ايله عسكر يتور تعقيب و اكثريت
سرای وجودین تحریب و اغتناء مال و مواشی و اشراعیان و حواشی ایدوب
ضبط امور جمهور تركستان و بلاد خجند ايله رجوع بلد سمرقند ایتدی سید مرقو
حائده اخلاف اقبال اولوب بعضیلر بلد مصرده تجم بر مغز اولوب سمرقند
كلنجه سیادت اذعاسيله صاحب عز و سعادت اولدی و بعضیلر مدنی و قول آخرد
مکی ایدی دیدیلر علی کل حال ما و راه التهر و خراسانده اكا براعیان دن اولوب موا
قضا و قدر ايله يتوره باعث نصرت و نجده و الفین يتور مصاحب جنانه منت
بیلوب کند و سبله معامل فقط املین نیا زایتد و کن سیدای امیر حرمین شریفین
اقالیم ارضه اوقا فکیره سی اولوب از جمله وقف ملک خراسان در خطه خراسانده
اولان و قفك ضبط و ریطنه و صرف مصارفه و تدبیر و تعمیرینه قدرتم وارد
اقطاعه بوفقیع احسان بیوریلور اینه بنم و اولاد و احفاد ملك وقف
حرمیندن حصه سی بودند اقل دکلرد دیو سلسله جنیان طلبا و لغله و قف
مذکور مضافات و قرا و اعماله موجی ایلر اقطاع ایلر احسان ایتدی الی
وقف مذکور مرقمک اولاد و احفاد و اسباب طی ضبطنده اولدوغی و ایت اولور
فصل علی شیر ایلر يتورک واقع اولان شورلر بیسکانه در
بعض اسباب نفرت ایلر علی شیر و يتور ما بینده نفرت و عداوت ظهور اتمکین هر
برینه بر طایفه تابع و صر صر خصوص متتابع اولوب بالآخر انواع مکر ایلر علی
شیر يتورک جباله احتیالنه دوشوب اول داهییه دهیانک دست غدر دندن

صهاکش

صهاکش پیمانه فنا اولمغه مالک جمله مسلم يتور و عالم طوعا و کرها امرینه مایه
اولدی فصل بلد سمرقند ده اولان مفسد لرت هالکی بیسانند در
بلد مذکور ده نخل طبع ولایت اشرا و مفسدان بی پروا اولوب مزبور لراچی
طایفه و هر بریتک سر چشمه لری و ما بینده عداوت از لیه لری اولوب لکن بر
مرته استظهار و اعتضا دلری و ارایدیکه يتور بوقدر شوکت و هیبت ایلر
آلردن دل امن دکل ایدی بر طرفه عزیمت ایتدیکه سمرقند ده ابقا ایتد و کی قائم
مقامنک خلاف امرینه جمع و حکومتدن خلع ایلر نظام مملکته اختلال
و بر لرایدی يتور عودت ایتدیکه مجددا تمهید و قتل و عزل ایلر تجدید و تشدید
ایدوب تکرار بر طرفه سوق بکران عزیمت ایتدیکه علی الماده فساد لری اعاده
ایدولرایدی بونوع حرکلی طفق ذکره به بالغ اولوب هر مرتبه کوشمال اولندیلر
ایسه رعایت شروط اربا تمهلی ایلر اولکرو و مکر و هک استیصال لری بچوت
يتور کیر و ترتیب حیلر به مباشرت و نویسن وان ابن کیفیادک مرزدن و ملاحه به
ایتد و کی ندر که مباشرت ایتدی یعنی بر سر ای مسویره ترصین و بعض طرفه جلا
بیامان در کین ایتد کد نضکر زینب رسم دعوت و تنسيق سنق ضیافت عام ایدوب
اصنافی صنفتند اضاف ایلر محیی و طایفه مذکور بی دخی کند و امثال ایلر میز ایدوب
هر مصنف کلوب کند و کچه الباس خلع ایلر تکریم اولوب بوب طایفه مذکور
کلد که احترام لرنه مبالغه و کند ولر ایلر کرم مجالس و الباس خلع فاضل
ایلر کند و کاسن پدا بید و یروب نزه و استراحت لری چون کینکاه طرفه نوجو لرن
اشادت اتمکین هر بری و ارفقه در کین اولان آهنکران جلا دت از ما بیضه
وجود لری کوفته مفرعه فنا ایدوب قطع دابر لری ملک و مملکت يتور بلار
منازع اولدی فصل مالک سمرقند و ما بین الشطین بدخشا و خجندیا
مخفی و لیه که اقالیم ما و راه التهر اعظم بلاد دندن بری سمرقند اولوب
ایالتدن مقدما طفق تومان هر قمانی و ن بیک نقر اعتبار و لقی اوزره

مردان میدان کارزار جمع و پیدا اولوب بعد تنزل ایلدی تو مان شمارنده
 چوب تعداد اولدوغی نقل کرده ثقات در بلاد مذکوره اماکن معتبره و مشهوره
 اولوب دغم روان و زره سوری و ن یکی فرسخ مسافه ایدی بعد طرف
 غربی پسند نصف منزل مکانه تیمور بر شهر بنا و دمشق نامیده مستی انبیکین
 اهل بلد دفع انقال و شهر جدید انتقال ایدوب بنهر قد عتیقه الی الان
 کوفی خط ایلد مسکوت درهم و دینار و فلس نحاس بولوب انتفاع ایدوب بری
 دخی پای تخت ایلک خان بلد مرغینا اندر که صاحب هدایه برهان
 الدین عبدالرحمن بن شهر منسوبدن و دخی بلد بخند و شهر ترمد در که ساحل
 جیحون سایه انداز حسن و بهادر و خشب قرشی او زنده واقع اولوب بوند
 ماعدا ولایت کیش و عمارت بخارا و سواد و اندکان و ایالت بدخشان و ممالک
 خوارزم و قالیم صاغان و بومقوله اطراف و اسم و کتاف شایعه اولوب عرفلندن
 ماوراءالنهر تودان و طرف غربی ایران ایلد شمیمه اولوب یکا و ن و افراسیاب
 تقسیم ممالک ایتد و کلزنده تودان افراسیاب و ایران یککا و سه تعیین ایلد صلاح
 و ما بیندن دفع ترغ و کفاح اولندی فصل تیمور استضعاف ممالک ایتد کدن
 ایتد و حرکت و خوارزم غریبی بیاتده تیمور مغرور نماستیلای ماوراءالنهر
 و قهرامه دهر ایتد کله استخلاص بلاد و استرقاق عباد و اصطیاد سلاطین
 و ممالک ملک روی زمین و لوق سودا سنده و شوب نقوبت بازوی شوکت و شد
 عصب قدرت و قوت همچون مصاهرت مغوله مبادرت ایدوب سلطان مغول
 قراالدینک دختر سعداخرین تزوج ایلد طرف شرق دن طائفه مذکور ایلد
 همسایه و مظاهرت و نصر نده همپا به پیدا ایدوب علت جنسیت و توافق ملة
 جنکین خان بنده بجهت اولوب بونقری ایلد مغول غایله سندن در حضور مصاهرت
 و مصالحه ایلد سندن ثغور ایتد کین تصمیم عز و مملکت خوارزم پادشاهی و لا
 سلطان حسین صوفی از آل سنی جنم ایتدی مملکت مذکوره نل اعظم بلد ایتد

مدینه جرجان اولد و غندن غیری مدین عظیمه و بلدان جیمه
 محیط اولوب مجمع فضلا محط رجال علما مقر ظرفا و شعرا و معدن
 رجال اعتزال و ینبوع مجار اهل هدا و ضلال اولوب نعم کثیره و خبر
 غریزه و وجوه فضایی مستنیر و اها لیبی اهل سمرقند ما تدا صاحب
 نظافه بلکه ادراک و ظرافت دخی زیاده اشعار آبدار و آداب و آثار
 خاصه علم موسیقارده و آغازه و انقاص اشتراک خاص و عام اولوب
 بلدان بر برینه قریب و بنا لری لیل و آجرا یله ترتیب اولمش مملکت اولوب
 تیمور غدار محمل مذکور پازده ستور عسکر جوار ایتد و کده سلطان حسین
 آخر طرفه بولنفین کامران اولوب حوالیسن نهب و غارت ایلد مملکت
 رجعت ایتدی فصل تکرار خوارزم رجوعی بیاتده در بود فعه توفیر مردان
 رزم ایلد خوارزم مرعزم ایدوب استعداد تام و عدد و عدد مالا کلا ایلد
 محمل مذکور و اربوب شخیریه اقدام کوستور دکن بود فعه دخی سلطان حسین
 حاضر بولنما مغله مسالک و مخارجن سدد و طریق آیند و دروند یی بند ایلد
 محاصره ایتد کده سلطان حسینک ندهای جهان کردید و ولایتک اعیان
 کار آزموده لوندن حسن سورنج نام بر تاجر سعداخر تیموره مراجعت و
 مصالحه با بند حلقه جنیان در شفاعت و لدقد تیمور بر حمل استر نفیره
 خالص العیار ایلد صلحه قرار و یردی مزبور تکرار مراجعت و ملاطفت ایلد
 بهر حال دبع طلبیله فصل ایدوب کند و ما لندن ادا و دماء و مال مسلمینی
 چنگال غدرندن رها ایدوب تیمور دخی بود رله اکفا و سمرقند طرفه تحریک
 پا ایتدی فصل تیمورک هرات پادشاهی غیاث الدین غلبه سی بیاتده و
 مقدما تیموره باعث حیات و صلب و سیاستدن سبب نجات اولان هیأت
 پادشاهی غیاث الدین ارسال نامه هیبت خامرا ایدوب تقدیم هدایا و
 خدمت ایلد دائرة اطاعتنه وضع قدم ایلد سن اشارت و الادبار و دمارینه

غریبین اشعارا یتیمین غیاث الدین دخی سنی صلب و سیاستدن خلاص
 و زمره خواص خدا مده اختصاص و ممتاز و پنجه کونه احسان ایله سرفراز
 یتیمین بوقدر دنیق و فنی و قتل و سفک ایله ارتکاب ایتدک شنا بعدن حجاب
 یتیمین شمدی بزمه بوسلورده حرکت شتاب ایدرسن انسان لایعراق الاحسان
 ایست باری کلب و فادارا و لغه قرار و یدر جواب یتیمین بوقدر کلا و پریشا
 ایله یتورک حطب غضبی سوزان اولوب قصد غیاث الدین ایله عبودیت چون
 و بلای آسمانی کبی هیرانی بنجون ایتدی غیاث الدینک مقابله و مقاتله
 تاب و توانی اولما مغل اطراف بسایتین و بیوت فقر و مساکینی خندق
 عمیق ایله تحصین و کندوسی داخل قلعه ده مکین اولدی اول و آخر کاک
 رای و قلت عقل وجود قریح و انعکاس فکرم مبتلا اولوب بوقدر ندرکله چکال
 یتور دن خلاص کریبان ایدرملاحظه سیله فارغ البال اولدی عربیه و اذا
 اناک من الامور مقدر و هرب منه ففوجت هربک سعدي مساعد
 اولیه تدبیریه مانع اولور دأتما تدبیرینک تیسیرینه یتور دخی باز کارزار
 چندان رواج و برمیوبانچون باری بعدن مداخل و مخارج بلدی سدره انبای سیلی
 قطع و بند ایدوب مجروح تضییقه اقدام و کندوصفا سده ارام ایتدی محصور اولان
 اعیان و حواشی احوالی متلاشی و زحام نام و هلاک خاص و عام ایله جمله نک حالی
 متساوی اولغله بالضروری طلب امان ایله سلطان غیاث الدین یتوره مصلون
 اصدار و حقوق سابقه یتدکار ایدوب تاکید امان اچون طالب ایمان دخی و لغین
 یتور طرفندن حفظ زمام قدیم اولوب و اراقة دم و مرق آدیم اولما مق
 اوزره ایمان مغلظه صادرا و لغین قلعه دن نزول و پیشگاه یتوره واروب
 کیر و غیاث الدین ایله یتور شهر دخول و دارالسلطنه یر وصول بولدی اول
 انشاده عسکر هیرات مقام خدمت قیام کوسور مکه توابع پادشاهیدن
 بری سلطان غیاث الدین یتورک قلن اشارت ایدر اولدی کند و مال و جاننی

اینک منظره اوقاف ایدر
 نیر غل و طرفه اولور

غیر یلک خلاصچون فدا اتمک معناسی بوقدر دخی بوقول یتیمین
 ناچار یتور غداره گرفتار و پدری مرحومک مقدما اولان نصیحتن
 تذکر ایدوب لامقر من القضا ولا حمید عما قدر الله دیوب قضایه رضا
 و پردی بوجه اوزره یتور ملک هیرانی جانب جانب ضبط و طرف طرف
 ثواب و تعین حکام ایدوب قصبات خراساندن قصبه خوفه اکابر
 مشایخدن عالم عامل فاضل کامل صاحب کرامات ظاهر مالمک و لایات
 باهره و کلمات ذاهر مقامات طاهر الشیخ زین الدین ابوبکر علیه الرحمه
 حضر تلمینک خبرین آلوب رغبت ایله قصد زیارت یتیمین یتورک قصدی شیخ
 مشار الیه عرض اولند قد اصلا نفق و تلفظ و رفع لحظ ایتدی اما قدم
 یتورده رعایت قیام ایتمکه یتور با بوسه مبارک دخی دست مبارک
 ظهر یتورده وضع ایله روی شفقت کوستردی یتورده مجلس نفیسی نقل ایتدی
 کویا آسمان و زمین مانند حجرین دخی منطق و بن بومابنده مشفق اولق
 مرتبه دل تنک اولدم دیو نقل ایدر ایدی بعد یتورده رفع سر و ملاطفه طریق
 استقامت ایله شیخ فتح کلام ایدوب بنجون ملوک زمانه به عدل و انصاف ایدر
 میل بود و اعسافا یتیمین لردی و تنبیه بیور من ستر دیدی شیخ دخی مزبور لری امر
 حکومته تقدیم و عدل و انصاف تنبیه و طریق تعلیم ایتدک متنبه اولمیر
 اوزر لینه تسلیم ایتدک دیور جوابا یتیمین یتور شیخ بولکام کندون
 کتابه اولدوغنه تاویل و دست رس اقالیم اولاجغه دلیل ایدوب سر و ایل
 مجلس شیخدن مفصل اولدی بعد ذلک سلطان غیاث الدین ایله معاسر قد
 طرفه امانه کلام عزیمت ایدوب بلده مذکور یر وصولند سلطان غیاث
 الدینی مجوس و حفظ ایمان سابقه اچون اراقة دم یتیمین شدة جوع ایله نیت
 چاندن مایوس ایتدی فصل یتورک خراسان ستمت عود و ستمت انک
 غریبی بیاندرد و یتورک مقدما بچسانده چکد و کجقارت و از در انتقامنه

خراسان طرفه اماله عنان برله سجستان مالمکنه القای آتش رعب و هبیت
 امکان اها بسی صلح و صلاح رجاسیله استقبال و عفو و صفح تمنا سیله
 تخمید نائره جدال ایتمکه کوشش ایند کلرند سلاح مقوله سن جمله تسلیم اتمک
 شرطیله تیمور جمله ما نور صلحه رضا و بر مکیں تسلیم سلاح و عذر و رجای
 فرج بعدالشد ایندی بلر احضار ایند کلری اذوات بیکار دون ماعدار برده اخفاده
 برلشنه لری قالمد و غنیمتین ایند رب تحصیل یقین ایند کد نصکره دفع و وضع
 امان و بر میوب قتل عام فرمان و بر مرتبه تحریب ولایت اقدام ایند بکه نام سحر
 و مدد و خانه و خاندانن اثر قالمدی سکر یوز اوتوز اوج تارنجند دمشق
 شامد مدرسه جفقیه سا کلرند الشیخ الفقیه ذین الدین عبداللطیف
 ابن محمد ابی الفتح اکرم اینک مصنف مرحومه اولان نقل و تحقیق اوزره
 واقعه فاقعه تیمور ظالمدن خلاص کریان جان ایدن بقیه اهل سجستان کم
 کوده و زجعه اولدیله کرمانه کوندروب تحقیق مسئله ایندی بلر فصل
 تیمورت ملک شیراز غریبی بیانده د تیمور دفته ظهور و تسخیر ملک شیراز
 د خشران غرور و لغله عراق عجم شاه اولان شاه شجاع طرفدن شیراز جای
 حسن جوری اولیامانک تو جهن اسماع اید بجه ربقه اطاعتنه وضع ربقه تقاد
 غیر یجالی اولما مقله قدر الاستطاعه هدایا و خدم ایلد استقبالنه سرعت و قیام
 یدی تیموره رومال چین مطاوعت کوسور مکه دعایتن توفیر و امارتن کما فی
 الاول تقریر ایندی رباب نهاییه نهان اولمکه عادت مستقر تیمور سیر و سیاحت
 برکسنیه مسافر اولدیجه صاحب خانه نک اسم و رسم و نسب و لقب سوال ایلد
 ضبط ایدوب امارت و هنگام سلطنتدن خبردار اولدقد ملاقاته استیجا
 ایدر ملک خیر جزایه نایل و منزل مرام و اصل اولور سن دیوتبیه ایدردی بوسلوی
 نام و نشانی انتشار بولدقد رجای موعود ایلد اقطاع ارضدن ملاقاته انواع
 خلایق و فود ایند بجه انجاز و وعد و تمیل و هر کسی استعدادی مرتبه سنه تنزیل ایدردی

کذلک بر صاحب

کذلک بر صاحب حال و مظنه خیر اولان رجالک خبرین الدیقه زیارتنه اقبال ایدردی
 بنا برین مدینه شیرازده ادعای سیادت ایدر سر ابدال لقب السید محمد نام کسنه
 سر ابدالیه ایلد تسبیح اولور بر طائفه قساوت انجام ایلد ساکن اولوب امیر موی
 ایلد مائر جلیله ایلد مشهور و فضایل کثیره ایلد مذکور و لغین تیمور صحبتنه
 مستشوق و فنون و علوم مدن مستفید اولمقه مستشوق اولوب احضارینه امر ایندی
 سید مرقوم حضور تیمور قدوم ایند کد ادای رعایت قیام و معانقه سیله
 دخی احترام و قربند مقام کوسور و بانشای مصاحبتده ای سید ممالک خراسان
 واقفای بلد و قصبانک استخلاصی نه وجه اوزره ممکندر دیوشا و بر طریقه
 استخبار ایند کد سید ایامیر بوفیقک بواصل مصاحبت کادم و بوباید اجالده
 کیمت کلام ایتمکه محال یوقدر اگر چه شریفیم لکن دخول موارد هلاک و تقاطع مصالح
 ملکده ضعیفم ترده و فقرض ملوک جمع بحرین و منطع کبشینده سکنا اتمک کیمد
 دیوزد جواب امکان تیمور عدم قبول ایلد رد مقال ایدوب سند فرستم علم
 البقیین بلکه عین الیقیند دلایلد بوسیلدک دلیل اولور سیر دیو الحاح و لجم اتمک
 من قرع الباب و لجم مدلول بجه امیر مرقوم بوجه اوزره تفسیر مسئله مشکل
 دقوم ایند بکه مقالی استماع و جاده مشا و بره اتباع ایدر میسر دیدکده تیمور
 سیری مشیر اتمک لاکه سوز بکنه سامع و صواب دیدیکر اولان اثره تابع اولد
 دیدی ایامیر ایدر ممالک خراسانه مالک و بلدی و باد یسی طریق اطاعتکده
 مالک اولمدرین مراد ایدر ملک خواجه علی بن مؤید الطوسی اول اقلیم قطب
 ممالک و دائر مرکز مسالکدر ظاهر ایامداد ایدر سه باطنی خلاف ایتز سزود
 روگردان اولور ایشه غیر بدین درمان اولن استیجاب خاطر نه شتاب اتمک
 شاهراه صوابد اطاعت خلایق آنک اطاعتنه مربوط و جمله نک حرکت و سکون
 آنک اشارته منوطدر تر و لیلده حل جبال انقال ارنجا بلبله شد شریطه احوال
 ایدر لر شیخ مرقوم اگر چه اختیار مذهب شیعه و ائمه اثنی عشر نامه فرات

خطبه ایدر اما عیون اعیان ناسد هیت نصاب و موافقت عین صواب
بیلور نامه محبت خام تحریر یایله متابعتک دعوتایت حسن قبول ایله اجابت
ایدرسه انواع تمجیل و منازل ملوکده تزیینایت که اکا اولان تقطیم جامع جمله
خدمت دولته که راجع در دیو ختم مدعا و اجازت برله خانه سی طرفه تحریرایت
دو حال خواجه علی به نامه تحریر و واقع حالی ترتیب سالت تقریر ایدوب قاصد تیمور
و انچه بلا توقف دعوتنه اجابت ایلرین تاکید ایتکله خواجه دخی بنو نوبد مسرت
بدیدایله مسرور اولوب قدوم برید تیمور احضار اسباب استعداد ایلچون نام نمود
ضرب سکه و قرانت خطبه ایتد و مکله دیدن بان راه انتظار ایلچون قاصد تیمور واد
اولوب انشراح صدر و تقویض امر و توفیر بر و تکثیر توقیر مشتمل نامه سن بداید
ایصال ایتد و کی ساعت خواجه نهضت و دعوتنه اجابت برله طرف تیمور غریبه
سرعت ایتدی خبر قدوم خواجه تیمور فرح افزای وصول و ایچی اجلال ایله ادب
دولتی استقبال ایدوب هنگام تلاقه دخی مقام توقیر و تکریمه تزیین و خلع
فاخر و تحفه متکاثره و ظرایف ملوکیه و طرایف خسرویه ایله تمجیل اولوب و لایتنک
حکومتی کند و به انعام ایله خود کام مرام اولنجه جمله امر و ما و داء التمر اولان
حاکم ما ورد امیر محمد و جاکو سرخس و سایر لر یی بربر کلوب ربقه اطاعت تیموره
وضع رقبه انقیاد ایتدیلر بو تقریر ایله دخی سطوت و هیبتی منتشر آفاق و کور
نوبخانه اشتهاردی و لوله انداز ما زدنک و کیلان و بلزدی و آذربایجان و عراق
اولدی بر جمله از مننه قصیر و ایام قلیلده واقع اولد و غی نقل کرده ثنائند فصل
تیمورک سلطان عراق شاه شجاع ایله اولان اسلافی پادشاه مغرور و مذکور
ممالک خراسانی و قوق مرعی و زن تصرف و دفع دغدغه مخالف ایتد کد نضکره پاد
شیراز و عراق شاه شجاع نامه هیت خامه و ایچی دعوت جامه ارسال ایدوب
فحوی خطابند حضرت مالت المملکتی زوال حی و بقوم لایزال ظله حکام و فسقه
سلوک انعام بر قوایی مستط و زمام اطاعتدن کرد نکش اولانرا و ذرینه دایات

بجانبی مضمون

بختی منصور و مظفر آید و کی مسنوع کوش هوشک و لشکر آید
سعادت و باشد دولتک و آریسه تقدیم مال و خدم ایلد بخجوة
ساحه اطاعت و انقیاد و وضع قدم آید برین و الا اول طرفه جوش دریا
خروش ایلد مرود و قدوم باعث خراب مملکت و سبب پایداری ملک و مملکت
اولوب و بال عظیمه و کناه جسمه سی سکا نسبت و لنور دیولقای حسنا
شواهد ترغیب و کاه روی زشت و درشت ترهیب کوستور ممکن شاه
شجاع غشک ذیل مهادنه و مهادات و نوشل عرو و الوثقای مصاهره و مصا^{فائد}
غیری جای ملاذ و ماوای معاذ بولما مغله دختر سعادتین تیمورک اوغلنه
عقد نکاح و بند رابطه صلح و صلاح اینکه مبارت آید و بومضمون^{مشعر}
مکاتیب محبت اسالیب تحریر و رد جواب اینکین بوا دی حکمانه ایلد دفع ضرر
تقید و وساده تواضعه و توسل ایندی عربیه **اِنْ اَتَّخِذْتُ لَآمِرًا وَسَطًا**
فَاَحْذَرْدَهَا هَا وَكُنْ مِنْهَا عَلِيًّا وَجَلِ **وَاعْلَمْ يَا نَّ طِبَاعَ الْاِنْسِ فَذْجَلْبَتْ**
مِنْ الْجَفَاءِ وَمِنْ مَكْرٍ وَمِنْ دَغَلٍ **فَلَا تَتَّقِ ابَدًا مِنْهُمْ بِوَاسِطَةٍ** **وَأَسْرَعِ**
بِنَفْسِكَ فِيهِ غَيْرَ مُتَكَلِّ **فَاِنَّمَا رَجُلُ الدُّنْيَا وَوَاحِدُهَا مَنْ لَا يَقُولُ فِي الدُّنْيَا**
عَلَى رَجُلٍ مَدْلُوجُهُ تَفَاقُ وَاسْطُهُ لِرَايِلِهِ اگر چه امر مصاهره نتیجه پذیرا و لدی
لکن مایبند ریاض محبت زاهر و ساحه مودت عامره و لطیف قوافل مرسله
و مصادقه بینارند متردد و مستمر اولوب فوت شاه شجاعه دن بسط
بساط صلح و صلاح و طی کهنه پلاش نزاع و کفاح اولندی شاه مرقوم عالم
و فاضل تفسیر کشاف تقریر شافی قاهر صاحب اشعار رایقه و مالک آداب
فایقه اولوب خواجه حافظ علیه الرحمه نک بوغزل دیکین ایلد معد و جید غزل
قسم بچشم جاه و جلال شاه شجاع :: که نیست باکسم از بهر مال و جاه ترغ
شراب خانیکم بس می مغانه مد :: حریف باده رسید ای رفیق توبه و دواع
خدا را بیم شست و شوی خرقه کنید :: که من نمیشنوم بوی خیر ازین اوضاع

محمّد رسول نبی
پیغمبر من انتخاب واسطه اندک کن اول واسطه نیک
مکن نیک از بین اولی و در میان بلکه طایع ناس خفا و جالب
مکن محو لادربنده اعتماد تبیین بشک کنده الکن ایکن کن مکن
سعی ایکن تخفیف آبیای زمانه کن دنیا بدو مکن و اصل اولاد کن
امور کن آخر نبه متوکل و ولی

بین که رقص کان میر و دنباله و چنگ کسی که رخصه نفرمودی استماع سماع
 بیار می که جو خود شید مشعل افروزد : رسد بکلیه درویش نیز فیض شعاع
 بهاشقان نظر یکن بشکوی نیت : که من غلام مطیع تو پادشاه مطاع
 بغیض جرعته جام تو تشنه ایم ولی : نمیکنم دیوی نمیدهم صداع
 هنر نمیزد ایام و غیر ازین نیست : کجا دوم بجارت بدین کساد متاع
 جبین و چهره حافظ خدا جدا مکن : ز خاک باد که کبریا ی شاه شجاع
 پادشاه مشارالیه محمد بن مظفر نام بر میر پادیر نک او غلی اولوب پدری چشم
 نشین ویزد ضوای سندن ساکن صاحب باس شد بد و تحویف قریب و بعید ایدر
 بر مرد دلیر ایدی بعض اید شیرازیله یزد ما بینند عرب طاعت فرسندن
 خفاجه شیرتندن جمال لوک نام بر حرامی مشهور ما تذکر عقوق و مسکینند
 ظهور ایدوب قطع راه و اموال مسکینی تبا : اینکین میر مرقوم بعض بقعه ده
 در کین اولوب آنها از فرصت ایلد شقی مزبوری بالمواجهه مقابل و فی المشاهیر
 مکافه ایدوب بر حله صاعقه انا ایلد مصرع خاک اید بار و سقید صیدا ایدوب
 سر مقطوع ایلد شاه شیراز کلوب ادا خدمت و اظهار عبودیت نمکین الباس
 خلعت ایلد نکیم اولند و غنندن غیر خدمت امور پادشاهی به تقدیم و اماکن
 متعدده نک زمام تصرفی قطع ایلد بد اختیار نه تسلیم اولندی حکم قضا ایلد
 بلاد مذکور شاه نک تدبیر امور سلطنت و حفظ و خراست مملکت قادر
 خلفی اولما مغله وقت احضارده موی ایلد محمدی ولی عهد تعیین اتمکله بالانزع مالک
 عراق مالک الوقع دولت آست که بیخون دل اید بکار معصافه و صفه خالی صادق اولدی
 مزبود نک شاه مظفر و شاه محمود و شاه شجاع نام اولادی و پنجه احفادی
 هر بری رئیس کامل و تدبیرا موره مستعد و مکمل اولوب انجق شاه مظفر حیات
 پدرده و ختکش دار آخرتا اولوب جاهیلده او غلی شاه منصور تجیل اولندی
 بعد ذلک الملك عقیق مفر اسنجه شاه شجاع ایلد پدری محمد بینند سازید

آهنگ ساز

آهنگ شور مضطرب و آتش با ما نشوز خصومت مله قلوب قاضی طاع
 الحکم سیغه مترافعان اولد قلند شاه شجاع طرفی غالب کلکله رعایت
 حقوق پدری ایتوب حافظ آنکه دوشن بدجهان بینش بدو جل
 در چشم جهان بینش کشید مدلولیجه اخذ و میل آتشین نوتیا ایلد دیدن
 نابینا و امر سلطنت و ضبط ممالک مستقلا پیروا اولدی بعد ذلک عمر
 مستعار سربع الزوال کادخی یا پدار اولوب مرضا جل مستی ایلد محضر اولد
 جمع اولاد و احفاد و تقسیم مال و بلاد ایدوب او غلی زین العابدینه شیراز و
 دیگر شاه احمد و لایست کرمان و برادرزاده سی شاه یحیا به بلاد یزد و شاه منصور
 شهر صفهان تعیین اولوب بحر و صیت نامه و اشهاد شهود و غیره نظای
 و صایتن تیموره اسناد ایتدی شاه مشارالیه نک نوادر اشعار و اثر طبع
 تراکنکار ندند در عربیه **الآن عهدی فی الغرام بطول و انس صبر**
لا نزال نزول اصون هواها کلما و د شارق و لکن مای قیتم تحول
ومن که یذوق صرف الصبایه فی الصبا علت یقینا انه تحول نظم فارسی
 ای بکار عاشقان کاردت جیل : کی کنیم دیگری بر تو بدیل : کوزیاد تغافل
 عیشم حرافه : و در بغیر دم زخم خونم سبیل : هر کسی تدبیر کاری میکند
 مآدها کردیم بانعم الوکیل : بعد ذلک شاه منصور ایلد زین العابدین
 بینلرند ظهور اسباب فتور ایلد اشجار تنور معاومت و عناد و ایقان اثره
 داد و ستاد و نصکر منصور غلبه ایلد شاه زین العابدینی اخذ و تدبیر و دیدن
 میل آتشین ایلد تکجیل ایدوب شیرازی ضبط شدن غیر عمو سنبله دخی طرح نقوش
 مختصمت و اغلیله دخی موجب قربت و لور حرکت ابتدا و کی بتورک مسموعی
 اولغله دید بان هنگام فرصت اولدی فصل تیمورت دفعه ثالثه خوار
 غریبی بیاتند تیمور پرفتور تجدید حزم و بلاد خوارمه استرا با د طریقندن
 عزیر ایدوب محل مرام مضربا و تا دخیار اولد قدر تغیر اینه پادشاه و لا

محصول بیت
 بوانه دن عشقون عیدم زیاده اولد در
 اما صبر ملک اسبابی طورمه کسلد در
 اولغی عیشی عیشی علی الدوام صیانت ایدرم
 اما غی و لسانت خفیه تمام ایدرم
 هر کیم صیوت و فنی عشقون دن الماسند
 یقیندرا اول جا هلد
 محصول بیت
 ای اول محبوب که عشاقی حالده کوزلد
 سندن غیری سکا پنجه بدل ایدرم کونخی
 یاد انملدن غافل اولونم عیشم حرم
 و اکسندن غریبیلده مصاحبت ایدرم فایم
 سبیل اولسون هر کس سکا دتدیرن ایدرم
 یا الهی بی کار بی سکا سبازش ایدرم

غیر طرفه عزیمت ایشان بولمغله تیمور کند و طرفندون تعیین والی و ولایتی ضبط
 لایبالی اتمک مراد اینمکه ما را لکن حسن تاجر تکرار شاه راه شفاعتند تیمور
 مراجعتا بدوب انشای گفت و کوی و لایند تیمور مرادین ابراد اتمکین بودخی
 سوق مطیقه حسن جواب ایدوب آلان صاحب حل و عقد مملکت غایب ایکن تعیین
 نایب ایدر سکن کرچه اهل ولایت مجتکوده مجبول و لمغله خدمتکری حسن رضا
 ایلد قبول ایدوب بلا نزاع فرمانکر مطاعدر لکن صاحب مملکت کلده لایم
 آتش جنگ و جدال و نائز قتل و قتل اشغال بولوب بوفقیه دخی اصابت
 اذیتدن غیر یما بینکرده واقع اولان داد و ستاد باعث ضرر و عباد و سبب
 بر باد دی بلاد اولون مقرر در همان حسین صوفی یکنند و طرفکردن قائم مقام
 عدا ایدوب هتک سر پرده مال و اعراض انام اتمک کون سکرک باعث اجر جزیل
 و جالب خبر کیرد بولوب لطف منطق ایلد حکیمانہ نصیحت اتمکین شفاعت
 پذیرای طبع تیمور اولوب رحیمه فرمان و کیر و کلده و کیر طرفه و کردان اولدی
 اذین جانب حسن مذکورک بر ولد ناخلفی اولوب حسین صوفینک بعض
 مثالب و مساویسن سیر زده زبان اتمکین کلام نافر جاحی افواه ناسد
 شایع و السنه جهلازه زایع اولمشکن حسن فقیر مال و جانبله حسین صوفی
 اولان خدمتته استناد اچاره و اخفا سنه نک و پو ایتوب پادشاه
 بوقدر و جرمه بزی مواخذ اتم بلکه عضو و صفح ایلد مقابلده ایدرد
 نامقید اولمغین پادشاه مغول سفرندن قفولده قضیه مذکورہ مسو
 اولمغله ایتق شتر من احسن الیه مدلولنجه دعایت حقوق خدمت
 ایتوب بدو د لکیر و پسر فقیری دست بسته نخل وجود لیرین شکسته ایدوب
 کشته لیرین طعمه اسود قهر و خانه لیرین خراب و مال لیرین مقبوض دست صیرفی
 غدر ایتدی بورای و خیمه و حرکت شیعیه به غیرت الله متعل اولما مغله
 قریبا حسین صوفی دخی دوحه عمر دن کلچین مرام اولوب داد العدل

مجازات و مکافات مباحثت سر هتک اجل ایلد احضار اولوب اوغلی
 یوسف صوفی سر بر سلطنت ایلد مسرور اولدی دودمان حسین
 صوفیدن ذات قد و کثیر صاحب اصل خطیر خا تراه ایلد مسماة بر
 دختر سعد اختر تیمور زاده جهانگیرک زیر نکا خند با نوبی حرمسرای
 دولتی و لمغله اقتران سعدین ایلد سلطان محمد نام بر ولد ارجندک
 کولک وجود سعیدی افاق عالمه بدیدا ولوب شما بلند مخایل سعادت
 ظاهر و ناصیه بخا بتند آفتاب اقبال نراهر اولمغین تیمورک عین
 قبول ایلد منظوری ولوب جمله اولاد و احفاد پنه تقدیم و زمام ولایت
 عهدی قبضه نصرتنه تسلیم ایتدی لکن تقدیر ملک قدیر مساعدا و لیل
 بلاد و مدن آق شهر ده ترک دار غرور و متوجه سرای سرور اولدی بو
 تقرب اوزر تیمورک حسین صوفی ایلد علاقه مصاهرت و رابطه قریب
 وار ایکن حسن مذکورک واقعه فاقعه سی آتش تهورین ایتاد و اعصاب
 صعوبتته اشتداد و پر مکه و واقعه رابعه خوارزم طرفه سوق لشکر صو
 رهبر ایدوب شخیر ملک و یوسف صوفی طعمه شمشیر هتک اینمکه بقعه و رباع
 و حدیفه و ضیاع لیرین هدم و تخریب ایدوب حجر و مدردن اثر قومدی
 ممالک خوارزمی تمام استخیر و طرفندن حاکم جدید تقریر اینمکه ممکن النقل
 اولان اموال احرار و سمرقند طرفنه نقل ایدوب تاربخ تخریب دمشق
 خراب سکنه اولدوغی کبی هدم خوارزم تاربخی دخی عذاب
 اولدی سکنه فصل ما ز ندران حاکمی شاه ولی و ابراهیم قبی
 نامه تیمور بیاتده حکومت ایلد ما ز ندران شاه ولی و ابراهیم قبی
 و اسکندر جلای کبی امراء مستقله نک زیر نکین تصرفلندن اولمغله
 تیمور غذا و خوارزم ایشن تیمور و بخراسان رجعتند شاه ولی و ابراهیم
 قبی نامه مصیبت خاتم تخریر و قاصدان خشونت جامه تصدیر ایدوب

اتباع و اطاعتنه دعوت انمکین بالضروری ابراهیم فی قول طاعت
 برله رد جواب و شاه ولی اظهار روی جلالت و نفرت ایلده خطاب
 ابتدا و کندن غیر سلطان عراق و کرمان شاه شجاع و عراق عرب
 وادریچان پادشاهی احمد جلالیری ارسال رسل و تیمور بدخوایلده واقع
 اولان گفت و کولون سرزده کلاک بیان ایدوب فحوائ نامه سند تیمور پر
 شورک مدافعه سنه جمله دن مقدم بذل مقدور ایدوب اهرم منتظم
 اولودایسه سیزک دخی ملک و ملکنز مستقیم اولور بکالا حق اولان
 سرور واکر شور سزلر دخی لاحقد رعایت اندیش اولوب بو عقر بپیش
 نیشک دفع ضررتن بکا امداد ایلده مساعده ایدر سکن بعمون الله تعالی
 کفایت ایدوب بلاد و عبادی جنکال بلاسندن رها ایدرم اگر حیانت
 و ذلی قول ایلده یا تابع هوای غرور و مغله بوباید قصور ایدر سکن من خلعت
 بخیه چارکه *فلیسکب الماء علی خیتیه* مدلولجه بکون بکایسه یارین
 سینه دردیو ختم کلام ابتدای اما شاه شجاع تیمور ایلده بند رابطه دوستی
 انمکین مقید اولدی اما سلطان احمد تیمور تعرض ایلده اولاشل و اعرج
 شین نه ممکن اتمک خیال عراق خراسان قیاس اولمیشکر عراق صاحب
 باسشدید و بزیم درمده فارسان فرید اولوب عربیه تحن رکت یلخ فی
 زبی نایس *فوق طیرها شخوص الجمال* مدلول صفت کاشفه لیدر ده
 مغروران رد جواب انمکین بونک بو حرکتدن شاه ولی غضبناک و شاه شجاع
 و ابراهیمک عدم حمیتلرندن دلشک اولوبان شاه الله نفس مطشنه و عزیمت
 صادفانه ایلده میدان مصادعه شد کمر همت ایدرم تیمور ظفر بولق مقدرایسه
 سز لوی دخی غنیق مصادقرا بیده عبرت اولو الابصار ایدرم واکر باد مراد و فخر اراود
 وزین اولمیزایسه غم عام بلا سزلر دخی عام اولور دبرک قضایه رضا کوستور
 تیمورک مقاومنه رخساران غیرت ازما اولدی جن تلاق جمعان

این کلام
 اولدی ایلم
 و فی
 اصل و بابت
 این کلام
 اولدی ایلم
 و فی
 اصل و بابت

این کلام
 اولدی ایلم
 و فی
 اصل و بابت

و هنگام نضاد و فریقاند اگر چه شاه ولی دعوا سند داسخ دم و تلفی ده
 اعداده بر مقدار ثابت قدم اولدی لکن کوفرو کیرا کیرا عسکر تیمور باعث
 تزلزل پای چندی و لغین دهلیز کر بنه شتاب و ملکنز توقفه دخی رهنما
 اولوب ری طرفنه واروب جاکلی اولان محمد چوکار البخا انمکین اولان امر
 غیرت انمکین تیمورک سطوت و هیبتی خوفندن هنک استار حجت و مزبور
 مسافر دارا خرت ایدوب سر موقوف عن تیمور بد حضور حضورینه احضا
 ایلدی فصل تیمور عسکرینک ابوبکر ساسانی و سید علی کردی و امت
 ترکمانیله اولان وقعه لری بیانند در وابتدای تیمور پرشودک بازار
 استدر اچید و اوج بولدوغی کوندن کساد متاع لجا جنبه و ارجحه اوج نفر
 مرد جسورک اندر عاجز و بی مجال و رفع محذور لوند غریب لجه ملال
 ایدی بری مازندران قریه لوندن ساسان قریه سنه منتهی ابوبکر در که
 میدان خروید مانند شیر زیان مراد و کرا را عسکر تا تاراجی استیضا
 و پریشان ایدوب چال شاهقه و براری سراب بار قده ابطال دجال ایلده
 سکنا بی اعتیاد و انتهاز فرصت ایلده عسکر تیموری صطیبا دایدرایدی جلالت
 و مهابتی بین الملل و الخل ضرب المثل اولمشیدی نقلد که بوما ما فرورد
 عسکر جغتای بر در بند صعبا المرورده محصور ایدر لرا و لدغی سوبو جای
 مفرجست و جوا ایدر کن طریق مانتد مفاک قیر محائل قعر سعیر سکر ذراع
 بر جرف عمیق و دشمنک هماندم آتندن نزول بوقدر جبه و جوشن ایلد شتاب
 و اول خندق و سینی پهلوان پر تاب ایدوب اصحابنه وصول و اعدادن اخذ
 مرام ایلده تحصیل مامول ایتدی لکن بعد تغلبات روزگار ایلده عاقبت اکس
 نه حاله قرار و آهنگ ساز املی نه مقامده استقرار ایتدی و کی معلوم اولدی
 بری دخی السید علی کردیدر مزبور امیر بلده کوفه ایکن استیلا ی تیمورده
 اختیار براری بی امان و اعتنائی صهارى و سنکستان ایدوب فولد جال

ایله اکثر مضایق طریق سید و عسکر تیمورک مواسی و حواسلین دست
 بردنهب و غارت ایدوب تیمور خاندان اولدجه کادی بوجال او زره جا
 ایدی بری دخی منت تر کمانید و مزبور اتران قره باغدن اولوب و ولسر
 شبل لاسدیلر جکر تیمور داغ بر بالای داغ ایدی عسکر جغتای و زاده
 تیمور امیرانشا ایلر حروب کثیره و محاصرات عدیده ایدوب کرازا اجنود
 مردود جغتای مرده و شکست ایلر زیر و زبر اتمشیکن آخر الامر کند و اقربا
 بر عرق کورینفاق عاق اولوب عسکر جغتایه دلیل و علی الغفله با صدق
 زمره شهدایه الحاق ایدردی و احسن ما قبل عربیه وَظَلَمَ ذَوِي الْقُرْبَى
 اَشَدَّ مَضَاضَةً عَلَى الْمَرْءِ مِنْ وَقْعِ الْحِصَامِ الْمُهْتَدِ وَقِيلَ اِنَّكَ اَنْ
 هَذَا بِالْاَقَارِبِ فَعَلَكُمْ فَمَا ذَا الَّذِي بَقِيتُمْ اِلَّا جَانِبَ فَصَل
 تیمورک عراق عجمه غزیت و شاه منصور ایلر اولان محاصرتی بیاند
 شاه اقلیم عجم شاه شجاع صفه سرای عقبایه وضع قدم ایتد کد نصک
 اولاد و احفادی بینده تنور آتش قور شررین و داد و ستاد لوی
 محترک زبرک سنین اولوب عاقبه الامر شاه منصور محاکمه تصرف ایلر مسرو
 اولمشیکن اربین جانب شاه شجاعک وصیت نامه شده تیمور بلا ظهورک
 نظارتی اولغین شاه منصورک عموی ذین العابدینه اولان حقارت سر
 رشته مجادله و عله محاصره ایدوب استیصال منصوره سوق جیوش دریا
 خروشا تمکین بوخبر ملالت اثر کوش زده شاه منصور اولحق اهل و اقربا
 طلب مظاهرت و استدعای معاضدت ایتد کده جمله روی منافرت کوش
 هر کس کند و محاکماتک محافظه سته مبادرت ایلدیر شاه منصور دخی دست
 روزگار دن پیمان کش بایس و نا امید مدد رس اولغین کند و شهرین تحصین
 و ترصین و تعیین مستحقین ایدوب بالنفس کند و سی یکی بیک مقدار دیار باب خیل
 ایلر استقبال تیمور میل ایتد و کی اعیان ولایت و ارکان دولته معلومی

محمود بن سلطان
 اقبال نامک طالعی
 زبانه در کتب
 محمول
 اقدایا المله معاملة
 انجلیک انجلیک نه النقیه

او بخر حضور

اولین حضور شاهیده عقد مجلس مشا وده و بوجه او زره پنج
 تار و بود محاوره ایتدیلر که دونا لودر استقبال و نصب کارگاه قتل
 و قتل ایدوب استنداد ناره بیکارده دخی هر حال مرده کید اعدایه بذل
 اجتهاد ایتد ک اما عسکر یزدن بعض غدار منافق خیانت ایلر تیمور طرفه
 متلاخا و لغله اقدام اقدام منززل و بزر جمیعت و مکتب متخلخل
 اولور ایسه بقیه ایلر بولای مترکه جواب ممکن اولور می نتیجه سی
 علف شیر شمشیر و فترک اد باره اسیر اولدن غیره دکلدر بعد ذله
 القدم لا ینفع النذر دیو کلام اختتام و برد کلرند شاه منصور جیوش
 ششیر ال اوردوب بومقرعه صاعقه کردارک فرار کاهی تیمورک مقابل
 و مقاتله سندن عنان تاب فرار اولانک ام دماغ و افسر سونمقریدر
 ساحه هجاده فرد و واحد دخی فالورسم مجاهد اولوب یا عروس نصرته
 کامران یا صهباکش پیمان حرمان اولور در بند نصکر فلانلرک قیدند
 دکلم کویا خاطر شاعره حاضر ایدمکه عن بی
 اِذَا هُمُ الْقَتْلَى بَيْنَ عَيْنَيْهِ عَزَمَهُ وَنَكَبَ عَنْ ذِكْرِ الْعَوَاقِبِ جَانِبَهُ
 مضمون دلپذیر یله کشف مافی الضمیر ایتشد زدیو طفر اکش فرمان قاطع
 الحکم اولدی یوقصه بر غصه بر اسلوبه دخی زبان زدر و اند که شاه
 منصور اکثر عساکر جلالت ماثربین قلاع و بفاع محافظه سته اسراع
 ایتد و بایحق بلک شیرازک شیران کشتیکر و اصحاب رای و تدبیر یله تر
 محفل مشورت ایدوب بوجه او زره بسط بساط مسئله ایتدیکر تیمور
 خصم جسور و عدو پر زور در تدبیر صایب و نتیجه مقدمات فکر ناقب
 بود که شهرک مستحق ظلمین تعیین ایتد کد نصکر بر مقدار مردان عدو
 شکار ایلر بالذات چقوب دشمنک یمن و یسارین و خلفا ما من ترک
 ناز و حواسی و مواسیلین اخطاف و مال و منالترین اتلاف ایدرک

محمود بن سلطان
 اقبال نامک طالعی
 زبانه در کتب
 محمول
 اقدایا المله معاملة
 انجلیک انجلیک نه النقیه

غمرات موت و بنم شاه منصور بدو دفع صوت ایلریمین و بساره اجاله
 طریقی از در نهاده ایدوب حمله کوه افکن ایتدیکجه رمله دشمن مانند حمر
 مستقیم قوت من قسوی مقابله به اقتدار کوسور مرز رایدی حتی تیمورفته
 صدودک اولدوغی مکانه رخسیران بی امان اولدق تیمور خوفند حرو
 اولوب مابین زنانه فرار اتمکله شاه منصور اول ساحه بی جست و جوایدکن
 مکاره لوفریاد ایدوب بزرگ حرم ایزهتک سر پرده حرم سر حرامدد
 مطلق بکن اول طرفه در دیو جمعیتکاه تانادی شارت اعلیله اول خدیو
 دلبر تصدیق بر لبر جمع عسکره سوق اسب معصودان ایتدی ته در القابل
 عربیه و ما جز اعناق الرجال سوانتسا و آئی بلاه مالهه به یار
 و کمر نازش احرقت کبد لوری و کمریک الا مکره هه لها اضلا
 مدلولجه اول جاذولک حباله مکینه دوچار اولوب مابین کثرت تانادیک
 دازه دو شملکه ناچار جولان بین و بسار کاه نزع کداری و کاه دمی سهام
 آتش کاری ایدوب فرس سوجی دخی اول بحر میکرانده شناوردی ایلر مانند
 نهنگ انتها زو پیش و پسدن اعدایه ایصال زخم جان کداز ایدوب اول
 اسد صابل عربیه بد الله قوتی فقلت یدهم و هدی یدی فیهیم کسبیم
 مدلول پیشرو ایدوب هر طایفه قصدا ایتدیکجه بر برینه اطباق و اصحاب
 شماله الحاق ایدوب ایدی لکن عربیه اذاکم یکن عون من الله للفتی
 فاکثر ما یخطی علیه اجتهاده حکم قضا و قدا ایلر نصرت مقدرا و ماله
 طوایف تانار و جفتای مانند مار و مور با شنه و شربا حاطه و محصور
 ایلر شاه مذکور ترا کمر ضرب و طعن بر طرفدن تغیر حال و منزل احوال بر
 طرفدن حتی حرارت عطش ایلر مدهوش و بی تاب اولوب بر جرعه آب دهیا
 اوله مدی تا بوقدر شدت مضایق و تخمید بوارق و قلت بیادق ایلر جناح
 پرواز مشدود و شاهد ظفر مفقود اصحابدن منفرد و مظاهر و معین

مقصود از این شعر در حال غنا فتنه
 نسادن غریبی که منسوخ در حال غنا فتنه
 فتنه اندی فتنی یازد که آنک از غنای تانار
 باز می آید و کینه زنده نشود که خلق را بگریزاند
 و اول شربت اصلی آنک که می آید و ایدوب
 مقصود از این شعر
 حضرت الهی که بد قدرتی بدی قوت ایتدی
 دشمنک بدی علی و الهی شمشیر ایتدی
 سبب تا نشا
 بنیست حضرت الله دن احسان و ایدوب
 ایتدی ایش خطا ایدوب

متباعد اولدوغن مشاهده ایدیکجه بالضروری بر مرز مدین طرفه
 و کندی پشته کشتکان میانده ستیر ایدوب اسب و فادارین
 اطلاق و فی امان الله ایلر همراه ایتدی ارکان دولت شاه منصور دن
 توکل صهاکش پیمان شهادت و فخر الدین ینش زخم ایلر نجاه و بالغ
 عمر سبعین اولدوغی پیرایه اثر در ایزین طرف انکسار زور بازوی منصور
 ایلر تیمور غدر مانور مسرور اولوب غایله سندن فارغ البالی ایتدیک
 استیصاله تقیدی امال و لفق داعیه سیله هر چند حیات و یا ممانت
 تفحص ایتدی ایه اثر پیدا اولدی منصور اول حال ایلر مستور الحال
 ایکن سپر آفتاب در بغل حجاب و حسام نهارد متواری بطن قریب اولوب
 قواش فلک جو سماره لشربساط ظلام و نقاش قدرت اوج آسمانده
 نترکوا کب خوش نظام ایتدیکه اتفاقا مرده جغتای بدرایدن بر نامرد
 مرد و ذک مروری شاه منصور او ز رینه واقع اوملین الغریقی شیش
 یکل حبشیه آمید نجات ایلر اول بد بختک دامن امانه نعلق و ستر
 افشا و انواع وعد و بوجه پیشین بر مقدار جواهر دخی عطا و یروب
 اصحابه ایصال رجا ایتدی اول دیو دجیم مستحق نارجم اصلا التقا
 ایتوب مانند یلای آسمانی چادر پای غدر پها سندن نزول و اول
 محروم الکبد شجاعتی تیزاب شمشیر ایلر سیراب شهادت و سر مقطوع
 پیرایه حضور تیمور پیشعور ایدوب شاه منصور ک سرگذشتن دشته
 تقریر کشید قلدی تیمور ایتدیک تصدیق ایتوب بعد تحقیق اهل خبی
 ایلر تحصیل یقین ایدیکجه اول حرامزاده دیونهادی آش و اشتغال ایلر
 کشته شمشیر انتقام ایتد و کندن غیری دار و دیار رینه حکم اصدار
 اهل و اولادین و احفاد و داماد و اعوان و انصارین افنا و خانه و خانه
 بر باد ایدوب عبرت پیر و برنا ایتدی بعد ذلک اطراف و کناف بلاده فتح نامه

تحریر و شاه منصور غیور دستمان حرکت و قهرمانه صلابت ایلر داسخ
 دم و غمرات موثره نه طریقیدن وضع قدم ایتدوکن و بومعمره دیکبرده
 واقع اولان تلاش اعلام و زیات و جولان صافات الجیاد و کوفت
 عادیاتی یکان یکان عبارت فایقه و فصاحت رایقه و لغات بارقه
 و الفاظ شارقه ایلر پیرایه مناسبت تقریر و شرق و غرب برصدا برامکنش
 و موارد قرائت و لوب ثبت کتاب و دستور الانشاء کتاب اولدی فصل
 شاه منصور و قهرماندن صکره واقع اولان و قایع بیاتده درشاه
 منصور ترک دارغور و اینمکه تیمور عاقبت ندیم مالک ممالک فارس و عراق
 عجم اولوب قارب شاه شجاع و سایر ملوک و اتباع استمالت نامر را
 و نصیب خاطر بادی و حاضر ایدوب دار السلطنه شیرازه انتقال و ندای
 خوش نوای آمانی قاضی و ادانی نه اعلام و ایصال اتمکن ملوک اطراف
 دعوتنه لبتیک کویان اجابت و حاکم کرمان سلطان احمد و حاکم یزد
 شاه یحیا کلوب رسم ملاقاتی دعایت ایتلری ایلر شایسته التفات
 اولدیلا بحق سیرجان حاکمی ابواسق قبول طاعت ایتدی لکن بود دفعه
 قبول نغیاد ایدنلر خلع فاخره ایلر اکرام اولوب سالت طریق عناد
 اولانلرک مواخذ سنه اقدام اولمندی بعد ذلک تیمور پرجو بدله شیر
 و اطرافند اولان بلاد مال امان دیوبرمقدار مال سالیانه و بعد الاستیفا
 جنود و رجال بلدی تعیین و نصب حاکم و تمهید قواعد و آیین ایدوب
 پسر شاه شجاع زین العابدینه احترام و کفایت مقداری و ظایف و رتبه
 ایلر اکرام ایدوب طرف اصفهان اماله کلام عزیمت ایتدی فصل اول
 غدارک اهل اصفهان ایلر اولان معاملیه بیاتده در بلاد اصفهان
 اکبر بلاد عراق عجم و کثرت خلایق ایلر جمله دن اعظم افاضل و اماثل ایلر ملو
 و المستند حس و بها ایلر متلو اولوب کثرتدن خاصه علما اسلام و سادات

ابواسق
 معنا ابوالفتح

اعلامدن بالغ غایه علم و عمل و مجتهد کامل و مکمل صاحب آثار مذکور مالک
 محاسن و کرامات مشهوره معتقد مسلمان الشیخ امام الدین نام بر عالم
 دینی اولوب مذکور شور و تمجود اولدقچه مادام مصباح جان فانوس بدغد
 ناباندران شاء الله تعالی دفع مضرتنه بوفیق کفایت ایدرم اولاید سر
 بالین امن و راحت اولک اتماکون اجل کریمان کیرالم اولور ایسه تشبث دامن
 احتیاط ایلر کوشش ساحل نجات اتمک کرکسزد بونتیبه ایدرم حکم قضا ایلر
 رنجور بلای آسمانی کچی اول حوالیه سوف ستودایتدوکی کچه ده شیخ مشارالیه
 نازک دارغور و اولغین شهر مذکور نور علی نور ایتکن ظلمات بعضها علی بعض
 اولوب اهل یسینک آتش اه حشر لری متضاعف و غمور و غمور همملری ترک
 و مترادف اولوب قول حضرت ابی هریره رضی الله عنه
 لِلثَّائِسِ هَمٌّ وَلِيَّ فِي الْيَوْمِ هَمَّانٌ فَقَدْ اجْرَابَ وَقَتْلَ الشَّيْخِ عَثْمَانَ
 مدلولی وصف حال لری و لدی عیان ولایت و کار داناان مملکت حضور تیمور
 واروب بر مقدار مال ایلر صلح و صلاحه قرار و برملریه مال مرقومک استیفا
 و تحصیل الجون طرف تیمور دن مباشران بی امان تقدیم و خانه و خانلره توزیع
 تقسیم اولغین حواله لوخانه لره ترولایدوب تحصیل مالک نشدید و تفسیر
 و صاحب خانه لری استخدا ایلر تحقیر ایتدکلرندن غیره هتک استار حرم حرم
 و اهل بیت مسلمینه اطاله دست نامحرم اعلیله اهل اصفهان بو حرکت ناه
 محفل اولوب ریسلرینه دفع شکایت و بویاید موتی جانه تقدیم ایدوب
 دعایت مراسم غیبت و حقیقی تصیم ایتدکلرین معرض عرضه انها ایتدکلرند
 رئیس بدرایلوی دخی ایتدی بویله بر و بیلد طبل زن آشوب اولورم اولهنگام
 ملائت انجامده هر کس کند و خانه سنده اولان او باشد کجرا شک خوشه و حو
 در دیدن داس انداس ایتسون دیوتنبیه اتمکین بوا مر نکوسده انظار سقیم
 و تدبیر و خیمه لری قاصروای و فکر لری خاسر اولوب بخت معکوس و طالع مخوس

قتل الشیخ عثمان
 قتل الشیخ عثمان
 قتل الشیخ عثمان

ایله کلمه واحده اوزده اتفاق ایدوب هر کس و بران خانه ستر رجعت ابتد
اول وعدنا مبارک اوزده غراب البین لیل نشر ذیل و نفق شامت و وبل ایدوب
مهر نوحه کر چاشنی کیر طبل بلا کستر اولدقدن هر بری خانه سنده اولان مباحین
کوفته مفرغه فنا و مسافر در جز ایدوب عدد لری التی بیک زبانی بیاماز اولدوب
مضبوط دفتر و اندر علی الصباح روضه عصیان غریب انصاف خلاف
و طریق فحل و اصطبار دن انحراف لری شایع اولوب بو حرکت شوم فتنه شعبت تیمور
لنک باعش تنفخ خبشوم غضبی و لغین قتل عامه فرمان انکله مار مشربان
نانار و جغتای کج رای سل سیفا تشین و نرسهام قهر و کین ایدوب ادا فقه
خون پیرو برنا و هتک پرده عصمت نشک حسنا و هدم عمران و قطع بسنا
و حرق زروع و خرق ضروع و نهب اموال و قتل اطفال و طعی بساط مرحمت
و نشر مسوح نفقت و افتای اجسامه اقدام ایدوب کبیرک کبریه صغیرک صغیره
عالمک علمه فاضلک فضلنه شریفک نشینه منیفک حسینه غریبک غریبینه
فریبک قرابینه مسلک اسلامه ذمینک ذمتنه ضعیفک ضعفینه جاک
دکاکت عقلنه نظر اولغینوب داخل بلده نفس مستفس قالیوب استیصال
اولغی امر مقرر اولدوغی اهل بلدک معلومی اولوب جداله مجال و قبول اعتذار
مجال و مال بنون دین المنوندن و شفاعت شافعون قتل و اسردن فایده ائمه
دخی عین الیقین لری و لجنه حصن اصطبارده تمکن و درع توکل و محض ایدوب
نیرکش قضا دن بران ایدن سهام منایای پیر تسلیم ایله النقا و سیل سیوف
خوفه اعناق تغویض لری مجر التملیله اولمردده بر فردینه رحم ایتوب
سرتا پاکشته حسام قود و مقاب لرین بطون ذیب و ضیاع و سیه کوش و سباع
و حواصل طیور ایتدیلر و ایتدیر که نوهنگام بلا از شامده بر فقیر مبتلا دروس
امرادن برینک دامن عاطفته النجا ایدوب یا امیر التیقینه فی البیقینه و الزعایه
فی الرعیه دیو حلقه جنبان در شفاعت اولغین امیر دخی قبول مسؤل ایدوب

بر مقدار اطفال بریشان حال ایله مقررده تیمورده نکبیا ن اولک شاید مظهر
مرحمت اولاسرد بو تنیه تمکین اول فقیر دخی امتثال امر ایدوب بر مقدار
کودک شیر خوار و اطفال صفار ایله طریق تیمورده ایتدنجات ایله مستظرا
اولمشلر انکین تیمورده لکورا ایله امیر مذکورک مروزی جمعین لری نه واقع
اولغین امیر مقرر اطفاله اشارت و تیمورده شفاعت ایله فتح کلیم ایدوب
یا بخدوم بو محروم و مرحو ملر نظر مرحمت ایله نظرائک لازم در دو سلسله
جنبان در شفاعت اولدقدن اول جبار خوشخوار بونلر اول شفایا نک بچه
و نتیجه لری دکلیدر دیورده جوابیا تمکین امیر دخی بو فقیر لک والد لری
کشته و طالع املا لری بر کشته صفر سن و نیم کلک لرین وضعف و ذل و تزلزل
قدم لرین شفیع ایدوب عواطف ملوکانه و مراخر پادشاهانه رجایا لک
دیمکله تیمور نامر جوهر در جوابیا ایتوب بالذات جمیع اطفال طرفه اماله
لکام ایدوب جنود مردودی دخی متابعت برله اولضعفای بیگانهی سر
نا پا طعمه سنابلک الحیل قهر و بلا ایتدیلر بواسطه و زده اصفها نلک
بنای فاخره و عمارت زاهر سن خرابه تبدیل و اها لیس قتل ایله تقلیل ایتدک
صکره جمع اموال و تقبیل احوال ایدوب سمر قند طرفه عزیمت ایتدی بووقفه
ها ایله ده دخی واقع اولان بلایا و تجرین سرایا عزل و نصب اطلاق و جذب
تغیر غامر تحریب عامر منزل و جند قصر و مد رفیع جهلا وضع شرفا
تمهید قواعد تقریب باعد تفصیل قابل حصر و ضبط دیوان و دفاتر اوق
عديم الاحماله فصل تیمور پرزور مغول استیلا سی یاننده در
اصفها ندن رحلت و سمرقنده القای ثقلت ایتدک نواده سی سلطان
محمد بن جهانگیر امیر سیف الدین ایله طرف شرفیدن و رای سیجوند
واقع اقصای ممالک و منتهای حکمی جاری اولدوغی مساکله کوندوب اقلیم
خراساندن برماه منزل و مسافره واقع محالک مغول و جتا و خطا

خطه لرین احاطه ایلله اقصای ملکند اشبارده نام شهرده مال غنیمه
محرز منیع اولوق چون بر حصن و سبع بنا ایتد و رب تمهید بقاع و ثانی
حصار و قلاع ایتد و کندن غیرى سفارت طریقله سیفا الدین مرقوم
براردی الله دار نام امیرین ارسال ایدوب بنات ملوکدن مملکه کبری
و مالک صفر نام ایکی خازانه خطبه امکن اولطالو سفاکک بلاد اسلامیه
اولان وقایع شنیعه سی اولطالو فروده دخی شایعه اولغله رده قادر اولون
طلبه اجابت و ربه اطاعتنه تسلیم دفته مطاوعت ایتد کلرندن
غیر عاقلیم مغول و خطا متزلزل و دیار شرق سرتا یا متخلل اولوب
اکثرین زیرنکین تصرفه کتورد کد نصکر ساحل سیچوند بر مدینه عظیم
بنا واستوان و نهر مزبور و وزره مراسی و مرکب ایلد بر جسر قوی قرار ایتد و
شاه رخیه نامیله بنام ایلدی سبب تسمیه دخی بوا و لمشیدکی که مدینه
مذکوره بنا سنه فرمان ایدوب بعد عادت جاریه سی و وزره بعضی حواله
لعب شطرنج مشغول ایکن انشای داد و ستاده تیمور رخ شاهه سور
خصمی الزام خصم دخی چاره ایلله دفعنه اقدام ایکن مدینه مذکوره
اتمام و تیمور تازه بر ولد دخی مولود اولد و غی بشارتیه مبشران ورود
بولغین فرزند جدیدین شاه رخ نامیله بنام و بلد مذکوره شاه رخیه
ایلد تسمیه ایتدی **فصل تیمورک خراسان و فارس طرفلرینه رجوعی**
بیانند در تیمور مغرور ترکستان طرفلرینه تمهید قواعد و توطین
مصلح ایتد کد نصکر خراسان طرفه ذهبت افزای عودت اولد قد هر
طرفدن ملوک ممالک و حکام مسالک راجل و راکب دعوتنه اجابت
و خدمتن غنیمت بیلوب فرماننه راغب و زجرندن مجتنب اولوق اورد
تفویض حکم قضیات و بقاع و تسلیم ضیاع و حصون و قلاع ایدوب
عاصی و مطیع سر جمله امرینه ممثل و طرف رضا سنه منتقل و نطق

عبودیتن اخلاص ایلد عاقد و ولا و اختصاص تقرینه مجتهد اولوب سیرجا
حاکمی سلطان ابو الفتح دخی کورد و ز نام کمسنه برنده قایم مقام تعیین
و نمطا قادیان و زده سالک و تیموره کلوب دفع شرو ممالک ایتدی سحر
طرفدن سلطان ابواسحق دخی رابطه اطاعتنه منعقد اولوب انجمن
شواهد جبال و فراز قلایه ملوک ما زنده اند از اسکندر جلای وادشوند
و ابراهیم قی کیم بعضی اسود غضبان عدم انقیاد ایلد ثابت قدم اولد
حاصل کلام ملوک ما زنده اند وادشوند و ابراهیم و ملوک خراسان
ما عدا یا لکن ملوک عراق بعدن مانند برادر شاه شجاع سلطان احمد
اون پدی نفر سلطان و سلطان زاده مجلس تیمورده صاحب مقام
و وساده اولوب اتفاقا یوما من الا یام ملوک ما زالذکر جمله تیمور دفته
ظهور ایلد خیمه واحد ده مجتمع اولوب هنگام فرستدر ملاحظه سیله
بر برینه اشارت و تیمورک قلیلده کافه عالمه ایصال بشارت ایتد مرا
ایدنجه بو حرکت بعضینک پذیرای طبع شجاعت آزماسی اولوب بعضینک
عروق جباننی متحرک و نامقبول خاطر خوف اتقاسی اولغین بو کفت و کو
و ایمای موافقت و مخالفتری بر مقدار ممتدا اولغین نأ قبول اولنلری
اصحاب قبولترینیه بو حالدن مستمع اولور سر و الا تیمور بی انتباهی آگاه ایدم
دیکله بو فکر رضین و رای متیندن فارغ اولد لکن بو حرکت و سکون
و اوضاع کونا کونلرندن تیمور کویا ما فی الضمیر لرینه تحصیل اطلاع ایدوب
لکن عدم اظهار ایلد دفع نزاع ایتدی بعد ایام دیوان عام و لباس سرخ
ایلد صدر دشین جمعیت ایام اولوب ملوک سبعة عشر فی دیوانه دعوت
و اول ساعت جمله سن علف شیر شمشیر حقارت ایدوب بلاد و قلاع لرین
علی المراد ضبط و طریف و تلید لرین جمع و اولاد و احفاد لرین قمع ایدوب
جاء و منصب لرینه کند و اولاد و احفادین تقدیم و زمام امور لرین

بداتباع وانصارینه تسلیم ابتدی روایتد بونلوك استیصال و
 بازوی قوت و اجلا للوینه سبب بوايد كه بلاد عجم ممالك واسعه
 و اطراف شایعه و قرای متكاش اولوب ملوك و اكابری كا بر اغن
 كابر دن خالی و لیوب مضمرات ممكنه سی جمله با ذره و كواسر كاسه سی
 كاسه و نواشر جواخی ظهوره ناشه و نمود دغاسه سی طاهر و لیوت
 شطاره سی طا فوه و تعالیب ابطالی مكر و حیلده ظاهر و تناسیح
 اقبالی بحار حروب قاهره اولوب تیمورد كور عین بصیرت و تاقل و
 فكرت ایلد آینه عالمه نظر اید بجه هر بری نوصورت و صفت ایلد جلوه
 میدان بخدت اولد قری منظور دید كج بین املغه بونلوك وجود یله
 عارض عروس ملك خال عارضدن و كبرك روی شاهد ملكت خارمعا
 خالی و لیوب اساس بنیان حكم حكیم و غرس نخل تنعم تقویم اولنق مشكل
 اولد و غن یقین ایتكده اقالیم عالمه و امور سلطنتی آدم كند و اولد
 واحفادینه منحصر و مسلم اولنق سودا سیله خیال باطل و فكر عاطله
 دوشوب طور چكنر خانیه او زده قطع انساب كابر و كسر قور و اخشا
 احساب كاسه ایتد و كجه بنسبط ارضك بسط بساط سلطنت و سا
 عامر ده جرایب ممالكه اجرای انهار حكومت اولنق دیو بادیه پیمای ضلال
 و تمسك حباله اغتبال برله استیصال اصول و فروع ملوك و طریق قهر
 و افنای سلاطینه سلوك ابدوب هر نه طرفن بحر الانساب ملوكدن قطره
 بولدی ايسه ناپیدا و نه جهته خرمین ذریتلرندن ذره نك خبرین الدی
 ايسه افنا ابتدی بعضی روایتد اول عادیك ملوك و اولد ملوكه
 تعدیس سبب بوا و لدیكه یوما ما اسکندر جلایی تیمورد كور ایلد
 هم مجلس نشاط و هدم انشراح و انبساط ایکی تیمور اسکندری مخاطب
 ایدوب با حكم قضا و قدر ترصد افساد حال و انقلاب روزگار زلزله

تیمور
 و اسکندر
 و كور
 و ایلد

تیمور
 و اسکندر
 و كور
 و ایلد

مركز اسباب احوال ایدر سه اولاد و احفاد ایلد بجه كبریا خاصیت اولوب
 مصادره مخالفت ایتكده كیمك زهره سی و اولیا قتل كیمك بهر سی و اولد
 نظر بصیرت ایلد كیمی كود و رسن و قوت فراست ایلد كیمی فهم ایدر سن دیدكده
 اسکندر حالت غفلت و انبساط خاطر ایلد لا قیدانه جوابه جبارت ایدوب
 اولاد بدنهاد كه اولد منازع بنم ثانی ایشیوند و ابراهیم در بنم قلاب
 هفت برمدن خلاص كریبان ایدن انیاب ایشیوند و و چار آنك دخی
 كمند عنقا شكاردن قودتیلان شرك هلاك ابراهیمه كرفتار اولوردید
 ایشیوند و ابراهیم غایب عن المجلس اولمیر یله تیمور تغافل ایلد معامله
 ایتدی اول ملا خطه ایلد كه مزبوری مواخذ ایدر سه بولدا مشلری فرایلد
 او چنی بر محضره احضار ایلد علف شیر شمشیرد ما را ایدوب دفع محذور
 ایدر ایزن جانب سكندر رسكر غفلتدن افافه و اصحابی دخی بو كلام ناملا
 ایلد ملاك ایتلیر یله اسکندر قضا ایله پیدن یوقد مضر بلكه انطقنی
 بذلك الذی انطق كل شیء دیو جواب ویرد كد نصكر ابراهیم ایلد اختیار
 فرایلدوب فقیر ایشیونك كرفتار دام قهر تیمور اولمیر اقل رعنی تلاوت
 و آخر سبا و نوحی قرائت ایتدردی ما ابراهیم اول فراده اجل مستی ایلد تار
 دار الغرور اولدی اما سكندر ابطال رجالدن كبر الهامه ایلد ذراع الحدید
 ایلد اوج بحق ذراع قامه اولوب اول غیبت ایلد بزم عالمه معدوم و نام
 و نشانی نامعلوم اولدی فصل قلعه سیر جانده كودرز نام امیرك علم
 كش عصیان اولد و غیبت بیاندردر بلكه مذكوره ده سلطان ابوالفتح
 ما و الذكرك قائم مقامی اولان كودرز محرك علم عصیان و تیمور ایلد معركه
 بند محاصره و عدوان اولوب سابقه شاه منصورك غاشیه كش خدمتی
 اولنقین مخدوم شاه منصوره نوز عالم وجودده موجود و انار حیات
 مشهور در انحق بر قاج كون غیبت اختیار ایشیوند دیو ظهورینه منتظر اولود

تیمور
 و اسکندر
 و كور
 و ایلد

ایدی مزبورک بو حرکت احمقانه سی کوش زدیتمور پر بشور اولغین تجمیر
 سرهنگان ستیز و انتخاب مردان فتنه انگیز تدارک و ارسال یتدکه وارو
 خدمت محاصره به مبادرت و هر چند نصیقه مسادعت ایتدیلو ایسه
 بیت — در دینه درد دیر ایز مرکه مرکه اعدانک کوهسار ایز بزه
 هر نه دیسه لریا کصیل ایزه مغز اسخه قلعه مذکور روپین تن آهین بدن
 اولوب قارع بایر طعن ایلد جواب و خلقه جنبان لجاج اولنه دشنام ایلد
 خطابا یتکین امر شخیری پرده ناخبره دوشد و کی تموره اعلام اولمفل
 عساکو شیراز و یزد و آبرق و کرمان و عامه جود بختسان ایلد امداد
 اولندیلو آنلردخی عروس مرآمدن ناکام اولوب دوزادور محاصره ایلد
 یکرمی سنه بر قریب اول طرفه مبتلای زحمت و زول اولدیلر عاقبت اک
 کودر شاه منصورک ظهور دندن نا امید اولوب سلطان ابو الفتح دخی تمور
 شفاعتنه متکفل اولغین صلح ایلد قلعه مباحشان امور تیمور تسلیم و مابین
 عسکرده نافذ الاحکام و مسموع الکلام کرمان حاکی ایدکوا به واروب اظهار
 روی طاعت و رعایت آداب مطاوعت کوستوردی ایدکوا شیطان اشنا
 ابو الفتح کفالت و شفاعتنه مقید و لمیوب مزبور دی کشته شمشیر خیانت
 و آغشته خاک و خون حقارت ایتدی بو خبر ملالت اثر تیموری مانند آتش و حده
 ایدوب ایدکوا به غضب شدیدا ایتدی لکن اثری ظهور ایتدی فصل
 شاه شجاعک برادری سلطان احمدک بلده کوماند مانند سر و آذاده سلطان
 مهدی و سلیمان خان نام ابکی شهزاده کل اندامی اولوب اما سلیمان خان شمع
 شبستان ملاحت کل صدیرک ترک غایت لطافت و حاوی معانی حسن و جمال
 و نهایت ظرافت و نجابت و محیط محاسن کمال شیوه و جلوه و دلالت و عشوه به
 جامع ناز و نیاز غنچه جمیع حرکتی ساکن سکونی فاتح عربیه
 نسیم عبیری غلغله ساید و تینال نور فی آدیم هوا مصداق صورت

مجلس شریف
 در کمال کمال و کمال
 در کمال کمال و کمال
 در کمال کمال و کمال

حالذن حاکی اولوب نونهال عمری آلتی باشند های دولت باشند بر فرد
 او چند ایدکوا حکم کرمان اولان ایدکوا بی رحم اتلافه عازم و اسلافه
 الحاقه جازم اولوب اولد یتیمک یتملکنه و اضی با خصوص والد کرمه
 بی کسلکله مکنتی اولوب همواره بر یوبله شهزاده به قیاس و بر یوبله فانه
 کیر در جلد معتد تخلصدن خالی اولمز ایدی هر مظنه بلا کافری پروایه
 تکلیف ایتدی ایسه بوقصه بر غصه به ارتکاب ایتز ایدی عاقبت بر بد
 خوشت و وعظیت وجود شیاطین جود سیاهی شب یلدا تار و بود
 عروق و اعصابندن منشوج ذات بدکهری زاج خبانت ایلد ممزوج
 ثمره شجره ملعونه شیطنت خار مغیلان ضلالت لقای مکروهه نسبت
 مشاهده ام غیلان استخسان اولنور عربیه
 زبانیته البیان نکره وجهه و چین تره تشنقید جهنم مدلولی
 وصفی حاکی اولور بلایه مرصد بر عید اسود بولوب سلیمان خانک تحریب
 تحت وجودینه ترغیب ایتدی اتفاقا اولهنگام ماتم ارتسامه معصوم
 مرقومک اصابت عین ایلد تر جسد شهلا لری بیمار یعنی چشم بادامیلری
 غبار مد ایلد فی ارام اولوب کهوان حجر دایه ده مست خواب ناز ایکن
 اول کافر فاجر خانه داندلرینه مانند دیو مرجوم هجوم ایدوب سلیمان خان
 شهید کربلایه ثانی یتکین هاندیم احرار و سرایا و حواری افریادن نجیح
 و جمع بالاکیر و عویل و عجیب تزلزل دسان ساق قلیک اثر اولوب بومصیبت
 کبرا والد مشفق سینه دخی اصابت ایتکله حاضر و بادی بو حال غم انگیز
 سحاب دود آه واه دن مانند امطار اشک دیر اولدیلر بوفعل شنیع اگر چه
 مباشرت غیر ایلد لکن تیمورک اعوان و انصاری الناس علی دین ملوککم
 مدلولی جمله خلقی ایلد متخلق اولمیر یله بو مثل شتر و شوردن خالی دکلا ایدی
 اما ظاهر و ابندینه اول بدکهرک اشارتله اولمقدور حکایه نقلد که

مجلس شریف
 در کمال کمال و کمال
 در کمال کمال و کمال
 در کمال کمال و کمال

تیمور اعرج شامدن قفولک جنود مردودی بینند زنان شامدن بر
 ضعیفه اسپرلی ولوب فقیره مرقوم نک ایادی نواب حوادث کشف است
 عصمتن ایتد وکندن غیر سرچشمه لیستان مادر دن هنوز تازه دفع سر
 واول یاس ایله جوعه کش خونابه جگر بردختر معصومه سی ولوب ایله حمایه
 قریب ملال غربت و غبار کربت ایله طفل مرقوم بکا و اینز و کیره و حنیندن
 خالی اولما مغله غلظت و قسا و تدن معمول شقاوت و جهالتند مجبول
 بغدادی بر ساربان مجهول آفله ده همراه اولمغین طفل مذکور دی والد سند
 طلبا ایدر اول درد مند دخی مرجه تسلیه سیله مقید اولور ملا خطه ایدر
 جگر پاره سنی تسلیم ایدر اول غلام جهول دخی بر مقدار تا خرایله انداخته
 سنکستان ایدوب والد کوفتاره دست خالی و تمسخر و قهقهه عالیه ایله
 کلدوکی کبی ضعیفه ظهر جلدن خاک سیاهه دوشوب هزار تک و پوایله جست
 و جونه حال ایله اولور ایسه جگر کوشه سن بولوب کیر و شتر سوار اولور کیر و
 حرا خرا ده معهود کلوب اغزار با طله ایله آلوب عادت اولی سن اعاده ایدر تکرار
 والد پجاره بولوب سوار اولور بو کشر ایمان حائنه ایله آلوب بر کونه ضایع
 ایدر که نابید و نایاب و ضعیفه به داغ بر بالای داغ اولوب الناس علی
 دین ملوکهم ساکون طرائق سلوکهم معناسی بوند دخی نمایان اولور
 فصل تیمورت عراق عجمه تکرار رجوعن بیان ایدر عراق عجم طولا و عرضا
 دست غدیر تیمور مستلم اولوب کترو فرامسم وصیت و صدای مظالمی
 سرایت ایله عراق عرب دخی ایراث رهبت و غم ایتمیکن فرمان فرمای خطم
 داد السلام بغداد سلطان احمد جلا برینک آتش غیرتن ملتیب و شرابین
 حمیتن مضطربا یتمکله بجهیز عساکر جرار و ستبای نام وزیر نامدارین
 سردارا یدوب جیش جغتای طرفه ارسال ایتدی بو خبر تیمور اشته رسید
 اولدقه مسرور اولوب ابوابها و شه کشاده و اسباب مناقشه و مناوشه

آماده اولدی دبو منشرح الصدر اولوب اولدخی مردان ملاحم جیش دریا
 تالطم مقابله یه کوندروب قنای بلده سلطانیه ده تصادم صفین و نصاف
 قشین ایله آتش حرب و ستیز بالا کیر و شرور و عفاریت شمشیر زخم زد
 کیر و صغیر اولدقه دریای جغتای مانند افواج امواج مضطربا اولد
 کبی چند ستبای منهنزم اولوب عازم بغداد و منتشر باردا اولدیلر سردار
 مرقوم دخی هزار ندامت و شرمساری ایله بغداده وارد اولدقه سلطان
 احمد ضرب مولد نصکره الباس معجز و مقنعه ایله اسواق بغداد ده مزبور
 لشیر و انواع نقدیر ایله تذلیل و تحقیر ایتدی تیمور دخی بو قدر ایله کتفا
 و عودت برله تحریک لوا ایتدی فصل تیمورت بر قاجا ایام سکون و تمهید
 ولایتیله آرام ایتد و کن بیان ایدر مغرور مرقوم حد و سمرقند نواحی وضو
 کشت و کذار و ایکی قصبه دخی مجددا آباد و کبار بلادنا میله شمیمه و اشته
 و پردی بود فعه سمرقند تماما مضافانیه و محالک ما و آه النهر عینی ایله
 و تبرکستان جمله متعلقانیه و خوارزم و کاشغر و بدخشان و خراسان
 و غالب محالک مازندران و البستان و طریشان وری و غزنه و استراباد
 و سلطانیه و عراق عجم و فاردس و شواحق رفیع و جبال منیع ده اولان
 قلاع و بلاد حکامی بلا نزاع امرینه مطاع و بلا مانع خدمه اسراع ایتد
 هر برینه تعیین نایب ایله تحصیل ماریا بدوب سمرقند ده اشتهای بسیار
 و اسعه و تأسیس قصور عالیله اشتغال ایتمکله اقالیم بلاد و عانه عبا
 اولداهیه نک غایله سندن برمدت فی الجملة امن ایله مرقه البال و آسوده حال
 اولدیلر فصل تیمورت لرستان مملکتن استخیری بیاتند در فاعده
 مستقر مزبور علی الاتصال غیوض مجارامود و خوض مهالک شرور ایدوب
 اما هر بار سمت عزیمتن اخفا ایله بر طرفه سوق ستور و آخر طرفه ظهور
 ایدردی طرف شرقه علم کشا ایکن جانب غربیه بوارق بیاد قلری پیدا اولد

و طنبوری حصار عراق و اصفهان و شیراز و نغمه طراز ایکن بوقات مخالف
 سازی مقام رها و دانسته آهنگ جاز ایدردی بنابران سمرقند غریس
 بسایین و تاسیس تصویر بقصور اولدقه میدان سمرقند جمعیتگاه عساکر
 جلادت ماثرا و تلقی و ذره سوق عسکر مباشرت تعیین اولوب بمقد
 الاحتشاد امتیاز ایچون عسکری طایفه سنه لباس مخصوص امر و ایجاد
 ایتدکد نصکر طبل زن رحلت و قاصد بخند و بلاد ترکستان اولدوغن
 اشاعت ایتدی لکن مانند سیرکواکب ساری و مثال جری مرکب جاری
 اولوب دریایه منقش زیر خاکه مندرس اولور شکل نه منته منقطع و نه
 جانبی مختطف اولدوغن خيال عالو خالی ایکن بغداد سوزنده لرستان
 الکاسند ظهور ایتدی یالت مذکور اراضی عامه و مشتمل بسایین زاهر
 حاوی خیرات و فواکه و افره اولوب حاکمی ملک عزالدین العباسی ایلد بنا هر
 بر مرد خرد مند اولوب اگر چه قلعه سی فی الجملة منیع و برج و بدین هما
 ممکن رفیع ایدی لکن تیمور بلا ظهورک نزولی علی الغفله اولوب قلت
 عد و عدد و نایابی معاضد و مدد ایلد تشبث دامن اماندن غیری
 پناه و دار الامن انقیاد من ماعد اگر بکاه بولما مغله پیشکش قلعه
 تقدیم بعد حضور تیموری نون و اربوب وضع جبین تسلیم ایتدی اول
 غدار حمله کار خربوری محبس سمرقند ارسال و تضیق نفس و نفس ایلد
 اذلال ایتدکد نصکر بعد ایام تشید ارکان انقیاد و تقویة رابطه
 اتحاد ایچون اخذ ایمان و اشفه و بر مقدار اسب و استر هذیه ایلد کیر و
 ولایتنه فرستاده و حکومتن اعاده ایتدی ایزین طرف تیمور مغرور
 مملکت مزبور یی ضبطند نصکر تحریک لوا و انقال شدت و احوال نقلن
 اولقریه بلده همدان الفای ایتدی بلده مزبوره ده ساکن خوش سلوک شایسته
 مصاحبت ملوک سید مکرمل علوی مختشم محبتا نام بر شریف عالی مقام

تیموری استقبال و مقام شفا عنده قیام کوستورب ملائمت برله بسط
 بساط رجا و اهل بلد بذل مال و منال ایلد تحلیص جان و عصمت اهل و مال
 انک او ذره صلح خواسته اولغین شفا عنتی چیز قبوله واقع اولوب تعیین
 اولنان اسوال توزیع و استیفا دنصکر اول غدر عاده تکرار سالیانه اراده
 اتمکین کیر و اول امیر حلیل و اربوب مقام التماسه مانند باش و ذلیل
 قیام و تمتی و ترجیده الحاح و ابرام اتمکین طلب ثانی انعام و ارجال ایلد
 بلده مرقوم دن دفع غم ظلام ایتدی فصل تیمورت بغداد توختی
 بیانشده در تیمورت لرستان و همدان اولان باس و خوری بغداد
 مقام پادشاهید قیام ایدن سلطان احمد جلایری به باعث تلاش
 دخر اش اولوب مقدمه بلا اقتضا تیمور اولان معارضه و بلا و جرفه
 ابواب محاصره سی البته هر کشته سبب اولور ملاحظه سن ایدوب هر چند
 کند و سودخی پادشاه ذی باس ایشه اما اذا جاء نهز الله بطل نهز عیسی
 ولا مقابله لیسیر فرعون مع عصا موسی عریبی
 السبل یقطع ما یلقاه من شجر بین الجبال و منه الصخر یتفطر
 حتی توافی عیاب البحر تنظره قد اضمحل فلا یبقی له اثر
 مدلولغه مقارنه اقتداری اولدوغن فهم ایدوب هر غمته چاره و تدبیر
 بایند قرعه زن لوحه فکر و تأمل اولدی ایشه فراددن غیر طریق بخت
 بولما مغله بسیطدن وجیزه و چیزدن ناچیزه راضی اولوب هر غمت ایلد
 ساحل نجاة النجا و ظاهر نام اوغلین اهل و عیال بلده شیر و انه قریب قلعه
 نجاة نام حصن منیع ارسال و تیمور دخی قاصدان سبک سیر استعمال
 ایتدوب عربیه لکن کانت بدی فی الحرب شله فرجی فی الهزیمه
 غیر عرجا مضمون دخی افاده برله یدیوز طقسان بش ناریخند بغداد
 نهضت و بلاد شامیه طرفنه غریب ایدوب پادشاه ملک مصر و شام

بغی الله تعالی انک من غلظی کلجه بطال اولد
 نهز عیسی انک و جودی فالیجی بطال اولد
 فصل تبیین
 اکیچو سیر و غمته کلان فخری طاعن ارسلند
 سیر تبیین و غمته کلان فخری طاعن ارسلند
 آری بلوب و ادرغی اتماد و بایه کلجه بطال اولد
 ازنی فالت

محمود بیگ
 محمد بیگ
 رحیم اعرج
 دراهم

تمسك برله اما برادر مرقه جنايتن اذافه ايتدي بوفير ولي نعمت
او غورنده فدای جان اتمش ايکن ولا تزر وازر ووزر اخري مقراسجه
غيرک کما هيله مواخذ اولمن سزا دکلدر هر چند رد ايدرسکزينه ملائم
سز سز وهر نقدرد ورايدرسکز عاقبت پناه سز سز ديوانوع تذلل
وايمان وانقربه قوتل ايتدي ايسه ظاهر فتح بابده تعلل ايدوب شايد نار
حسبت واقضاي قرابت ايله اظهار محفی و تکدير صافي ايد سز **عربيه**
و يَتَكِنُ وَضَلَّ الْحَبْلُ بَعْدَ انْقِطَاعِهِ وَكَانَتْ يَتَقَيَّ بِعَقْدَةِ الرِّبْطِ مَفْرُجَةً
اول عقد ايله حل را بطه عهد ايد سز ديور د جواب اتمکين اول دردمند
دخي جرعه کش کاس یا س اولوب خدمته نادم و قدرتي بلزله خادم اولدو
ستابه کنيد حيف اولوب دوستاندن جفا و فلکدن عدم وفا ايله اخاس
اسداسنه ضرب ايد رک اما لة رأس فرس ايدوب ناجار اولق برده مدینه مرید
نام بلده يه توجیه کلام ايتدي بلده مذکور ده تیمور طر فندن تادک مال
و ولد لابس خرقة و غدر حکم درویش نهاد اولوب لکن میر مرقومک و درود
ملاحظه و قلت رجال و عدم عده و عدد ايله متجری سودای جیانت
ايله متفکر اولوب بالاخر میر مرقوم استیصال و سر مقطوع عن تیمورده ار
ايتدي مزبورک بو حرکتدن تیمور بحضور اولوب عزل ايله تحذیل و طرد ايله
تذلیل ايتدي ازین جانب ظاهر دخا ايتد و کی حدث ايله آوده چرکاب خشت
و خیانت اولوب قلت جیش و تکدير عیش ايله غذای عصمت پرای قلعه
اطالة دست اجنیدن احصانه قادرا و لما مغبین استصحاب اهل و انسا
ايله خانه کوچ جالی و قلعه مذکور بلا منازع خالی اولوب تیمور ضبط و حاکم
تعیین و شروان حاکم اید عدم مخا و و به مجادله لری تنبیه ایدوب
بعدا د طرفه حرکت و علم افزاز مسارعت اولوب مقدما نکاشته براعه
براعه اولدو غی و زره سلطان احمد شام طرفند اولغله دیور

این خبر از کتب معتبره
و اصل آنک فایده دکن عظمه
ربطه فایده

افغانستان من این بنویس
مقتضی است و استبداد
خبر و در دخی دهان بری
زنی بنیاد یعنی چهره
مردمی

بش سنی شوالینک اون برنجی کونی پور التبت بغداده دخول و اهل بلد
شدت ايله کوفتار ضیق داد و پنجه خانه و خانه دانی بر باد ایدوب دیار بکو
طرفه عنانابا ولدی فصل نمودک دیار بکو و تکرید و ماد دین و مرهامه
عزیمتی بیکاننده در مغرور مزبور بغدادن رفع غم ظلمت و دیار بکو طرفه
عزیمتی ابتدا تکرید قلعه سن یدییوز طقسان بش ذی الحجه سنک اون
در دخی کونی نصیق و حواشی و مواشی سن دست زده غارت و تفریق و محاربه
قلعه به تسلیط سواریت و تعیین مرده عفاریت ايتدي حاکمی اگر چه بر مقدار
ثبوت قدم مقاومت و اظهار روی جلالت و بخت ايتدي لکن بویله
برفولا د پنجه ايله پنجه گیری ساعد سیمین د پنجه دن غیري فایده سی اولدو
تحقیق ايله طلب امان و اطفالن در آغوش و کفن بردوش ایدوب
پسگاه ظلمت اشتباه تیمور و مال ضراعت اولدقد اول اعرج و افلج اما
ویرمیوب استیصال و قتل رجال و سبی نساء و اطفال ايله یدییوز طقسان
النی صفر نیک یکرمی برنجی کونی بلده موصله آتش انداز و مول اولوب دار
و دیوارین هدم و آثارین منعدم و اها لیس غارت بعد رأس العینه
عزیمت آتی دخی نهب و غارت رجال و اناش سلب ایدوب سنه مذکور نیک
عمره ربیع اولند رهای ترک و تازا تمکله درون و بیرونه آتش انداز اولو
علی العاده فساد نمودی و عادیسن اعاده ايتدي ماه مزبورک اون ایکنی
کونی دیار بکو سمننه عنانابا اولوب اطراف یقوب یا قوب جنود مردود
قصد باردین ايتدي بو حدوث مالک موزوت بلده مذکور ملک الملک
الظاهر ظاهر اولدقد جمع خیر اندیشان دولتی ايله عقد مجلس مشاوده
ایدوب بو سوال و زره شیخ کلام حکمت نظام ایتدی بکه بوظا لر غدار اکثر
اظهار روی نقیاد ایدنلر روی دل و التفات کوستورب نوای استیمان
ايله سماع فی نزاع ایدنلرله آهنگ مخالف ایتمز واروب کر میت بازار مهاده

و مصاحبه سعي ایدرم اگر شدت ایدوب طلب قلعه ده اصرار ایدر ایسه
اولیاد بن نفوذ حکمی انکار ایدوب زمام مهام قلعه ترك یدتصرف کنه
اولدوغن اعلام ایدرم سزدن طلب ایدر سه سزدخی دورباش ایلدرد
جوابا تمك كركنر هلاكله دخی نری تحویف ایدر سه الحکم لله اتلافه
حفظ قلعه فی تلافی ایدر سز بعض بلا بعضدن اهون اولغله دوستا
او غودند جان فدا تمك مصیبتلرین مشاهد دن اسهلدر دیوب
برادرزاده سی الملك الصالح بن شهاب الدین احمد بن ملک التتعیسکند
بن صالح الشهیدی ولی عهد ایدوب تمنای مصاحبه ایلد اول اعرج طالحه
متوجه ویورادبعاً خامس عشر ربیع الاول سنه سبعه و سبعه و تسعین
تاریخند هلال نام مکانه استقبال ایتدی خین ملاقاته تیمور طوقد
عدم مجامله بلکه تحقیر و اذدر ایلد معامله اولندوغندن غیر تسلیم
قلعه تکلیف اولندی ملک ظاهر قلعه اصحابك زیر حکمده اولوب فقیر
الحق نفسندن غیریه قادر اولما مقله خدمت عبودیتیه تقدیم ایتدم
دیو تواضع وانکسار ایلدرد جواب ایتدی مزبوزی استصحاب ایلد تیمور محل
مرقومدن رحلت و قرب ماردیند ضربا و تاد اقامت ایدوب طلب قلعه
ایلد اهل قلعه تهدید اولندقلرین صورت امتناع ایلد آدملی تردید
اولغین مشافهه لرند ملک ظاهر بدجلادان بی امانه تسلیم و قطع
اهلاکه تقدیم اولندقدینه شاهدمرام جلوه کرمات کام اولماغین
ملک ظاهر دن بدل امان یوز تومان که هر تومان آلتش بیک درهد
طلب اولندی اولدخی فوق الطاقه و ما لا یطیقه الاستطاعه اولغله ملک
ظاهر ک قید و بندی تحکیم اولوب بر قاج کوندنصکره تشبیر ذیل فساد
وما بین موصل و مار دین و نصیبین ده نهیب عباد ایلد ترویج اصحاب و تبیین
دواب چون مکث ایدوب تحصیل تاب و توان ایتدکد نصکره مرده جفتای

یکدست ماردینه یورولش اتمك با بند حکم تیموری صدور اتمکین مانند
سابق طبر تلاحوسیر ایدوب انهار ی نهاده سیلی لیلد قطع ایلد جبال
منبعه و قلل رفیعہ فی قول گندی و زره عربیه سموت ایلها بقد
ما نام اهلها سمو حباب الماء خلا علی خال مغرا سنجه ماه مذکور
اون ایکنی کونی لیلد نلاند من غیر مهله علی غفله بلد مذکور باصوب
حسام صبح صلوة فجر ادا و طایر غراب دجا پرواز بالکشا اولغینه دن
شیاطین جفتای سئل سیوف خوف ایلد سفک دما محرم و هند سر پرده
حرر ایدوب عنوة ضبط بلد ایتدی راول و رطه هلاکدن تخلص کر بیان
جان ایدنر قلعه اندرونه پناه ایلد سا حل نجاة القای پنجه اعتصار
ایدوب باقی ذکور وانات معبر سیفدن عبور دار حضور ایتدی تکرار
عقاب لیل شر بال و باز سفید نهار افق غربه استیجال ایدنجه منادیا
دخراش تحریص بغما و تخضیص برخاش اتمکله اشد عصر و حصرا یله
وقت ظهر ذک هدم سور و تحریب دور ایدوب وقت عصرده از قومیو
اول شهری برباد ایتدی لر طر فیندن قتلا ی لایقده ولا یخصی اولوب لکن
اکثری مرده جفتای بدرای اولدوغنی مقید اثر در فصل تیمور ک قلعه
مذکوره تسخیری با بند ایتدی کی جله بیانده در چون تیمور ک فتح
مغلقات قلعه ده زور بازوی علیل اولغین تسخیر مکر و تجدید
فکر ایلد ترك شدت و اهل قلعه یه ارسال نامه استمالت ایدوب مفهون
مار دین قلعه سند محصور اولان اغنیا و فقر و عجز و ضعفانک
معلوملری اولاکه صحیفه جرم و جنا یلری خط الامان عفو ایلد راسته
و محر زمال و جانلری قتل حرمت ایلد بسته بدل امان بذل نفوذ دعا و
دنایر شنادن غیر تکلیفلری اولوب اطمینان بال ایلد مکتوبی خط
الامان ایدر لودبوا اعلام ایتدکده خرسه قلعه شیاطین مار دین اولوب

مجلس
اهل باب ایتد قلعه نکل اول باد اوردن
جندم حبابک صوفی زین جفتای کی

عدم قبول ایلده قاصد تیموری رد اتملری ایلده تکرار تیمورک آتش غضبی نور
و جهة غروری طغیان ایدوب تکرار زور بازو به رجوع و علی الصباح
جیوش طاقت و نفیر عامه امیر محمودی سرچیک و تضیق قلعه به بحر بصل اندک
و اروب هاستند ما در و مور صمود قتل و دخول ثغور ایدوب بش کون
لیل و نهار آتش افروز جنگ و بیکا و ایلده هر چند تک و پوایتدی ایسه
فایده مند و لیوب تیمور دن مستند و لغین بود دفعه بالذات نفس خسیله
و اروب بلای آسمانی کبی نزول ایلده محاصره به اقدام و جنود مردودی
نوده آتش نادرده افتحام اتملریله عقل و ستایی از پس آید مصداقچه
اهل قلعه لباس غیرت و حمیتی سالب و ذل و ذلت مانده راغب و مللریله
تیمور ملزم عهد و لماق ایچون و زیری طرفندن امان و برد و اروب
طریق حیلده به سالت اولدی اهل قلعه بو حالده محتال اولدو و قلرندن
بخیبر اولوب فتح باب ایتد کیری کبی تیمور بی امان قتل عامه فرمان
ایتمکین شیاطین جفتای باب التل نام دروازه دن اذ حاصره اقدام
ایدوب افنای جمیع و قتل عاصی و مطیع و اسر کنیزک و کودک و پرده
عصمت محصناتی هنک ایدوب ایکی بیک مقداری ساجد و راکع التجا
جامع ایتمشکن اول کافر کیشلر انلری دخی سترنا باشهید و قبه و رواق
جامعی برابر صعدا ندیلر بعد ذلک تیمور تبلیس د لالت ابلیس ایلده تنخیر
قلعه ارجیش ایدوب در عقب اذتیک قلعه سنه مخط و حاکمی اولان قوه
محمد ترکمانی به مسلط اولوب یدیهوز طقسان التي شوالی غره سنه قلعه
مذکوره دخی امان ایلده تنخیر و درون قلعه ده اولان عسکری مقوله
افنای تیغ تدمیر ایدوب یدیهوز طقسان التي ذی القعدة سنک یدیحی
کونی سمرقند طرفه اماله لکام شورا اندام ایتدی الملك الظاهری امیر
رکن الدین و عز الدین و سلیمان و اسبوغا و ضیاء الدین نام امر ایسه

معا کونور علی الطريق سلطانیه ده بند زندان عقوبت نکند و سی
دشت قیاق طرفه توجیه لکام عزمت ایتدی فصل الملك
الظاهر و اتباعی بر سنه تماماً شدت و عسرت عظیمه ایلده گوشه بختند
منسی اولوب احوالی نیه منجر اولدو غندن اهل و عیالی بخیبر ایکن ملکه
کبر سلطانیه به قدوم و کویا اشارت تیمور ایلده ملک ظاهر ترفیه و قد
و بندن تخفیف ایدوب اطاعت و خدمت تیمور دعوت ایتدی اول
اثناده یعنی یدیهوز طقسان سکون شعبا شد تیمور طریق سلطانیه دن
بلکه همدان سمتنه عبور ایدوب بلکه مذکور ده اون اوج کون
اقامتد نصکره ملک ظاهر قاصدان هایدون قدم و مبشران
فرخنده دم اصدار و رفع قیود و فوق المقصود اکرام ایلده احضاری
سیار شرا و لغمین الملك الظاهر ماه رمضان المبارکک اون بشندن
روز پنجشنبه سلطانیه دن نهضت و ماه مذکورک اون یدیحی کونی
روز شنبه ده اوردوی تیمور و وصول امرای جفتای جلال ایلده استقبال
ایدوب تیمور ایلده جن تلاقه رعایت مراسم قیام و تعاقب ایلده دخی احترام
اولوب تیمور دفع غوم دهشت و بذل لوازم الفت ایلده معذرت خواه
اولوب شش روز نشر خوان ضیافت و ترتیب بزم صحبت ایلده لباس حل
ملوک عظام و عطایای جزیله ایلده احترام ایتد نصکره یوز راس فرس
جستدار و اون رأس ستردهوار و التي عدد شتر موزون قطار و بعض
زد کشتیه مکملله و پنجه مخف مکمل احساندن غیری حدود دیار بکردن
سنورادریجانه و ارمینیه و ارجنه التي التي لوا و حکومتک مناشیر
حکومتلرین نامه ترقیم و اول حدودک امر او حکامی زیر حکومت و صواب
دیدیا و زره حرکت ایدوب اموال خراجیه و عشریه لری خزینه سنه نقل
و تسلیم ایتلرین تنبیه ایتد کد نصکره هر نه وقت تیمور طرفندن طلب اولور

طاعت وادی خدمت اتمک او زمره اخذ نمود و آنقه و تکرار معانقه ایله
 تشیع اولوب عیش راضیه و حاله بهیه ایله راهی اولدی ابتدا دارالمصیبه
 اولان سلطانه به عزیز و محترم بعد تبریزده امیرالشاه ابن تیمور ایله
 همدام اولوب اولدخی تکریمند مبالغه و زوادی سفر تیره سینه مساعد ایله
 منزل بمنزل قطع مراحل ایدرک یدیسوز طقسان سکنه شوالک اولون برنجی کوفی
 روز جمعه ده ماردینه سرود افزای و رود اولدقد ولی عهدی اولان
 الملك الصالح شایق و خایر شرف استقبال بعد سایر اعیان ولایت
 نقیبل ابادی ایله مسرور البال اولوب طالع سعید و دولت جدید ایله
 دار الحکومه لویه قدوم و ابتدا مدرسه حسام الدینیه زیارت
 والد ماجد و سایر کدشتکار لویه فاتحه خوان اولوب بعد کرسی نشین
 حکومت و اکابر و اصا غریبیت جدید ایله کامران مراد اولدی
 فصل تیمورت نکراد عراق عرب و نجدن دشت قحاق طرفه غریمت
 بیان ایدر ممالک دشت قحاق بلاد فیحه و صحاری و مغا و زو سیه
 اولوب تیمور خور ایله مقدما عقد عقد عداوت و حکم قضا ایله دهکیر
 دهلیر هنر کیت اولان توقا میس خانک زیرنگین حکمند اولوب دشت برکه
 ایله دخی مذکور اولدوغنه باعث بودر که اول صحرانک سکان و قطانی جمله
 عبد او ثان اولوب دین و دیانت نادان ایکن برکه خوان نام برپادشاه نیک
 بخنلویه توفیق ربانی بدرقه طریق هدایت اولوب شرف اسلام و دولت
 دارین ایله مفتخر و بنام اولدقد منا بقیله اکثر دشت مزبور خلا بقت
 مشکوف قلوبلری نور مصباح پرفلاخ ایمان ایله منور اولوب اول شهریار
 سعد اختر کسر اسنام و اعلاای اعلام توحید و اجرای رسم اسلام ایتمکین
 اراضی مذکور مزبوره نسبت اولندی تیمور قصد ممالک مذکوره ایدوب
 رشته نشینی نوشیروانه منتهی شیروان حاکی الشیخ ابراهیم مملکت مرور

ایله طرف دشته عبور اتمک مرادی اولدوغی الشیخ ابراهیم کوشکدار
 اولغین حکیمانه حرکت و قطب فلک سلطنت و دستور حکومت و قاضی
 مملکتی اولان ابا یزیدی دعوت و بوغایله دفعنک تدبیری چون عقد
 مجلس مشورت ایدوب سمت کریم یا خاصه و سبزه طرف معقولدر دیکله
 قاضی سبزه راضی اولوب شواهن جبال و نلال صعب المناله فراری استمن
 ابتدای الشیخ ابراهیم بورای عین خطا در کند و نجاشم فکند اولوب
 فقرای عباد الله محالیب اعدایه القاید بنجر بود الحساب نه جواب ایله
 خلاصه دهیاب اولق ممکن اولور یا سدن نور و حفظ رعایایه شد خرام
 ایدوب دفع محذوره بذل مقدور اتمک کرک یا خود حرکت بین بین ایله
 اول ظالمک استقباله سرعت و قبول انقیاد و خدمت اتمک کرک ابقای
 حال ایدر سه فهو المراد و اگر غدر ایله حرکت عزل یا حبس یا قتل ایدر سه
 قناعت ایدوب حکم جدید تعیین انیمکله فقر و مساکین دار و دیار منزل
 و ما والرتد امین اولور لرد یوب استقبال طرفن ترجیح ایله ابتدا قدوم
 تیمور چون شادمانی کوستودوب ترویق و تزیین شهرشان ایدوب بعد
 تحقیق طاعت و انقیاد چون نام تیمور ضرب سکه و قرائت خطبه ایدوب
 نقل هدایای تحف و تدارک انواع غریب و ظرایف ایله استقبال سریع
 ابتدای قاعد جقناید پشکشلوی هرچسندن طقوز عدد اولقو رسم
 اولغین الشیخ ابراهیم دخی رعایت مراسم چون هرچسندن طقوز
 کوردوب پیشگاه بارگاه تیمور تقدیم انجق مما لیکدن سکونفر لایق خدمت
 ملوک ملوک کوردمکله سببی تخلص و حکمتی تجسس اولدقد طقوز نجی
 نفس فایمدر دیو ظریفانه جواب ایتمکین بو خوش آمد غریب طبع نموده
 موافق و عجیب کلکین استخسان ایله سن بنم و لدم و بود یارده خلیفه
 و معتمد سن دیوب المباس خلع فاخر و التفات و حسن معاشره ایله ابقای

مجلس
 شایق

حکومت و بلوغ امنیت ایله دارالحکمه عودت ایتدردی بعد ذلک تکمله
 پشکش ایتدوکی اطعمه و آشپزی و فواکه لطیفه مانتدریک و حصا اولان
 عساکر جقاید توزیع و تقسیم اولندقدنصکره بوقدر دخی برنده باقی قالدو
 تحقیق کرده رواند فصل تیمورت دشت قجاق طرفله اولان وقعه سنه
 سبب نه اولدوغن بیان ایدر امراء دشت قجاقدن امیر آید کوا منکفت
 با خود قنکرات قبیلہ سندن اولوب خدمت توقتا میش خاندن رؤس امراء
 منسیر و ادبای رای و مشوره دن ایکن بعض خدمتده خلاف ضای
 مخدوم ایله ذلک سنی واقع اولوب توقتا میش ملک دی باس شیدیدا و منفله
 اید کوا همواره صول با سندن محترزا ولوب اتفاقا بعض لیاال سرورده نجوم
 کوس افلاک طریقه سیر و سلطان خرم ملک عقلان اجرای امرانکده ایکن
 توقتا میش آید کوا به توجیه کلام ایدوب سندن بنم برکونم وارد که سنی مانند
 حیاندن صابم و محکم خاموشانده نایم ایدردیو خطا با تمکین آید کوا مغا
 ایدوب حاشاکه مولانک عبیدینه حقدی و تعمیر کرده دست همتی اولان
 اساسک اندر اسنه جهدی اولد دیور دجواب ایتدی لکن مقدمه اولان
 ملاحظه سن تحقیق و لازمه وقت خشوع و خضوع ندقیق ایتد کد نصکره
 بادشاهی اغفال و قضای حاجت ایدر کپی سلاک حواسیدن انفصال واصل
 توقتا میشه سرعت و حرا سندن غفلت ایلر اقام شده به مقدمه برنجینه هنر منجه
 فرس سر وجه به سوار اولوب بعض توابع خیر اندیشنه کتم سرو بی استیانت
 بادگاه تیمورده تقیض استون دیوتبیه ایدوب طبق اطباق مسیر و طی اتوال
 سهل و عسیر ایدرک ساحل سلامت سرعت ایتدی ایزن جانب توقتا میش
 با خبر و بجه اگر چه عقبه خیالان خیال جولان تعجیل ایتدردی لکن اثر غیا
 واصل اوله مدیله فرادی مرقوم تیمور و ادوب رعایت آداب ملاقاتی تقدیم
 و سرگذشتن یکان بکان سلاک تقریر تنظیم ایتد نصکره سز نویسیع ملک

ایچون قطع ققار ققار و طی اسفار اسفار ایدوب طلب بلاد خایله و قصد
 اماکن جالیده دستر دشت قجاق مغانم بارده و مشارب هینه اولو
 نصب العین اولان فواید و عواید دن سبب توانی و تقاعد ندر سز
 رده قادر عسکر دافعه و قلعه مانعه اولوب وسیعه الحاشیه بر
 خزینه ماشیه در دیوا و لطفه تخریص ایتدی صفت اهالی دشت
 مذکور صحادی مرقومه تا تار قبیلہ سنه مخصوصه محفوظ الاطراف مرقوم
 الاکناف ضیح الارجا صحیح الهوا قلیل القلاع کثیر الانتفاع رجالی حسام
 جنودی سهام اناقی مهر طلعت ذکوری بدر منقبت لجه لری فصیح
 و جمیله اعضا لری مرتبه و مکمله از کامر بهجه احسن الوجه اکثری ریش
 بلا تلبیس اولوب علی الاتصال دابلری نزول و ارتحال ایدی خوف و وجلدن
 خالی نهب و غارتدن مختلی مقدمات خوارزم طرفندن قوافل متعدده
 امتعه متنوعه ایلر اوج آبلق مسافه دن قریه سفر فی خطرا ایدوب نقل
 زاد و زواده و رفیق و علیقه بلا احتیاج میان عشایر و قبایلک مغرور
 و محترم و ضیا قتلرا ایلر مکرم اولملریله عربیه **مُسْتَكْنَفِي جَلِي عَمَّاظَا**
كَلِمَتُهُمَا يَدْعُو وَيُذَكِّرُهُمْ بِهَا عَرَّازُ مَا صَدَقَ وَصْفَ حَالِهِ ایدی
 صفت دشت مرقوم مملکت مذکوره طولا بحر کیلان و بحر سیاه ما بینی
 دشت مذکورک طرف جنوبیسی اولوق او زره مبتدی شرق طرفنه امتداد
 ایلر بلاد خوارزم و ترکستان و چتا و خطا و چین و بلاد مغوله منتهی جانب
 غربیدن بلاد روس و بلغار و تاتار و عرضا طرف شمالیسی جبال رمال
 کثیر المها لک ممتنع المسالك غیر مسکونه صحاری و براری ققار اولوب
 عربیه **وَبَلَدُ لَبْسٍ بِهَا اَنْبَسُ اِلَّا اَلْيَغَا فِرْوَ اِلَّا اَلْبَسُ مدلولی**
 صفت کاشغه سیدر صفت بحر کیلان استعمال انجمامه قلزم ایلر غلط
 مشهور در طرف شمالده واقع بحر سیاه قریب المسافه اولوب انجی چراکسه

عکاظ مذکور مکته طرقتن موضع بازار اسمیدر
 یعنی موضع مذکورک ایکی جبلک اولای طریده
 نیمی عیش و عشرت دعوت ایدر عار و شغلک
 مخصوص اوییلر نیک اسمیدر

مخضول سبب
 ببلان در که دوه و بیان اشکالک
 غیری انسی بوقدر

جالی ما بینند سد سید و اولمشدر طرفند بلاد کیلان و بلاد مازندران
 و شهر استرآباد و شروان و پنجه بلاد عجم واقع بر بحر محصور ایکن انهار
 متعدده بلاد و رودن متوجه واعظم انهار دن شط ایل و نهر چون
 و نهر سجون و پنجه مانند نیل و فرات سقوط جاریه و انهار وسیع بحر
 مذکور منصب و ناید ایل و لوب زیاده و نقصان اثری بدید و لوز
 صفت بلد ساری بلد مذکور نهر ایل مرقوم دن مستشعبت سکلان نام
 نهر جاری و وزند سلطان بزرگ علیه الرحمه دشت مرقوم بنا و دارالملک ایدو
 اهم دشتی حمای سعادت پیرای سلام و خون کثیر الخیرایمان بجات انجامه
 دعوت اینمکله اکثر خلایق اجابت و شرف اسلام ایل سالک طریق هدایت
 اولغین پادشاه مرحوم شهر مذکور ده ضرب نوبت دولت مجتبه و دفع
 اصوات اذان احذیر و تاسیس جوامع و مساجد و تشیید مدارس و معابد ایدو
 تعلیم معالم دین و طریق شرع متینی تبیین همچون علماء اطراف افاق و کثافی
 مواعید صلاه و تعهد تکریم و عنایات ایل طلب و وفالزینیه افاضه همچون انفا
 و بذل بقود احترام اید و ب تکریم علما و تعظیم شرایع انبیا انمکله قطب الدین
 علامه رازی و الشیخ سعد الدین التفتازانی و شارح حاجیه السید جلال
 الدین و حافظ الدین البزازی و احمد الخندی و بومقوله بنی فضلائی حقیقه و علماء
 شافیه و معتزله و ادبیا و شعرا و ظرفا زمان سلطان بزرگ ده اول بلد ده مجتمع اولوب
 علوم نافعه بعد از وی بیک و جانی بیک زمان نلرنده دخی بسط فون جامع ایدوب
 انوار علم و عمل ایل بلد مرقوم مجمع العلما و معدن الفضلا و عظم بلد زو و غیره اولو
 مداین عالم حسن و بهاسنه مدانی اولزه ی نقلد که اعیان بلد دن بریند برملوک و فرار
 و شهرت بر طرفند کسب و کار همچون دکان آجوب بکرمی سینه قریب خرید و فروخت اید
 کثرت خلایق و از دحام طریق سببی ایل مولاسی خبر دار اولوز و قس علیه الباقی هر که آمد
 عمارت نو ساخت دفت منزل بدیکری پرداخت و ان دیکر کرد همچین هوسی

این عمارت بسرنبرد کسی مدلول پنجه حوادث روزگار و تغلب ایل و نهار
 ایله مفاسد ظهور خاصه یموری نوزک و اید کوانک دور و دراز محاربه
 و مقاتله و هب و غارت و فتنه و شدت و افتای کبار و اسر صغار ایله
 دشت مذکور ده اولان احم اصابت عوارض ایله منقرض بقیه سیه دخی
 جالی اولوب اولاداضی متحرک و ساکندن خالی اولغین انقطاع طریق
 و اختلال خلایق ایل مدینه مذکور دخی خراب و آثاری نایاب اولدی
 ابتدای عمارت دن انتهای خرابیه ذک التمش اوج سنه اولمشدر مصنف
 مرحوم سکز یوز قرق تار یخنده بلد حاجی ترخانده رئیس العلما سمرقند
 خواجه عصام الدین ابن سلطان خواجه عبد الملکه ملا فی اولوب
 انشای کلامه دشت مذکور احوالی مذاکره اولغین خواجه عصام الدین
 سکز یوز اون دورت تار یخنده بر تقریب ایله دشت مرقوم مرور ایدوب
 شدت حال و تعب و زحمت و نکال ایل عبور ایدو کن نظم رشتنه تقریر
 و اول حدودک خرابیه ایما ایدوب عربیه قد کنت اسمع ان الخیر
 یوجدنی صحرا یغری الی سلطانها بزرگ بزرگ نافع تر خالی بحاینها
 فما رأیت لها فی واحد بزرگ كذلك اوله نکامه دشت مذکور اعیان دن
 حافظ الدین بن محمد بن ناصر الدین الکردی البزازی الخوارزمی بر تقریر
 ایله عربیه متى یحفظ الناس فی بلد مصالحها فی بدی حافظ
 محافظها صار سلطانها و سلطانها لیس بالحافظ اعیان فی المشافه
 انشاد ایتمکن مصنف مرحوم خواجه مشار الیهدن سماعا وایت
 و پیرایه اثر قلمشدر فصل یمورک دشت مذکور طرفه عربیه بیاتند
 بوندن اقدام سر زده بر اعتراف تقریر اولندوغی وزده اید کوانک تحریص
 و ترغیب ایل یمور شدت محصور اصحاب سهام طیاره و سیوف تبار و
 دماح خطاره اسود نصاره و نمود کراره مانند بحر زخاره امواجی

محمول بسند سلطان بزرگ منسوب اولان
 استماع ایلدم سلطان بزرگ منسوب اولان
 محکمه خیریه یمور محکمه ایدو بزرگ منسوب اولان

محمول بسند
 بنی شهره خلق بجز حافظ اولسون که اول
 شهرت مصالحی حافظ بدین اوله و حافظی
 سلطان اوله و سلطان حافظ اولیه

تیاره لچ حربی غماره عساکر جلادت ماثر ایله غزیمت و دشت مذکور^{الف}ی
آتش رهبت اتمکین پادشاه دشت توقتا میش دخی ذمای حشم و عظمای
امم و سکان اطراف و قطان اکثاف و دوسر عشایر و وزرای میاسن
و میاسر و سایر اصحاب کمر و فرقه اصداد و رسل و مقابل و مقاتله بهر
اتمکین طرف طرف شعوب قبایل فارس و راجل ضارب و نابیل مقبل و مقاتل
سرعت بی سکون ایله ما صدق و هم من کل حدیب ینسکون عساکر کونا
کون مانند مار و مور منال شور و غور میدان احتشاد عامه ضرب
اونا دخیام ایندک^بر توقتا میش دخی اول جیوش دریا خروش ایله نهوض
و حاضر باش مقام و محاصره و لدی حکم لوح و قلم ایله آیات نصرت
و اجلال یموردک پیرایه و آیات اقبالی و لماغین حین توافق صفین و اتصال
جمعینده امراء توقتا میشدن برامیرنا ساز خروش بی وقت کبی بی محل
نغمه سرا اولوب امیر آخردن طلب دم و ثار و قتلند اصرا را بتدی توقتا^ج میش
بلی سوالک اجابت و خاطرک رعایت اولور لکن حاله طاری و دو حرمال
و ملکه جاری اولان سیول فضا و طوفان بلا منظور در بوغایله اند فاعند^د نصکره
خصمی میدان جزایر تقدیم و قبضه نصرت که تسلیم اتمک مقرر در اول
وقت ادراک ثار و قضای و طارایت دیو نصیحت ایندک^ه میر معاندیو ساسا
اولو کمرک و الاسکا سمع و طاعتم و فرمانک اطاعتم یوقدر دیمکله توقتا^و میش
عناد و تعصب ایله شد نطق و تکلیف ما لایطاق اتمه شمدی بزل صباح
فلاحی مدبر و لیلله شد فی مقبل بر طایفه ایزبوا مرشدید بندکر موافقت
و تاکید موافقت محتاج در دیمکله میر خیانت مسیراق اق نام قیلله
عاق و جمیعت کثیره نک اتفاق ایله عسکردن انفصال و دروم تخویر و دم
ایدوب شد راجل ایله ادرنه ضوای و صحار یسند احوال لرین تنزیل ایدوب
اول طرفلری مسکن و ما و ایندیله بو تقریب ایله عسکر توقتا میش مختل

و غزم حربی متلاشی و مختل و لشیکرینه بهر حال مقتضای غیرت ایله
ترتیب خیل و درجال و تصفیة مردان ابطال ایدوب تیموره مقابل اولد^ا
فضائل تیمور مستدرج الامورک حالی مفهوم و عسکرینک جلالت
و شهاب منلری مستغنی عن البیان و معلوم اولوب سطور نصر و تمکین ریا
حرکتلرند مرسوم و نقوش فتح و ظفر اعلام غریمتلرند مرقد اولغین جیش
ما تند مجمع البحرین تقادم ایله متلاطم و ناره حرب منضاد ایدوب بکردن
کردن کشتان لطفه ذبردست سیفدن روگردان و مخور خیر سزان زخم
خبر تراندن کویزان اولوب ذیاب ضرب متناثر و غورته هادش متناثر
لوامع سیوف سحاب خوفده مانند برق جوال و ارباب الخیل پرده غبارده
مثال ظل و خیال عفاریت سیهام آتش افشان و ضراغیم منایا صایل جسم
و جان اولوب نیجه قیام الساعه دن نشان بدیدا و لغلله جباه جباره و در
اکاسره محراب حربی سجود و مدعیان غرق نشان مقام تسلیم قعود اید^ب
جیش توقتا میش مصرع کشتی کیراد بار و صدمه خور صرصر انکسار اولو
دهکرای فرار اولملر ایله جنود مردود تیمور مانند کون زبور منتشر و ممالک
دشتک مستقر اولوب استیلا ی قبایل و ضبط اوخرو و اویل و قبض ناطق
وصامت و نصرت ساکن و محرک ایدوب باحت قتل و افتا و رخصت اموال
رعایا و برابا ایندک نصکره تقسیم غنائم و اسر کرایم و تغییر قواعد و تبدیل
مراسم ایله سرای سلطان برکری و بلد سر ایچی و شهر حاجی ترخان تخریب
و اهل دشتی کمال اوزره متلاشی ایدوب ایدوب شد احوال و رفع انقال پرله
عودته سرعت ایندی بو تقریب ایله ایدکوا منظور عین رغبت تیمور اولوب
سمرقند طرفه معار و انه اولدیله فصل آیدکوانک تیموره اولان خدعه
بیانندک در ایدکوا مرافقت تیمور ایله طرف سمرقند توجهده علی الطریق
تیمور پشمووردن اخفا ایله عشیرت و اقارب و یاران و مصاحبه سفیر

چاپات مسير كوندربا ولد قلري مكنه دن رحلت و بر منزلده ايكي كون اقامت
 ايتيوب سرعنايله صعب المسالك كثير المالك فلان موضعه نزول لرب انشا
 ايتد و كندن غيرتي تيمور بر عقرب كورد و كند و لره ظفر بولور ايسه نشتر نيشند
 و ضرر پيشندن خلاص لري عدم الاحتمال اولوب آخر كار نشنيت شمل لرينه سا
 و اموال و ازا قلرين دست برد غلذ و تعدي ايد چكن نخر را تمكين قبيله
 مذكوره امثال اعر ايدوب در حال رحلت و ايدكوانك تعيين ايتد و كي مكنه
 منيعه بر سر عتايه كلوب اقامت ايتد و بعد ذلك بوما ما ايدكوانك ايتد و فتح
 كلام و بورد سيمه عرض مرام ايتد بكة پادشاهم فقيرك اقارب و عشيرتي جم غفير
 اولوب معاضد و مظاهر مدد لرحال حال صلح لريله و آنلوك دخی امن
 و راحت معيشت لري بنم اصلا حمله در توقا ميش بنم اولان عداوتك انتقام
 اقربا و حشمه دن اولوب بكا اولان آتش غضب و نار حيف پر لپين آنلوك
 اطفال سيله تسكين اتمك فكريله اول فقر ايه ابصال مضرت ايد چكي عين
 اليقينمدرا اول غاييله نك سدي بنم تدبير حكيمانه مه مربوط و امور مشكله لرينك
 فتحي بنم فكر عاقلانه مه متوطدر اقارب و قبيله زبردست دشمن سخت كرده
 املاح سهام و مطعن حسا و اولجه هنوار عيشم مكد و هر كينه خاطر مغير
 اولق مقرر در عواطف عليه پادشاهيدن مسؤلدر اقتضاي راي صواب
 پيرالوي و زره طائعه مذكوره به استمالت خاطر و تطيب قلب غائب و حاضر
 اولور مرسوم شريف و فرمان منيف تحرير و بر معتد بنده لري ارسال اولوب
 رحلت و ظل سعادت آسوده مه در راحت اوللورين تبنيه بيور مكر اولد شت
 زشتدن خلاص و بيقية عمر مستعاري زير سايه حمايت پادشاهيد كچوب
 خدمت عليه ده شدميان اختصاص ايد لرباقي راي شريف لري اعلا و تدبير
 ملكه نظر عاليلري اولاد در ديو ختم كلام ايد بخر تيمور بيشمور بوجوه
 سندن اولي تر و بومد عا نك حصوله سندن بهر تكريم وارد رايمدي بواحر

اجراست بالنفس اهتمام و بوجوه صحت حصوله بالذات اقدام اتمك كرك
 ديدكده ايدكوانك استر حال ايجون مرسوم شريفه حامل بر امير دخی معا اولق
 لازمدر ديمكده بر امير و استمالت نامه لرب ايله ايدكوانك اطراف مرام سوق مطينه
 عزيمت ايتدي بعد تيمور حباله مكر ايدكوانك كرفتار اولد و عن اشعار ايدوب
 استر داي ايجون آدم اسراع ايتد ردي ايدكوانك رسيد سر منزل مقصود
 اولد قد نصكر قاصد مرقوم قدوم و تبليغ مفهوم ايد بخر ايدكوانك فوق طريقي
 اولان امير و بعد كلان سفيري حضار و مافي القميرندن بورد سيمه اخبار ايتد بكة
 تيمور اهلاك حرث و سيله ساعي بر ظالم بي اماند خوف الله ايله صحتندن بيزارم
 ايمدي تبليغ حال ايجون صا جكنه بركون مقدم لوجه استعجال ايدك ديمكده
 مزبوران دخی سيرا تاري ايله عزيمت و حضور تيمور كلوب تبليغ رسالت ايتد بكة
 تيمور ضرر و بضررم ايله بخر خونا به ندامت ايدوب غيري ندارك امكان
 اولما مغله نفاقل ايله معامله و سمند عزيمتن سر قند طرفه اجاله ايدوب
 بوند نصكر دشت مذكور طرفه امر و نهني قالمدي روايتد كده تيموري مدت
 عمرند ايدكوانك قاضی القضاة ابن خلدون اتي للكردن غيري خدعه غريبه ايله
 كرفتار حباله قريب ايتد كسسه اولما مشدر فصل نواحي شمال امير ايدكوانك
 توقا ميش خانك جد اللري بيا نند در امير ايدكوانك تيمور بچو پنجه سندن
 خلاص و عواشي و غواشي سي بينندن برون مرام اختصاص بولد قد توقا ميش
 احوالندن و حركت و سكوتندن هواز محوز و مفتش اولوب يوم شنه ايجون
 احضار عدد و عدل ايله روز پر خاشه حاضر باش اولد و غندن غيري
 دعواي سلطنته لياقت و استعدادي اولما مغله نصب سلطان جديد
 و دارالملكه پادشاه نو تمهيدايدوب رؤس قبایل و امرای عشایري دعوت
 اتمكين سمت سمت قبایل سمع اجابت ايله طرفه سرعت ايدوب باختشاد و
 مقاومت توقا ميشه تحصيل استعداد ايتدي توقا ميش دخی تيمور پنجه سندن

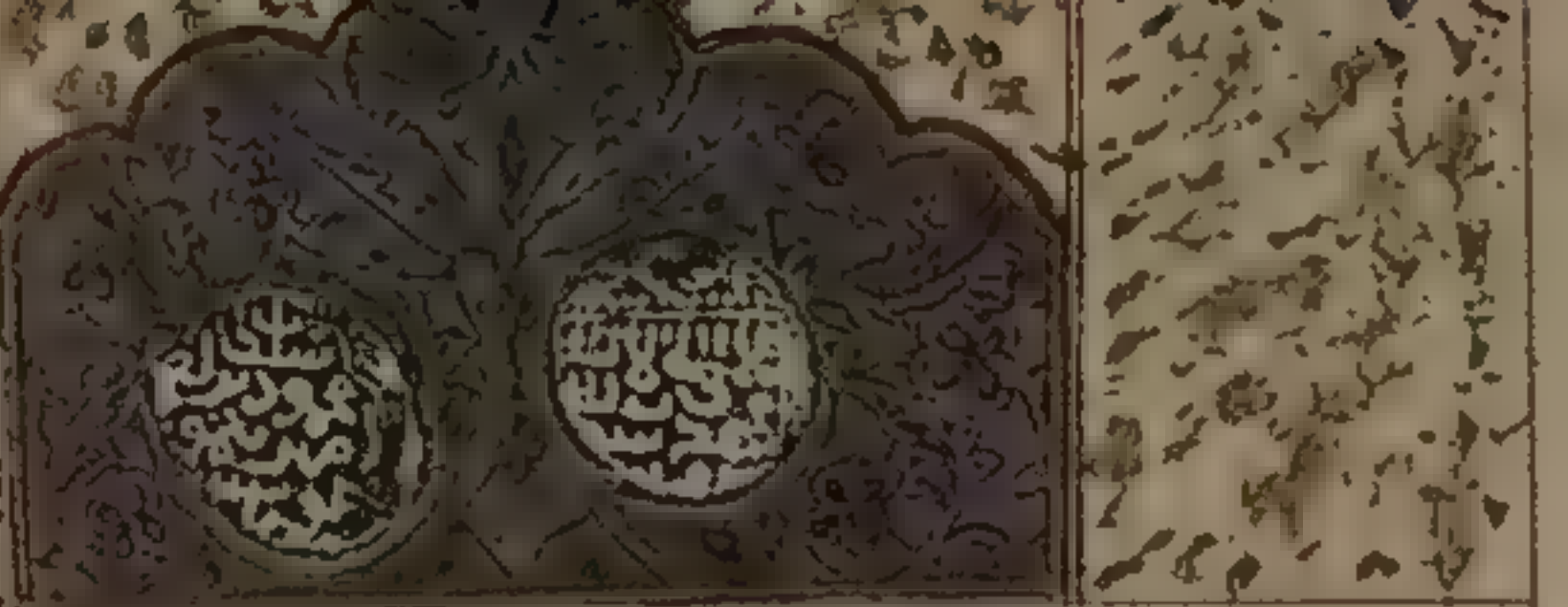
هنوز خالص گریبان ایدوب هر حال کسب راحت ایتد کد نصکره عسکر نازه
 جمعیتنه مبارکت و تهینه ادوات جنگ و یگان مبارکت ایدوب ایدکوانک
 ازاله و قطع جل الورد حیاته مساعده ایتدی مابیند مکرر ابرق
 براق شمشیر آتش برستیز و محاصرت دورادور فتنه انگیز اولوب گاه مشا
 نسیم نصرت بونک برجم طوغنه آرایش و گاه غایب ساری صبا فرصت
 انک کوه طره فرامنه کشایش و یروب حاصلی اون بش بوقت بزم و زمزم لب
 شمشیر نیزاب ایلد مباح و باع کرز و کند ایلد معانقه ایدوب آخر کار اید
 کوانک آب و تاب فرقه شوکتی مکرر و مرات تاب و توانی غبار انکسار ایلد مغیر
 اولغین بیشوز مقدار ارباب خیل ایلد محار طرفه دوان و غوطه خور بجار
 دیک روان اولوب اول نواحی و ضوا حیدر نابدید و نه دایره ده مخفی و نه قطره
 مخفی اولدوغی ناشید اولغله ممالک و مسالک دشت مسلم دست تصرف
 توقنا میش اولدی لکن پیوسته ایدکوا طرفین ملاحظه و اخبارینه مشتوق
 و نه طرفه اولدوغی آثارینه مشتوق ایدی مابیند نصف سده مقدادی
 ایام مرور ایدوب باثری آغیندن و خبری السندن منقطع اولغین توقنا
 فی الحمله خاطر توقنا شوب یقین هلاک ایدکوا ایلد امین اولدی ایزین جانب
 ایدکوا اولطر فلک مهالک و مسالک و مداخل و محار جندن باخبر اولوب ستر
 حال ایلد اولطر قری کشت و کذا عربیه اَرَقِبَ الْقَصْدَ وَ ارْتَقِبَ قُرْصًا
 وَ انْتَهَزَ وَقْتَهَا اِذَا مَا جَا وَ اَمْرُجَ الصَّبْرِ فیه سَوَفَ تَرَى وَ دَقَّ التَّوْتُ
 صَارَ وَ یَبَا جَا مَدْلُوبُجَه مترقب فرصت اولوب توقنا میش طرفین هواره
 نقبتشدن خالی اولمرایدی عاقبت سر نهاده باین امنیت و عسکر ندن
 منفرد اولدوغنک خبرین آلدوغی کبی آخچه خیلده سوار و استار لیل ایلد
 استنار حال ایدوب جبال سیری بر برینه توصیل و خواب خوری شهر و جو
 تبدیل ایدوب مانند برق خاطف آرمگاه توقنا میش علی الغفله مختطف

مجلسی
 فی الحمله خاطر توقنا شوب یقین هلاک ایدکوا ایلد امین اولدی ایزین جانب
 ایدکوا اولطر فلک مهالک و مسالک و مداخل و محار جندن باخبر اولوب ستر
 حال ایلد اولطر قری کشت و کذا عربیه اَرَقِبَ الْقَصْدَ وَ ارْتَقِبَ قُرْصًا
 وَ انْتَهَزَ وَقْتَهَا اِذَا مَا جَا وَ اَمْرُجَ الصَّبْرِ فیه سَوَفَ تَرَى وَ دَقَّ التَّوْتُ
 صَارَ وَ یَبَا جَا مَدْلُوبُجَه مترقب فرصت اولوب توقنا میش طرفین هواره
 نقبتشدن خالی اولمرایدی عاقبت سر نهاده باین امنیت و عسکر ندن
 منفرد اولدوغنک خبرین آلدوغی کبی آخچه خیلده سوار و استار لیل ایلد
 استنار حال ایدوب جبال سیری بر برینه توصیل و خواب خوری شهر و جو
 تبدیل ایدوب مانند برق خاطف آرمگاه توقنا میش علی الغفله مختطف

اولدی توقنا میش لیاقتیه اول وقت اکاه اولدی که سواریت و جل
 و عفاریت اجل مباحنه دو شمش هر طرفدن ضرب حسام و طعن نهام
 ایلد طریق بخان ملزم و هر چه تدن توجه و نزول قضای مبرم مشاهد
 ایدوب هر چند مجادله و مزاوله ایلد مجال خلاصه جد و جهد ایتدی
 ایسه فایده مند اولما مغین آخر کار جرعه کش صهای مرک اولوب
 غوغای سلطنتی ترک ایتدی بوقعه فاقعه ایلد عدد محاربه لری اون
 النی اولوب فوت توقنا میش ایلد تولیت دشت ایدکوا به مسلم اولغله
 توقنا میشک اولادی متفرق و جلال الدین نام ولد ارجمندی رؤس
 و کربال طرفه و سایر برادر لری سفتا طرفه متشت اولدی بعد
 ذلک ایدکوا تولیت و زمام سلطنتی مراد ایتد و کمنه ضبط ایتد و اولد
 از جمله قوتلغ تیمور خانه بعد برادریشادی بیکه بعد ذلک فولاد خان
 ابن قوتلغ تیمور بعد برادریشادی تیمور خانه ضبط ایتد و مکه تیمور مرغوم
 ایدکوا به تسلیم زمام انقیاد اتمیوب سالک طریق محاصره و غناد اولغین
 تار بود شقا قلوای التمام و دام نفا قلوای انتظام بولوب ظلمات فتن مابیند
 محبتک و نجوم شور لیلی محاصره لوند مشیتک ایکن سکونوزاون دورت
 تار بخند مشرق سلاله توقنا میشدن بلاد و سدن بدالدوله جلالتیه
 ظهور و میدان جلالتیه دعوی ملک پدرا ایلد صدور ایدوب تقا تم شور و شوق
 و تلاطم بحور فتور ایلد کشتی اقبال ایدکوا بر کشته و تیمور کشته اولوب ملوک فجاق
 بینند استمرار مضاف و استقرار استکفاف ایلد ایدکوا دخی مجروحان بچوند
 هلاک بعد جنازه سی اخراج و سر ایچقد متواری زیر خان اولدی بوقرب
 ایلد قبایل دشته نقص و شتات طادی و سیل خلل و اختلال مسکن و مأوالینه
 جاری اولوب تیمور و قعه سندن لایق و لایمخصی طوایف مقبور و ماسوا اولد
 ماعدا بونلرک بونلرک رای معکوس و حرکت منکوسلری ایلد دخی کبر قبا ایلدن

قرا بندگان نام قبيله و نچه قطعه و شعبه روم و دوس طرفلرینه جالی کیمی اسیر
 مسلم کیمی مرند مجرم اولوب قلت ترزد و کثرت برف و باران و قوچ ديك
 روان ايله بوللری مسدود و آثار جاده لری نابودا و لغین اول خدودك
 جالی پریشان اولدي آيدکوی مرقوم شديد السمع مرتب القامه شجاع و جواد
 و مهيب مبشتم و صاحب رای مصیب سهام فکری ثاقب افکار و مکاید
 غالب محبت علما مقرب صلحا نهاده صایم لباله قايم شریعت غریبه مقتد
 سنت و کتابا ايله مهندي اولوب بکرمي مقدادی اولادي جمله مطاع اصحاب
 جنود و اتباع اولغله بکرمي سنه مقداری دشت مذکورده روی یام
 اقبال مهور دلت ايله مجاز و چهره لبال اجلائی بدر سعادت ايله مطرا اولون
 حکایات عجیبه و اخبار و نوادر غریبه سی تفصیلی بو مختصرده کجاییش پذیر
 اولما مغله اختصار اولندی **فصل** بوندن اقدم نکاشته کلاک
 چابک رقم اولدوغی اوزره تیمور سلطانیته به مرور و بلده همدانه عبور
 ایدوب سلطان مار دین الملك الظاهر یقید محبسدن اطلاق و تولیت
 مابین شام و عراق ايله دارالملکته ارسال ایتدک نصکره معا اولان حواشی
 و مواشی و احم متارشی دشت ايله ممالک تنک مسالک عجمه اقامت ممکن
 اولما مغله سمرقند طرفن قصد و واروب تنزیل احوال و تخفیف انقال ایدق
 من غیر توانی حرکت فتهر ايله قطع جیجون سریع الجریان و طی منازل
 خراسان ایددک ادریجان و وصولنده اردنجان حاکمی اولان طهرتین مراسم
 تیمور اذغان ایدوب طوق اطاعتن پرایه جید مطاوعت انمکن مداین
 و قصبات و قراسنه طاله دست خسارت انیوب بقای حکومینه اجازت و یر
 بعد ذلک تشبیر ذیل و مار دین طرفنه سوق خیل ایدوب قراسنه بلان ضرر مرور
 و بلده رها اطرافن فرسوده سنابلک الخیل و ستور ایدوب طرف شام غریبت
 ابتدی فصل تیمورک شام و قیصر بر طرفنه اولان مکتوبلری بیانتده در

تیمور مغرور ماو دیندن نهضتد بلده روهایه آتش انداز دعت اولوب
 قصد نهب و غارت ایتدکله اعیان و لایتدن الحاجی عثمان نادر مرد
 مبارک قدم فرخنده دم استقبال و سلسله جنبان تضرع و ابتهال
 اولغین بر حمل حمل مال ايله مصالحه ایدوب توزیع و تقسیم و جمع و تحصیل
 و خزینه خزانه تیمور تسلیم ایدوب خلاص کریان ایتدیلر بعد ذلک
 مغرور مرقوم قیصریه و توقاد و سیواس حاکمی قاضی برهان الدین ابی عثمان
 قاصد نحوست مرصدا صدار و نامه شدت خامه سن تهدید و تشدید
 ايله مشغول و درعب و تحویف ایلد مقرون ایدوب ارسال و مهور منده خطیر
 و سکه ولایت و ایالت محمود خان یا خود سیور غایمیش خان و کند نامه مسکول
 و مسبول اولغق استدعا انمکن برهان الدین رسل و سایلنه اعتماد و عهد
 و پیماننه اعتقاد ایتیب رد جوابه تقید اتمد و کندن غیر قاصد لری
 کشته و سر مقطوع لری خداملری کردنه آویخته و شهره شهر و تذلیل
 و قهر ایتدک نصکره لاشه لرین ایکی قطعه برین شهنشاه روم سلطان
 بایزید مرحوم بادرگاهنه و برین سلطان مصر الملك الظاهر استانه سنه
 ارسال ایدوب قصه بر غصه تفصیلا املا و مضمون مکتوب تیموری دخی
 انها ایتد و کندن غیر سلیک عرض حاله بود سه نظم لالی مقال ایتدیکه بو
 فقیر کرد پای سمند کوردون نوردیکردن ذره و بخار بجا ده تکردن فطره
 اولوب ملک و مال و سرت ملک و مالک و جمعیت خاطر مدوام عیش و رفاهت
 خاطر کزدن بو قدر ضعف حال و قلت مال و رجال و ضیق دایره و عدم
 حاشیه ایلد تیموری استهوا و قاصد لرین افنا ایتد و کوسرت اقامه اعلام
 دولت و نشر ریایات صولتکرا چون اولوب حمیت ملوکا نکره اعتقاد و امداد
 مظاهر نکره اعتماد ایلد دردد و لک نکره سپر و مقدمه عسکر جلادت اثر
 و پیشرو طایع و طلیعه و قایعکم و الا بومر تبه جرات و تیمور ایلد مقاد



روشن اولد که بیخمن اصل اولان نغزک عرب
 عبارتی آن خطیب با اسم محمود خان آویسور غایمیش
 اوزره اولغله تر جهری دخی اول سیاقده خبر اولمش
 لکن نیر یواسانه سکه لاله الا الله تحت مسکول
 ال کیروب بر طرف ایلد تحری و طرف آخری سلطان
 اسامی چهار بار کونی ایلد مسکول اولوب
 محمود بیانی امیر تیمور کوردکان ایلد مسکول اولوب
 اما منظور اولان نورینجی تیمورده فوت
 سلطان محمد اولوب بر جهری و لی عهد انیشدر
 اولغله برادر بر جهری و حفیدی اولما مغله نغزک
 محمود ناضد اوغلی و حنفیدی اولمشد اللهم انجی تیمورک
 و تطبیق لری مشکول اولمشد سلطان محمد محمود ایلد دخی بنام
 ولی عهدی اولان اسما سکه مذکور به نظر انیور بعد
 اولمش ولی اسما سکه مذکور به نظر انیور بعد
 السلطنه اسم محمودی اختیار انیش اولد انجی
 یافته اولما مغله ایدکرده اصحاب تورج اولما مغله
 و الله اعلم بحقیقه الحال و یا خود تیمور حال جانتین
 حفیدی سلطان محمودک بن الخاری شهرت و رغبت پیدا
 سکه ایتد و کورد و فوندن سکره خاص و عام اطاعت
 ایتد و رب کند و فوندن عصیان اولما چون اولمش
 روگردان و سالت طریقی عصیان اولما چون اولمش
 اولد و سکرده اسم محمودی تیمور کوردکان اوزرینه
 تقدیم ایتد و دخی تورج چون اولمش
 معنای تحقیق ایدر

عروج ایتدکن مدنظر ایتدکنه الحرب خدعه مسلکته سالک و جباله
 احتیاله متمسک اولوب قلع دام مصید الات نادیده وادوات ^{شینه}
 احضار و جل جدید ایله مثلث الاطراف مستعدا لاوصاف مانند تثلیث
 نفاق اصحابا وفاق اصطناع شوکات حدید امر ایتدکنه فی الحال جدان
 انشاز و آهنکران آهن کداز اول شکل هزاران هزار مانند خار حشک
 خرده وات حدید اعمال و احضار اتملر یله ظلمت لیل خار مر دار مذکور
 مسالک اقیاله الفا و پریشان و حدود و اول و آخرین اصحابه اعلام
 و اعلان ایتد و کندن غیر میمنه و میسر بر مقدار کلمات دعات دخی
 مرصاد نشین یعنی در کین ایدوب هر تدارک مهیا اولیحه سلطان سنا
 جواب آفاقه نشر خیل و میر جیش جنبش انجم ایله هنریمه تشبیر ذیل ایدوب
 مصباح صبح تابان و دوست و دشمن نمایان اولیحه تیمور جسور
 تهذیب خیل و رجال و تمهید قواعد ضرب و قتال ایله سوار و خار حدید
 ایله محدود اولان طرفه سوق عساکر جرار ایتد و کی منظور پهلوانان دهند
 اولیحه جمعیت ثقیل فیل در پیش و اصحاب شمشیر و خنجر و ادباب
 پیر و برادر قفا مانند سیاهی غمام تیمور طرفن قصد ایدوب تمام
 محل معهوده رسید اولد قلند تیمور صورت انهرام کوسنور مکین
 طایفه بی انتباه بیت هر پشه کمان مبرکه خالیست شاید
 پلنگ خفته باشد مدلولندن آگاه اولوب حشک آتشناک اوزده
 سوق فیل فیادرات اتملر یله فوک شوک مانند سوزن دلدوز و مثال
 بیکان سر نیز خونریز خلیه ساز پای اقیال و اول خار عقارب سان
 قوایملرینه زخم رسان اولیحه در ساعت اول حرارت جگر سوزانیده
 رجعت قهر ایدوب در قفا اولان جنود هندوک اکثرین پامال
 وازدحام بی آرام ایله زحف و جل اثر و مصادف اولد قلری اشخاصی

زیر و زبر ایتد و کلرندن غیر میکنکاهه اولان ادباب رصد دخی بدر
 اولوب اولترین آخره و اخرین اوله استیصال ایله ایصال اتمکین فقرای
 هندک قتلاسی مانند جیل لبنان و نهر خونری مانند سیحون جریان
 ایدوب بی تاب و توان بادیه حیرت سرگردان اولدیلر بوقصه غریبه
 بوجمله دخی زبان زد ثقات و ایتد که بلاد هندده شتر مقوله سی
 اولیوب عدم الفتدن ناشی فیل جسورک جمله مقوله سی منقوری
 اولدوغی تیمورک معلومی و لعله پیشوز مقدار بعیر جفولک راحله
 و کتیبه لرینه حشوق فیل مدقه و بعض خطب و عطی ایدوب تلاقی
 جمیع و تقادم فریقیند فیل لراشعال و مواجیه اقیاله سوق بی اهل
 اولند قد جمال احساس کر میت آتش ایله اضطراب و صوت و رغا ایله جلوه
 و رقص بیتا ایدوب فیلر بوضع نادیده و ناشیند یر تعلق نظر و آلی
 الایل کیف خلقت مغز اسبجه اول ترکیب بوالعجب ایله مدهوش حیرت
 اولوب مانند فیل آبره بر نافته دو و در قفا اولان جنود هندوی
 پامال وازدحام بی آرام ایتد کلرندن غیر برده کیند مستور اولان
 اصحاب تیمور دخی ظهور و طیارا بایل نباله پرواز و برملر یله اهل هندک رای
 معکوس برله دایات تاب و توانلری منکوس اولدی لکن هنوز ادباب غیرتدن
 بقیه مثال لیل مظالم ملابس جدید ایله مبارز مقدملری اولغین تکرار
 احتشاد ایدوب تا نارا ایله تقادم و تقارع و دمی سهام و ضرب حسام
 ایله تنازع و تدافع و ضرب مختلف و هجوم و تلف و حول و صوللری تمتد
 اولوب لسان قضا کریمه ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الکیل و النهار
 تلاوت و غراب لیل نشر جناح ظلمت ایدوب صحبت باقی و هر کس فکر فرد ایله
 کلبه اخراته دفع پایدی علی الصباح قافله لیل اتمال ایدوبه هتوک مزاج

رغا دوه آوازی
 معنا سندر در

قدرت و قوتلری اختلال و عقود اعصاب توان و تابری اختلال بولمغه
 بریشان و ناپیدا و سلطان ملوادی ذلت فراره مبتلا اولدی بوقریب
 ایله سلطنت هند دخی دست تصرف تیموره مسلم اولوب فرادیلرک قتل
 جمع و ساز و سلبلری ضبط ایندکد نضکره اولهنگامه پای تحت مملکت
 هند اولان دهله نام بله تخیرینه متوجه اولدی بله مذکور جمع
 ارباب فنون و فضل و معقل تجار و معدن بهار عظیم السواد و لغین
 تیمور مانند مارد و مورد عسکر تا محصور ایله احاطه یه قادی اولوب هزار
 مزاوله و محاوله ایله بر طرفین فتح ایدوب طرف آخری وچ کون دخی
 مقاوم ایله انجق ناچار تسلیم مدینه یه قرار و یر دیلر فصل سلطان سیواس
 برهان الدینک و ملک مصر الملك الظاهرک و قاتلری بیاتند و تیمور
 پرفتور کرسی نشین سلطنت هند اولوب قطار و اعماق و اغوارینه مستولی
 و مال و منال و تحف و طرفین محتوی و لمغه ترا و بحر و شرقا و غربا نشر
 جنود و ضبط حدود اتمک اوزره ایکن سلطان برهان الدین سیواس
 و الملك الظاهر برقوق مصرده ترک غوغای بی مثال دنیا و عازم دار الخلد
 بقا اولد قلری خبر یله مبشران تیموره ورود اتمکین الشراح تام و افراح ما
 کلام ایله شام طرفه نشر جناحه تصمیم نیت ایدوب تمهید امور هند
 استیصال و تعیین نایب علی الاستقلال و نقل بقود و خود و حمل بقایس
 اموال و تحمیل تحف و طرف اقبال ایله جمع اقبال و استحباب رجال هند و اعیان سند
 ایدوب قریز العین سکر یوزایکی تارخی اوایلند سمرقند کلوی طوفان عسکر ایله چیوند
 عازم خراسان اولدی صورت ظاهرده سلطان برهان الدینک مقدما قاصد لرینه
 ایندکد غدرک انتقامنه کوشش ایند و کنه انتشار و یر مش ایدی کن عربیه
 وَأَنِّي يُجَنَّبِي لِلشَّمْسِ ضَوْوَةً عَلَى الْأَبْصَارِ فِي ضُجُوءِ النَّهَارِ وَكَيْفَ يَسْتَبِيرُ
 ذُقْ الْمِشْكَ يُجَشِّنِي خِيَا شَيْمِ الْوَدَى فِي يَوْمٍ حَارٍ وَأَنِّي يُجَنَّبِي لِلطَّيْلِ

مختصر
 ضیاء
 یاغور
 طولد
 جالند
 اولور
 قوتلری
 اختلال
 و قوتلری
 اختلال
 و قوتلری
 اختلال

صَوْتُ عَنِ الْأَسْمَاعِ فِي وَقْتِ الْفَنَاءِ مَدْلُوحُهُ فَصْدَى عَامٍ أَوْلَدُوهُ
 ظاهرایدی لکن ابطال ایدردی زیرا اضمارا بتدوی سفر طویل الامد بعید
 المدد اولوب مانند غزو یونک عسیر السلوک ایدما اول واندن بریز
 و اول طرفه فرمان دان اولان امیرانشاه طرقدن تیمور نصایح ویر
 زنده مشتمل نامه ارسال و سلطان احمد جلایری تکرار بغداد رجوع ایند
 اخبار ایندی فصل معنای مکتوب امیرانشاه ابن تیمور تیمور مغرور
 کار هندی رسید سر منزل انعام ایندکن فرزند فروزند اختری امیرانشاه
 طرفدن نامه وارد اولوب زعم بعض روایت بله انشای مقاوله و محاوره
 بو طریقده سوق کلام صدق اخبار ایشک کدای پدر کبر سن و فخور حواس
 و ضعف بدن ایله اقامه شعایر ریاست و تحمل زحمت سیاست یالند
 عاجز اولد و عکس ظاهر دزامدی اصحاب تقوا و ادب اباب همدان ایسه کز
 اولی ولد که ذوایای مساجده قاعد و عبادت الهیه ده هواره رکع و ساجد
 اوله سزادای خدمت پدری ایدر اولاد و ضبط ملک و مملکت ایدر اخلاص
 بالغ نصاب کفایتد قریب تصور هلك ایله فکر و دراد و در ملک عافانه حرکت
 دیکلد عربیه قَبِضُ مِنَ الْقَطْرِ مِنْ حَلَاةٍ وَشَرِبْتُ مَاءَ فِرَاجٍ وَوَقْتُ
 بِنَالِ بَرِّ الْمَرْءِ مَا بَرَّحَنِي وَهَذَا كَثِيرٌ عَلَى مَنْ يَمُوتُ أَوْ عَيْنٌ بِصِيرَتِ
 و چشم عبرت ایله نظر حقیقت ایدر سکزد نیایه نازک و عمل آخرت طریقت
 سالک اولور سزد و تالور مالک ملک شداد و حایز تحف عالمه و عاده
 نصر و عون ایله بالغ مقام هاما و فرعون و احتوای خراج ربع مسکون ایله
 مالک خزائن قارون و خرابی بلاد و هلاک عباد ایله بخت نصر و کوکبه
 و دبدبه ده مانند قیصر اولدک نه فایده مترجمه الفقیر نظر
 سلیمان جاه اولوب بخت چهار و ازوردک طوت نه مرادک خاتم انکشت توفیق
 کچوردک طوت نه یازد ارقام و اعداد مطالب لوح عالمه نه تمام انس و جان تخیر نه

مختصر
 ضیاء
 یاغور
 طولد
 جالند
 اولور
 قوتلری
 اختلال
 و قوتلری
 اختلال
 و قوتلری
 اختلال

وفقت دوشوردك طوت نه قالور برينك نام المني شها بوكه نه منزله نه
مرصع تاج ايله ايوان كسراده او توردك طوت نه غرض بودج باقي بوسفون
يوخسه نه حاصل نه جهانه مالك اولدك سلطنت ديواني سوردك طوت نه
ايكي عالمه راحت استرنيك مرتضى مردم نه ايدوب ترك انانيت عبوديت نه
يوردك طوت نه رجعتا الى ما نحن فيه وبالجملة صانكم بالغ سلطنت اقطا
ودنيادن مراد اوزن قضاي و طارايدوب عمر ك اطول اعمار و خدامك
ملوك امصار و جالادك نه نسبت قياصن قاصر و كاسر منكسر و حواسي
تبع و نجاشي و خاقان و فقفور فزان شها منكده ماسور و سلطان
مصر مقهور و سكان اقاليم زير حكمت مجبور اولدي عاقبت نطا اول
فصورك مابل قصور و نهايت كمالك نقصان و مسكنك قبور اولق
دكليد رغبته **فَقِشْ مَا عِشْتَ فِي الدُّنْيَا وَادْرَكَ بِهَا مَا شِئْتَ**
مِنْ صَيِّتٍ وَصَوْتٍ خُفِظَ الْعَيْشُ مَوْضُولٌ بِقَطْعٍ وَجَلَّ الْعَمْرُ
مَقْقُودٌ بِمَوْتٍ اي پدر حضرت نوحك عليه السلام طول عمر و قومي و ذرية
نوحه و حسن عبادت و شكرين و حضرت داودك عليه السلام فصحت
ملك و ذكر و تسبيح بعد حضرت سليمانك عليه السلام و انش
وجن و وحش و طيور و ريجه حكم و تجيد و تهليلن و ذوالقرنينك
تشديد سدين صدفين و ملك مشرقين و مغربين تذكر و تفكر انز
خاصه سيد الانبيا خاتم الرسل و الاصفيا المرسل رحمة للعالمين
الكاين نبيا و آدم بين الماء و الطين محمد المصطفى و احمد المجتبا
عليه افضل النبايا كه نصرفي بابتد حضرت فاعل على الاطلاق انبيا
عظا مدن اخذ ميناق ايدوب مشارق و مغارب جهان ديده
حق بينده نمايان و خزائن ارض و غايب و شاهد خدمت نصرفنه
تقديم و جنود ملائكه مقام نصرتنه دامن درميان تسليم

مقصود من هذا
دنيا نه نقد رغبته
اول عاقبت رغبته
و عمر نشسته في نور مقفود در

و انش و جن و وحش و طيور و هوام نبوتنه ايمان و ملك جبال زير فرمان و شيم
صبا طريق نصرتنه و زان و ريح ديوار هلاك اعداسنه پويان مسافه
يك ماهه دن يد و لسان جباره رابطه هيبتيه مقيد و خدمت
مهاجرين و انصار و كريمة ثانی اثنين اذها في الغار ايله مؤيد راكب راق
عاج سبع طباق علت موجودات خواجه كايينات صاحب معجزات
سلطان جم غفيز قانع قوس شعير بنوع الخير اصابع كريمة سندن
كرده هزار نشنه لب جليل النسب قره العين جد و اب بدر ليله
شق القمر مسلم سلام و تسليم ضبي و حجر مظهر كرامات مخدوم
عنايات باقيه يعني جلوه كاه انوار قرآن مجيد الذي لا ياتيه الباطل من
بين يديه و من خلفه تنزل من حكيم حميد و مبشر و نذير خير
لك من الاول و لسوف يعطيك ربك فترضى نيجه دعوت ابراهيم
الخليل و سيله موسا و بنى اسرائيل ممدوح نورته و انجيل حامل لوى
الحديد بور القاسايه انداز اولاد آدم و خواصا صاحب مقام محمود مالك
حوض مورد مظهر نداى سعادت پراى قل تشمع اشفع تشفع
سل تقط حضرت تيرينك و ساير بنايع الخير مفاتيح السعادات انباى
عظام حضرت تيرينك دنباى دينيه رغبته دكل بلكه خفارت ايله نظر
ابتد و كلرين و تعظيم امر الله دن غيري و شفقت عباد الله دن ماعدا
مهملى اولد و غن و خلفاي راستدين و ائمه مهديندن ميان امتد
قرين منزله سنده اولان عمرينك نصفت بعد امامين عليين و خليفين
مكرمين حضرت تيرينك معدلت و ساير ملوك كامل و سلاطين فاضلك
رعايت شرايط حقوق الله و رحم و حمايت حماي عباد الله ايله تمهيد
قواعد خير و طريق هدايه احسن سير ايتد و كلرين و الى الان سعيلى
مشكور و ذكر لوى لسان صدقه مذكور اولد و غن بغير يا د خاطر انكده

مجلسی است
یعنی کسی که در مجلس است
زبانان همان کلام در معنی انسان
فوق کلام اولی و ثانی که در کلام اول
دیکر کلام اول و دیکر

تابع مائز لری و لبوب واعظ شیب ایله دخی متعظ اولی سر عربیه
فکر حدیثاً حیاتاً ذکره فائماً الناس احادیث عباد الله مسلط اولی
اموال و خدم و حشم لری حیاتاً یتدک تقدیر جه قلوب لری کباب و فتنه
سما ما نسوز فتح باب ایتدک عروج سبع شداد و بالغ منزله فرعون
و شداد اولوب دفع قصود شامخ البینا داید برست دخی مضاهی اید
و عباد اولی سر سنیدن اقدم اولان ناهی و امر ماضی و غایب و طاعی و فاج
اولان لری عین عبرت ایله نظر ایدوب بو خطاب جامعدن جوابه قانع اولی
عربیه اعط القوس بادیها و انزل الدار بانها مدلولیجه وضع
الشی فی محله اید سر و الاساعی بالفساد لردن اولی سر و ادوب ضرب
یدین ایله سنی منساوی الرحیلین ایدرم و التسلط فصل تمود و دود کتا
مذکور ایله تبریزه عنایتاب و محرک دکاب اولوب سنه مذکور ربع الا
بدیخی کوی قوه باغه ملاک رسان و وصول ولد قن امیرانشاهک خدمت
مجتهدن معارف اتحاد بعض مدعی فسادنها اولوب از جمله قطب
مواصل نام که استاد علم موسیقار و فن اید و آمده اعجوبه روزگار اولوب
استنطاق ایله اسکات عود اتمق و اغانی به آغاز ایتدکجه اید و احه غنا
بخشای غوانی و مزماره نفخ روح ایتسه شغای قلب مجروح و مداوا
فواد مقروح ایدردی سماعه دیده عراق مشتاق کار و نقشه اسماع
جهان عشاق خطا بنده عود خطا ایتسه قولا غن بودردی دوزخ دایره
قصود ایتسه سینه سن و کردی و نقوب نیدن جمله انتقام و شغب
و اصولی داو فن مذکورده مصنفات کثیره املا ایدوب امیرانشاه مجتهد
محظوظ فرید عصر و وحید دهر بر مرد ظریف ایدی لکن تیمور لهنو و طرب ایله
نه چندان مشغول اولوب امیرانشاهک افسادی تهمتی نسبتی ایله مرقوم
و بعض و بعض اهل بغی و فساد طعمه شیر شمشیر تیموری و لدی قوه با غده

رفاج کوی

بر فاج کوی کسب راحت و ترویج دواب و استراحت ایتدک دکنسکره سکون بود
ایک سنه سی جامدی الاخرینک ایکی کوی روز پنجشنبه محل مرقوم دن حرکت
بسیرو اول قریه قلعه بلفیس نام حصن رصینی فتح و تسخیر و کر جستان
طرفه اماله تکام مسیر ایتدی واروب مستولی اولدوغنی قلاع و بقایع
تخریب و ظفر بولدوغنی کپیر و صغیری قتل و اسیر ایتدک دکنسکره طرف
بغداده عنایتاب عنادا اولدی تیمور غدارک تکرار بغداده تو جهی سلطان
احمد باعث خوف و هراس اولغله سنه مذکور ماه رجب المرجینک
اون ایکی کوی تحریک لوا و قوه یوسف سایه سنه الحاق ایتدک و کی تیمور
کوش کزاری اولغین عنان کش عزیمت و غماهل و تکاسل ایله نزول و حلت
ایدوب عربیه اموره یغدی بعلوی و انتم مرادی فلا سفیدی اید
ولا علوی مدلولیجه تیمورک نماطل و تقافلن مشاهده و کر جستان دن
غدم خروجنه قرار داده اولوب سودای باطل و فکر عاطل ایله سلطان
احمد و قوه یوسف نهضت و مدینه دار التسلط عودنا ایدوب جلسه
خفیه اتمشیکن تیمورک کر جستان دن چقوب بو طرفله تحریک دکا
ایتدک و تکرار باعث اضطراب لری اولغله عزیمت روم ایدوب
شه نشین لری نشینکاه غراب و بوم ایتدیلر بعد ذلک تیمور بل ظهور
وقت صیفه مصیف ترکانه عطف عنان ایدوب اغا دسفا ایله
کمنه مبتلای بیداد و حیف ایتدی لکن بهر حال حرکت بی برکتی ایله
احوال عالم مبتلانی و خط حواشی و مواشی اولوب خاصه حامی حمای
منصر و شام الملك الظاهرک فوق و تکمیلان حظیره میواس برهان
الدینک موتی و بر برینه متقارب زمانه بعض ملوکک اهلاکی ایله عامه
انام مائتدکوسفندی ثوبان سرکردان اولوب اولکرت دزنده فکرینه
دوشدیلر فصل سلطان برهان الدین احوالی بیاننده در سلطان

مجلسی است
یعنی کسی که در مجلس است
زبانان همان کلام در معنی انسان
فوق کلام اولی و ثانی که در کلام اول
دیکر کلام اول و دیکر

خطی
جاد و دود و باغی

مرفوع ملک بدر سعد اختری قیصریه ملکی آتشا نام کشته نک زمان
حکومتند قاضی شریف غرا و صد نشین محکم قضا اولوب منظور
عین رعیت پادشاهی و امراء قرمان بینند محترم و صاحب منزله
عالی ایدی پس از چندی برهان الدین احمد عنفوان شباب طلب علم
راغب و مجتهد و تحصیل فضایل مجاهد و منفرد اولوب قسای علوم
منطوق و مفهوم همچون طرف مصر غریت ایدی زبور صاحب فطنت
و قاده و مالک فرجه نقاده و لمغین مدت قلیته ده تحصیل علوم کثیر
ایله فایق الاقران مشارب البعان اولوب یوما ما مسالت مصره سیر
ایچون سالک ایکن سر راهی بر فقیر دل آگاهه ملا فی اولوب کسر و فقر
مرحمت سدا فاقه و با عثا فاقه سی اولوب بعض صدقه و بر مکی فقیر مرق
برهان الدینه توجیه خطاب برله بوند مکث لایق دکلد رسر سلطان
روم سر دیو کشف مکوم انکی بولکازم ایله برهان الدین مصر دن قطع
علاقه اقدام و صحبت رفقا ایله سیواس طرفه وصوله اهتمام ایدی
مذکور یر قدوم بهجت رسو ملرنده بدر عالی کهر لری قریب العین و حاجز فواح
واعیان ناس سر جمله الشراح صدر ایله متروق الارواح اولملر یله ملجا
و ملاذ کبر و صغیر اولوب نصب درس و مدرسه و تعلیم علوم نقلیه
و تفهیم رسوم عقلیه به اشتغال دن غیر ذاتند صاحب خصال رضیه
و نفس ذکیه و یدکریمه و شمایل مرضیه اولوب تقریر وافی و بحر بر شایسته
و تحقیق کارم علما و تدقیق منقولات فضلا ایله منقول و معقول و مستفاد
کثیر و شعر دقیق و نثر و نظم دقیق اولوب بو قدر فضل و دانش ایله اندک
پذیر و بسیا رنجشا و شعرا به کثیر العطا یا ایدی مع ذلک لباس عسکری ایله
صحبت سلاطین و معاشرت امرا و خواجینه مایل اولملر با مر الله تعالی
پادشاه مار الذکر دار الضیافه عقبایه مسافر اولوب محمد نام فرزند

صغیری اتفاق ناس ایله سریر سلطنته اجلاس اولمغین اعیان امر اورد
و زرادن غضنفرین مظفر و فریدون و ابن مؤید و خج کلدی و الحاجی
ابراهیم و برهان الدین مذکور تدبیر امور جمهور بلاد و اصلاح مصالح
عباد ایدر لرایدی بدر برهان الدین دخی اول و اندر سلب عرف و اضاف
قضا ایله سبکبار محکم عقبای و لمغین وراثت ایله برهان الدین سید قضایه
ایدوب اضاف حکومت ایله مابین امراده سرفراز و حسن سیاست و علم
زیاسته جمله دن ممتاز اولدی بو اثناده برهان الدین تفریق مناصب ایدی
ابن مؤید و خج کلدی و حاجی ابراهیم بر وجهه عالی ایله پای تختدن دور انکله
امور مملکت کند و یر و غضنفر و فریدون محصور اولدی با مر الله تعالی
سلطان محمد دخی سر نهاده بالین لحد و لمغین تولیت ملک بو اوج کشته نک
بر وجه اشتراک تکلف و حکم و نصر قلوبیه منوطا اولوب اتفاق ارا ایله خدمت
مصالح و لایقی ادا ایدر لکن بیست هزار درویش در کلیمی نجیب
و دو پادشاه در اقلیمی تکجد مدلولیجه شرکاء رقبا اولوب مابین لرنده مناسبت
و مناقشه ظهور و انکی برهان الدین هوس عروس سلطنت هوا سله بقرار
اولوب شریک لرنیک اصطیادینه بوجه اوزم نصب شرک اجتهاد
ایتدی که تمارض ایله خانه ده رصد نشین و پس پرده ده برفاج او باشد در کین
ایدوب مترقب دم فرصت اولدی ایزن جانب رفیقین مذکورین الیاده عیانه
خواسیجه کلوب کیف الحال دیو تختص احوال ایدر کن در کین اولان جلادان
امان ظهور و غضنفر و فریدون کشته شمشیر فتور ایدوب قاضی برهان
الدین سر بر پادشاهید منفردا صاحب تمکین اولدی بو خبر وحشت اثر
اطرافه اولان امرایه دغدغه رسا اولملر مکون دل و مرکوز خاطر اولان
حسد و عداوت لرن اظهار و دعوی ریاست ایله مقام مناظره ده استقرار
ایدوب جمله مز سلاله سیواسه منتفی و حسب و نسب امر و ملوک متهمی

ایکن برهان الدین اجنبی نه سند ایلده شایسته تاج و تخت ولوردیو حاکم
توقاد الشیخ نجیب و حاکم اما سینه نجی کلدی بود عواده ثابت قدم و فتح
ابواب معاد انده راسخ دم اولد قلزندن غیر سلطان علاء الدین دخی
برهان الدین ایلده تغلب و فرمانه تغلب ایتدی برهان الدین دفع دعوی
نسب بچون اثبات حسب و نسب سودا سینه دوشوب تواریخ سلفه نقص
خلفدن نقل ایلده اجدادی ملوک نصفت ملوک اولد قلزین روایت واجبا
ایدوب استخلاص بلاد و غارت اهل عناد انکه مبادرت برله از جمله توقاد
حاکمی الشیخ نجیب اوزدینه واروب قلعه مذکور دن قلع و اخراج و طوغا
و کرها استصحاب ایلده از عیاج ایتدی بو اشتهاده جم غفیر ایلده نادر دوم
سیواس طرفه هجوه خسارت لزوم ایدوب محاربه و مجادله لری متادای و لجه
صحرای سیواسد حشم نشین اولان امرأه ترکمان بر تواندن قره بلوک ایلده
ملقب عثمان نام امیر برهان الدینه تسلیم زمام اطاعت و شد وثاق
اتفاق ایلده تقدیم پیشکش و خدم ایدوب زیر فرمانده نزول و رحلت
واجتنای ثمره شجره امن و امنیت ایتدی بر فصل قره بلوک ایلده برهان
الدینک واقع اولان نزاع و مناظر لری بیاندرد در سلطان برهان الدین
ایلده قره بلوک شد موافق اتفاق و سد باب منازعه و اتفاق ایتمیشکن
بعض اسباب ظهور ایلده بینلرند آتش فوور مله تپ و حلیه دوستی جید شاهد
یکجهتیدن منسلب اولوب کش مکش جباله تقابل و منازعه لری تطاول
بولغله قره بلوک رجال حشم و توابع و خدمیله اماکن صعبه به الجا انکیکن
ادنا ناسدن اولغله برهان الدین مبالا اتیموب بقید اعدی طائفة
مذکور دخی کاه سیواس و کاه ادریجان صحرا و ضواخیرین مشتا و مصیف
و مرعای ربیع و خریف ایدوب اوقات کذار ایکن سیواس قریبده ظریف منظر
نظیف تراب لطیف هوا خفیف آب عیون جاریه و ازهار احمر و اصف ایلده

مانند فرد و کوثر عربیه علیه شقیق قد زها فکانه صخون
عقیق ترکک بالعیار بر ما صدق بر تیلاوی خوش هوا اولغله قره بلوک
جای مذکور دی آردو و اول طرفه توجیه و ایدوب سیواس اوزرندن
مرودی خبری دغدغه رسان برهان الدین اولغین حمل و حمل برج اسد
نقرب و اظهار توان و نصیب انکه نه اقتداری وارد دزد بوجه غضبی
نمور و نه تور غیظی نکثر انکیکن عسکر و ثوابله رخشان نهب و غارت
و استیصال و قتل لری نه عزیمت ایتدی شدت حرصندن عسکری سابق
الجنح حواسیلده اعدایه مشا حق اولق هوا سینه کیدر کن هر چند خیر اندیشلر
برهان الدینه بر مقدار صبر له انتظار عسکر یورسکن معقولدر اگر چه
جناب پادشاهی بومهمه کافیدر کن قره بلوک دخی بر مرد و هاکم کار بر
دغادر لا فیدانه معامله مناسب دکلرد بونیین طریق سلامت ایتدی
ایسه اصفا اتیموب شتر سر مست کبی هجوم و مانند شیر شتره قدوم
ایکن عسکر روز بشیر ذیل و نوجه ظلام لیلده قریب قره بلوک بر بلوک
رجال حشم ایلده برهان الدینی استقبال و در ساعت اخذ و بند فقرات
اذلال ایتدی بعد ذلك برهان الدین مرد صالح و کند ویر خیر اندیش اولد
ملاحظه ایلده قره بلوک ارکان صلی تشیید و در وابط عهدهی بتحدید
ایدوب سد باب مصاف و قلع غراس خلاف انکه فکرنده ایکن مقدما
حاکم توقاد اولوب برهان الدینه مقهور اولان الشیخ نجیب انتها از فرصت
ایلده قره بلوک ملاقاته سرعت و مقام خیر خواهد زانوزن مشور
و نصیحت اولوب بوجه اوزر سوق کلام عداوت انجام ایتدی که العیاذ
بالله که عقلک زایل و فهمک ذاهل و دایک غیر صایب و شهاب فکوک
غیر ثاقب اوله عربیه و ما الدهر الا ساعة و تنقضي و المرفها
خازر آونادوم فوت فرصت معقول مصلحت دکلدر برهان الدینه عین

محمول بستان
بجند آچان شقایق کویا غنیمت
دولاد لیس و ترک اولمش صخلرد

محمول بستان
دنیایا غنیمت و باغ صاحب نداشتد
دنیایا غنیمت و باغ صاحب نداشتد

عنایت ایلہ نظر ایدرسک اولسکا انز مکر ایلہ معروف وغدر ایلہ موصوف
 برآد مدد ایلایا ذی الله سکا منفاد اولان شاهد فرصت آنک جلوه کرآینه
 نصرته اولمش اولیدی هیهات هیهات والله سکا نجات محال ایدی ایمن
 هر زمان باد مراد استمر و هر وقت طالع مساعده اینز مطبخ آیام طعای
 اکثر تلخ کامدر بقدر ذلیله القدم لا ینفع الندم الحاصل اول شیطان
 قتل سلطانده بومقوله وسائوس ابلیسانه ایلہ قره بلوکی تحریص اینکین
 مخدوع اولوب اولکه فکرندن رجوع و سلطان برهان الدینی استیصال
 و محله خاموشانه ایصال ایتدی مقدمات سرزده نون قلم اولدوغی اوز
 پادشاه مرحوم عالم و فاضل کریم و کامل محقق التقریر مدقق التخریر
 ادیب اریب ظریف لیبب شاعر غریب قوم و هام جواد و مقدم ثهاب
 و هاب محبت علما شفیق الفقرا اولوب یوم دوشنبه و پنجشنبه فی صحبت
 علما و ظرفایه مخصوص ایشیدی وان وفاتنه قریب رده مظالم عباد و تهمة
 اخلاقه اجتهاد تایب و طاهر و تطهیر باطن و ظاهر ایدوب ترجیح علی
 التلویح نام مصنفی و نیجه آثاری یادکار در روزگار اولمشدر مرتقی علما
 و حکما و شعرا و فضلا و لمغین با زار نام و کامی رواج ایلہ قوسی مانند
 کعبه الحاج اولمشیدی روایتد کبر اعجوبه زماندن ظریف دهر استاد
 نظم و نثر فایق الاقران عزیزی و فادسیده صاحب دیوان فضل و کماله
 حریر بغدادی لاصل عبدالعزیز نام کسسه نک بغدادده سلطان احمد
 جلا برینک خدمتند خبرین آلوب غایبانه تعشق برله پادشاه و الاجاه
 ارسال رسول و عبدالعزیزک ارسالن مامول ایتدی سلطان احمد
 مزبورک بارافتر اینه طاقت کتور میوب اعذار مقبوله ایلہ رده جواب
 ایتد و کندن غیر عبدالعزیز جایزه جزیل عطا یایه مایل اولوب علی الغفله
 فرار اید ملاحظه سیله تعیین دیدن بان و توکل با سبان ایتدی بو خبر برهان

الدینه و رود ایدبحه عبدالعزیز مستقل ارسال رسول ذکی ایلہ دعوت
 خفی ایدوب و وعد عطا یای جزیله و بعض تجاره دخی خروجات راهن
 توصیه اینکین عبدالعزیز دعوتنه لبیک کویان تدارک فرار چاره
 جویان اولدی بریوم شدیدا محرومه سلطان احمد خواب راحت ایلہ مشغول
 و پاسبانا زهر بری بر طرفه معقول اینک عبدالعزیز دجله به خوض
 و بر طرفندن غوطه و طرف آخر دن ظهور ایدوب و فقا سمته دفع پا
 و مابین قافله ده بر بوعانه اختفا ایتدی ازین جانب سلطان احمد
 بیدار و مزبور طلبکار اولدقدن نابذ اید اولوب هر چند نک و پروا لند
 ایسه اشرندن کسه خبر و بر مدی اینک کار دجله ده علامت یای کور و
 مزبور دجله ده مختطف امواج اولدوغنه حمل ایلہ پاسبانا زهر دفع نیر
 عتاب اولدی بر بعد بغدادده غوص و خوض سیواسنه طلوع ایتدوکی
 شایع اولوب سلطان احمد داغ دل اولدی سلطان برهان الدینه
 وصولند اکرام ایلہ ترجیب و تحمیل و الحجاز و عدایله مقام قربند تزیل
 و عطا یای جزیله ایلہ برجیب و دامن و کرامات جمیله برله دل امن اولوب
 الی آخر العمر عیش و عشرت و شیرین زبان صحبت اولدی حتی سلطان
 برهان الدینک بذامرندن قریب وفاتنه دل استعدادت فیصحه
 و کلمات رشیده عبارات ظریفه و الفاظ دقیقه و معانی رفیقه ایلہ
 دُرّت مجلد بر تادیغ لطیف تصنیف ایدوب حالا قرمان طرفلوند معتبر
 علما و معتمد طرفا اولوب قران اولور هلاک برهان الدیندن نضکر بلده
 سیواسده سکنا ی کند و بر حرام ایدوب قاهره به عازر اولدی مزبور اول
 طرفه انشراح صدرا مینه سیله مشغول راح اولوب مخامر شدت
 وجد و مستانه صیاح ایلہ بر سطح عالیدن متودعی و نای صاحب صحاح
 اولدی فصل قره بلوکت سیواسه عزیمی و اهلن بیعتنه دعوتی ایتد

ایندی
 ایلک
 برون دوشنبه دیر

قوه بلوک برهان الدینی نایدید اید بنجه اعتبار جدید پیدا اید و ب
 دعوی ریاست و سودای سلطنت ایل اهل سیواسی بیعتنه دعوت
 ایتد که اجابت دکل بلکه لعن و طعن ایل رسولن عودت ایتد رملوی ایل
 اول دخی ترکمان بر توان ایل تضیق و محاصره بلد به مسأ رعت ایتدی
 اهل بلد قلت عده و عده ایل ناچار تانا طرفندن مستند و لوب
 قوه بلوک دشنام و عهها ممکن رد کیدینه اهتمام اتمک اوزده ایکن
 صورت امداده واد اولان تاناری قوه بلوک شکست ایل و کردان
 اتمکین وادوب تکرار ایام صیفده دلاوردان تانارمانند سیل سیال
 و ظلام لیا لجم غفیر ایل واد اولدی ایل قوه بلوک مقاومت اقدار
 کوستور میوب ادر بیجانده تیمور متابعت و ربقه اطاعتن پرایه رقبه
 مطاوعت ایدوب بونقری ایل تیموری سیواسه عزیمت ترغیب ایتدی
 فصل مشورت اهل سیواس بیاننده در اعیان و اکیاس بلد سیواس
 عقد مجلس مشاوره ایدوب سلطان برهان الدینک شایسته سلطنت
 خلفی اولما مغلله البته ملک و مملکت بر نکم بیان بر توانه محتاج و سریر
 ملکده بر صاحب تخت و تاج لازم درد بوقرعه زن تدبیر و نه طرفه النجا
 اید جکرنده قبض و بسط تقریر ایتد کلرنده بعضیلر سلطان مصری
 مناسب و بعضیلر فرمان زاده بی معقول و آخر لوی سلطان روم شهریا
 عدالت رسوم سلطان بایزید مرحومی جمله به تقدیم اتمکین اتفاق آرای
 اصحاب رأی سدید ایل سلطان بایزید قرار و پروب درگاه سپهر
 اشتبا هارینه اصدار رسل و وزیرنکین سلطنتلرنده آسوده مهتد راحت
 اولملرن توشل اتملر ایل پادشاه و الاجاه دخی در ساعت جنود نامعدود
 ایل توجه و تشریف ساز سر سیواس اولوب تمهید قواعد بلاد و لادنه
 نظم حال و انتظام احوال عبادی تمین و تبییند نضکره اکبر شهزاده لر

امیر سلیمان زمام حکومتن تسلیم و خدمتنه اکابر امرادن یعقوب
 ابن ادريس و حمزه بن بخار و فوج علی و مصطفی و دوا دارنام اهرانی
 تقدیم ایدوب استمالت رفیع و وضع ایل محل مذکور دن نهضت
 وادریجان طرفنه اماله لکام عزیمت ایتدی پادشاه شیرصولنک
 توجهی ادر بخان حاکی طهرتنک باعث نزول قدم اصطباری و لغین
 طرف تیمور فرار ایتدی سلطان مرحوم مدینه مذکور به بلان نزاع
 مستولی اولوب طهرتنک مال و منال و حرم و خدایر و احوال و انقالد
 هر نه سی و ارایسه احرار و محاصره قسطنطنیه عزیمت کادسیاز
 اولدی فصل تیمورک ماردین طرفنه تکرار عزیمتی بیاننده در
 اگر چه تیمور نام عن الفساد دکل ایدی لکن افساد و قوه بلوک و طهرتن
 آتش فتنه سنی از دیاد اتملر ایل تکرار رفع لوای فساد و تدارک خراب
 بلاد و عباد اجتر ایدوب جنود مرده و دیله ادر بیجانده و زود بعد
 ذلک ماردین طرفلرن پازده ستور فور ایتد که سلطان ماردین
 الملك الظاهر تکرار شکست عهده و سلب ربقه اطاعت ایل رد کید
 تیمور حاضر باش محاصمت اولدی بو خبر ناما مول تیمور باعث اشتعال
 ناره غضب اولوب مقدمه ایتد و کی حسن معاملیه پشیمان و ستایه
 کرید ندامت و خیران اولدی و لکن ندامت فایده مند اولدی بعد
 ذلک بواشاده یعنی سکر پوزایکی تاریننده امر او عساکر شامیه و مصریه
 ما بیننده بعض اسباب ایل ظهور خلاف و اتفاقلری نفاقه تبدیل و فوق
 بازوی اتحاد لری علیل اولمغله حفظ مملکت و حمایت وصیانت رعیتده
 نکاسل و حلول رزایادن غافل اولوب عربیه
 مَنْ يَهْمِلُ الْأَعْدَاءَ وَيَأْمَنُ كَيْدَهُمْ مِثْلَ النَّوْمِ وَرَأَاهُ مُسْتَقِظٌ
 وَاللَّصُّ لَيْسَ لَهُ دَلِيلٌ سَائِرٌ تَحْوَالِذِي يَبْقَى كَوْنُ الْحَارِيسِ

و بعض اهل سیواس عالم و جوددن
 مستغفرون اولوب
 محض اولمغله
 بیتی که اهل
 کید لرندن اهل
 که آردن بیدار و در و خیر
 با جان او به سی قدر بود دلیل و کینه

مدلوله جاهل و ملول به سنه مذکور شعبان و رمضان در اس
 اعیان اعلام شام اولان تنم و بعضی امای شام عالم وجود دن
 مفقودا ولوب عربیه وَاِذَا الْعُرَیْ نَصْرَعَتْ اَسَاذُهُ عَوِیَتْ
 اَللّٰهُ اَلِیْبُ فِیْهِ اَمِنَهُ الرَّدِیْ مدلولی وصف حال لدی ولدی فصل
 تیموک سیواس اطرافیه عربیتی بیانند در بقور توجیه عنان
 شدت و باس ایله عزیمت سیواس ایتد و کن نکه بان حمای ولایت
 مذکور امیر سلیمان و قوئی و زر در حال بارگاه و الا جاء پدریه
 عرض و آنها و طلبا مداد ایله حلقه جنبان در جارا ولدی و رود برید
 سلطان بایزید نصیق قسطنطنیه ایله مشغول ولوب تدارک امداد
 ممکن اولما مقله امیر سلیمان محکم قلعه و سور و مبادرت و ست
 و بند مداخل و مخارج بلد و بذل همت ایدوب لازم کلان بر لره امر
 و عسکری تعبیه و محافظه سن توضع ایتد کدنصکره تیمورد غی بجهیز
 عساکر پیشمار و وفرت جیوش دریا خروش بدیدار ایدوب فهای بلده
 آلی کوستور میکن امیر سلیمان عسکر تیموری استکبار و بویله بر سیل
 کوه ربا طریقند استقرار ما و رای اقتدار اولدوغن مشاهده برله
 حفظ و حراست بلدی امرانک دقت همتارینه حواله و کندوسی درگاه
 پادشاهی پر وادوب امداد ایله عودت اتمک او زر عقد را بطرعه
 ایدوب بارگاه پادشاهی پر راهی ولدی ازین جانب تیمور پرشورد غی
 سکر یوزا یکی سنه سی دی الحجه سنک اون بدیخی کونی اسود عامه و عفار
 لامه ایله تسخیر قلعه پر قدوم ایدوب کار احصاری روز حشر دن
 کتابیه و قیام ساعت دن علامه ایدوب سکر یوزا وچ سنه سی محرمک
 او چینی کونی یوم الخنفسه مستحفظین قلعه ایله خیر استوب اراقه دم
 ایتیموب مراعات ذمم و حفظ حرمتک شرطیله مفایح قلعه تسلیم

محمول بنی
 یعنی اصلان بنی غلک اصلان
 مصر و مع اولی و اولی و اولی
 عو و ایدوب الحظان ابن اولی

در غزوی

ید غزوی و ملغین قدم شوی بلده به تقدم ایدوب دفع جدال و حکمت
 ادوات و اربیکار ابطال و لجنه عسکری مقوله سن بند و بست و بر
 حفر عمیق حفر ایتد و لب حفظ عهدا چون اوج بیک مقداری نفس
 نفیسی اول حفر به القا ایله هلاک و متواری زیر خاک ایدوب اطلاق
 عنان غضب بر تاب و مبادرت سر و خراب ایتدی مدینه مذکور احسن
 امصار اقطار و مشتمل عمارات کثیر و امکانه حصینه و ماثر مشهوره و
 معهوده و اهویه رایقه و میاه موافقه ولوب سکنان اصحابا احتشام
 و منعاطی اسباب تکلف و احترام اولد قلرندن غیری شام و ارزنجان
 و روم بلاد ینک سند سیدی و در بند نفوری ایکن بو وقعه فاقعه
 دخول اغیار ایله اها لیبی در بدر و شد ز مدرا ولوب محو مراسم نقوش
 آیینیه عالیله اکثری ارض خالیله اولدی فصل تیمورک حلب و اطرافه
 استیلا سی بیانند در مغرور مرقوم اموال سیواسی استقصار
 و احراز اموال رعایا و برایا ایلد کدنصکره ما تدر جراد منتشر و سبل
 منهر و فراش متطایر بلکه احناس مذکور جزء قبایل و بعضی عشایری اولور
 رجال توران و ابطال ایران و بلنکان ترکستان و یلور بدخشا و صفور
 دشت و خطا و شور موغل و عفاریت چنا و سواریت بخند و غابین
 اندکان و هرام خوارزم و ضباع خیل و لیون مار تدران و جوارح جرجا
 و عقبان صفایان و ضواری حصار سادمان و فوارس فارس و خراسان
 و سباع جبال و فهود قلال و غامیخ دشتیان و طالقان و اخیل قبایل
 خور و دیدان کرمان و افاعی صفهان و ذیاب ری و غزنه و همدان
 و اقبال هند و سبند و مولتان و کبانش ولایت لر و بیرشواهی غور و عفا
 شهر دوز و جرادات مکرم و جندی سا بور عربیه
 قوم اذا الشرا بدی ناجدیر هم طاد و الیه و زافات و اخذانا

در غزوی
 مقصد

محمول بنی
 یعنی بنی غلک اصلان و انصار
 ظهور و ظهور زافات و در سکر
 شکر اعدا سکر تیمور

زافات زرافه جمید و زرافه
 خلط مشهور در زرافه و کلری
 حیوانه قبل و کرکدن قوی برنجی
 جانور در

مدلولی صفت کاشفه لری ولوب رعاع عرب کلا بندن آهجم و تلکجا
 بجم او باشندن اعظم بر مقدار موغلی و مولتان و عبده اوئان و الجاس
 مجوس اضافه سبله یعنی طوائف یا جوج و دباح عقیده الهیوج ایله قایدیم
 نصرت و سابق شمال فرصت و مساعده طالع و شان شایع در پیش و قفا
 حرکت بلیه سی و لوله انداز دیار شامیه و مصریه اولمقین طرف سلطان
 مصر دن نایب شام و سایر حکام و کماة اسلام احکام شریفه اصدار
 اولوب بلده جلده بجمع اقلری تنبیه اولند و غندن غیری ثواب
 مستطاب نایب شام سودون ایله بجهیز عساکر انجم شما را بدوب بکوز
 یوز اوج تا دخی ماه صفرند نهضت و محفل مذکور غریبت ایدوب
 سایر حکام و امرا دخی طرف طرف قنول و بلده مذکور بی جمعیتگاه فروع
 و اصول ایتدیلر اول طرفدن بتوردخی عمان و ارعسکر جرار ایله بهنا نام
 قلعه به و دود و اطراف و اکاف دست بردیغا ایدوب بکری اوج کون نصرت
 و تقسیم ایله شخیر ایتدکد نصکر ملاطبه به استیلا آتی دخی با مال خرکله
 و بل و بلا ایدوب قلعه و مویه به قدم میشوی قدوم ایدی قلعه مذکور نگهبان
 ناصری محمد بن موسی بن شهری اولوب فیما سیانی حرکت مردانه و صولت دشمنانه
 رقم زده قلم تفصیل اولود قلعه مذکور کویا بنا کرده بد قدرت و محکم کرده
 معمار حکمت مانند قلعه قاف کردون اوصاف اولمقین بتوردخی بقیع و انصاف
 ایله استحسان ایدوب محاضر سنه مقید اولوب فتحی در پیش اولان امور
 صعبدن اهوندردوب بر کچه دن زیاده مکث ایتوب مانند سیاهی سیاه
 متوجه عین تاب اولدی بلده مذکور حاکمی ادکما حصن حصین و محکم
 و بنفسه حلب طرفه فرار بقرار ایدی بتور محفل مذکور تزیل اوزار ایدوب
 ثواب مستطاب به شطیر نامه غرور خامه ایدوب مفهومند انواع تقیم و اصناف
 تقیم ایله اطاعتنه دعوت امیر کبیر بتور کورکان و محمود خان نامه خطبه قرائت

نایب عساکر
 وزیر اعظم

نایب شام سودون طاهر
 مصنف و مؤلف و مدبر
 وزیر سیدی دیوبند

اولوب دفع قال و دفع کلفت جدال ایتلرین اشارتدن ماعداهشیر
 زاده سنک زوجی طلامیش نام کسیسه مقدما بعض خیانت ایله مصره و ان
 و بدی و رودند حقارت برله مضیق مجبسه بند و ازار ایکن خلاص
 و قاهره ده عز و اکرام و تعظیم و احترام ایله اختصاص بولمقین آنک دخی
 طلبین علت مشاجره و محاربه ایتدکد نصکر بیان صول و حول ایدوب
 سیاست نام و نصب خلیفه و امام کندوبه مسلم و کند و متبوع و مطاع
 و ماعد ملوک ارض خدام و اتباع اولمق اولی ایکن طایفه چراکسه دپاش
 و سیاست نه وجه اوزنه شایسته اولودوبو بتحریر و نامه سن بومقوله
 نه بیل و حشو طویل ایله کلمات موحشه شطیر و برید شدید ایله تصدیه
 ایتدی اجابتی محال و تسلیم مطلوبی عدیم الاحتمال ولد و ضن بلود ایدی
 الحق مرادی القای بخت و فتح باب محاصرت ایدی نامه سنه التفات اولمقد
 غیری نایب شام سودون قاصد مزبوری زور شهادتده استیصال
 و حاضر باش جدال اولدی فصل عسکر شام و حلب مشاوره لری بیاتند
 توجه موکب مورد و ملخ مشرب بتور مقرر اولمجه ثواب و امر و دروس عسکر
 نه کیفیتند نکاح و ته میدانده تناطح اولمق بایند مجلس مشورت آراسته
 ایدوب فتح کلامدن بعضیسی شهرده محقق و بالای بروجه خراسان فلان
 کبی ترصد ایدوب استراق امره تقدم ایدن شیا طین انشه ارسال وجود
 سهام ایدوب دیدی و بعضیسی پورای عین حصر و علامت عجز و کسود
 اطراف بلده حلقه بند دپسند اولمق دفع دشمنه ضیعت بحال و اوقو جد
 اتمک اولی در دیدی بومقوله هر کس ما فی الضمیرین ایراد ایدمجه طر ایلور
 نایبی شیخ الخاصکی مؤید دخی بومقوال و زده بسط بساط مدعا ایتدیکه
 ای معشر اصحاب و اسود حراب و فوارس خطاب مرات جهان نمای ضمیر کوزه
 نمایاندرکه بوبرعد و خطیر و امری عسیر داهیه دهیا جنودی ثقیل مکی

و بیل مصایبی طویل دشمن در ملاحظه ایله تدبیر الحرب خدمه مدلولیحه
 حباله لطایف الحیله تشبث و تفکر اتمک کرک فکرمصایب سیفدن قاطعه
 بوکلان پرکوتودمز عسکر و حوصله جهان صغیر لشکر دور فاما هر چند قوی
 رقیب ایسه دخی بود یارده عزیزید فقیرک رای بود که خارج بلد بر
 طرفه مجتمع و اطرافزی برخند ق عمیق و سیقه ایله تحصین ایدوب
 اول مرصاده ترصد ایله ترتیب لوازم مدافعه و تقویم مراسم مناظره
 و مناقشه ایله سور بلدی نصب بیار قایله تربین و تعیین مستحقین
 ایتدکد نصکر افاقه نشر اجعه رسل و رسایل ایدوب طرایف اعراب
 و قبایل اکراد و عشا برترکمان و سکنان بلادی فراغت ایله دعوت ایدوب
 که جوانی اربعه ده راجل و راکب قاتل و ناهب خاطف سالب جنکه آغاز
 و هر طایفه بر طرفدن اعدانک یمن و یسارین ترک و تازایدیرک تعیین
 اقدام ایدوب بزم طرفه طرح مطارحه ایدنرله دخی سوا اعدا سینه
 و انا مل سهام ایله پس پرده خند قدن مصافحه اتمک کرک اگر خبیث
 انکسار ایله رجعت ایدر لرسه فهو المراد پادشاه همزک نظرند حرمت
 و اعتبار و مقام و ماثریز زیاد بولور و اگر غلبه اعدای بدنهاد اولور
 ایسه طرف پادشاهیدن امید فرج و امداد دخی وارد اقل مافی الباء
 بر طرفه منبرزا ولوب تمادی تيام ایله جنود مردود اعدادن محترزا ولور
 عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنَا بِالْفَتْحِ وَأَخْرِمَ مِنْ عَيْنِهِ دِیوب ختم کلام ایتدی کوبا
 شاه منصورت مقدمه ایتدوکی تدبیر منظوری و مقبول رای
 سدیدای و لشاییدی هاندم نایب حلب تمرطاش نام بدرای بو حرکت
 مقبول رای میکنه و مطبوع افکار رضیه دکلمه بو محله معاجله مطاوعه
 و مناخره مخاخره دن خیر لودر و ککل مقام مقال و ککل مجادل جدال
 نیمور طیر محبوب قفس برصید مقصد رانته از فرصت ایله مقاتله

مقابلہ وصف

مقابلہ وطن و ضرب ایله مغاوله اتمک کرک برآمده مناظره باعث
 جبات و میدان شدت صبر و مصابر جالب شجاعند رله الحمد
 اهل بخبت و اولوباس و شدت و فقه مناظره ده مختار و افاضه دما
 اعداده مناسرت و اقلبا بد هر بریکز کفایه و هدایه و نهاییه و بدایه و مجمع
 اسلامه کترواقی و جامع کافی و وقایه اولوب لهجه سیوفکن تکلیم
 روسد کافیه و تصرف اسنانکر هر فعل معتک تصرف و تعلیلند
 شافیه دراکرعون الهی ایله غالب اولق مقدرا ولور ایسه فایز منال
 و کفی الله المؤمنین القتال عسا کر مصری به کفایت ایدوب سلم
 حرمتن اعلا و تزايد شوکمن ازکا و عین اعدایه ابکا اولور و العیاذ
 بالله آینه دوران غیر صورت کوستور و رایسه بذل مقدور ایله
 معذور اولوب محمد و مزارک ثار و احیای آثار میزایدرا میدی
 متوکل علی الله ثبوت قدم ایله مقابله اشراری اختیار و اجتناب
 ترزل قدم و احتراز اذ بار اتمک کرک دیورای ناصوابن استحسان
 ایله تکرار اتمکین بونک و زرینه جمله اتفاق و خروجه ربط میثاق
 ایتدیلر اما بویا بد تمرطاش مخالفت جمهور و باطنایمور ایله موافقت
 ایتمش ایدی مزبورک عادی و طینتی مانند شاه عایر و امره حایره
 و غایر اولوب التقای جمعاندر بر طرفه ثابت قدم اولوب هر زمان
 بر طرفه مایل بر صورت بلا معنا و لفظ بلا خوا اولوب نیمور ایله معالیه
 حقیقه سی و لغین اولدخی کند ویر اعدا ایله تقویض امور و اعتقاد
 ایله حواله حیل و مکور ایتشیدی کذلک عسا کر شایسته مزبورک رایسه
 تابع اولوب تحصین بلد و سد شوارع و هر محله و حاره لر و کلا تعیین
 ایتدکد نصکره اعدایه مقابل اولان باب النصر و باب الفرج و باب
 القناه نام قبول فرخ و خروجه قرار ویردیلر فصل نیمورک عین

تابدن نقل مرکاب و ترتیب اسود غایب ایلده سنه مذکور ربع الاقلینک اون
 طغوزنجی کونی یور پنجشنبه ده واصل حلب اولوب ایکی بیک مقدار ی مبارز
 افراز و طلیعه عسکر تمکین اوچوز مقدار شمعان شامیه نعل سیف
 نیز ایلده استقبال و حاضر باش سیترا اولوب یقادر اثر رد و بدل ایلده مصادره
 مسادعت ایتد کلرند شمال ظفر طرف شامدن رونمودا و لغین عسکر تانای
 انکسار ایلده مردودا و لدی علی الصبح روز جمعه مشعله آفتاب بشکاه
 چتر افقد عالم تابا و لجنه تیمور مغرور بشیک مقداری مرد برد افراز
 و بزم دزمه ابراز اتمکین مردان شامیه دن دخی بر طایفه تهجم برله میدا
 جانبازی به تقدم ایدوب الحام تار بود نطاح و اشتیاق اغصان
 رماح ایلده اقلام سهام حروف جسمی مجتم و قلتر اش صمصام شاخ و جوی
 مقلم ایدوب دماء اعدادن مانند هر حیون جریان خون اما عسکر شام
 ایکی نفرک انجق لوی حیاتی سرنگون اولوب ادادت الهیه نعلن ایتد و کی طرف
 نصرت برله کامیا با یکن سپاه سپاه یل قدوم و سراق شیا طین شهاب
 بر تابا ایلده مرجوم اولنمین هر کس کبله اخزانته رجعت و غم فرد ایلده گرفتار
 محنت و لدی تیمور دخی اول لیله آلتد قریه حیلان قریند طالع بهیه
 وقت سعید ده جیوش منصور و اقبال جصور سن خواجه خلاصه تعبیه ایلده
 مهربای فردا و مستحضر معرکه کبرا اولدی علی الصبح روز شنبه جنود شامیه
 سلطانیه عده بالغه و ائمه سابقه و خیول مسومه و اعلام معله و امید
 نصرت مسئله ایلده سوار و تصنیف صفوف صفوف مردان بیکار ایدوب
 میدان جلادند استقرار ایدجنه تیمور طرفدن چرخیلر پرواز و طلیعه لر
 جنگه آغاز اتمکین شامیلر مقدمات مذکور ایلده مشغول ایکن عسکر تیمور
 مانند مادر و موریمین و یسار و خلف اما ملرین پرکار و ارا حاطه و هر طرفدن
 نظایر سهام و تعاقب ضرب صمصام ایلده مهاوشه عظیمه و معارکه و هیبه

متداول و کمند کبر اکبر متواصل اولوب سیل خوتلری و ادیلر جریان و لحظه
 و شمعلری ماکله انواع حیوان و لغین طرف میمنه شامین ایلده قمر طاش
 رهکیر دهلیز هزیمت اولغین قصورینه دخی غبار ذلت طاری و ذل حیانت
 سادی اولوب و دساعت حیرت فتور ایلده اقلام رماح اعدایه عرض لوحه
 ظهور ایدوب بادیه بیای فرار اولدیلر جعلنا ظهور الزوم فی الحربا وجهها
 و قنایها نغرا و عینا و حاجبا مصداقه موافق هریمت ایلده حلب طرفه غریمت
 اکثر زخمدار و در عقب اولان دشمن غدار خوفندن در واز بلدیه بر مرسته
 زحام بی آرام و هجوم عام ایتدیلر که مضیق باید با مال اولان مرده لر ایلده
 طریق دخول و خروج مسدود و راه مقصود مشدود اولوب اکثری متفرق
 بلاد و منشئت اطوار و کسر بابا نطایفه ایلده مهلیک اغتنام دخی راه نود
 انهرام و اشنع حال ایلده واصل شام اولدی بقیه عسکر حلب و شام اسوه
 حال ایلده مردود و اعیان ناس ثواب ایلده قلعه به صمود ایدوب محصور
 اولدقد نصکر قمر طاش واسطه سیله طلب امان ایدوب آب حیانت
 دست شویید و موت احمرد دیدن قلعه دن نزول و حضور بی نور تیموره
 چهره سای وصول اولد قلندر سودون و شیخ الخاصکی مؤید و صند
 حاکمی بقای بن عنانی و حاکم غزم علی بن عمر الطحان نام کسسه لر فید جیس
 ایلده تذلیل و قمر طاش الباس خلعت ایلده تجیل اولندی بعد ذلک تیمور
 مغرور رفقا رساکن و وفار متمکن ایلده آهسته آهسته در بنه و سکنه
 ایلده جلوه و هبت بخشای دخول و ضبط ائقال و تحمیل اموال ایتد کدن
 بو قدر ایلده اکتفا ایتیموب مقدما حلبه ارسال ایتد و کی بریدا قریای قریلرند
 اولغله اخذ نادر و قودده آتش غیظ و غضبی نثار اولوب اذها قنوس
 ایلده کله لودن بنای منار ایتدی فصل بوقعه فاقعه نک بر و جاوره
 دخی ایضاحی بیانشده در صاحب تاریخ فصاحت شمارنج ابن شمنه

تا ریختند حافظ خوارزمی تقریریند واقع مذکور بی بوموال اوزره دخی
 سر زده نولت مخیر را تمشد که عساکر تیمور سکن بوزبیک نفر جنگ آوزر اولون
 بوندن اقدام جریه مخیر کشید قلندوغی اوزره تیمور بد حضور بهشا
 قلعه سن محاصره ده ایکن روم قلعه نایبی ناصری محمد بن موسی بن شهری
 اورد و سن ترک و ناز و خیمه و خرگاهنه نهب و غارت ایلد آتش انداز اولون
 کوی صولجان شمشیری اولان روس اعدای حلبه ارسال ایلد مسترت رسان
 قلوب خلان و اخدان اولور ایدی دفع مضرتی همچون تیمور بمقدار عسکر
 جسور کوندرد که آنلر دخی فتح کسر ایلد منکسر و اکثری کرداب نهر فرات و غریق
 و نایابا و لمغله ناچار تیمور مزبوره مخیر بنامه و مفهومیته بالنفس مالک
 سمرقندون ظهور و اقطار ارضه مرور ایدوب افراد آفریدن دن کمنه
 مقابله و مقابله قادر دکل ایکن سن روی غصیان کوستور و بخواشی
 و مواشیتم القای خسران انمکدن خالی دکل سن ایدی بیارق لامعه و جموع
 جامع ایلد بالذات اوزر بیکه و ارمق نصیم خاطر سلیم اولمشد و نفسکه
 و رعایا و برابا فقراسنه رحم و شفقتک و ارایسه اطاعت و اجتهاد ایلد
 حضور بمن وضع جبین انقیاد ایدوب شایسته عاطفت و سزاوار
 ملاطفت و لاسر قال الله تعالی ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها
 وجعلوا اعثره اهلها اذلة و كذلك يفعلون سالک طریق عنادا اولور
 وقتکه حاضر اول دیو مخوف و بومقوله نجه کلمات مهوله تصنیف انمکدن
 مفهوم کتاب ناصری به صوت ذباب و صریر باب قدر تا اثر ایتد و کندن
 غیر قاصد تیموری گرفتار بند زندان ایتدی بوخبر ملال اثر تخدیش
 تیمور بلکه ایدنجه مقدمات جیشی پیشرو ایدوب ارسال ایتد که ناصری
 مقابل ایلد کسر و ردا انمکدن یا رنده سی تیمور بالنفس سپاه انجم اشتباهیلر
 قلعه مذکور تصنیفنه مبارز ایتد که تکرار اول شیر ذیان جلوه کرید

اولوب عسکرها تا رابله اولکون واقع اولان وقعه عظیمه ده شدت عزم و قوت
 حزمی تیموره رای العین اولوب مجادله سی صرفه انمکله مخادعه و ملاطفه
 رجوع ایدوب تکرار بمقدار مال و جمال و خیل پیشکش طلبیلد رفع کفاح
 و قارع باب صلح و صلاح اولمقیر کیر و مسؤولی عدم قبول ایلد ردا اولوب حتی جزو
 شبه راضی اولمشکن اولدخی میتسرا و لمدی محل مذکور دن رجوع مخیر
 دیکاب ایتد که عقیلرینه منطف و داغ بر بالای طاع خلی حواشی و مواشی
 دخی محتلفا ولدی عربیه **هَذَا الْأَمِيرُ الَّذِي صَحَّتْ مَنَاقِبُهُ كَيْتُ**
الْوَعْنِ عَمَتِ الدُّنْيَا مَفَاخِرُهُ وَلَوْ تَمَرَّتْكَ مَكْسُورًا وَأَوَّاهُ مَتْنُهُ
قَرَارًا وَمَذْعُورًا وَأَخْرَجَهُ امیر مرقوم سلاله پان عمریه به منتهی صاحب
 دیات و امانت اولمقین حقا کند ویر اولان مساعده بخت بادشاهان
 صاحب تاج و تخت اولما مشدر سنه مذکور نکت ناسع ربیع الاول ایتد تیمور
 بر شور حلب طرفه سوق مستور غرور انمکدن بلده حلبه دیکد تیموره معوکه
 بند اولان حلب نایبی معز السیفی تمرطاش و حاکم دمشق سودون و طرالمش
 حاکمی معز السیفی المویذ شیخ الخاصکی و حاکمی قباق عسکر لری و صفد
 و غره عسکر لری نه وجه مقاومه و مقاتله اولنق بایند عقد مجلس مشاوه
 ایتد کلرنه بوندن اقدام ذکر اولندوغی اوزره مختلف الارا اولوب بعضیلر
 مدینه ده محصور و برج و بدندن امر قالد بذل مقدور انمکی و بعضیلر
 خارج بلده نصیب خیام ایلد میدان مبارزه قیام انمکی استصواب ایتدیلر
 شیخ الخاصکی شدت وقایع ایلد اختلاف طبایعی مشاهد ایدنجه اهل حلب
 نه طرفه مراد ایدر سه جالی اولق بایند استبدان انمکدن هر بری بر طرفه
 کریران اولمقله خلاص کر بیان مال و جان ایتدیلر بعد عسکر سلطانیه
 خارج بلده ضرب خیام ایلد مقابله اعاده قیام کوستور دکلرنه نایب
 دمشق سودون قاصد تیموری اخس حال ایلد بین الناس استیصا ایتدی

مجموعه کتب خطی
 در دسترس است
 در کتابخانه
 ملی و
 دانشگاه تهران
 و سایر مراکز
 تحقیقاتی
 و فرهنگی
 ایران

ازین جانب ماه ربیع الاولک اون برنجی کوئی روز شنبه ده عسکر تیمور
مانند باد صحر و عقیقه دیو بریدن نهضت و جمعیته شاه شامیه جنشیت
بخشای ظهور و ولد قدر بر ساعدن زیاده مقاومت قدرت کوسوریمو
مدینه طرفه هریته اقدام و نهالک تمام اقلیدر خلافت کثیره با مال از دها
اولد و غندن غیری عسکر جغتای دخی تل سیف ایله تعقیب ایدوب بلده
مذکور بی عنون فتح و تسخیر اقلیدر نواب خواص ناس ایله محرم اموال اهل
بلدا و لان حصن حصینه صعود ایدوب هزار صیق و عشرت ایله فتود
ایتد یار یوم ناسع عشر ربیع الاول روز شنبه اما و ایمان بی ایمان
ایله قلعه مذکور بی دخی ضیط ایتدی فصل تیمورک علماء حلب ایله
اولان مناظره سی بیایند در اواخر یوم ناسع تیمور قلعه بر صعود و قضاة
و علماء بلدی دعوت ایتد کد داوی واقعه مذکور حافط خوارزمی فقیر
علما ایله همراه ایدم دیو تقریر و مجلس مجتهدین بواسطه تغییر ایدر که
بدی تلافی بر ساعه مقداری حقارت قیام ایله تحقیر ایتد کد
جلوسه فرمان ایتدی بعد همراه و هم صبحی اولان علمای دخی دعوت ایله
مشاهیر علماء سمرقند دن علامه نعمان الدین الحنفی و لدار جندی و لقا
دولت تیمورید رئیس العلمای اولان عبد الجبار خطاب ایله بونوردن
مسئله استفتا ایدر مکه مقدما سمرقند و بخارا و سایر فتح و تسخیر
ایتد و کم بلاده سوال ایتد و کم کسسه افصاح ایله جواب ویر ما مشد
بعد اهل حلبه خطاب اید و بنم طلب علم مجاهدتم و علماء ایله موافقت و محام
والفتم کلید را بیدی مجا ویر علم و افضل کن تصور و نه دید و کن تفکر
و تصور ایتسون دید که شرف الدین القاضی موسی الانصاری الشافعی
بو فقیری هدف تیر خطاب و جواب ایدوب فقیری نفی ایله بورجل شیخ
و مدرس بلدی و مفتی عامر در مسئله نه ایسه طرح میدان مقال و پیرایه

سر زبان سوال یورد و بالله المستعان و بد کلام عبد الجبار بو
فقیری مخاطب ایدوب مسئله پادشاهی بود که بوما بیند آغشته خاک
هلاک اولانلردن بزم قتلز یا سیزک قتلک زانوزن مقام شهادت
و عارج سلم سعادت در دیدی مقدمه ماسمو عز اولور ایدیکه تیمور مکار
بعض مسایل مشکله ایله علمای امتحان ایدوب معرض هلاک تقدیم اید
ایدی بو مسئله بی دخی کا قیاس ایله حاضر مجلس اولان علماء اعلام سکوت
ایله سرفرو ایتد یلرا بحق حضرت ملهم الصواب بو فقیره سریع و بدیع
مناسب جواب الهام ایدوب بو مسئله دانای علم لوح و قلم حضرت رسول
اکرم صلی الله علیه و سلمدن سوال اولوب جواب ویر مشر ایدی فقیر
دخی و جواب ایله مجیب اولور دیو تصدی جواب ایتد و کم تیمور بو فقیر
طرفه القای سمع و بصر ایدوب کلامه متسخر ایله عبد الجبار مخاطب
ایدوب حضرت سلطان انبیاد نجه سوال اولمشد و نه جواب یورد مشد
دیدی فقیر نعم حضور حضرت رسالت پناهی بر اعرافی چهره سای بناز اولن
یا رسول الله تحقیقا بر رجل من حیث بریز دخی شجاعت آخر یوم دخی تحصیل
نام و فایز مرام اولن همچون قتال ایدر قنقی بریزک جهادی فی سبیل الله در
دیو نیازمند سوال اولد قدر حضرت مشکل کشای عالم صلی الله علیه و سلم
هر کیم اعلا ی کلمه الله همچون قتال ایدر سه شهید در دیو امضا کس جواب
مستطاب اولمشد ایدی تیمور لنگ خوب دیوب پذیرای طبعی ولد قدر نصیره
عبد الجبار دخی استحسان ایتدی اما شرف الدین القاضی بو فقیره دیدیکه
والله العظیم بو مسئله در که حضرت مقدای عالم صلی الله علیه و سلمدن
سوال اولمشد در دید کزده سبحان الله شیخک عقلی مختل اولوب معذور
اولمشد خاطر سی خاطر هر خطور ایتدی کذلک عبد الجبارک دخی اول
خاطر خیالند جولان ایتد و کن تقریر ایتدی پس از ان افتتاح ابواب

موانست و مناسبت ایله تیمورین بونصف آدمم بوقدر بوقدر بلاد
 و مالک عجم و عراق و هند و تاتار و اقطاع افاقی فتح و تسخیر ایتدم
 دیو سوق کلام اتمکین فقیر بونعمتک شکرین عفوایله معامله ایدوب
 بواقیت مرحوم به مرحمت و کسسه فی قتل اتمک کر کسودید و کده والله بر
 فردی عن قصد انداخته مغاک هلاک اتمم بلکه سرکند و نفسکری
 قبولده قتل ایدرسز و الله براحدی استیصال اینیم که نفسند و مالند
 امین اوله دیو اذعا ایدوب تشلسل مسایل و تکرار اجوبه تطاول
 بولمغله حاضر مجلس اولان فقها استیناس ایله کند ولرین مدرسه ده
 قیاس ایدوب بطمع تصدی جواب ایتدیکه شرف الدین اسکا تلرینه مبادرت
 ایدوب بوفقیه حواله ایدر ایدی آخر کار حضرت علی ایله معاویه و یزید حاللین
 سر رشته خطاب و منتظر جواب اولدی قاضی شرف الدین تیمور شیعید رتبه
 و تفکرایله استحضار جواب اتمک کر کدر دیو خفیه سمع فقیره دیگر کن عمار
 الدین الممالکی سبقت ایدوب جمله مجتهد درلودیمکله تیمورک غیظ شدید ایله
 آتش غضبی ملتهب اولوب علی علی الحق و معاویه ظالم و یزید فاسقند و اهل حلی اهل
 دمشق تا بعد و اهل دمشق یزیدیدر لر حضرت حسینی قتل و شهید ایتدیلر دیو تیمور
 کوسور مکله فقیر ملاطفره مبادرت و اعتذاره مباشرت ایدوب شیخ کبابه
 کوروب فهم ایتدوکی ترکیب ایله جوابه متصدی اولدی دیو عذر خواه اولد
 تیمور پر شور فی الجمله منبسط اولوب عبد الجبار فقیر ایله مذاکره و مصاحبه شروع و
 فقیری تعفی ایله بوا آدم عالم ملیح و شرف الدین القاضی فصیح در دیو تربیه اتمکین تیمور
 فقیرک مدت عمر و تاریخ مولدین استفسار ایتدی مولد فقیر دیو زرق و قطوزده
 اولوب جالامرات سند الی در بنی بایه بالغ اولمشیمد دیدم کذلک قاضی شرف
 الدیندن استجرا ایتدی اعداد سنین عمر بوندن برسنه زیاده در دیدی
 تیمور سیزلرینم اولادم برندن سزینم درجات سال عمرم یتمش بشو درجه به

اینداخته خاک و مغاک هلاک ایتدیم که نفسند و مالند
 امین اوله دیو اذعا ایدوب تشلسل مسایل و تکرار اجوبه تطاول
 بولمغله حاضر مجلس اولان فقها استیناس ایله کند ولرین مدرسه ده
 قیاس ایدوب و بطمع تصدی جواب ایتدیکه شرف الدین اسکا تلرینه مبادرت
 ایدوب بوفقیه حواله ایدر ایدی آخر کار حضرت علی ایله معاویه و یزید حاللین
 سر رشته خطاب و منتظر جواب اولدی قاضی شرف الدین تیمور شیعید رتبه
 و تفکرایله استحضار جواب اتمک کر کدر دیو خفیه سمع فقیره دیگر کن عمار
 الدین الممالکی سبقت ایدوب جمله مجتهد درلودیمکله تیمورک غیظ شدید ایله
 آتش غضبی ملتهب اولوب علی علی الحق و معاویه ظالم و یزید فاسقند و اهل حلی اهل
 دمشق تا بعد و اهل دمشق یزیدیدر لر حضرت حسینی قتل و شهید ایتدیلر دیو تیمور
 کوسور مکله فقیر ملاطفره مبادرت و اعتذاره مباشرت ایدوب شیخ کبابه
 کوروب فهم ایتدوکی ترکیب ایله جوابه متصدی اولدی دیو عذر خواه اولد
 تیمور پر شور فی الجمله منبسط اولوب عبد الجبار فقیر ایله مذاکره و مصاحبه شروع و
 فقیری تعفی ایله بوا آدم عالم ملیح و شرف الدین القاضی فصیح در دیو تربیه اتمکین تیمور
 فقیرک مدت عمر و تاریخ مولدین استفسار ایتدی مولد فقیر دیو زرق و قطوزده
 اولوب جالامرات سند الی در بنی بایه بالغ اولمشیمد دیدم کذلک قاضی شرف
 الدیندن استجرا ایتدی اعداد سنین عمر بوندن برسنه زیاده در دیدی
 تیمور سیزلرینم اولادم برندن سزینم درجات سال عمرم یتمش بشو درجه به

واصل اولمشدر دیو ختم کلام ایدوب صلاة مغریه اقامه اولمشین
 عبد الجبارک اما متیله تیمور قرب فقیره ادای نماز ایدوب هر کس کند
 خانه سنه عودته عزیمت ایتدی بومر نا ایدر جمله اهل قلعه به غدر و ظلم
 ظاهر ایدوب بر مرتبه جمیع مال و منال و امنه و امنه و ائقال مالا
 یحصی ضبط ایتدیکه بعضی کتایبک تقریر و وزره مسلط اولدوغی بلادک
 برندن بوقدر مال نایل اولما مشدر و اغلب مسلمینی انواع عقوبه کر قمار
 و بعضیلرین بند زنجیر و بعضیلرین محبسده اسیر و بعضیلرین مجبور و کبیر
 ایدوب قلعه دن نزول و دارالنیا به اقامت برله دایم قول و وزره ترتیب
 ولیمه ایدوب معا اولان ملوک و امرای مقام خذمتده استخدام و اداره
 کاس خمر ایله حرکت نافر جام ایدوب حاصلی آخر ربع الاوله و ارنجه قتل
 و اسر عباد و تخریب مدارس و جوامع و حرق و هدم بیوت و بلاد ایله
 مقید اولدی آخر کار تکرار بوفقیه ایله قاضی شرف الدین دعوت و انشای
 صحبتده تکرار علی و معاویه احوال لرندن تفحص اتمکله فقیر لاشک حق علی
 اولو معاویه خلفا دن دکلدر نر بر حضرت شارع شریعت غر سلطان
 سر بر اصطفی رسول کرم بنی محترم صلی الله علیه و سلم حضرت لرند و سید
 مقام نبوتد که خلافت بعد البنی او نوز سنه در مدت خلافت علی المرتضی
 ایله ثلثین تمام اولدی دیو تقریر انجام و یرد و مکده تیمور علی علی الحق قدر
 و معاویه ظالم در سوبله دیو حکم ایتدی فقیر جوابی صاحب هدایه به حواله
 برله ولایه جوردن تقلید قضا جایز در زیر اصحاب رضی الله عنهم و نایب
 طاب فرامدن رجال کثیر معاویه دن تقلید قضا اتمشدر و با وجود حضرت
 علی نوبتند حق طرفنده ایدی دیو نقل مفهوم متن هدایه ایتدو کده تیمور
 مسرور اولوب ضبط بلده خلیفه نصب ایتدوکی امرای احضار و بوفقیه
 و قاضی شرف الدینک رعایت و اکرامن توصیه و اتباع و اصحاب نه بر طرفند

ایصال اذیت ابتدا در ملوک و بقین وظایف و امداد مصادف و تجاه قلعه
اولان مدرسه سلطانیه ده بقین مسکن و ما و الملکین فرمان امکانه
جمله بنیهاتی برجا و ادا اولوب باحق قلعه دن انتقام واقع اولدی اول
اشاده امیر حلب بوقیق و قاضی شرف الدین قاعده تیموری بقیق ایدو
قانون تیموری بود که شمراد ایتدکه نجیل اراده ایدر خیزده نانی ایدر
دیو استمالت و طمانیت بخشا اولدی فصل تیمورک حلب دن نهضتی
بیاننده در تیمور غدر محصور غره ربيع الآخره ظاهر بلدی به روز
و قصد دمشق شام ایله مشعله افروز اولوب قتل و اسیر ایله عامه
مسلمین مبتلای دغدر غه غصه جان و ماله ایکن بوم ثانیه علمای
حلب تکرار طلب اولمغین و ادا اولان سر هتک بد زنگدن باعث
دعوت نه اولدو غن استخبار ایتد و کمزده تیمورک عادتد که هر
تغیر ایتدوکی مملکتد عسکرندن رؤسای و لایقی طلب ایدر دیو
ویردی بزدخی دعوت اجابت برله مواجهه تیمور و اردقده علماسندن
مولا عمر نام بر شخص بزی استقبال ایدوب پادشاه سیزدن قاتل قاصد
اولان نایب دمشق احوال استفتا اتمک مراد ایدر دیدکده فقیر بوقد
مسلمینک من غیر استفتاء اراقه خوئی اولدو با وجودی من بعد کسسه
معرض هلاک تقدیم اولماق بابنده بمین امیر صادرا و لمشیدی دیدکده
ملای مرقوم ایددی واروب کلنجه سزلربونده توقف ایدک دیوب طرف
تیمور توجه وجه رجعت ایتدی تیمور سلیق لحم تناول ایدرکن و ادا
تکلم بسیر ایله المند بر مقدار لحم عودت ایتدی تیمور جل بلند آواز
اولمغین صوت عالیه منصوت اولوب تکرار مره بعد آخری طرفه
آدملا اسراع ایتد مکه امرای تیمور دن بر امیر تقدم و اعتذار
ایله پادشاهن قتل رؤسایه امراتما مشدر باحق کشته لک رؤسای

قطع اولمغی فرمان ایتشد که مناره لرینا و عادت تیموری اجرا اولند
سزای دعوته مباشر اولان فهم فرمان اتما مشدر سزای مطلق العنان
و آزاده میدان مراد سز هر کس خواهنش خاطر می و ذره صفا سنده او
دیو اجازت و پردی در ساعت بید رنگ تیمورک دخی سوار و طرف
دمشق اما له کلام آتش بار ایتدی بعد ذلک بزر دخی قلعه به رجعت
و کبر و وطن سکنا استصواب ایدوب امیر موسی ایله مکث ایتدک
حد ذاتده امیر مرقوم توفیر و احترام و قبول شفاعت و اکرام زده قصو
ایتمادی لکن سر انجام دمشق ایله مبتلای لام اولوب کاه غالب و کاه مغلوب
افسانه سبله مترد دایکن بالآخر سلطان مصر الملك الناصر جنود مصریه
ایله مقابله و قتال عظیم و تیمور کسر الیم و یروپ عسکر تیمور مشرف
هزیمت ایکن الملك الناصر بعض امراسندن استشمام خیانت ایکن دفع
محد و را چون طرف مصر رجعت ایتدکه تیمور دمشق دخول و نهیب
اموال و قتل رجال و هدم دور و عسرت محصور ایدوب حلب دن زیاده فساد
مکن نهضت و ظرایب و فلسطین حد و دین تجاه و ایتوب تکرار حمله
رجوعی خبری شایع اولمغله کبر و نجبه و جل کر بیان کیرامل اولدی فصل
تیمورک حلب رجعتی بیانده د سنه مذکور شعبانک و ن بدخی کوفی مغرور
مرقوم بلدی حلبک طرف شرقینده خول نام موضعه نزول ایدوب بودقه
شهر دخول ایتدی اما مقیم بلدی اولانلر هدم و حرق دار و دیر تکلیفیه
مجبور و ما مور اولوب طرف طرف تخریب و سوزان بوقدر زماندن بر و اولان
جمعیت بر باد و پریشان اولدی بو اشاده امرای تیمور دن امیر کبیر عزالدین
فقیری دعوت ایدوب امیر تیمور سنک و سنکله اولانلر و مراد ایتدکریکن
اطلاق و خاطر خراه اولمغی فرمان ایتدی طلب و شفاعت توفیر هت ایله
دیو استمالت بخشای خاطر حزین اولد و غندن غیری سزکله مشهد شریف

کتابخانه کتب خطی و چاپی
کتابخانه کتب خطی و چاپی
کتابخانه کتب خطی و چاپی

طائفة جغتای دخی کثرت ایله احاطه غلبه و مصرعین بازوی قوتلرینه بوج
اوزده طرح دائرة مجتلیه ایملرله لشکر مصری مایینده ما استدعروض
اولمغین تقطیع و ضرب دائرة تاناره کوشش ایدوب اولد حقد ابتدا
اضمارلری قطع رؤس و جل العقول و قطع الکفا ولوب بعد دخی طویل ایله
عقللرین مصروم و دوشق مدید ایله قرص شکلرین ملثوم و ضرب شدیدا ایله
وافرلرین تقیل و دخی سهام ایله سریع و کما مللرین تذیل و وفق مرار اوزره قسم و حرم
و مباح و مختاصه ایله علی کل حال اعدای مرفوض و منقوص و رد الصد علی الاعجاز طریق
خفیف خلاصه سینه سنجاز اتملرله مشطور و مقطوع محذوف و مخبر و منهوک و موق
مرد و داولوب امیر استنبای دخی عسکر اسلام ایله بسیط راجل و مندارک زاکلری
مجتلب و تشبیغ سابعلری نصر ایله مرقل و ظفر نام ایله مزبل و بیت دائرة متفقه
بی خلل و عروض و ضرب و بلری بلا ذحاف علی رجوع ایدوب عربیه الله درقوارس
توقر الوغی تنقض فی الحروب انقضاض الایم ذرعو الاعادی و فصولا
بالمز هفان و خیطو ابلا استیم مدلولی صورت حاللری ولدی فصل
نیمورک همبیره زاده سی سلطان حسین صو ظاهرده نیموردن روگردان و سلطان
مصر رجوع و ملاقات ایله رفقه متابعین برایه جید جان ایندی کجور و نسج شجاعته و
قصبه السق شهامت اولمغین قد و میل اهل مصر بالغ نصاب مستوت و متشعر نصرته
کلاه تانار پس سلب و لباس مصریه ایله خاطرین جلب ایندی یلر بند ذلک تیمور حاج
بازار مکر و حیل به رواج برله بر مقدار رحلت و تکرار رجوع قهقرای ایله رجعت
ایندی فصل اعیان عسکر سلطان بیننده واقع اولان خلاف بیاتده د
اول سفر ملالت اژده انا بک عساکر و رئیس اکابر و اصاغر خلاف کافل امور جمود
ملك الملك الناصر امیر شیبک اولوب عساکر سلطانیه اگر چه چند کثیر و جیش
غزرایدی لکن هر امیر دعوی استقلال ایله بادیه پیمای عناد اولوب
نه چندان رئیس لرینه منقاد اولما مغله اشعار شعورلری دو و مؤلفه د

مجلسی و اولان سلطان شجاع علی بن تیمور
الله تعالی غلبه یزیده انبیا و انبیا
کجی حکم و کوی بایر اعدای اندازده
ایله اولمغین کجی شیبک امیر مجتلیه
و سهام ایله دکیلی

دائرة مختلفه

دائرة مختلفه منتقل و د و بیت اتفاقلری ساز بداهتک مختلف
الاول تار ایله نفاقه متبدل و نظم انتظاملری عروض غرضله متخلل
اولوب تشیت از او تصادم اهو ایله هر بری صاحبک قباای عرضی
مقراض دم و نیمه ایله تقریض تمکین مایینلرند منافرت و مشاجرت
نمایان و اختلاف السن والوان اولوب رعایت رعایا منقود هر کسی
حکم منلی جمله مشهور اولمغله اختلاف و خلاف اکابر و اصاغر و اعلا
و اسافل و ایل و او اخر لرینه سرایت ایدوب عربیه تفرقت غنی
یوما فقلت لها یا رب سلیط علیها الذیب و الضیاع مدلولی
مستحق دشنام و بوجرکت ایله بعض رئیس لری بی ارام اولوب متوجه قان
و ترک قوت ناصره ایتمکله جاهل علم سیاست و ناسازی مسند ریاست
اولد قلدند تیموری تصدیق ایندی یلر سلطان ناصرت دخی قدم ثبوت
و صبری لرزان و جمیعت تاب و توانی پریشان اولمغین زیر جناح جمع لیل
شترلوا و حرکت قهقرای ایله دفع با ایدوب قاضی القضاة برهان الدین
التادی و ضو ساز آب پاک شهادت و قاضی شافعی علا الدین بن البقا
سلطان ایله دهکیرای غریمت اولدی برائنده مشغول نوم یا عدم قلدت
حرکت ایله پس مانده قوم اولانلر ناکاه مانند آهوی پادریکل شکار تازی
نانا رقتی دل اولدیلا رازین جانب مامور خدمت محافظه شهر اولانلر لیل
و نهارد و بربروج و اسوار و رد کید اعدایه بذل قدر ایدوب طرف سلطانید
حصول فرج امید یله متبهم ایکن بعض لیا الله چه کونکی حرکات عسکریه و حال
سلطانیته به اطلاع همچون اماکن عالیله طلوع ایدوب دوز بین قوت بصیر
ایله او دوی سلطانیته فی مطمح نظرا یتد کلرند متعدد غیران نمایان اولوب
عظیم سلطانیته شرور شروردن ماعداد آثار و برلرند بر ناخ نارقالد و غی
علی الصباح اهل بلدک منظوری اولوب هر بیت پادشاهی شایعه اولمغ

مجلسی و اولان سلطان شجاع علی بن تیمور
الله تعالی غلبه یزیده انبیا و انبیا
کجی حکم و کوی بایر اعدای اندازده
ایله اولمغین کجی شیبک امیر مجتلیه
و سهام ایله دکیلی

اصواته خاشعه و حرکتی ساکنه و لمغله تیغ جلول باس و یا سظهور
 ناسی شکسته و تقاقم هور و تقاطع غمز را بطه همت و غیره بترین کشته
 انقطاع اسباب نصر و انواع عذاب ابله ضیق صدر حاصل اولمغین تلاش
 کز و قزو و مبتلای خط امر اولد بیلر فصل پادشاهک هنرمندی ابله تیمور
 مستدرج مسرور عربیه **أَلَمْ تَرَ أَنَا نُؤْتِكُمْ وَأَلَيْتُمْ أَذًى**
وَالْمَأْمُولُ قَدْ حَصَلَ تَرَاهُ سَبِيلَهُ مَرْتَمٌ وَغِيثُهُ حُصُولُ أَمَانٍ ابله مفتنم
 اولوب برندن رحلت و قبتیه القای ثقلت برله وضع عصا و متکای راحه
 انکا ایدوب فرار یلر شکار نه جوارح تیزدوان نغین و اطراف و اکنا فخر
 ورجال پریشان و دایره سن حفر خندق ایلر محضین ایدوب جنود مسیلند
 گرفتار دام بلا اولانلر احضار اولند قبح مرتکب وبال و پامال اقبال ایتدو
 ایدی اعلام اعیان دن مالکی المذهب و منظر اصمعی الروایه و المجتر قاضی
 القضاء ولی الدین عبدالرحمن ابن خلدون فقول سلطان دن مقفول
 اولمغین گرفتار و مدرسه عادلته ده نزول ایلر فرار ایتدی **فصل**
 الملك الناصر ما تدرى سحاب جرى سريع تحريك ركابا يدوبيا كرهه تیمور
 طرفندن بی ضرر و کزند محل مرامه اماله لکام ایتدی لکن شیاطین
 ناتار بیهر و اطولا و عرضا شرقا و غربا ضواحی و نواحی اراضی مقدسیه
 مستولی اولد قلرندن غیرى محروسه دمشق تخیرینه تقدم ایلر اقدام
 و کار احصا ده بذل اهتمام ایتد یلر بوندن اقدام مرسوم نول قلم اولدو
 اوزره مدینه مذکور حصینه و انواع تدارک ایلر منبغه مسدوله الحجاب
 مغلقة الابواب اولوب اهل بلد ظهور شا هد فرج برله ثابت قدم و خطا
 تیمور او باشد دور باش ایلر در جواب ایتشیکن مدا یام ایلر امداد نابید
 اولمغین رجالی کاسد و ظنلری فاسد اولد و غنه متیقن اولوب عربیه
كَمَا أَهْرَفَتْ قَوْمًا عَطَا شَاغِمًا فَلَمَّا رَأَوْهَا أَقْسَعَتْ وَجَلَّتْ

الملك الناصر ما تدرى سحاب جرى سريع تحريك ركابا يدوبيا كرهه تیمور
 طرفندن بی ضرر و کزند محل مرامه اماله لکام ایتدی لکن شیاطین
 ناتار بیهر و اطولا و عرضا شرقا و غربا ضواحی و نواحی اراضی مقدسیه
 مستولی اولد قلرندن غیرى محروسه دمشق تخیرینه تقدم ایلر اقدام
 و کار احصا ده بذل اهتمام ایتد یلر بوندن اقدام مرسوم نول قلم اولدو
 اوزره مدینه مذکور حصینه و انواع تدارک ایلر منبغه مسدوله الحجاب
 مغلقة الابواب اولوب اهل بلد ظهور شا هد فرج برله ثابت قدم و خطا
 تیمور او باشد دور باش ایلر در جواب ایتشیکن مدا یام ایلر امداد نابید
 اولمغین رجالی کاسد و ظنلری فاسد اولد و غنه متیقن اولوب عربیه
كَمَا أَهْرَفَتْ قَوْمًا عَطَا شَاغِمًا فَلَمَّا رَأَوْهَا أَقْسَعَتْ وَجَلَّتْ

الملك الناصر ما تدرى سحاب جرى سريع تحريك ركابا يدوبيا كرهه تیمور
 طرفندن بی ضرر و کزند محل مرامه اماله لکام ایتدی لکن شیاطین
 ناتار بیهر و اطولا و عرضا شرقا و غربا ضواحی و نواحی اراضی مقدسیه
 مستولی اولد قلرندن غیرى محروسه دمشق تخیرینه تقدم ایلر اقدام
 و کار احصا ده بذل اهتمام ایتد یلر بوندن اقدام مرسوم نول قلم اولدو
 اوزره مدینه مذکور حصینه و انواع تدارک ایلر منبغه مسدوله الحجاب
 مغلقة الابواب اولوب اهل بلد ظهور شا هد فرج برله ثابت قدم و خطا
 تیمور او باشد دور باش ایلر در جواب ایتشیکن مدا یام ایلر امداد نابید
 اولمغین رجالی کاسد و ظنلری فاسد اولد و غنه متیقن اولوب عربیه
كَمَا أَهْرَفَتْ قَوْمًا عَطَا شَاغِمًا فَلَمَّا رَأَوْهَا أَقْسَعَتْ وَجَلَّتْ

مدلولی کاشف

مدلولی کاشف حال پر ملا للری ولدی فصل اعیان دمشق مشا و
 تیموره مراجعتی بیاتند در اهل دمشق جانت ظنون ایلر توخه ریب
 المتوفى شعرا ایدنجه اکابر شام و امر و علمای اعلام دن قاضی القضاة
 محی الدین محمود الحنفی و اوغلی قاضی القضاة شهاب الدین و قاضی القضاة
 نقی الدین ابراهیم بن مفلح الحنبلی النابلسی و قاضی ناصر الدین محمد بن ابی
 الطیب کاتب السرد قاضی شهاب الدین احمد بن الشہید الوزیر و شهاب
 الدین الحبابی الشافعی و نایب الحکم قاضی برهان الدین بن القوشه الحنفی
 عقد مجلس مشا و ره و اداره کوش مجاوره ایدوب اتفاق آرا و اتحاد لفظ
 و معنای استیمان ایلر تیموره و ادوب ماجرایه استفتا اتمک اوزره قرار
 داده اولمغین ابتدا بن خلدون ما را الذکره مراجعت و مشا و ره و نیشلر
 بسط و حکایات ایتد کلرند آنک دخی بو حرکت ضواب دیدی اولمغین بامر
 تمشیت و حصول ابن خلدونک حسن تدبیرینه حواله و اقوال و افعالیه احاله
 اتملرله اولدخی تدارک هیئت مصنعه عجیبه ایدوب عامه خفیفه و قیافت
 ظریفه و برنش سیاه رقیق الحاشیه ایلر پیشرو قوم اولوب هنر از خوف و هراس
 ایلر مجلس تیمور قدوم و بین الخوف و الرجاء دست بسته و دلشکسته
 مقام شفاعت قیام کوستور دکلرند تیمور جلوسلرین اشارت و رفع
 و حستلری اچون روی هشتا شت و شاست کوستور و ب حرکت و سکونلرینه
 نظر و قول و فعللرینه القای سمع و بصر ایدرکن ابن خلدون استغراب ایدوب
 بورجل عجیب اهل بلد دکل ظاهر امر و غریب دردی مکله ابن خلدون اجاله
 سمند کلام مجال بولوب میدان مکالمه دیمین و یسار مقتضای حال
 اوزره سوق کیمت مقال ایدرکن نشر سباط طعام و طخی بساط اکرام اولوب
 مانند تال لحم مسلوک احضار تقدیم و هر کسک لیاقت و استعداد نه
 کوره توزیع و تقسیم اولمغین بعضیلر تعقفا ظهار و بعضیلر تکلم ایلر

وقت گذارد و بعضی را عربیه کلاً اکل من این عاشر اخبار اهل و از نشانی
 یلقی الله و هو بطن مدلوله و جمع و ستد باب دغدغه یا جوج جوج ایدر
 جمله اکل کردن قاضی القضاة و الذین ابن خلدون اولوب هم اکل ایدر هم کوشه
 در بجه چشمند تیموری ترصد ایدر بنور کند و به تعلیق نظر از دقایق که قصر صرف
 و تغیر اکل و شرب مرقا ایدر ایدی بوانشاده ابن خلدون لایبالی دفع صوت عالی
 ایدوب یا مولانا الامیر محمد بن العلی الکبیر دخول مجالس ملوک انام و تاریخ جمله
 احیای اموات آیا ایدوب ملوک عربدن فلان و فلان خدمته مواظب
 و سلاطین زمانه دن بجه سلطانه مصاحب اولوب مشارق و مغارب زمینی سیر
 و سیاحت و هر بقعه نک نایب و امیر یله عیش و عشرت ایدم لکن الحمد لله تعالی
 عنایت عمر میدید و مساعدت بخت سعید ایلان ملک علی الحقیقه و شریعه ^{سلطنت}
 علی الطریقه ولان پادشاهک مجالسه و موانستی ایلان کاران مرام اولدم اگر چه
 طعام ملوک دفع تلف ایچون اکل اولور اما مولانا امیرک طعامی دفع تلف
 و کسب شرف ایچون تناول اولور و یو ختم کلام ریا ارسام اید بجه تیمور بونجه
 و بوسازدن بخت و در قصه قریب طریقه اهتزاز ایدوب ابن خلدونه توجیه خطا
 بر له بعض اخبار ملوک عربدن استخبار و آیا مرد دولت و هنگام سلطنت کردن
 استفسار اتمکین اولدخی منظور و سموعی آثار و اخباری رشته کش تغییر و نظم
 سلك تقریر ایدی فصل بعض ایا مدعی علمای مذکور حضور تیموره دایره بند
 جلوس ایکن سلطان ایلان تحریک رکاب انهار ایدر نلدون قاضی صدر الدین
 مرده تیمور دامنه کوفت ایلان احضار اولند قد عامه کالبرج واردان کاخرج
 ایلان خروج و بلا اذن تخطی رقاب و قعود فوق الاصحاب ایتکین بوضع
 ناپسندیدن تیموره کران کلمه که آتش غیظی محرق و تراخم نهو ایلان متحقق و خفقا
 غضبی طیان و جمعیست بنساطی پریشان اولوب بعض اراذل اشارت ایلان
 مزبوری کتبا بر کشان شتم و تحقیر مفرط و ضرب و کسر موجه ایلان مجلسدن

معنی اکل ایدوب
 فالوده ساهلنه خیر و بر سر نهد
 بدک و اگر اولوبیسه فارغی طرف
 الکله ملاقی اولوب

طعام ملوک دفع تلف ایچون
 اولور و بیدکی انه اعلم یعنی ملوک
 طعامی بناس اگر خاص و عام ایلان
 نانی و لقمه اقسا ایدر ایدی تلف اولد
 ایلان ایلان اولور و بیدکی اوله

دور و سیاست و عذاب تجدید و بند و قیدن تشدید ایتدیلر بعد ذلك
 حالت اولی بر رجوع و اهل ولایت ایلان مجامله و حسن معامله و الباس خلع
 متنوعه ایدوب تکريم واحترام مالاکلام ایلان مسرور و مشرح الصدر
 قلوب کین ضمیرند اولان شرو شوری اول ساعته مستور ایتدی عربیه
 کالمه زینة المهدی وعظمه وعن قریب بضمیف الموت اطهر سلطان
 ناصر و امراستک بلاد مذکوره محروزان اموال و ائقال و دواب
 و مواشی و مالیک و حواشیلرین طرف تیموری بر تسلیم ایتک شرطیله اهل
 ولایته امان و بر مکه آنردخی ظاهرو باطن و متحرک و ساکن سلطان
 ناصر و امراستک اولان اموال و ائقال و مواشی و حواشیلرین بالتمام
 میدان محنته تقدیم و وکلای تیمور تسلیم ایتدیلر اما قلعه اندروز از در
 نام امیرک قبضه و حکمده اولغله بحکیم و تشدید قلعه بر تقید و استعداد
 ایلان دشمنی ابعاد ایتک ملاحظه سیله منانت و مکت کوسنودوب طرف
 سلطان نذامداد و یاخود عالم غیبیدن حال آخر ایچا دینه منتظر اولدی اما
 تیمور بدی اهرده قلعه طرفنه ملققت اولوب تحصیل اموال سلطانیته بر صرف
 همت و توسیق احوال و ائقاله دقت ایدوب بعد اهل بلاد طرح مال امان
 و جمع و تحصیل اعیان ولایته حواله و استیفا ایچون اهل دیوان و کتاب
 و ادب حساب و مباشر کل ارکان دولتمندن سیف الدین نام امیرک برادر
 الله دادی تعیین و تحصیل داران جبار و ظلمه قهار تبیین ایتدک نصک طینان
 قلوب مرغوبه ایچون اصوات مرغوبه ایلان موارد و مشایخ و مصادرو معارده
 منادیان ندای امان و نادره بیش کسی یا با کسی کاری نباشد
 مغرور من جمله ایلان اعلان ایتدیلر حتی بعض جفتای اموال ناسه اطاله دست غارت
 ایتدوکی تیمور کوش زدا و لغین سیاست ایلان صلیبه فرمان ایدوب درسا
 اماکن مشهوره دن سوق حریر بندن صلب اولندی اهل بلاد بو حرکتدن کسب

معنی ایدوب
 کما با خبر و با مال اندر یعنی مبدی نام
 برب و لا بیکه زینت و بوب بزه دی اما
 بیک کندی و موت مسافره ضیافت
 ایدوب بد زوی

فرج و امید خیر ایلده دفع دغدغه و ترخ ایتدیله پس اذن فرمان تیموری
ایله ابواب مدینه دن باب الصغیر فتح اولوب خانه و خانلری و بیوت
و دکانلری بقت و قطیر تحریر و مال امانی حارات یعنی محله له توزیع
و تقسیم و احضار مال چون ظلم و عدوان تقدیم و داد الذهب نام
مکان مستخلص یعنی محبس یقین اولندی بعضی اشرار بلدی بعضی سینه
سلیط و اولکلاب نیندندان ایله مانتدا صطبا د آهوان شکار
فقرای ناتوان ایتدیله اولهنگامک چیش خریف مانند لشکر مصر
قفل و جند شتا مثل چیش جفتای قطار ارضه نزول انمکن تیمور
ابلق نام منزله بعد بیت نخا ص نام موضعه منتقل اولوب قصر مذکور
هدم و احراق امر ایتدی پس ازان جم غفیر ایلده باب الصغیر دن شهره
دخول و ادای جمعه چون جامع بنی امیه به نزول و خفیه بی شافعی تقدیم
ایله اقامه جمعه و خطبه قاضی القضاة محی الدین العز الحنفی به بسیارش
ایدوب ادای نماز جمعه و منزله رجوع ایتدی بو موقعه و قابع دورا
دور و امور شرور نا محصور اولوب تفصیلی موجب ملل اولور ملاحظه
اقتصار و اختصار اولندی فصل عبد الجبار بن نعمان الخوارزمی المعزلی
ایله علماء شامک بیننده اولامباشی اندر و مزبور تیمورت ترجمانی و تکلمه لسانه
مثابه سند اولوب علای شام ایله بعضی مناظره لایتما قاضی القضاة
ابراهیم بن مفلح الحنبلی ایله مناقشات و مباحثات و نتیجه مراجعاتی اولدی
از جمله واقعه حضرت علی و معاویه رضی الله عنهما و اول قرون خالیده واقع
مباحث و ظلم یزید و قتل حسین الشهدا السعید در ابتدا عبد الجبار بو
اوزن سوق کلام الم انا را ایتدی که فعل یزید ظلم و فسق بلا انکار اولوب هر کیم
استحلال ایدر سه ورطه کفرده بی مجال اولور لاجرم اول فعل حرام مظاهرت
اهل شام ایله واقع اولدی کراول فعل بد انجامی مستحل ایسه لکفر منسوب

اگر مستحق دکلر ایسه عصاة و بغاة و اشرار دن محسوسیلر در و الان شاهد
غایب کنک مذهبند در دیمکله حضار مجلس انواع اجوبه ایلده مقابله
ایتد کلرند بعضی سن رده و بعضی سنک کلام من نجت برله قبول و پسند
ایدکن کاتب السربو سوال و زره جواب با صوابه متصدی اولدی که طایفه
الکبر بقاء مولانا الامیر بو فقیرک رشتنه نسبی سلاله حضرت عمر و حضرت
عثمان رضی الله عنهما منتهی اولوب جدا علای حقیر اولهنگامک غول
اول بحر دخول ایدن رجال حق و ابطال اصد قدن و وضع الشی فی محله
ایدن اخبار دن ایدی یام بداندام یزیده بر نوحه حضرت امام حسینک
سر مبارک کنه توصل و تنظیف و غسل و تطهیر و طبیب ایلده تجیل و تقیل
ایدوب توبه سنده متواری خاک عطر ناک ایدوب و بو فعل و حرکت عند
الله افضل قریب عدا انمکن ابوالطیب ایلده مکنا اولمشدر حاله علی کل التقیة
یا مولانا الامیر اولامت خالیه و غم هموم مجلیله اولوب کرتلیخ و اگر شیرین
مرور و منقضى اولدی کندی الله سبحانه و تعالی بری اول ورطه دن دور و سرفراز
اول خوندن تطهیر و طهور ایتدی شمدی اعتقاد بیز اهل سنت و جماعت
اعتقادیدر بو طومار کلامه ایضا کشت اختتام اولدقدن تیمور بالله العجب
اولاد ابوالطیب ایلده مذکور اولد و غمزه بودر سبب دیو نفوة انمکن نعم
قاضی و دانی شاهد در که فقیر محمد بن عمر بن قاسم بن عبد المنعم ابن محمد بن
ابی الطیب العمری و العثمانی اولوب بحر شیمز بو و ایدن جاریدر دبدک
تیمور یا طاهر الاسلاف معذورا و لسم سنی پیرایه عاتق و اکما فایده در
لکن مسکا و اصحابکه عمرتبه تکریم و الطافم اولد و غی منظور اولور دیوب
جمله بی تعظیم و افر و تطیب خاطر ایلده تشیع ایتدی مسئله نک بری دخی
بعض کتاب تیمور سوال اضرار و نکایه ایدوب مرتبه علم و درجه نسب تفاوتلرند
سوال ایتدکله قصدی معلوم اولمکن کسینه کشف مفهوم اتمکله جرات اتمدی

هجرت منقذ اولات و دودیه
 هجرت منقذ اولات و دودیه
 هجرت منقذ اولات و دودیه

الحق قاضی شمس الدین الحنبلی جوابه متصدی ولوب درجه علم پایه نسبند افضل
 و ایکستک دخی عند الله مرتبه سی اسنا و اجل درجهین فاضل هجین جاهله تقدم
 ایدر و مقرف منیف نسب شریفدن امامته اولی و زو بکا دلیل جلی اجماع صحابه
 تقدیم حضرت ابی بکر علی علیه رضی الله عنهما حضرت ابوبکر صدقه علم و اسلام
 اقدام اولد و غنه اجماع اولندی و صحت اجماعه قول صاحب الرساله علیه افضل
 الحیة یعنی لا یجتمع امتی علی الضلاله دلیل کافدر دیو کلامه اختتام و برنج
 نزع جامه و وضع عامه به مباشرت و کند و کند و یه خطاب برله عاقبت
 شرب شربت موت بر امر جاری و قرب و بعدی مساوی اقامت شهادت
 افضل عبادت و سلطان جابر حضورند کلمه حق ایرادی حسن اعتقاد دند
 دیو نفسیله مکالمه ابتدا و کی تیمورت منظور و مسموعی و لجنه بوم ملک قول
 و فعلی ندر دید که شیخ یا مولانا الجلیل طوایف عسکر بکر ما ننند ام بنی اسرا
 بعضیله مذهب لوند متفرق و منقطع و اختیار تشیع ایتشورد لا شک
 بو مجلس نقل و عقابل مباحی صدوری حل و عقد ایدر بو کلام فقیردن
 ثابت و اهل سنتدن غیر کی کسسه واقف اولور سه سیماد عوای موالات
 حضرت علی ایدوب ترک محبت حضرت ابوبکر رضی الله عنه ایله رافضی اولان
 کسسه لرا محاله فقیری قتل ایدر لرجهارا و عدم ناصر مله خوئی اراقه ایدر
 نه ارا بو تقدیرجه نزع انوایه سبب اول حاله مستعد و رام و احکام قضایه
 شهادت ایله اختتام و بر مکدر دید که تیمور بونه رجل افصح و کلامه اجر
 و او قدر دیو با طرف و حواشی به التفات و بعد الیوم یو آدم مجلسه وضع
 قدم ایتسون دیو تنبیه ایدر ابتدی فصل احوال عبد الجبار بیاننده در
 مزبور تیمورت عالمی و امامی و خوضد ماء مسلیند پشروی اولوب عالم
 فاضل فقیه کامل تاجان محقق اصول جدلی مدق ایدی پدی نعمان بلد
 سمرقنده نعمان ثانی ایله مشهور اولوب انکار دوت ایدر نلر مایند معر

اولمغه بصیرتی

اولمغه بصیرتی کبی بصری مکفوف و لمشیدی کثر علماء ما و واه التهر
 مزبور دن اخذ علوم فروع و نقل مسایل مشروع ایتشورد مخفی اولیکه
 اهل سنت ایله طائفه اعتزالک فروع اختلا فوری و لوب الحق
 اصول دیند مسایل معدوده ده خلا فوری و اقدرد فصل
 اهل شامدن تحصیل مال بیانده فقرای شامدن استخلاص مال الجون هر
 غشوم ظلم و کفور ملوم و هر صاحب فاقه صدقه بن الجابی و ابن
 المحدث و عبد الملك ابن التکریبی مانندی عوای الظلم تصدی ایدوب
 و مخالفت و تقاعد امکافی و لیان اعیان ما الذکر و خواجه مسعود
 التمنانی و مولای عمر و تاج الدین المسلمانی خدمت مذکور ده مداوم
 و ادب اب دیوان و حساب و ضبط طامور خزینه و کتابه ملازم اولوب
 و مباشر و مستوفی مال معهود الله داد باب صغیره دار این مشکوده
 قعود ایدی بو انواده اجناس مختلفه ناس بر برینه اولان حقد و حسد
 ایراد و تنور دلد مدفون اولان نازع غلن ابقاد بر برین ظلمه به غش
 و سبایه به مباشرت ایله تحصیلدار له مظاهر حاضر اولوب عربیه
 لا یسألون انا هم جین یند بهم فی الثائبات علی ما قال برها نا
 ادنا اشارت و اقل عبارت ایله مساکینک ساخه حالی و زمر جبال
 نکالدن بنای قصور شواحق و حدائق فقر لرینه سحاب عقابدن تسلیط
 رعد و صواعق و توجیه برق دما و و بوارق بوار ایدر لر ایدی فصل محاصره
 قلعه داخل بیاننده در تیمور بلا ظهور احوال بیرونی تمام ایدر بختخیز
 قلعه اندرونه بذل اهتمامه مباشرت ایدوب کانا احصار ده بذل اقدار
 ایتد و کندن غیر طرف غریب دن قلعه به مسلط بر قلعه کوه آسا بنا سن فرما
 اتمکین در ساعت جمع اخشاب و احطاب و لوازم احضار و قلعه مذکوره
 قلعه به استعلا ایله استوار ایتد و بامرا احصاری امرای کبار دن جهانشا

مخضول سبب
 یعنی صاحبین بادری کند لری
 دفع مصیبت الحین نذا ایدر کن سبب
 و نه الجون نذا ایدر سن دیو برهان طلب ایتد
 و ادورک

ذمت همتنه تعلیق و ضبط مجانب و دی حارایله تضیق مباشرت اولندی
 درون قلعه ده فته قلیله ایله شهاب الدین الزردکاش الدمشقی و شهاب الدین
 احمد الزردکاش الحلبی و قعه قلعه به مبتلا و رد کید اعدایه تحریک دست
 و پا ایدوب باکرچه اهل قلعه هر هر هجوم دشمنی استعداد ایله رد و ابعاد
 و ابعاد مدافع و ابراق سیوف قواطع انمکله ما فوق عدد و خارج دایره حد
 قتل و اهلاک اعدا ایندی لرکن بحار جیش تیموری برون جوش و احاطه
 قلعه به یکدست خروش ایدوب غلام بلادون رمی سهام و آشکده شدتدن
 شرر انداز صواعق و بوارق خصام و زیر و زبردن و چپ و راستدن توجیه
 عذاب و انزال باران عقاب ایند کلوی اهل قلعه به بالضروری با عثاض طرا
 اولغین تشبث ذیل مانندن غیر می طمانجات اولدوغن تحقیق ایله من غیر قوت
 قلعه دن نزول و متحصن حصن امان اولدی لر بو وقایع مهول و قضا با یی
 مذهب العقول و اخر ربیع الاخر دن جمادین و ماه رجب المرجب و واقع اولوب
 لکن امر محاصره قلعه به فرق اوج کوندن صکره زیاده تقید اولنشد راجح
 بو ایامک اکثره تیمور دعوت افاضل و طلبا رباب حرف ایدوب و جمع
 عبید زنجی ایدر ایدی و حریر با فلر بو ایامک بلا خیاط طلا و حریر ایله
 ملون برقبای عجیب پیشکش غریب ایند یلرینه بوا و اند تیمور مقابر باب
 الصغیره زوجات طاهرات بنی اکرم صلی الله علیه و سلم قبر انور لری و ذره
 ایکی قبه ملاصق بنیاد بلند عمارت ایندی فضل ارباب عقولک دفع مضرت
 تیمور اچون ایند و کی تدارک بیاندند ذر بلده صفده رقصای تجارتدن
 علاء الدین د و اداری نام بر تاجر مشکور الما اثر اولوب بعض خدمات مبروره
 تقریبیلر طرف سلطان مصر دن بلده مذکور حاجیککه نزار و اولجاه
 عالیه تکمیل اعتبار ایشیدنی دولت چرا کسده نایب بلده سفر اقتضا ایند
 حاجیلر قایم مقام اولق قانون اولغین بوندن اقدام سر زده نول قلم اولدو

او ذره نواب سلطان حلب طرفه اماله کلام عزیمت ایند کده نایب صفد
 توبغا، العثمانی معا استصحاب اینمکن علاء الدین تجارتدن حکومت
 ایدوب ولایت مذکوره ده قایم مقام عالی مقام اولمشیدی و قعه انکسار
 حلبه گرفتار محبس تیمور اولان امرانک بعضیلری رختکش دار عقبای
 و بعضیلر فراریله رها بولوب اچق حاکم صفد توبغای عثمانی و حاکم غزه
 عمر ابن الطحان پسماندن سجن اولغین قضاة سواد اموال ایتامه لافند دخول
 ایند کلوی کپی تیمور شامه حلوله اضرافه اولان و لاه هر بری اقتضا ایند
 او ذره حرکت ایدوب بعضیلر تحصین اماکن و بعضیلر متکن بحارین و بعضیلر
 جنگه استعرا و بعضیلر فراری اختیار و بعضیلر مهادات و مهاده به قرار
 و پردیلر علاء الدین مذکور ذی قدریت مالیه و مالک قوت عقیده اولغین
 قانون تجارت اولان فکر صرفه و حسابی بر طرف ایدوب امن بلد و خلاص حاکم
 صفد خصوصند استنطاق بر خرد ایند کده بو وجه او ذره نصیحت بخش
 اولدی که وفوت مال و ارا یکن فرار شایسته حال دکلد و ستر عرض اچون اولان
 اتفاق دوجه صدقه ده مانند ثمر و اوراق قدر و دنا ینر صفر و د ر ا هم بیض
 شمع شب رای ایام سود در د بیکله مرشد عقله متابعت و تیمور ایله معامله و مهاده
 و مانند تدای مرض معالجه به سرعت ایدوب ایند اولان کار کذار واسطه
 خریدار بارخانه رضای خاطر تیمور اولوب مانند عربون بر وجه پشین اجناس
 اموال فاخره و تحفه قیمه زاهر اهدا و استدعای میل خاطر و منفاد و امر
 اولدوغن بیان ایند و کنته نقایا ساخته بندرگاه جسم و جان اولان استعنه
 امن و امان معارضه سپهون متاع شامدن اصناف اول پیشکش اوداف
 اینمکن تیمور سبعینی مشکور و تجارتن مبرور و توب رسال نامه تحت خامه
 و دفع وحشت و دهشت ایند کدن غیر طرایف جفای ایله مباحه و معا
 ایدوب افراد عسکریدن بر فرد اطاله دست تغلب ایدر سه ولد و برادر تیمور

ایسه دخی ضرب و جمع اید لر دیو تنبیه ایدی بوموال او زره طریق محبت
 وسلوک مسلوک اولوب تیمور نقلت اندازا قلم شام اولدجه نقد و حسن
 هرزه طلب ایدر سه علاء الدین روی نشاط و حرکت انبساط کور ستور و
 مع الزیاده ندادکنه کوشش ایدردی حتی شام وصفه پادشاه عزیز و نایاب
 اولغین تیمور کوندروب بر حمل طلب انمکله اوج یوک تدارک ایدوب ارسال
 ایندی فی الحقیقه هدایت دبان ایله بوطریق سالت و مأمون الساحة مهالك
 اولوب نظر تیمورده صاحب منزلت و قربت اولدی عربیه و آریث و قنک
 و احمیت ببذل مالک یا بشر لوکان مثلك آخر فی الشام ما سیت
 مدلولی واقع حالی اولدی طریق دوستی و آشتی او زره طوایف جغتای پور
 بی صفه طرفه تردد و توادد برله خرید و فروخت ایدر لر ایدی تیمور مغرور
 قلعه اندرون دمشق دخی فتح و تسخیر و نقل اموال قلیل و کثیر ایدوب غلام ظلام
 و نقض خیام قیام اید بخیره دک علاء الدین ایله مابیند راسخ البینان اولان
 ارکان مودت و عقود مصادقت یومما یومما زیاده اولغین تیمور محل مذکور
 نهضت و راه نورد غریمت اولدقدن تکرار علاء الدین تدارک محقق شایسته
 و تهیه هدایای بهیه ایدوب کلمات خاشعه ایله آراسته و نکات خاضعه برله
 پراسته جلب قلوب کاسره و قیاض و تبلیغ قسارت قلوب جبار ایدر کلام
 حاوی نامه رایقه الفوا فایقه المعنا تحریر و اتشای عرض نیازده خصوص
 توبیغا و ابن طغانه طلبکار مراح و ملتس مکادم اولوب غفورین شکرانه
 قدرت و اطلاق قرین قطره بخار عاطفت ایتلرین شفاعت ایدوب ملوک
 زمانه طفیلی دولتری ایکن بونلرک اسیر تیتری دنا همت اولدوغن دخی انها
 و دای شریف لری اجلا و امتثال امر لری اولاد در دیو ختم نامه شفاعت جابه
 اتمکین وصولند تیمور مطالع نامه و هدایای جلیله سن مشاهده ایدر
 مزبودن ابتدای امر دن نهایت حاله کلجه اولان حسن معامله سن تفکر

بغنی قضای وقت افرین ملال الیق
 کسری اگر ندان ایندن مال ندان ای اول
 بولندی کسری برینت اسات اغرایدی

عربیه و الجز له تأثیر و البادی اکرم و الشکر له نقصیر و البادی
 اخللم مغنوی ندبرایله تربت عربیه جزا الحسنی اذ اکتت محسنای
 ولا تحسن من سوء اذا انت لم تسئ من یفعل الخیر لا یقذر و جوا
 لا یدهب العرف بین الله و الناس مدلولی بخارنی بکایک ربع ایدر
 تیمور هر غمربه نمر و طاش ایسه دخی بو وضع پسندیدن ایله ملایم اولوب
 مزبورانی قید بلادن ازاد و اکرام و احترام ایله خاطر شکسته لرین آباد
 ایدوب و شفاعت علاء الدینی انها و سلامت طریق بقرچون دخی دفعا
 امنا ایله راهی قلدی بری صفا ایله صفدینه و اولبری عزت ایله غمزه سنه
 واصل اولدی فصل الملك الناصر فراد نصکره تیمور کوندرد و کی نامه
 بیانند در الملك الناصر و دیار ذوی تیمور دن فراد ایتد کد نصکره امرای
 مصریه دن علی یسوق نام امیری بر طریق سفارت تیمور عودت ایتدروب
 نامه شست خامه سنک فحوی لاف و کذا فند اول خالده اولیه سنکه سنک
 جزع باخود الم فرغ ایله اختیار فراد ایتشوز در الجح ممالیکمزدن بعضیسی
 هوایه تابع و مفا و ضلاله ضایع اولوب هر خارج طریق عارج معارج یخفق
 اولد قیاسیله راه سرکشیده مانند خار سرتیز بخشتر ایله خطر ان هلاک
 آمیزی تفکر ایتوب سکا تقلید ایله اهلک عباد و بلاده اسباب فساد تمهید
 اتمکین حکیم حاذق ایکی مرضی بر شخصه مشاهده ایتدکه ابتدا خطرناک
 اولانک علاجه مبادرت اتمک مقرر اولدوغی کبی سنی اهورن خطری و احقر
 شغلین عدا ایدوب و لمقوله لک تفریک کوشن و نقدیل میزان فکر و هو شلری
 اچون عنان عزیمتری اول طرفه منعطف اتمشوز در دایم الله مانند کراسد
 غضبان او ذریکه وار مغله سنی و عسکر یکی مانند موارد اضعاف منهل
 جوارح نیروسان و کشت زار جمعیکی در دیدن داس شمیر بران اتمکله مانند
 دانه کدم نظمین آسباب سنکین ایدوب شدت طعن و قوت ضرب ایله

بغنی قضای وقت افرین ملال الیق
 کسری اگر ندان ایندن مال ندان ای اول
 بولندی کسری برینت اسات اغرایدی

یوم حساب ایلین عقاب ایلده عذاب و فلزات اجسامی بونه شدند ابریزن
 و انواع سیاست ایلده عنادل نفوس ناسی تنکای قفس بدندن اطلاق و هر
 بر فقیری استحقاق و غیر استحقاق ایلده آویخته چنگال مشاق و افق عالم
 علامت قیام و اقربت الساعه فی اشراق ایندروپا اول بلای عام و فضای
 طام و تراکم غوم و تراحم هو ایلده برادر برادر دندن و مادر و پدر اولاد
 و احفاد دندن فرار ایدوب نتیجه اول کفر و فجح نك جساد ایتدکلری افعال
 شنیعه و مرکب اولدقلری و بال عظیمه قلم و تحریر و دایره وصف و تبیین
 بیرون اولوب شدت نهب و غارت و غسرت غدر و خسارت و فساد و عیب
 و فسق و جدال و دفت و اباحت منکرات و هتک استار محصنات اوج کون
 مستمر و متصل اولدقد نصکره دارود یاره القای نیران و یابس و رطبه آتش
 انداز خسران اولدقلردن غیر حرق جساد و قتل و پامال اجسام شهید
 ایدوب بعض و افض خراسان جامع بنی امیه به القای جرات بر لب انکین
 مساعد هبوب هوا و قوت عنصر نار مستعلا حواضر فوق و تحتی ذر و ذر
 ایدوب اند دخی بر کون بر کجه استمرار نار اولوب لوحه مدینه ده منقوش و قیوم
 اولان اثار ادانی و اشراق ملوس لسان برق کوه شکاف اولوب طرح بنیاد
 ذات العبادی مفقود و دروضه و دوجه و کل و سنبلی محصور اولدی
فصل تیمور لنک بلادشامدن ادخالی بیانند در اول معدن الظلم
 و الظلام اقلیم شامدن بوم السبت ثالث شهر شعبانده نقض خیام و دفع
 ظلمت غمام ایتدکده مضبوط کارخانه سی و غصب کرده عسکر شوی اولان
 اموال و امتعه فوق الطاقه و مالا تحویلا الاستطاعه اولوب نقل حملنده اشتر
 و استروچار پای بار بر لری عاجز اولغین مراحل و منازل القای و ترک ایتدکلر
 امتعه و اقمشه ایلده صحاری و برادی و جبال و بوادی مانند بازاد حریرین کل
 در و مثال حوانیت عطاران خوشبو کویا امهات عناصر فتح خزائن و موالیه

معادن ابراز مکامن ایدوب عربیه و صادر لسان ستر هم نیادی
 علی قین الشواهد و البوادی مدلولجه قانون فساد و قاعدت بیداد
 عادتمز او ذره دیبا و زیبای بلدی افطانی و مال و منال عبادی
 ایلده موضع و محکمه مصرفا بنیوب صحاریده تلف ایتدک دیولسان حال
 معترف اولوردی مع ذلك غدار مذکور و عساکر موفورینک طوعا و کر
 آلدقلری اموال و ائقالتک اضعا فنه دخی اطالنه باع حرم و از اینسیر
 ایدی اول بجره سفلی قدراد خال دست انماش اولوب لافدن صدک
 و الوفدن ده یک الماش اولور لردی لکن بلای داهی و مصایب امتا
 آتش اولوب خیایا و زوایا و مخزون و مکنون اثر قویوب بر باد و تباہ
 و خاکستر کبود و زغال سیاه ایتدی اول واقعه فاقعه ده داخل بلده اجناس
 ناس طعمه نشور و کلاب انجاس اولوب اول طعمه حرام ایلده جمله عقور اولغین
 جامع بنی امیه و سایر اماکن و مساجد و معابد کسینه بر جسادت
 عبور قالمدی **بیست** تا دهر بود واقعه زین صعبتر ندید زین کونه
 واقعه نکسی دید و نه شنید **فصل احوال مصریان بیانند در اما**
 اهل مصر و مضافاتی اولان بلاد خلقی دخی بواجار مرعبه و حوادث مرعبه
 ایلده مختلط و قوایم قوتلری مغل و یتدا استطاع لری مرتبط منزل و مسکنلر
 توکل برله استقرار یا خود تدارک استعداد فرار اتمک باینده سکان اغوار
 و لجنه متردد و خیران و متفکر و سکران اولوب ابصار خاشعه ابدان
 راجفه قلوب و اجفه شفاه یابس و هیبت باشه وجوه مصفر و جنات
 مغیره خافنه الاصوات مضطربا الحركات مترقبا اخبار و مترصد اثار
 ایکن یقور اعرج طریق و منهجن اعوج ایدوب فتح عزیمت ایلده عود قهقرا
 ایتدکی خبری منتشر اولغین سبب سرور پر و برنا اولوب بعنایه الله تعالی
 اول طرفه استیلا سی میسر اولدی **فصل اعیان شامک عاقبت الحال**

محصول است
 حال و بوادی کار زندگ لسان
 حال و نذا ایدوب

و مثال احوال مرئی بیا شد در نیمه و ظلم ما ثورا قلیم شامدن رفع ظلام
 خیابان بتدکده اعیان شام و مشاهیر اعلامدن قاضی القضاة محی الدین
 الحنفی به انواع شدت و عقاب و کتبی انشین ابله عذاب و ماء ملح و تراب
 اشرا بابتدرد کد نصیحه کند و سن و فرزند فرزند اختری قاضی القضاة
 شهاب الدین ابوالعباسی استصحاب ایدوب کو تور مشیکن بر نوبه دایر
 بلا سندن خلاص و کبر و عود شام ابله امری انتظام بولدی و قاضی
 القضاة النابلسی الحنبلی و قاضی القضاة صدر الدین المناوی الشافعی
 دخی معاکو تور مکمل فرزند زاید غریب آبادی الی رحمة الله و شهاب الدین
 ابن الشهید الوزی بر بوندن اقدام متعل و زو زادت اولوب بوهنگامه بعض
 متعلقان اماکن بعید به بجهیز کند و سی جرید قالد و غی تیمور غمرا و لوب
 تغذیه صد دند ایکن اول مرتبه به ابر شد دیوب مصراع علاج واقع
 پیش از وقوع باید کرد مدلولجه بذل موجود و تقدیم مقصود ایدوب قید
 سیاستدن زها بولدی لکن بلای فقر و فاقه به مبتلا اولدی به اول حال
 ابله تیمور رنجور معاکو تور ممکن انواع جفای غربت و فقر حال و قلب
 ابله بارکش ذلت و محنت اولد قد نصیحه بی فایده دمشق رجعت و در ^{خنگش}
 دار آخرت اولدی و امرای خواصدن امیر مجاز منسجونا و مقتدا معاکو
 تور دیوب علی الطريق نهر فرات و وصوله تسلیم تقدیمه جان ابله خلاص کریا
 ابتدای اما قاضی ناصر الدین ابن ابی الطیب لطیف الهیة رقیق البیة ظریف
 الصورة سوداوی المزاج الفین محنت تغذیه طاقت کو دیوب داروی
 موت ابله علاج و صهباکش شهادت و وقت عیشیه مدرسه کو سیده
 پهلوزن متکای راحت اولدی اما قاضی القضاة تقی الدین بن مقلیل
 پرویل نهب عامه عارج معارج دار آخرت و غریبه نشین سعادت اولدی
 اما برهان الدین بن القوشه اون یدی کجه قورقوا و ضعف اعضا ابله

حارة تل الطین نام محله بیک کوی داعی حق اولدی و لاشاه شیا طین
 تا تار نقل اموات بهانه سبله شهر دن مال و رجال فرار تمکلت اچون
 ضبط بیوت و سند مشارع و دزد و بیا غلبه مشار الیهک بجهیز
 و دقتند جهد بلیغ اولوب صالحه ده هسایه صالحین اولدی اما عبد
 الملك ابن التکریتی طوعا یتومر منابت و معا اختیار غربت اتمکله خد متند
 تکمیل عرض و اعتبار ایدوب و راه سچوید سیرام نام بلدک حکومینه
 نایل مرام اولدی و بلیغ نام بر شخص دخی تیمور خیر اندیشی و لایه و معا
 ابله درویشی کو ستور و ب بغدادی المولدا ولد و غن ادعا و استدعای
 اخلاص ابله نظر تیموریدن تقرب و اختصاص بولوب و رای هر بچند ده
 سمرقندون بکری منزل مسافه سیرام ابله مایینلری دودت منزل موضع
 بنکی تاس نام بلدک حکومینه سرفراز اولدی بونلردن ماعدا مغرور
 مزبور د مشفق ساکن ارباب فضل و ضایع اولانلردن متعدد شاج
 و خياط و تجار و بخار و بيطار و خيام و نقاش و قواس و یازدار و قنار
 و ارباب حرفت ما هر لوندن اختیار و انتخاب ایدوب استصحاب و هر
 برین توابعه توصیه و توزیع و سمرقند ایصال لیرین تنبیه ایتدی و پیش
 الاطبا شهاب الدین احمد الزردکاش بوندن اقدام بر قلعه ده محصور و طغسان
 سنه سن ابله مخفی القامه اولمش بر مرد جسور و الفین بوندن اقدام عسکر
 تیمور ابله مها و شه و منا و شه ده خیلی حواشی و غواشیلرین کشته شمشیر
 جالاک و خلایق لایعده و لایحصا لیرین اهلاک اتمکین تیمور مغروری
 احضار و هدف سهام عتاب ایدوب سنی برد فیه ده قتل اتمکله علیل
 خاطر عیه شفا و زخم دله دوا و لزم اما ضعف و فتور اعصاب و اعضا که
 زیاده کسر و هن علی و هن عسرا یدزم دیوب یدی رطل و نصف مشقی
 قید ابله بالای زانو سندن مقید ایدوب صحیفه قیده قید غلظت دیو

بحر بر این دردی بنمورد و فائز دك فقیر اول حال پر ملال ایله مقید اولون
 فوت بنمورد ایله دفع شرور و دفع محذور اولغین اولما سور دخی خلص و هیا
 حضور اولدی بونلردن ماعدلا یعد و لا یحصا نامعلوم اعیان و سادات
 کرام و مشایخ عظام و اهل صنایع و ارباب بضایع و عبید و صبیان
 و بنات و محذرات اراذل و عسکری لند و صحاری و برابید ضایع و نابود و کد
 پنجه دارا لخت غربت و تنگنای سرده مفقود اولدی ظالم مرقوم بدی
 امرده مزبور لرایله معا معله و الدیمع الولد ایدوب بعد عالم و عاقلک
 زلت قدمه مسافحه و جاهل عامینک استغفار و ندمنه اصغای مع ایتد
 هواره ارکان قاعد سی بومنوال اوزیر اولوب خرم و هدم قبول تمزایدی
 فصل اقلیم شامه استیلای جراد بیانند در حصا دغلات د مشق
 بنمور فراغت و تضمیم رحلت ایتد کد خوشه چین و لقا طه جراد دخی طه
 ایدوب بنمور لجوج و عسکر یا جوجی ایله رجل و نزول ایدد کد مادین
 و بغداده دك روی زمینده اولان اشجار و کشت زار و چمن و کلشنی
 جرد و عاری و برک و یاردن خالی ایتدی محل مذکور دن نهضت بلده حمص
 القای ثقلت ایتد کد رعایت حرمت شیر غایت شد بد حضرت خالدا بن اید
 رضی الله عنه ایله بلده مذکور بیر اطالة دست تغدی و لیبوب قرا و مزادعی
 هدم و نهبد نصکر رحلت و بلده حایه القای آتش رهبت ایدوب نهیب
 خزاین و استخراج مکامن و اسرار این وضبط نفایس ایدوب ماه شعبانک
 اون یدنجی کونی حلب طرفه آدملا اسراع و قلعه ده و دیعه و احراز ایتد کد
 اموالی نقل ایتد کد نصکر مع السفاین و بلا سفاین هر فراقی عبود و قای
 و هاده ظهور ایدوب لیب و حلبین استخار و مال و منال استخار
 ایتد کد نصکر طرف مادینه اماله ککام و بلده مذکور پادشاهی الملک
 الظاهر نامه محبت ختام تحریر و مزین و دیبا جه نامه سن نقل اولند و غی اوزر

بوییت ایله

بوییت ایله معنون ایتدی عربیه سلاطین علیکم و آلکم و سلم و بوییت
 تقد بلع الاشراق منّا منّا ها نامه مرقوم الملک الظاهر رسید و صو
 معانیسی قلم مانی تدبر و تفکر ایله لوحه خاطر کشید اولدقن مقدمه
 مائه تلخ نواله بنموردن تناول ایتد و کی مراده اذا و از در اذایقه جانتد
 هنوز جایگیر اولغین کلامنه عدم اعتماد و اعتقاد ایله قلعه دن نازل
 اولوب عربیه من جرب الجرب حلت بیر الندامه مدلولیله عامل اولد
 الحق الحاج محمد بن خاص بک نام خادم مقبلن بعض هدایا و خدم ایله سفار
 طریقله ارسال ایدوب عدم ملاقاتن اعذار قویه ابراد و عنوان مکتوب
 بوییت رعنا ایله معنون و مطابق خطاب رد جواب ایتدی عربیه فتوفی
 انکم زاید اید و صفه و لیکن تحاف النفس میا جرها نامه مذکور بنمور
 مغروره و صولده عدم التفات و نفسنی قنیف ایله لایم و مقدمه ایتد
 حسن معامله بیر نام اولوب بود الاثنین عاشر رمضان نهضت و زیر بلده
 ما رینه القای و زر و ثقلت انکله اهل بلده قلعه اندرون انتقاله استیصال
 ایتد بلده قلعه مذکور بالای قلعه جیلده واقع بازین پرواز فکر و عنقای فای
 شکارینه مجال بولون عظیم الاحتمال و عقاب سبک بال خیال بک کوهساری
 صیدینه تحریک شهر مرام اتمک خیال خام اولوب قلل سنگینی کوه تمکین و قای
 بیستون استقامتی مما سبقه خرج برین انواع منت و رفعت ایله محترس
 و شواهدین بروجی طرافه بالکشا اولان نزاع و زعنی مختلس اولد و غنندن
 غیر میاه جاریه و بسایتن زاهره ایله نشیب و فرازی جنات بخری من تحتها
 الانهار و ریاض فیها الغلمان و الاحرار دینه و بقیعه لوی مطاوخ ذروع و عای
 مواشی و ضروع اولوب عاشرین نیاز باکوره برنا زحد و دستوره سندن
 دفع نقابا تم خطبه خطبه سته کسمنه رهیا با و لیزر قلعه منین و حصن
 سکین اولد و غنندن ماعد امرقات دخولی بنه درون صندوق نموشند

محصل بیتی
 معنی سلام علیکم ما بینک اولان
 عبود سابقه بنیاسکی حالی اوزر دد
 و بنمور بنمور بالغ نصاب نهایت اولدی

محصل بیتی
 معنی بنمور اولان بنمور خد
 و صفندن زیاده در و کدن
 احوال دن نفس خوف ایدر

تشیید و بیوت بلد دایره سند تا سیس و متحدید و لنوب قلعه دن نازل
اولان میاه شیرین ایله مستقم و فی السماء رزقکم و ما توعدون فهای معجز
احتماسی اوزره اوزر امطار متواتره ایله مفتتم اولوب تیمور بیداد احصا دن
استداد و طریق تسخیرینه هر چند استرشاد و تهیه استعداد ایتد کایسه
میدان قتال و نصب مخفیقه دخی مجال اولما مقله معادل و مناقیر ایله
نقب و ثقبه بذل مقدور اولند قد اولدخی مقید اولوب حریمدن بیگانه
ممنوع و دست اجانب ذیل عصمتدن مقطوع اولغین فاس و معولتری
کلیل و قوت با ذوی کارگری علیل اولوب عربیه کآن معیولکم فی ثقب
تربتها متقارطیر علی صلد من الحجر او عدل ذی حسد قد صابه
صمم او غمز عین معنا فاقد النظر مدلولی واقع حالتری اولوب
عشرین شهر صیامه رک بضیق صوم وصل ایدوب استفتاح ایله افطار
مکن اولما مقله بلا فایده تضییع سرمایه ایتد یل فصل ثلث محاصر
و عناد و توجه بغداد ایتد وکی بیانشده در چون تسخیر قلعه متعسر
اولدی تیمور طلب ملا یستطاعدن امتناع برله مکابر علی الحق خروج عن
المنهج و اظهار دعوی بجا مقوله عناد و لجج اولدوغن یقین ایدنجی تحریب
مدینه و سور و محو آثار داد و دود و هدم میادین و جوامع و منابر و مقصود
امر ایدوب اولدخی بالغ نصاب انعام اولنجی مانند فراش و جراد اجناد ایله
طرف بغداده متحد اولدی شامدن استصحاب ایتد وکی قاضی شهاب
الدین احمد بن الشهید الوزیر و بعض اعیان و متعدد دیپتار و صباغ و سباح
حریر و ادب با هنر و اصناف صنایع بدایعی تجهیز و بعض احوال و ائقال مقوله
امیر الله داد ایله سمرقند طرفه راهی و ارسال ایتدی امیر مرقوم ابتدا
مدینه صوم و وصول بعد اخلاط و بلاد اکراد و عادی لجواز عامه البنیاد
دخول پس ازان ایالات تبریز و ادرپجان و شهر تبریز و سلطانیه بهر ورود

مجلس
معنی قلعه مذکور است و نقب و منفار
کویا بیک قوی طاش اوستان
طاش بیک باغ و برصا غلام ایدنجی
باغ و برصا بیک غلام ایدنجی
که غلام و غیب اید و کور آدم نکرور و کور
ایک کویا آیدک دخی قلعه نقب ایدک قازیه
نویسه بکن

بعد ذلک عمالک خروسانه عبور ایتد کلرند سپاه سپاه شتا رفع خی
نهضت و لشکر زبند لباس بهار نصب سایه بان اقامت اتمکله صفحا
ریاض نقش انا مل نقاش قدوت والوان کونا کون صناعت ایله متلون
و سوا عد عرابس فرادیس سور مصنعه دست حکمت ایله مترن
واطیار شیرین منقار مابین ازها دده مانند بلبل هزار الحسان
مطرب و نقاب مفرجه ایله ارواح نشاط و اشباح تازه انبساط
و یروب نعمت الهیه رسید و مانند بیدریغ ربانیه شرقا و غربا کشید
اولوب قافله مذکوره منزلدن منزله عیش خاطر کشا و مرحله دن
مرحله بهر کسب هوای دل افزا ایدرک نشا بوره قدم بعد جام و قطع
مفاوز با ورد و ما جان ایدوب اندخوب و وصول و نهر چچانی سفایر ایله
مرود ثالث عشرین محرم یوم الثلاثا سنه اربع و ثمانیا به ناریختن شهر
سمرقند عبور ایتد یلر یونند نصکره دخی مضبوط دست غدر و مقبوض
بد غضب تیموری اولان اسارا و اموال ثقالی متواتر و متزاید و لطفه
ارسال اولندی فصل تیمور قلعه مار دین تسخیرینه فایز و بویاید امر و بی
شفقتین مجاوز اولما مقله فر بلوک امیر عثمانی اولما کنه والی نصب
ویوم الحنیس عشرین شهر رمضان رحلت و نصیبینه وصول یولوب
اهالیسی جالی و لعله تحریبا ایله برباد و غلات حصا ایدوب صورت
سودون اثر و دار و دیاردن سکنا ی بشر قوم یوب کتاب مله و عساکر
مدینه ایله موصله منکب و مانند صاعقه فاقعه اولدیاده منصب
اولوب محل مذکوره اقامه قیامت شدت و بجه غدر و ایصال خسارت
ایتد کد نصکره حسین بیک ابن پیر حسین هبه و احسان ایدوب قنطره
طریقینه مجتهد و عازم و دفع کف فساد جازم اولوب ولایتی طرفه
اماله ککام غریمت ایتد و کن اشاعت و ضمیرنده اولانه حرکت خفیت

مجلس
معنی قلعه مذکور است و نقب و منفار
کویا بیک قوی طاش اوستان
طاش بیک باغ و برصا غلام ایدنجی
باغ و برصا بیک غلام ایدنجی
که غلام و غیب اید و کور آدم نکرور و کور
ایک کویا آیدک دخی قلعه نقب ایدک قازیه
نویسه بکن

ابتدای لکن پادشاه بغداد سلطان احمد اول ظالم بیداد عازم بغداد اولد
 تحقیق اینکین ساحل نجانه وصول همچون تدارک مشغول اولدی فصل
 سلطان احمد ابن الشیخ اویسیک طرف روم غریبی بیاتند در تیمور
 سفر و رشام احوال رسید سر منزل ابرام ایند کد نصکوه احتشاد ایله قاسم
 بغداد اولدوغی سلطان احمدک یقینی اولغله العود احمد طریقته سالک
 ع و اگر خواهی سلامت در کنارست مدلولن نعم المسالک بیلوب فرج
 نام امیرین بغداده قایم مقام تعیین و وجه تیمور سداب و تسدیل
 دامن حجاب ایتوب ستل سیف و خطابه لم و کیفایله رد جواب ایتملرین
 توصیه و تنبیه ایدوب قره یوسفک زفا قیلده متوجه تخمور روم اولدیلر
 بوخبر راحت اثر کوش نزد تیمور بدکرا اولد قدیم بیک مقدار پلنک
 خو جنگ جو عسکری انتخاب و رؤسای و ذرا سندن امیرزاده رستم
 و جلال الاسلامی و الشیخ نورالدین تعیین اولوب مقدم و قاید جیش
 امیرزاده رستم و بغدادی تسلیم ایند کلوند مرقوم رستم حاکم بلد اولن
 تنبیه برله ارسال ابتدای آفتاب وجود سلطان احمد دن مشرق دارالسلام
 خالی اولدوغی کبی عسکر تیمور مانند لیل ظلام افاق بغداده نشر ظلال
 اغتمام ایدوب طوعاً تسلیم قلعه و بلاد ملک همچون امیر فرجه سفیر چاپک
 مسیر اسراع ایند کلوند امیر مرقوم امتناع ایله رد جواب ایدوب تدارک
 ادوات مشاجره و تهیه اوزار مناجره ایتملکه حاضر باش پر خاش اولدی
 امرای مذکور واقع حالی تیمور اعلازم و جوابه منتظر اولدیلر چون عناد
 و عدم انقیاد فرج معلوم تیمور اعرج اولدی و یاکبی در یوب ابرنسان کبی
 کور یوب سوار آتش غضب و محرک تازیانه شره لب اولوب بغداد طرفه
 بالنفس اماله کلام اهتمام و پیشرو اولان لشکر شامت اثرینه انضمام برله
 فنای بغدادده ضربا و تادخا ایدوب با شهر حیره اول فرقی عجم و حج ایله

حصر قلعه و تفتیق فرج بیفرج ابتدای امیر مرقوم دخی استعداد تام و اعمال
 عال شمشیر و سها و ایله مقابله و قدر الاستطاعه مقاتله ایدوب جنود
 مردود تیمور دن خیلی بد بختی آغشته خون و خاک هلاک و بیهودا باشی
 مبتلای بلای زخم دهنر ناک ایتملکه آتش تهور تیمور ملتهب و شرابین غضبی
 مضطرب اولوب خیل و رجال و ابطال قنایله یکدست قلعه به هجوم
 عام و تقدم قضا ایشام ایدوب یوم اضحیه ده عنق فغ و شخیر ایتلکین
 فوج فوج ذمره مسلمان مانند قرابین مسلح شهادت تقدیم و مذبح سبکین
 آتشین اولند و غندن غیری دفتر نکایت اشد مر سورا اولان افراد عسکر
 هریری اهل بغداد دن یکی راس قطع و احضار میدان کر بلا ایتلک اوزره
 بر طریق سالیانه تکالیف شافه طلب ایتلکین جلادان بی امان مانند کتک
 و کوسفند رزمه سیلیند و شوب کبیر و صغیر توانکر و فقیر دیموب دو جا
 اولد قلمین برند مذبح و محروم نعمت حیا و روح ایتملکه العیاذ بالله
 خون ایله دجله کلکون اولوب اجساد لری طرح میادین و رؤسایله یوز
 قدر بنای ماذن اولند و غن مقدما حاکم بغداد اولان قاضی تاج الدین
 مصطفی مرقوم نقل ایدوب بعد فرور تاج الدین سکر یوزد و رت
 سندسی تار بخند و مشق شامده داعی حقه اجابت و توجه نر هتکاه دار
 آخرت اولدوغن ثبت اثر قلمش در اهل بغداد دن مجر دصبر اگشته
 شمشیر غدر اولانلرک عدد لری طقسان بیک اولدوغی مضبوط اربابا
 حسابا ولدی و لظالم کشتی بی رحم اولوب طبع قساوت مطبوعه
 نفع عدل و شفاعت محال اولغله بعض او باش اهل بغداد دن باش
 تحصیلده عاجز اولغین اسرای شامدن تکمیل و بعضیلر نشاء رباط
 جمال دن تنیم و بعضیلر د فیلرین اغتیا ل ایله استیصال ایتملکه صدق
 صدیق و النفات شفیق و شفیق ایتوب امثال امرایله تابو مرتبه مرتب

وبال و خیم العاقبة اولدیلر بوندن ماعدا اولدر طنه کبرا و محله
عظما ده پنجه بیک نفس نفیس کندولرین دجله یه القا و عازم دار بقا
اولد قیزی رسیدن تحقیق زامیر فرج دخی کشتی یه سوار و بادبان
کشی فرار و لغین طرفین دجله دن پرتاب اولان سهام منمو ماعدا
ایله مجروح اولد قد نصکره بخت و اذکونی کبی کشتی دخی سرنکون اولون
غوطه خور بحر خسارت و عازم ساحل محیط آخرت اولدی بعد ذلک
یتیمور خور دخی خرابین و دقاین بغدادی اخراج و احراز و تحریب مدینه و هدم
نشیب و فراز و اها لیس مانتد نخل یا بس نبرک و بار و مسکن و ما اولون
نار و ما و اینمکله مدینه السلام ایکن دار السام اولدی بقیه السیوف
اولان وضع و رفیع دخی ماکن بین و شمال عشرت اشماله غنیز و محترم
و ظلال ممدوده دلاله مخدوم مکرم ایکن قید بلاده اسیر و استخدا
ایله عبد حقیر اولوب منزل و ما والرین او کار بوم و غراب و مسکن صنباغ
و کازبا اولدی بلده مذکوره نک داخل داین سند خلفادن بر خلیفه جرمه کتر
کاس یاس و سیا المنون و لیوب هریری بر طرفه سرنهاده و سادده الحد
اولد و غنندن دار السلام ایله بنام اولدوغی تصحیح کرده روات ثقات در
فصل تیمور بر شور سلطان روم یلدرم سلطان بایزید مرحوم کوندورد
نامه بیاتند در شیر رضالت مسیر مزبور یعنی تیمور مغرور سلطان اقالیم
روم غازی جهاد اعتیاد پادشاه سلیمان بارکاه شیر غاب شدیدی سلطان
یلدرم بایزید مرحوم نامه خشونت خامه تحریر و بلاد رومدن طلب ایتدی
بلادی بلکایه تقریر ایتد و کندن غیر سلطان احمد و قوه بوسفی ماده
منافرت و علت مخالفت ایدوب نامه شدت فحوا و کتاب عداوت معناسند
مزبوران ماده فساد و بوار بلاد و باعث دمار غیا و شیخان خمول و ادبار
زاکمان مرکب استکبار اولوب سطوت سیفزدن هادب و طلوع نیر هینیز

اولدی
تیمور

مانند فرقدان روم طرفدن غارب اولمشلر در مر قومان حلول ایتد کیری
بقعه یه نکبت و شامت حلول و مرور ایتد کیری ساحه یه جنود فتنه
و فساد نزول ایدر حاشاکه بواسطه نکبات زیر جناح سلطان روم
شایسته التفات و کرامات اوله لرا الحذر و الحذر مزبورانه ما و امجلا
اولیه سز و امرین مخالفندن اخترا اید سز و لا بد قلم و ملک کردن
مزبورانی دور و یاقید بلاده ماسو و یا کشته سیف منصور اید سز
والا دائره قهر بن سز یا حاطه ایدر سالک طریق عناد و محاصرت اولوب
امرین مخالف ایتد نلک حالتی مسموع و ولایتلر یه نازل اولان
باس و شدت معلوم کز اولوب واقع اولان افعال و اول ما جاده اولان
قیل و قال ظاهر البرهان اولغله محتاج بیان دکلدربو مقوله تهدید
و تخویف و تهویل و اراجیف تحریر و تصدیق ایتدی **فصل**
سلطان بایزید مرحوم پادشاه عدالت آیین و صاحب تقوی و صلابت
دین شجاع دلیر غازی یه نظیر اولوب جامع محاسن عدالت و بخت
و حاوی مکارم الاخلاق حمیت و دیانت اولغین مساعد بخت ایله
ممالک قرمانی زیر فرمان و فتح منتشا و صادر و خان و ضبط کرمیان
ایدوب حاکمی اولان یعقوب بن علی شاه تیمور طرفه عطف عنان
و پنجه شیرانه سندن خلاص کریان جان ایتدی ممالک نصارادن دخی
پنجه قلاع و بقاعی فتح شجیرا تمکین سنور با لقانندن حدود ایدر بجان
واقع بلاد ربقة اطاعتنه منقاد اولمشیدی الحق سیمع تیز طبع اولون
بر مرتبه تنک دل و مستعجل ایدیکه اثنای محاوره و مکالمه ده حرکت
ایله صدر غرغه دن لب صفیه دک کلور ایدی دیونقل اولنور تیمورت
بو مقوله کتاب و فحوا خطابی معلوملری اولغیه یرندن نهضت

وعروق حیمت و غیر تلری حرکت کاه رفع و کاه خفض صوت ایلد تیموری
 غایبانه مخاطبایدوب کانه بنی بواصل ترهات ایلد تخویف و بوشکل خرافات
 ایلد تهریب و تخفیفایدوب ملوک اعجام و تانادشت الی غنایه می تشبیه
 یا جمع جنودی جیش هنوده می قیاس ایدرسن یا خود بنم لشکری عسکر عراق
 کبی اهل نفاق می بیلورسن یا ذیلوای سلطنته اولان غزاة اسلامی جندیا
 شامی بکزدرسن ملوک ارضی نیجه احتیال و مرتکب اولدوغی کفر و وبال و نیجه
 استضعاف طوائف و جمع اموال و نظایف ایلد و کی معلوم دکلید ربوامرت
 مجمل بن تفصیل و تحزین ایلد و کی احوالی کشف و تبیین ایدیم اما بدی امر
 حرامی سفاک الذم هتاک ناقض المهور و الذم صوابدن خطایه منجر و حقد
 باطله منصرف اولوب اغفال رجال و صول و جول ایلد توسیع مجال ایدوب
 فتیله خروجی شراره ایکن آتش مستقل و اینکشت دعوائی جبر ایکن نار مشعل
 اولدی اما ملوک عجم قتال و قتل قدر تلری و ارا ایکن انواع قتل و اصناف
 جیل ایلد مزبور لری مغفول بعد استیلا و استیصال لری ایلد نائل مرام و مامول
 اولدی اما توقفا میش خانه عسکر خیانتدن غیر تانار بیقراری و می
 سهامدن اوزکه هنری و لما مغله مردان حسام و ضراغم ارا و امر نیجه مماثل
 اولور لرا اما جنود هنودک طریق مهاوشه و مناوشه لری هزار دغل ایلد سده
 و سیل سطوت لری کونا کون خدعه ایلد بتدایت و کندن غیر تانادشا هلرینک
 شمع حیاتی صرصر فنا ایلد متلاشی و لمقین شبستان اتفاق و انجمن و فاقری
 منحل و تصادیف امر لری معتل اولدی اما عسکر شامک قضیه لری مشهور
 و ما جرای غیر مسنودد ربادشا هلرینک قوتیلد اساس قوتلری نقصان وارک
 دولت لری انحلال بولوب سلطان جدید بنی ایلد کبار امود دیده و اکابر کاردآموده
 مقول و بقیه لری صفای عقول و مغله مرواح حوادث خرمین نظام ملین

هبا ایدی

هبا ایدی صورتد بهار و معناده خریف ظاهرده مجموع و قوی سیرتن
 بریشان فصیف اولوب فی الجملة ایا دی سبا اخرا بلین تفریق و دست قضا
 اثواب شوکلرین تمزین ایتماش اولیدی بهر حال یند دیکد اعدایه قادر و
 خطر خطیر جسامت ایدر لرایدی لکن تحسبهم جمیعاً و قلوبهم شنی مصد
 ما صدق اولوب ولین سلکنا مشق النظام و داعی الشها رجا بک دن
 حسام مرتج انتقام اولغله هر چند ارباب نطاح و شد بد الکفاح و صحا
 رماح ظهیر الحجاج و اسود الهیاج ایسه لردخی نرواجناد جهاد اعدایه
 نظام و قیام و نظاف و تناسل رینه مداف اولمز لر عرا و حفاة ایلد کما
 غزاتک فرقلری ظاهر در ذیر ایزر دلاوران دلیر بیزک دخول مهالك حرق
 دایلدی و سلوک مسالك ضرر و بطلب لری و جهند جهاد صنعت لری و غ
 سبیل الله قتل و قتال شریقلری در کرسیزک مراد بکزدینا ایسه غاز بیزک
 نتی اعلای کلمه الله اولوب بذل تقدیر جان ایلد اشترای جنان اینکه در
 عزیمتلری آذان کفارده هنوز صدای ضرر و بلرندن طنین و ناقوس سرلرند
 دین و صدور ابناء صلیب این اولوب دخول بحار خطر و لنت تکلیف
 اولنسه لر خوضه مبادرت افاضه خون کفارده امر اولنسه لرا اقامه
 مسارعت ایدر لر صیاصی کفار اختلاسه حاضر و مهیا اولوب هر طرفدن
 استغزاز اولنسه لر مانند باز کرسنه و لطفه نیز پرواز اولور لرباد شاهلر
 هنگام ابتلاده اذهب انت و ذبک فقا بک انا ههنا قاعدون دیمز لربوند
 غیر طبار لری باقره اظفار سهام لری ظافره اسود لری کاسر غور لری
 طافره ذیاب لری جاسر و مجتمز ایلد قلوب لری عامر و روی جنکده و جاش
 شجاعتلری ناصیه و ایکی دینها ناظره اولوب حاصل کلام شغلز کسر کفار لرا
 ولم اسیر و غنیمه و غیر اغتنام اتمک اولوب لا یخافون قومه لا یهم حقوده ناز
 دیوب بوا و سلوب اوزده مکوب تیمور مقابل بخیر نامه ایلد و کلرندن غیر

بمقوله كلام ارتساخ سكاكران كلوب مما كنز طر فنه سنی تحريك في توان ايد
 اما اگر بوطر قله كلز ايسك منكو حرك طلاق ثلاثة ايله مطلقه و اگر
 كلور ايسك مقابله ايتوب فرار ايد هم زوجات سلطانیه طلاق با ايله
 مطلقه اولسونلر ديو جوش تهوردن ناشی التزام مالا يلزم ايدوب بمقوله
 بعض اجوبه ايله رد جواب ايتد يار نامه مرقوم تيور رسيد و منظور ديد او
 مطالعه برله مفهومه تحصيل اطلاع ايد بجه مخوق دود آتش غضب و محروق
 شراره نازق ذات اللهيب اولوب هي چي بن عثمان اطاله واسات و ختم كتابه
 ذكر زنان ختم ايتد وكي بلاهت و عدم زايه لالت ايد در ذكر نشاء اشنع
 عيوب و اكبر ذنوب در ديو مرتبه هلاكه سهمناك اولدي ذيرا قاعده جفا
 نشاء ذكر نندن غايت احتراز ايدوب حتى برينك دختری تولد انشه مخذره
 ياد بات جمال يا مستتر تولد ايتدی ديو زبان زد ايد در لفصل
 تيور ك قصه دوم ايتد وكي بيانتند در تيور اعرج عجم و لجم ايله حركت
 و قصد سلطان يلدرم بايزيد ايله توجه و غرابت ايدوب سمرقنده نواده
 و ولي عهدی اولان سلطان محمد بن جهانگير امير سيف الدين دفا قيله توجه
 دورا مغلری بايند اصدار رسل و رسايل ايتد كد نصكم نصيم طريق جمع
 رفيق ايله احتشاده مبادرت ايدوب قيام قيام متدن حكايه و تزلزل ارض
 كتابه اولور حشر و حوش و عین منفوش و انشأ راجم و امواج درياي قلز
 بگرز عسكرو جراد منتشر و فراشی متطايرو ذرات متناثر كی لشكر ايله دور
 طرفه اماله لكاه و مساعده توفيق دكل بلكه اتفاق استدر اراج مانند غلام
 و شب يلداي ظلام غرابت ايدوب مظنه شدتن قلعه كما خده انا ايتد
 در صفت قلعه مذکور حصن مرقوم از بخانه نصف منزل مسافه ده واقع
 قلعه مشهور و افراد قلاع روی زميندن مذکور اولوب منانند مانند
 بغيرن موحد و رسانند مثال اعتقاد متعبد و سعت خندقه سهم و هم وارمن

و قعر عبقنه غوامض فهم ايتنر مؤسس ارکانی معمار قدرت و مهندس بنياني
 استاد فطرت اولقله علوقامت سورينه اعلاي جبال ثاق و حصانت
 و مناعتنه قلعه قاف مدانی اولنر طرفدن نهر فرات تقبيل اقدام و محافظه سن
 التزام وجهت اخرا سي فرات جاری مسيل سيل و آب و طين ايله ملو بر وادی
 و سبع و وحل منبع ايکی طرفی دخی مجرای آبا و لمقله بصرا اهل بصيرت مشا
 ايتد كده ان هذا كشي عجائب كبر سن تلاوت ايد در بر حصن حصين و قلعه
 متيندر فصل قلعه مذکور نك تسخيري بيانند در تيور پر زور قلعه
 مذکور يه وصوله سلطان محمد دخی ورود انككاه كار احصار و اعمال
 تضيق مزبور ك ذمت همتنه تعلوق اولندي وادی مذکور منزله اقدام
 معجزه الاضام اولوب تقری محال و دخول و وصول عديم الاحتمال ولد عن
 سلطان محمد عين بصيرت ايله مطلع نظر ايتد وكي ساعت قطع اخشاب
 و نقل احطاب فرمان ايتدی في الحال اجناس عسكری هدم بيوت و قلعه اخشاب
 و قطع اشجار و نقل احطاب ايدوب قعر وادير القا انككاه اگرچه اساس
 قلعه يه وصول بولمديلر كن لمح بصرده طولاً و عرضاً وجه ارضه برابر
 ايتد و كلرين اهل قلعه مشاهد ايد بيجك صنعت تشيازی و عمل باروت
 اندازی ايله حطب و خشيلرين اوراق ايتديلر سلطان محمد بو حركت ايله
 متردد و متلاشی اولوب جمع اجاره امر ايتدی در حال عسكرك جفتاي
 مانند ريك و جواد منتشر مهايه و اطواد و پريشان برادی و مهادر اولوب
 ايراد ايتد كلری حجر و مدري وادی مذکور طرح ايتد كچه نابديد و قول
 جسيم اوزره هل من مزينا ايله ناطق اولوب كنن على كل حال كداس حجاب
 ملو بر ايله مطو بر ايدوب و زدندن مرورد و تقرب سودايله نصب نردبا
 قوی و پاي دراز و وضع سيلالم شواحق فراز ايله برج و بار و ستره و بخته
 و درون و پير و ننه آتش اندازا ولد قلزنده بلا توقف اهل قلعه تواضع

و نضر عی تقدیم و طلب امان ایله قلعہ فی تسلیم اتملیدله سکز یوز دوت
سنه سی شوالنده اول حرم محترم حرامزاده لر بلا تکلف حلول و بلا وقفه
دخول ایتدیلر قلعہ مذکور داخل قبضه تصرف تیمور و ملقبه تمکین
و استحکام چون تکرار مطلقا اولان اجمار نقل و کالاول ترک اولوب
حکومتنه شمس نام کسنه تقدیم اولندی بعد ذلک قلعہ مذکور ضرب
شمسرایله عنق سخر و بوقدر مغانم بارده میسر اولدوغن سلطان یازید
ایله واقع اولان مراسلا تلری تفصیلی مما لکنده اولان وارد و صادر ساج
و شادده مخبر و التوق فرمان ایتکله بواسطه و اوزره نکاشته بر اعتراف
عطا رد القابا و لشند در صورت کتاب تیمور بخدی سیوف ذامیات لدی لوری
فخما بمحمد الله حصن کماخ پادشاه قلعہ مذکور بر بعضی سلطان یازید جفا و تعدی
ایتموب بلکه رفت و تملطف و مجامله ایله معامله اتمک اوزره جسم
عالمه اورا مفساد و باعث خراب بلاد اولان احمد جلایری و قوه یوسف ترکمانی
زیر جناح حمایت و مملکتدن دور اتملرین سرزده نوت تحذیر و تسطیر
تبا شیرتندیر ایلدک که معصیتہ رضا معصیت و کفر اقرار کفر اولوب
فاسق محروم ظالمدن اشر و ملومدر دیون نصیحت ایتمشیکن پند پذیر
اولوب آترو زیر کندوسی امیر و آترو عناده صغیر کندوسی کیر اولوب
معاملده خسران بلکه هزاران زیان ایتدیر ملریله عربیه و ما تنفع لکربا
قرب صحیحہ الیها و لکن الصیحہ بحرب مفهوم صفت کاشمیری
اولوب طریق اعوجاج و سیل لجاجه سالت و لمقدن نهی ایتدن منهی اولدیله
عبر تلر کوستوردک معبر اولدی لر لسان انتقام مرخا لغری بزدن الحذر الحذر
دیوندا ایتدی صفای سمع ایتدی لر کند ولره اولان نام مرزده اسمنی اسمزده
برابر پیرایه عنوان کتاب و رسم مستحسن مراسلات اوزره آرایش فصل
الخطا با تمشیکن طورن تجاوز و جورن مجاوزایدوب بوندن اقدم بعض

بعضی غرضی و بعضی غرضی
بعضی غرضی و بعضی غرضی
بعضی غرضی و بعضی غرضی

بعضی غرضی و بعضی غرضی
بعضی غرضی و بعضی غرضی
بعضی غرضی و بعضی غرضی

مراسلات قاعد احسن اوزره ازرنجان حاکمی طهرتی اسمک زیرند
اسمن اشادت ایتمشیکن خالایع اولان نامه خوشونت خامه سندن اسمنی طلا
ایله بالایی اسمزده مجلا ایتدک لری کمال بلاهت و فلت ادب لریند دلالت
ایتشدردیو بومقوله کلمات ایله کتابنده تشدد و خطابنده تنهق ایدوب
کجا بر دستور العمل بیان و اساطین منشیانه مستعان اولدی لر فصل
سلطان یازیدک تیمور اوزرینه غریبتی بیاننده در حضرت غازی
فرید سلطان یازید قسطنطنیه محاصره سندن بذل جهد جهید ایدوب
فضای عالمی دیده کفاره تنک و تار و شاهد فتح فی الحمله عرض دیدار و مرد
حرب وضع اوزار کیرودار انکه قریب ایتمشیکن تیمور بد حرکت
و حدود دوزم طرفه غریبتی تحذیرش سامعه لری ایتمشیکن کار احصاری
تک ایدوب شرقا و غربا زیر یکین سلطنت و رابطان رابطه مظاهر
و معاضد تلری اولان قبایل و عشایری استقر از اچون علی خاچ الاستیجا
فرمانلر اذ سال ایتد کلرندن غیری جین محاصره ده میان بند خدمت
اولان شهبازان غزا و جهاد و حکما غزا اعتیاد و سرایه و شواہین
شکار آزما و کرام کرمیان و قروم فرمان و اجناد ولایت منتشا و لشکر
صادروخان و امرای شواہق و رؤسای فیالق و حکام نفور و افراد عساکر
جسور و ادرنر قربنده اولان امر و سایر زعمای و بنی صفر دن سکان ساحل
بحر اخضر اولان اصحاب دایات ابیض و احمر و ظهور و اشقر و اشهب و ابلق
قالعان عین اذرق اولان شیران غاب شجاعت جنگ جدید احضار عد
و حاضر باش یوم شده اولمیری بایندک طرف طرف تنبیه و اعلان و داخل
امان اسلام اولان غلوج و بطارقه قلاع و بر و جدن قتال باغی و جنات
خارجی اچون طلب اعانت ایتدی لر بونلردن غیری ممالک روم مرزومر
وضراحی و صحاری سیواس و فرمان مصیف و مشالری اولان تاناز و البین

و بسیار که کشت حواشی و مواشی ایل را حاطه مغارب و مشارق و سنجال
 شواحق و بوادی و مضایق اید و با احتمالا بعضی لری و ن بیک قدر زیبا
 اولماش دوه و اولقدر اگر نما مش و جام کور مش فرسه مالک و کرمه و ما
 یعلم جود ربک الا هو و ما هی الا ذکر ی للبشر ما صدق اولان لایعد
 و لایحصى غنم و بقر لری و لوب بر فقیر یا طالب علم خیل و حشم لری استعطا
 ایتسه احراز ایتد و کی غنم و بقر و صوف و شعر و سمن و اقط و و بتر
 عمری و لایحه کند و به و عیالنه کفایت اید و زایدی طوایف مذکوره بر نوع ام
 ایدیکه اون سکن بیک عالم دیو غدا و لنوب معتمد علیه سلاطین کرام و
 اصحاب مبرات و انعام ایدیلر بوتلر جمله دعوت شهر یاری به بیت کویان
 و اولکوه سار و قارک صدای خطابه اجابت برله اداره لسان و امتنا
 امرینه شد میان اید و ب فوج فوج مانند غمان پر موج داکب و راجل
 بر برینه متواصل حرکت ایتمکه برادی و صیاری و سیمه و خیال و اطواد
 رفیع جیل و حشم و لشکر و خدمه مالا مال و لوب اسباب سفر اکمال
 بولغله خسر و عالیوقار دخی جلالت ایلد تابع تر حال و شهر صیامده نیت
 و صالی اید و ب مقابله تیموره استعجال ایتدیلر فصل تیمور خدعه سنجک
 تا تاره اولان جمله سنی بیانشده در پادشاه جم جاهک بوجه اوزده
 حرکت و غریبی تیمورک سرکوب هوشی و لطفین آتش زنه فکرین اقداح و بو
 ملحه کبرانک چاره سچون قرعه زن استفتاح اولوب اغوی تا تار اچون
 رؤسای اکابر دن امور دیده و کار آزموده حمارس ایام و مطلع مکایدانا
 صاحب فضایل امیر فاضل نام کسیری زعما و امر و بعض کتاب ایلد طوایف
 مذکوره بر وجه سفارت ارسال و نامه سنده دایطه حسبکن بنم عروه
 نسیمه مشدود و علاقه بلاد و اخبار دیمز بر برینه متصل و معقود اولوب
 جمله بر شجرک فروغی و بر مرز غرنک زدو غی و آبا و اجداد دیمز اسلاف عصر

انچه غنی و فقیر
 و بر بعضی دوه و بوی

و قزو در دهر اولوب بر عیشده نشودغا و برو کردن بالکشادر لر حقیقت
 شعبه لرمدن بر شعبه و اغصا مذن بر غصن و جوار حمدن بر جوارحه
 و دستان و خلاقم سز سز لر شعاعم و غیر پلر دنا دم اولوب اصناف
 ملوک اکتسابی ایه لر سز ملوک اکتسابی و انتسابی سز اجداد اجداد بیکر
 قدیم الزمان ملوک توران اولوب انجق بر طایفه بلا اختیار بود یاده
 انتغال و القای احوال ایتمکه متوطن و متمکن اولوب اولد قلری کرامت
 و شعار سلطنت و اسباب زعامت و نشاط و انبساط اوزن عمر لری
 منقضى اولوب رحمة الهیه به مندرج اولدیلر و اخر ملوک لری مرحور ارتنا
 اولوب اصغر ملوک لری اکبر ملوک روم ایدی شمدی ایه لله الحمد شوک کرده
 فتور و کثر تکزده قصور یوق ایکن قبول ذلت و مسخو و الشکل مسخر خد
 اولوب اکابر ایکن اصاغردن اولغه نیجه راضی و لیش سز ارض الله واسمه
 ایکن ذل هوان ایلد بود یاده سکنا به سبب و اولاد سلاجقه نک
 معوقلینه مرقوق اولغه بادی و باعث ندر آنلر ایلد بواسطه اخوت
 و انتساب بکن عدم اتفاق و انتقای اشاقدن غیری نه حاصلد و علی
 کل حال اصلاح اعمال و تدبیر احوال کزده بن اولی و تهیه اسباب راحت
 و استراحت کزده اقدام بنم و اکثر لای بد بود یاده متوطن و متمکن اولمک اقصا
 مرا مکن اولوب اول بلاد و سیمه فی مضیق ممالک روم تبدیل ایدر سکر
 باری اقل ما فی الباب سلا فکر کبی حکام و ملوک قلاع و راق سنار
 نواحی و بقاع باسط ید امارت و قابض زمام ایالت اولمک کز سز
 بوا مرک و جودی و بوم مملک حصولی حالا اولد و غن کارد و فوق مر مرزاور
 انکشاف و اندفاعنه منوط اولوب شاهد امال جلوه کر اینه حسن جالز
 اولوب ارباب خیل و حشم بنم میدان و دفع ابن عثمان ایلد ممالک و بلاد
 و مشارع و موارد عباد مقبوض دست حکومت و هر مطیع و عامی سر

خند فتنه یی ایلد

نهاده ربقه اطاعت را ولوب وضع قوانین ممالک و تعیین طریق و مسالك
 ابتدا بکمر کبی عربیه اعطیت القوس باریها **وَأَنْزَلْتُ الذَّارِبَانِهَا**
وَرَدَّ قُوَّةَ الْمَلِكِ إِلَى حِجَابِهَا مدلوله عامل ولوب سزی ملوک بلاد
 و قلاع و سلاطین مداین و بقاع ایدوب هر یک کوی شایسته استخفا
 اوزن امارت و حکومت تقدیم و زما و مهام اناهی بدیکر تسلیم ایدم
 همان ابن عثمانک طرف اعانتند اولیه سز طرفه توجه ممکن کرد و لور
 انتها از فرصت ایله وقتی غنیمت بیلوب طرفه بلا متیل مراجعت و نکم بات
 فرصت و لاسر علی کل حال سور و معائن قریب بن و لکن الآن ظاهرده
 ابن عثمان و باطنه بزمه ولوب وقت تلاق صفین و تلاح فتنند انتها
 و طرفه مخازا و لاسر دیو بمقوله تسویلات ایله فخل کلان من یجز نجر نانا ده
 استعمال و غواص حیل و مکرین صید در متاعلوی چون غوطه خرد بحر کذب
 و افترا ایدوب شهر یار کا مکاردن و کردان اولوی بابتد کمل الشیطان
 اذ قال لِلْإِنْسَانِ أَكْثَرَ هِزَارٍ دَرُوعٍ فِي فِرْعَوْنَ ایله ترتیب الفاظ و استطر
 و فریبند حواس باطن و ظاهر اولور کلمات سحر آمیز و نکات شوق انگیز ایله
 جلب خاطر ایدوب پنجه ملوک ملوک و استعباد و پنجه کبار صلیحی طریق رشاد
 استعباد ایدن حبت ریاست طایفه مذکور بی دخی مغفول و سزی دولتند
 سلب عقول ایدوب سودای ریاست ایله مفاک هلاک و شرب یتوز ایله شد
 وفاق اتفاق و سلطان کودون و قار ایله ثعلبانه نفاق اوزن اولدیلر فصل
 سلطان بایزیدک قصد یتوز ایله عربیتی بیاشند در ممالک روم و آخو
 حصاد و ادراک فکر و اغار نواحی و بلاد ولوب حضوران ارضیه مسوده و بیا
 و برایا ظل ظلیل امن و امان اسوده اولغین پادشاه عدالت دستکاه بود
 طریق عامره دن عزیمت و لنور اینه ممالک اسلامیه بازده ستود فودر ولوب
 عباد و بلاده اصابت ضرر و قبایل و عشایره نظایر هلب و شر و اوقضا سن

تناطح یعنی توفیق

ملاحظه بیوردوب راضی معمره دن خارج بولور دن عزیمت و سواس
 صحر اسند نصب کا دکاه قتال و محاصمت و دفع عدو باغی و طاغی بر مساحت
 برله حفظ و حراست بلاد و عباد ایدوب و برضعیف ناتوانه اصابت ظلم
 و فساد و لمفسد بذل همت بیوردیلر پادشاه مرحوم رعایا و برایا به شقوق
 و خدم و حشم بر مرتبه رفوق ایدیکه بعضی غزالوند حواسیدن بر مرد عشتا
 مرودی بر قریبه واقع و برزن دهقانه دن جرعه آب طلب ایدیکه زن میثم
 عنف ایله خطاب و یاس ایله جواب و بر میکن مزبور دخی ناچار جست و جو فقر
 قریبه ده بر ایچم کند بوماست بولوب ایچمکله عجوز مرقوم غضب فتن صبیان
 صغیر و شرب حصه اولاد فقیر ایدک دیوب دکاه سلطانیه دفع شکایت
 اتمکین فرمان پادشاه ایله مشکلی علیه احضار و خصوص مذکور استفسار
 اولند قد شدت نعمت خداوند کاردی خوفندن انکار ایددی پادشاه عدالت
 پناه کلام الملوک ملوک الکلام مغر اسجه عجوز مرقوم بر توجیه کلام ایدوب
 بوآد ملت شکن شکاف ایدم اگر اثر ماست بولور اینه غنن سکا ایدم
 و لاسنی انواع سیاست ایله قصاص و عبرت رعایا و برایا ایدم دیو فرمان
 بیورد قلندر سلطه نا قصه العقل نه سبب ایله تکذیب و تخویف اولند و غن
 فهم ایتوب ابراه ذمته مبادت برله قولند صادق اولد و غنه دار الحکمر
 قسم اتمکین پادشاه حجه لایدوب اید اجرای حکومت و فصل خصومت
 لازم دردیو مزبورک سیف بشا ایله شکمه انفجار و بر در دکن آثار لیس
 ظاهر اولغین قید و بند ایله تشهیر و ملک عادلک زمانه غضب مال
 فقیر ایدنلر خرای سزاسی بودر دیو پیش و پسند دلالات سیاست دفع
 صوت ایدرک عالمه عبرت ایدر دی فصل یتوز سلطان بایزید قصد ایله
 عربیتی بیاشند در شیراجه شد بد سلطان بایزیدک طریق خالیه دن
 حرکت و توجه و عربیتی خبری یتوز عقودک کوش گذاری اولجه کند و سیمانند

بنابر بعضی قاطع

اهل بدعت ترك راه تحقيق وجاده عامه دن دخول طريق ايدوب ظلال
وعيون و فواكه مما يشتهون ايله عيش وعشرت ايدوك لسان حاله
عربيه **وَلَسْتُ اَبَالِي حَيْثُ اَوْرَايَ الْعِلَادَ اَكَانَ ثَوَانَا مَا تَنَاوَلَتْ**
اَمْ كَسْبًا مَدْلُولًا اَوْ اَزَاخًا رَجِي اَيْلَه مَنصُوتًا اولوب هر منزله مابين مراعي و زرع
و مولشي و ضررع و سبد و مخضوب و طبل و منضوب و قفل و مدود و ماء و مسكوب
و هوای مطلوب و مياه حلاوت مصوب امن و دعه و خصب و سعه و لا و حل
ولا عجل نصر و ظفر ايله مستعين و تدبير قضا و قدله مستعين اولوب احراز
مغانم بارده لرينه قصور و اكليل كواكب مواكب منظمه لرينه فتور كلز و قلوب
اسود جیشلرينه ذلت و جبات عبودا تمز و مواید طعام ملزده مسافر اعدايله
كسور نان بولتمز بواسلوب اوزر كيدوك ممالك روم و دخول لری صداسی
طین كوش سلطان غیرت یارین اولغین خواب غفلتدن بیدار و تلاطم بحر
غیظ ايله بیقرار اولوب غیض دست ندامت و تلهف برله دست زن زانوی
حیف و تاسف اولوب سلب قرار و هجوم و فی الحال طرف طریق تیمور رجوع
ایتمکله افواج امواج بحار لشکری متلاطم و بروج اطوار غیرت و جیتی
متصادم اولوب قصد اعدايله عنایتاب و بلاد اسلامیه دن شراره اشراک
دفعه پرتا بایدوب سیل سیریلی نهاره و گرد باد زمینی صومر سزبع الهوب
زمانه اتصال ايله لسان حاله **لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا** تلاوت
ایدنجیه دك سرعت برله متلاقی اعدا و متصادم اشرا اولدیله فصل
اول شاده تیمور مغرور بلده انقریه ثقلت انداز زول اولوب خیل و رجالی
کسب راحت و مراد اوزر استراحت برله جنگ و جداله مهیا و منتظر
مطارد و مصارعه به منتظر ایکن عسکر پادشاهی ظهور و موکب شهنشاه
منظور و بلخه مانند صنادید قریش ضبط میاه رتساق و احاطه برله
عسکر اسلامی صحرای بدر پرتا بدی بی آب قو ملری ایلدا و لکر بلاده زحمت

موصول است
بمعنی تا اول ایدوب و علامت
نه طرفدن لغات ایدوبه است
مبارک اولسون استرکس اولسون
سبالات ایدوب متناول اولور

مجموع یعنی سکون

مطارد یعنی برین نفی مصارعه
یعنی لشکر

عطش

عطش برله مبتلا ی اضطراب اولدیله قلع و آب و منزل و مأب طرف
پادشاهی به متعلق ایکن مسا فر چشم سخت صاحب مال و ملر یله عربیه
لَا ضَيْفًا لَوْ زَمَرْنَا لَوْ جَدْنَا **مَحْنُ الضُّيُوفِ وَأَنْتَ رَبُّ الْمَنْزِلِ** مدلولی
عسکر پادشاهینک حسب حاله اولدی قلع مذکور اسودان بعضی
قصد طنانه سندن عربیه **تَزْكُو بِأَنْقَرَةِ تَسِيلُ عَلَيْهِمْ مَاءُ الْفُرَاتِ**
بِحِجْزٍ مِنْ أَطْوَادٍ فَإِذَا النِّعَمُ وَكُلَّامٍ يُلْهَى یومای یصیر الی بلاد نقاد
دیو ایراد ایتدوکی بلده اولوب ساحه فنا سندن جوش جوشه متقارب
و وحوش و وحش ايله متلاعب اولغله صحاری و قفار و بوادی و کوهسار
سواد عسکرین ايله مانند التقای بحرن اولوب و تصادم صفتین حائل
تقارع جبلین و لغات سیوف انوار نظاری مختلف و نجوم نین و سهام
استراق وقت فرصت ایدنلر مشا کل شهاب منعطف بین و بسیار
یمینه متقارب و مقد مات عساکر و مردان غضنفر مائر متغالب اولورکن
طوایف تا نار متواری پرده درون ایتدوکلری اسود سیاه روی نقای جلوه
میدان متقارب ایدوب **بیت** **و یردم متاع خاطری بر درزی شوخه**
چوق کسیدی پجدی کوردی چقشمن تکلا دی مغز اسفخه طرف خداوند کایله
اولان اتفاقلرین نفاقه ابدال ایدوب تیمور غدار طرفه نجیه زن فرار اولدیله
قبایل مذکور صیبت عسکر و لشکر مخصوص پادشاهیدن او فر و اکثر
بلکه ثلثین عسکر و تیمور جمعیتنه برابر اولغین بواسلوب حرکت خیانت
اثر لوندن ناشی موکب پادشاهی متزلزل الاقدام و قتل ايله متلاشی
اولدوکلرین اکبر شهزاده کان امیر سلیمان مشاهد ایدنجیه حلول دمار و
پدیری بر اصابت انکسار ایتدوکن تیغ انمکن قصور عسکر ی آلوب حرکت
قهقرا و مصافدن تاخر تحریک پا و حضرت شهریار کوه و قاری آتیاب
کلاب بلاده ترک ایدوب بروسا طرفه اماله کلام عزیمت ایتدی حوالی

بوزخ ضبط آیدوب قضا
و درین ضبط آیدوب اسلام بی آب
لرقت قال و غنه تشبیه در
موصول است
بمعنی تا اول ایدوب و علامت
مبارک اولسون استرکس اولسون
سبالات ایدوب متناول اولور
انقره به نزول ایتدوکلری
او زمره به کوه و انجیل اولان نعيم و هنر
و ارا بیه مذ هیدن برین اولکره قفا اولوب
دو کله

پادشاه هید مشاه و حفات و بعض خدم و کماندن الحق پیش بیک قدر
 آدم قالوبا و لقد رجه مبارزایله میدان قتالده ثابت قدم و مقدما
 نامه سند و بزومی یوق ایکن شرط ایند و کی معنائک محافظه سند و اسخ
 دم اولغله الحکم ته دیوب مکاتندن معلومت ایتمدی و خدمت محافظه
 پادشاه هید اولان غازیان شجاعت کسرمتمثل قول عتر یعنی عربیه
 وَلَقَدْ ذَكَرْتُكَ وَالْأَمَّا نَاهِلُ مِثْنِي وَبِضْ أَهْلِي نَسْفَكَ فِدِي
 فَوَدَدْتُ نَقِيلَ السُّيُوفِ لَأَنَّهُمْ لَعَنَتْ كِبَارِي تَفْرِكُ الْمُتَبَشِّمِ خَسِرُ
 شجاعت پروردخی صبرایله حدتات دهر سینه سپر و حکم قضایه تسلیم
 دست و سرایمکله جنود اعدادایه بند احاطه و عسکر اسلام مانند
 جیش عسرم اولد قلین بتقن ایدمخه عراتلری کما تلرینه راجه تلری داکلرینه
 امداد و اعانت ضعیف تلری قویلرینه مظاهرت و معاضدت اید و بخریک
 نیزه طیار و مخربص شیر شمشیر بنارایله بنیه عمراعدای خان ایله یکسر
 و استعمال ادوات تیر و تبرایله خرمن حیات دشمنی ذیر و زبرایتمکله هزاران
 بدبخت کشته حسام سر سخت اولدی الحاصل اولقل جبال و بیشه زار
 اسود قتال و ستنه غمام قنآمدن امطار حیات سهام و سحاب غضبدن
 تنزیل صواعق حسام ایتدیلو لکن سعلری شمانده ذرات نلال زمال
 و غربال ایله کابل سیول ستیال و مثقال ایله محررا و زران جبال کبی فایده
 اولیوب عاقبت الامر محرش قدر و صتیاد قضا تحرش کلاب علی البقر ایدو
 یعنی سکان نانا رنج و وعو عوایله هر طرفدن عسکر اسلامی ضعیف
 و زخم دار و پای قدر تلرین بی قرار ایتکین مابین ذیاب تیز اینایه دوشمش
 کوسفند مانند هر طرفدن ظهور بلا ایله بازوی ثابت و توانلری منکسر
 و وقت ضحادن عصره دل جنک و جدال لری مستر اولوبا آخر کار احزاب
 خداید روم اوستنه تلاوت سورم نصر ایتکله ساعد مساعد لشکر

عشق شجاعان عربان مشهور
 بیعت و کبریت نامیدر
 محض اول پیش رو
 یعنی شجاعت و خطایه و تیر و زبر
 بنی شریعت آب و هندی قلیجاری
 دو کربان استندم که قلیجاری نقیل ایدم
 زیرا که شک منقسم اولان دهان است
 لعلان ایدر لایق

پادشاهی علیل و اوزار حرب و ضرب لری کلیل اولوب تسلط سیوف بران
 و استیلای رماح اژدر دهان ایله سیل خون صحرای کلاکون و پشته
 کشته لرایله اول اراضی کربلا نمون اولد قد نصکم سلطان یازید دخی شکا
 و خاشاه مانند طیر بند قفسه کرقار اولدی بوقصه مورث الغصه یوم
 الا ربعا سابع عشر ذی الحجه سنه اربعه بعد ثمانیایه ده مدینه انقرو به بریل
 موضعده اولوب حیات عسکر و مفارقت شهزاده اکبردن غیری طرف
 آب ضبط اعدای شدت نصایده اولغین اکثر حرارت عطش ایله عسکر و
 بی تاب پراضطربا اولد تلری تحقیق کرده ثقات رواندر فصل سلطان
 بلند عنوان و قعه سند نصکم طرف روم ظهور ایدن فقور پاتند
 مانند روح مالک اولان پادشاه غریق بحر مهالک و منزل و مادی
 عنادل خوش الحان اوکار بوم بشوم و منعق غراب میشوم اولوب محراب
 عالی طاق و جوامع جوز انطاق لرند امام فضا الم غلبت الرزم کبرین
 و خطیب قدیم و هم من بعد غلبهم سیفیلون جلیله سن تلاوت ایتدی
 لکن اول هنکام نمر ارتسامد اهل رومک نواصی و دوسلری خاضع
 و حصون و صیاصیلری ذلت ایله خاشع و دانی و قاصیلری منزل
 الاقدام و طایع و عاصیلری غریق لجه اوهام و اکثر ناس مال و منال
 و اوطان و خانانندن مانند خمر مستنقر مقر اولوب فقید سردارایله
 مانند جسد بی جان و تضییع سرماییه ایله مفلس با زار ناب و توان اولمشکن
 امیر سلیمان محترپ و مجمع برله مقام استقلالده رفیع لوا ایدو و باهل استنبول
 ایله مسافحه دوستی و توثیق رابطه آشتی و بربرینه غدر اتمک او ذره تعهد
 و مخالفه ایتکله کلی بولی و استنبول معبر لرندن عبور اتمک ایچون اهل قسطنطنیه
 طلب اعانت برله محرومه ادرنه طرفه عزم عبور ایتدو کی شایع اولغین

طالع مسعود ایلده پسر سعداخری سلطان مراد تخت خسروانی بر صعد
ایتدی مصطفی مرحوم پادشاه فشار ایلده حضرت تارینک زمان عدالت
عنوانلرند اولدوغی بو مختصره اصل اولان تصنیفلرند پیرایه صحیفه
بلاغت ایفدر فصل تیمور ظالم سلطان بایزیدی اخذ ایتد کدن
واقع اولان وقایع بیاتند در مغرور و مرقوم پادشاه مرحومی ناسور
ایتد کدن نصکره مورد و مارا عوان و انصار دندن بر مقدار عسکر خوار مجزید
والشیخ نور الدین ایلده پشرو لشکر حدید ایدوب بروسا طرفه تهنیز کندوسی
دخی در عقب و قارمکین و قلب مستکین ایلده حرکت و بلد مذکور بر نزو
فضاکی تنزیل اوزار رهبت ایدوب سلطان بایزیدک خدم و حرم
و خراین و دفاینددن ظفر بولدوغن ضبط ایتد کدن نصکره رؤسای
تاتار خیانت آناری لباس خلع ایلده تجیل و جلب خاطر و تطیب نفوس
ایلده مقام رعایتده تنزیل ایدوب امرالین امراسنه و رؤسالین رؤس
نوزیع و بر و احسان و تکریم و تعظیمالین مبالغه ایلده تنبیه و ناکید ایدوب
سنت سیئه سنه مباشرت ایلده استخلاص نفایس جسیم و اقتناص نفوس
کریمه و سبی مخدرات و هتک استار مسترات ایدوب روزمره سلطان
بایزید مرحومی احضار مجلس و ملاطفه و مکالمه ایلده کاه روی شفقت
کوسور و ب و کاه سفیهانه وضع ایلده معامله ایدردی فصل
تیمورک سلطان جنت مکانه اولان بعض اسائن بیاتند در بوندن
اقدام سلطان بایزید خان فرمانه استیلا و متولیس اولان سلطان
علاء الدینی بعد الاحصار استیصال و محمد و علی نام ایکی اوغلن قید جس
ایلده اذلال اتمکین تیمور مزبورانی قید جسدن اطلاق و توفیر بر و احسان
و لباس خلع در نشان ایتد کدن نصکره و لای تارینک حکومتی کند و لای
ایضا ایدوب عربیه اَصَادِقُ ضِدَّ اَعْدَائِي وَاِنْ لَمْ يَكُنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

[illegible]

وَأَبْغَضُ مَنْ يُعَادِي بِي صَدِيقًا وَإِنْ أَتَيْتَنِي عَلَى بِنَاءِ أَشَاءَ وَذَلِكَ
لِيَتَنَكَّبِي صِدْقِي وَهَيْبَتِي فَتَنِي قَدْ سَرَّيْنِي مِنْهُ الْإِخَاءُ مَدْلُولِي سَبَبِي دَوْلَتِي
اولدی و امیر محمد مرقوم بودند انقدم امیر ناصر الدین بن محمد ذلقادر
ترکمانی بی اخذ و ولدی مصطفی فی قتل و ملک مؤید تجیهز و ارسال
ایتمشیدی فضل اسفندیارک تیمور و فردی و امرینه اطاعت و امتثال
بیانند در ملک رومدن امیر اسفندیار بن ابی یزید حکومت و سلطنت
صاحب قصر مشید اولوب پدر لرندن ارث ایله بعض اقالیم رومدن پاد
اولمقبله سلاطین آل عثمان اسکنهم الله فی بحیره الجنان ایله متعدد
عداوت و برود تلری اولدوغندن ناشی تیمور ایله عقد رابطه دوستی
و بند رشتہ آشتی به مسارعت ایتدی پادشاه مرقومک طرف رومدن
زیرنیکین حکمند بعض قلاع و بقاع اولوب جمله دن جزیره العساق ایله مشهور
آفاق اولان مدینه سناب زیر سایه حایند اولوب بلد مذکور دریا
بوغازند بر جزیره کبیره ده واقع حسن و بهایه جامع و برکوه بر شکوه
حاوی و انواع اثماره محتوی عسیر المدخل دقیق المعبر و لمغله اسفندیارک
ملک و معاذی و اموال و خزینه سنک ملاذ و محرزی اولوب بلبلشدن
عاصی دوست بخیلدن او ثق و قاصی بر جزیره صعب المنال دبری دخی
بلد قسطنطنیه اولوب بری دخی طرف بحره واقع قلعه سنسون اولوب
بوتلردن ماعدا بعض قلاع و بقاعه متصرف ایدی تیمور بدکردارک
فرمان او غلترینه ایتدی کی رعایت و تانار ایله اولان حسن معاشرت
و حاکم ارزنجان طهرن و کرمیان حاکمی امیر یعقوب بن علی شاه ایله
اولان مرافقت و موافقتی و حکام منتشا و صادر خان خانلردن
بالا اختیار ربقه اطاعتن زیب کردن مطاوعت ایدند اولان استماله
اسفندیارک مسموعی و لجنه اطاعت و انقیاد تیمور مسارعت

ایدوب تحف غایله و هدایای عالیله استقبال ایتکین تیمور دخی
بشر ایله مقابله و پسر ایله معامله ایدوب قلاع و بقاعی حکومتن
کند ویر تفریباتیدی بعد ذلک اولاد فرمان و جمله فرمانیه اذعان ایدن
امرا و اولطرفلرک و الیلری سک و خطبه بی نام محمود خان و امیر کبیر
تیمور کورکان اسمنه محرر و مقرر اتملرین فرمان ایتمکله جمله سمعا
وطاعة قبول ایدوب پنجه سختگیر غدرندن خلاص کر بیان جان
و اخرا مال و منال ایتدی بلر فصل تیمور غدارک احرار مال
سلطانی و طرف رومدن ایتدی و کی چیا تلری بیانند در تیمور غدا
ارثا و کسبا اولان تقایس اموال سلطانیه بی احرار و ولایت
منتشایی تصرف کیف مایشاء و جنود مردودین اطراف و اکناف
و بادیه و اطوا ده نزول و بحار و اغماقه غوص و دخول ایتدیمکله
اولک کروه مکروهک کیمی جباه جبال بلاد ایله متقارع کیمی مردان
قلاع و بقاع ایله متصارع اولوب اول خطه خطیره نک اکناف کثافه
راکب و اموال موفوره سنه جالب و لمغله خدود در وضع لرین خدود
ناخن بی داد و خدور سواحلن دریده دست فساد ایدوب
اکابر اها لیسن پامال و تحذیل اصحاب اجلال و معاصم و مرافق
اماکنه اطاله دست تعدی و تشکیل انا مل تعلی ایله بطون
و اخاد مغارب و مشارقن فرسوده ارجل عناد و قطع روس
و تفکیک اعضاء و حرق اکباد و تحیر اعین و اسکات السرو صبت
مدامع و صک مسامع و رغم انوف و شوق صفوف و تذلیل عرائین
و ظلم مساکین و هشم نفور و حطم صدور و قصم ظهور و کسر
فقر و مرق سرد و قلع ضرور و اهلک نفوس و سبی اشباح
و سلب ارواح اتملرله فقرای دعا یا و ساکنان مدن و قرانک

الجنى ثلث ویا ربی ساحل سلامتہ دها بولوب جماعات وعشایر مابین
 مختلفه وموقوده ومرتبه ونظمه وما اكل السبع والفله هر بر طرفه
 پریشانی کوستور ویا کثری وداع شاهد زندگانی ابتدای ذکر قلعه
 از میر وصفت قلعه مذکور قلعه مرقوم هنر مکسوره وزای مجله
 ویم مکسور ویا ی ساکنه ورا ی مملکه ایله مستی احسن قلاع بحر اوق
 بکر صعب المنال خطبه سی بطل رجاله محال ایکن تیمور اعرج احصایه
 تقدم واعداد آلات محاصر ایله تضییقه تهجم ایدوب سادس کانون
 اول سنه اربع وثمانیه عاشرجادی الاخریوم الاربعاده فتح وفتح
 ایتمکله قتل کبار و آسرتشاه وصغار وابدان قتلا دن جوامع بنیاد
 ورؤس مسلیدن منابر ایجاد ایدوب قلعه مذکور دن سلب غنا
 وقت و ذخایر دن اخلا وایض واصفردن هر نه بولدی ایسنه
 استقصی ایتد کد نصکر بوقتو حانک فتح نامه لرین سرزده قلم افتخار
 وزعم فاسدی و ذمرا جغه طپور بشایر برله زیر حکومتند اولان
 ممالک اصدرا ایتدی فضل تیمور مغرورک طرف دومه ایکن
 ممالک ترک وچنا ولایات شرق ومغول استخلاصنه ایتدوکی
 تدابیر بیانند دراز باب نهاییه نهان اولیه که بوفصل سوق کلا
 جمله معترضه مانندی ولوب تیمور مجبور سبطی سلطان محمد و سیف
 الدینی سمرقند دن روم طرفه کتوردوکی بوندن اقدام سرزده براغه
 نقره بر اولشیدی سلطان محمد مرقوم ملاذ فضلا معاذ علما مخایل
 سعادت جین مینند لایحه و بشایر دولت اسرار طلعتند واضح
 اولوب عربیه فی المهدی یطق عن نجابه جده اثر السعاده
 واضح البرهان مغراسی صفت کاشفه سی ایدی و سیف الدین
 مذکور تیمورک مبد حالند احد رفقا سندن ومنتها یدولتند

موقوده
 دکن ایله اورکش
 مرتبه
 بوکس کردن و شمش
 نظم
 موقوده سی اورکش

محصل
 سربا ممدوح
 جندیک نجابتند
 علامتی خجانه ایدوب

واحد ارکان سلطنتدن اولوب قضای قلمرو تیمورا ولان بحر بلاد
 مغول وچناه تیمورا حریره مرقومان اشباهه قلعه سن ایجاد واول
 طرفلک نهیب وغارت وضبط وربطی ایچون بلده مذکور ی بنیاد
 ایدوب حکومتنه ارغون شاه ی تقدیم وعساکر موقوده ایله شاه
 مرقوری تقویر و هیئت حرکت وسکون تقویم انشلا ایدی تیمور
 افغی مشربک مجاورتی ضرر وکزندندن خالی اولدوغن مغول
 اشعار وغایله سندن امین اولوب شاه مرقومک حکومت قلعه
 مرقوم نک متانتندن تشویش ضمایر و تکدیر خاطر برله فرار واخلای
 دار و دیار اتملریله طایفه جغتای مال و منال لرینه طمع خام و
 طرفینک اشتراری میانند شرر عداوت وخسارت اتصال واشتعا
 بولوب بربرینک استیصال وافنا سنه مبادرت ایله فتح ابواب ممالک
 وشد شاهراه مسالک واخذ اسیر و نهیب غنی وفقیر و تحلیل اموال
 و قتل رجال ایتد کلری خبری تیموره منعکس اولجیه بونلک اختلافی
 بر مقدار توسیع ملک دخی باعث اولور ملاحظه سیله اول راس شر
 و شود غایت مسرورا ولدی اذین جانب مغولک بونوع حرکتلری سلطان
 محمد و سیف الدینک منظور لری اولجیه قلعه مذکور ی لوازم کامله
 وعدة شامله ایله محصین ومحافظه ومدافعه دشمنه عساکر همد
 مولتان ورجال عراق عرب وادر بیجان وفوارس فارس وخراسان
 وجانی قربان ایله بنام بر مقدار لشکر بر توان وکماة چغتایدن هزار
 تومان اضافه ایله تقویر بازوی ارغون شاه ایدوب طرف تیموره تو
 برله بلده خجند ووصول وقطع نهیسیچون و سمرقند دخول وبلده
 سمرقند حکومتن خواجه یوسف نام کسنه یه سپارش ایدوب اندک
 دخی تحریک دکاب نهضت برله راه نورد و غریمت ایکن اقلیم خراسان

قد و ملرنند کز آن اجل سیف الدینک قباي حياتن درین و طومار املن
نور دین ایدوب سلطان محمد دخی کلوب تیموره ملاقی اولوب سیر و سلوک
حدود و روم ایلده مرآت طبعی منجلی ایکن یا مرالله تعالی آفتاب حیاتی سمت
افول و نزول و ما هتای عمری پرده فنایه دخول انمکن تیمور غریقی لجه
احزان و مجموعته املی ضرب دست غیب ایلده پریشان اولوب جمله عساکر
و بادی و حاضر سیه پوش و اجرای رسم عزایمکن سواد عساکر غریقی
بحر سیاه اولد قد نصکرة سلطان محمدک عظامن محفوظه صندوقه
تابوت ایدوب کمال عظمت و جبروت ایلده سمرقند ارسال و اهل بلد
مذکوره نوحه و بکا ایلده استقباله مسادعت و سر جمله از فرق تابعه
لباس سودا ایلده ای مراسم عزایم مبادرت اتملین ترقیم اینمکله حسب الحکم اهل
سمرقند شریف و ضیع دخی و رفیع مانند شب تیره و تار مغفور لباس حزن
انار اولوب سرتاپا البسه سیاه و آه جان کاه و عباسی علم و کیر سرد و کرم
ایلده دوست دشمن چانه من استقبال ایدوب سنه خمس و ثمانمایه خلانند
داخل بلد مذکوره ده متوفی مرقوم منتمی مدرسه حصینه ده متواری لحاف خاک
پاک ایتدی و فصل تیمور بلا ظهورک الله داد مار الذکر اولان برودتی
بیانند در رجعتا الی ما کافیه بوندن اقدم نکاشته حریر تقریر اولدوغی او
تیمور غدار حلب و شامدن غضب ایتدوکی انقال و او زاری سیف الدین
متوفیک برادر دای الله داد ایلده مار دیندن طرف سمرقند ارسال و کندو
استخلاص بغداد اماله لکام بی اهل ایتدک الله دادک حساد و اعدا
واضدادی غیبت و برادرینک موتی ایلده انتها از فرصت ایدوب هتک عرض
مقال و طعن و ذممه میدان و مجال بولمغه تیموره سعایر و شام طرفده ایتدو
امورنا معقول و کند و نقیسی همچون جمع ایتدوکی نقایس اموال ناسی بکان
یکان کشید رشتنه تقریر اتملریله تیمور مزبور دن روگردان و مواخذ

و نخبین اخبار و نهان ایتدی مزبورک ما و را التهرده ما اثر محمود
و نتایج فکر بایقه و معهوده سی اولوب سمرقند و وصولند در عقب تیمور
پیشمور مزبوره حکم اصدار مثابه نفی بلد و قرب خدمتدن رد و اشیا
قلعه سی محافظه سنه طرد ایدوب اول طرفلرک نهیب و غارت و عدم احاطه
اولانلره ایصال خسارت امرینه ما مور ایتدی مزبور دخی انقیاد برله
قلعه مذکوره یر وصول بولمغه ادغون شاه سمرقند انتقال اینمکله طوایف
مغول بی ردپی اشیا ره یر بجهیز عسکر رائق و فائق و نهیب صامت
و ناطق و اغتنام فرصت و ایصال مضرت مسادعت انمکن خالی و ملا
الله داد دخی تدابیر صایبه و افکار ثاقبه لرب اعمال و رد کید اعدایه اشتغال
ایلده خفرا بار و شوق اخذ و و تحصین قلعه و سد و محدودده یر بذل محمود
ایدوب قتل و اسروغن و کسردن منجلی اولوب تیمور مغرور انتقال
مکافات و راه نورد معرکه کاه مجازات اولمغه یر دک اول سلوب او زره
اوقات گذار ایدی بعد آنک دخی رشتنه عاقبتی نه منجر اولدوغی ان شاء
الله تعالی فیما سبانی بیان اولنور فصل تیمورک الله داده اولان
مراسله یر بیانند در اول غدار نابکار طرف رومن نصب خیام ظلم
قیام ایتدیکن الله داده اصدار رسل و رسایل ایدوب اول طرفلرک امور مجمل
و مفصل و کیفیت حال و کونیات احوال و اوضاع ممالک و توضیح مسالک
و بلاد و عباد و فراز و نشیب و بعید و قریب و قلاع و بقاع و دانی و قاصی
و مفاوز و اوعار و صحاری و قفار و مضایق و اقطار و اعلام و منار و میا
و انهار و قبایل و عشایر و بادی و حاشیه و عالم و جاهل و مراحل و منازل
و اقارب و اجانب احوال لرب جهت شرق و حدود خطا دن سنور سمرقند
و ابرج اعلام و طریق سوق کلامدن اطنابدن قلیل اللفظ و کثیر المعانی
انتخاب ایدوب واضح دلائل واضح مسائل ابراد ایلده کوه دن کاهه و رشتنه

سوزن و از بجه توضیح و بیان اینکله فرمان ایتمکله الله داد دخی امثال
 امرایله بر قاج طبق و در قی برینه الصاق و شکل مرتبه اتفاق و پرد کد نصک
 اماکن معهوده نك اشکال مفصل و اجالن و کیفیت حالن تقریر و کما هو
 جزوی و کلی سن تصور ایدوب هر بر اماکن و متحرک و ساکن احوالترین
 تصریح و توضیح برله شرقا و غربا بعدا و قریبا بیشتا و شمالا مهادا و جبالا
 طولاً و عرضاً فوقاً و تحتاً حجراً و شجره غبراً و خضره منهل منهل منزلاً
 منزلاً استما و دستما بیان و طریق عیان ایدوب حضور تیمور ارسال
 ایتمکله منظوری اولوب هر بر ماده یر منظور و مسموعی اولق مرتبه لرنه
 تحصیل و قوف و معلوم مجهول و تحقیق موصوفایند یلر فصل تیمور بلا
 روم تمام ظفر بولد قد تانار ایلد ایتد و کی معامله غدربیا شده د
 مشرب ملک روم تیمور ظلمه کدر دن خالی و ثنائین اموال و اثقالندن
 خزینة سن مالی و عسکر غارتگری مغانم کیشم ایلد مکنتی اولوب شاهد
 ربیع اقبال و شیخ شتا افتان و خیزان ادیار ایتد که ممالک روم بهت
 رسو مدن آق شهزاده سلطان سعید غازی شهید سلطان یلدرم
 بایزید و اصل دار النعم رحمت ملک مجید اولوب حقیق تیمور سلطان
 محمد دخی بر زمان و مکانک لبتیک کویان دعوت رب العزم اولمغله تیمور
 د کور ضرب کوس و جل و حکم احوال تحیل ایدوب باضمار د ناز و بوار ایلد
 اکابر و روس تاناری احضار و هر برین مکان و منزله شده افتاد
 ایتد و ب صورت صوابه بوجه اوزره توجیه خطاب ایتدیکه نصرت
 و مظاهر نموده اولان خدمت و قرب نسب و انتساب بکرت موصلت
 و مکافاتی و وفای عهد و مجازات کزل و قتی حلول و ایام و اعوام رعایت
 و حمایت کزد خول ایتدی لکن ممالک روم اقامت و مکث ایلد مزاج
 نشاطن مختل و طبع راختر بر ملل و روابط سرور بر مختل اولمشدر

یونکنای ملال دن مکان و سبعه به استیصال اتمک مراد مدد رضوای
 سیواس مبتدئ ناس و مثنوی اکیاس هوای مجیح ایلد مسکن فیج اولمغله
 اول طرفه مرور و تحصیل راحت و کسب هوا و انشراح صدور ایدوب
 فراغ بال ایلد ضبط اقالیم و ممالک و تعیین مقطع و مسالک و هر بر یگز
 مقام و منزله سنه تنزیل و استحقاق کوره تحیل ایلد لوم زبر ابوا هر بریم
 امعان نظر و تدبیر اصابت کسره محتاج در امور قلاع و بقاع و مداین
 و ضیاع و عشایر و اقطاع مجمل و مفصل معلوم و سهل و مشکل و خفی
 و جلی مختل و مفهوم اولمغله جماعات و رؤسا و زعمای و افراد و اعداد
 و آبا و اجداد کزی تحقیق ایلد دار و دیار و نشیب و فراز و قلاع و بقاع
 رومی سیزلر تقسیم و حکومت و امر و نهینه امر و اکابر یگزری تقدیر
 ایدوب سلم جاه و اعتبار یگزری ترفیع و ضیاع و بقاع سابر علی رؤس
 المقوس توزیع ایتمکله دفع مضایقه و دفع ضرر و آنکزه صرف اوقات
 و بذل مقدورات ایلد لوم دستور العمل و قانون حرکت و سکون ضبط
 بطون دفاتر و قید متون تواریخ و تذکرا و لمغله علی کل حال هر بر یگز مزاج
 و بعد الیوم بواقلم صاحب قفل و مفتاح اولور سز دیو بومقوله
 تصفیف کللام نافر جام ایلد امضای سبیل مرام ایتمکین تانار ناچار
 دخی بوقول اوزره قرار و بورای اوزره عقد رسته افکار ایدوب تیمور
 ایلد اول طوائف بیقیاس عز و صحرای سیواس ایتدیلمر ما تاند سحاب مظلم
 صحاری سیواسی محمود رکاب متراکم ایتد که وفای مواعید تانار ناچار
 تیمور عقود بصب دیوان عامه و زیانی جنودندن اقامه طایفه طامه
 ایدوب و جم و سرکاران و ظهور و فرسان و مرده شیاطین و کبار
 و اساطین تاناری احضار صورتند آزاد معنید اسیر افتاد ایتد و
 وجه بنشاست و هشاست ایلد جمله به توجیه خطاب ایدوب دیدیکه

بلاد روم و نواحی و قرا و ضواحی و اراضی سنه عین بصیرت ایل نظر
 ایتدم حالا اعدا کن هلاک و سیرلو خلیفه املات اولوب بندخی سزله
 بو ملکی تفویض ایدوب کیدرم لکن اولاد سلطان بایزید ملکن
 اشتراکیزی قبول ایتیب طلب نارید رایله اهل اکثره سعی ایدوب
 اهالی مدد و وبری دعوت ایدر رایسه جمله لیتیک کنان دعوتلری اجات
 ایل هر طرفدن سزلی اختطاف ایدر لر خصوصاً بقیه اسود جنود
 منقاد لری و هنوز متعدد قلاع و بقاع مستخر زمام انقیاد لریدر
 عربیه **لا یصلح الناس فوضلاً لاسراً لهم ولا سراً اذانی جاهلهم ساوا**
 نظام وصحت صلوة کی جامع کوزه شرایط و ارکان قیامه روابط لازم
 شرط اول اقتدای خاص و عامه صالح براماه محتاجد بعد ذلك ترتیب
 صفوف جماعت و هر فردی تزییل صف سمع و طاعت ایدوب ثانیاً اشیا
 محلنه تقدیم و زمام مناصبی اهلنه تسلیم ایدوب باب استحقاقه
 لازم سن ایصال و اصحاب عقل و رای توفیر و اجلال اتمک لازمدر
 بو وجه اوزره اتفاق ادا و ابتلاف اهو اولیحه شوکت و قوت و مجتدیت
 و قدر تکرز جلیل و اعدا و مخالف ذلیل اولوب کیدا اعدادن مأمون
 الساهر و عنوده مهدامن و راحه اولور سز ایمی دی بوا مرک نظام
 و احوال کونک انتظامی کیفیت حال کوزه نظر و خیل و رجال و اعداد
 شمعان ابطال و اهتبه و سلاح و آلات ظفر و اسباب صلاح کزیدن
 باخبر اولد قیحه اولمز کور کدر که هر بریکر اهل و عیال و خیل و رجال و عدد
 وعدو و والد و ولدین نقیض اوزره تقریر و ضرورت و مایحتاج مفصل
 دشته کش تغییر اید که قصودین اکمال و صلح سن ایصال ایدوب دفع
 ضرورت و دفع مخافت ایدر لوم الحاله هذه احضار سلاح اتمک
 کر کسز که نقصانک اتمامه اهتمار اولنه دیو ختم کلام ایدمجه جمله

باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 منظر باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 املک منظر باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر
 ایدوب نظام باینه خلیفه ایدوبه بوا سزلیک منظر

تاتار سلاح و عده لرین احضار ایدوب جمعیست انواع ادوات مانند
 جبال راسیات اولدی اهل سجستانه ایتد و کی حیلله ایل مزبور لر ایلله
 معامله ایدوب بوا سزلیک اوزره کسز جواهر منافع و ضبط مقام و ثواب
 و قلع مخالیب و انیاب دترم و قطع حرام عزیم و حزم ایدوب سمات
 راح عز و شوکت لرین اعزل و وفرت و کونلرین اقل ایتد کد نصکره
 رؤسا و امر لری دست زبانه جنوده در قید و وثاق اسرده صید
 ایتد روب سلاح و عده لری جبه خانه تیمور منتقل و قنادیل امل لری
 آتش بوار ایله مشتعل و قصم ظهور و اطفای نور لری بالغ نصاب
 اتمام و تحقیر و اوزره و ضبط و ربط لری تمام مرام اوزره انتها بولد قده
 تکرار اطلاق و مواعید عرفیه ایلله خاطر لرین تسلیه ایدوب شد
 رجال دخیال ایتد لر ثقات و رواتدن تحقیقه رسیدن در که شهریار سعید
 سلطان بایزید شهید تیمور عنید ایلله بعض مجالسه و مکالمه تیمور
 بو وجه اوزره توجیه خطاب ایدر که ای میر سابق قصا و قدر ایلله شریک
 احتیال که گرفتار اولوب بعد ایوم عدم بخانه قرار و یردم لکن چون زعم
 اسلام ایدر سن سکا خیر خواهانه و دوستانه اوج نصیحت حکیمان و اوز
 پذیرای رای لری و لولایسه باعث نظام مملکت و عمارت دار آخرت زاول
 رجالد و می فنا و اهلا که اقدام ایتیمه سز زیر که درع اسلام و مسلمینه
 سیر مضرت و دافع از دحام در لر حال سن متولی امور ناس و جسم کونه
 منزله راس سز اگر ابطال دفر دست تقدیم کزیدن بسط و کسیر واقع اولور
 ایسه روی زمین صاحب فتنه کیر اولوب مدل مسلمان و ناصر
 مشرکین اولور سز ثانیاً تاتاری بودی ادره ابقا اتمک کر کسز زیر ماده
 فساد و مختل مزاج عباد و بلاد فاسق جاسر و جور قادر دلد و مکولرندن
 فارغ البال اولوب ازاله لرنده اهل ایدر سز خیر لری شریک معادل

واطاعتی خیا تلرینه مقابل اولمز بود یارده اسکانلری باعث اختلال
 محالک و سبب انقطاع مذاهب و مسالک اولور طایفه مذکور بی بدن
 تفریق هر برینک اخوت و عییت و خالیت و قرابتلرین تحقیق ایند کزده
 ناشی فردا هر بری اولد عوا ایلده صاحب خواشی و مواشی اولمز سودا سهر
 دوشرا یمدی حقولرند افکار ثاقبه و آرای صایبه اعمال ایدوب اخراجلرند
 امال و امهال اتمک کرک سز ثالفا تخریب قلاع و حصون مسلیمه اقدام
 و پریشانی دار و دیارلرین اهتمام ایتیمه سز وزیرا معاقل دین و ملجا و جای
 معاذ غزاة و مجاهدیند بونصایح امانت و دلائل طریق هدایت و غلله
 حفظ و عملیله تقید اید رسکن نایل دولت دنیا و آخرت اولور سز دیو
 لالی کلام نصیحت فرجا ملرینه انتظام و وثیقه ایتیمه مراملرینه اختتام
 و یرد کلرند تیمور سمع قبول ایلده اصفا و حسن اختیار ایلده عنوان دستور
 العمل عقل و نهایدوب مهمما ممکن اجراسنه تقید برله تاتارک دخی تفریق
 جمعیت و تمزیک کریبان شوکتری ایدوب دیار و مدن اخراج و عشایر
 و قبایلن پریشان و اقطار ارضه بیتاب و توان ایتدوکی اولنصایح ایلده
 مستضع اولد و غنه اقرب ما خدا اولد و غی ظاهر در فصل تیمور ظلمت
 مانورک خاک رومدن دفع غمام و نقض خیام ایتدوکی بیاند در
 اول غمام ظلام قلمرو رومدن یعنی صحرای سبواسدن دخی شد احوال
 ادر تحال ایتد کده حجاب روی آفتاب اولور نفع و غبار و ضو نهاده پرده
 سیاه اولور سواد تاتار ایلده مانند بجز تیار افواج امواج عسکر خزار
 برله داخل اولد قلمری قریب بی فساد و واصل اولد قلمری بلدی بر باد و مر
 ایتد کلمری مکائی تدیر و عبور ایتد کلمری مسکنی تنقیر ایدرک ادر بجان
 یا جوجانه وصوللرند قره بلوک عثمان استقبال ایلده قدوم تیمور عییل
 ایدوب الباس خلع فاخر ایلده عرض و اعتبارین تکمیل و ولایتی منصبی تقریر

و بعضی عسکر مغان ایلده دخی عانت و کجاک حاکمی شمس الدین دخی مظاهر
 و معاضد تنده اولق طرف تیمور دن تنبیه و تاکید اولندی **فصل**
 تیمور مغروردت بلاد نصاری کرجه استیلا سی بیاند در اول
 داهیة دهیا طرایف تانادی استحصاب و دریا مانند اضطر ایدر
 بلاد کرجه دهیا با ولدی طایفه مذکور امة مسیح علیه السلام
 و ولایتلری غیر فسیح اولوب قلاع و حصون و مغارات و کبوف و جبال
 و جروف و قلل عالیله و بروج راسیه یمه مشتمل اولغین هر بری صعب المنال
 مستحیل الوصال از جمله قلعه تفلیس اولوب که مقدما تنقیر کرده تیمور
 تلبیسدر و ترابزون و آب خاص قلعه سیدر قلعه مذکور اها لیس
 تیمور عدم انقیاد و تسلیم قلعه ده عنادا عملیله تنقیق لرینه مباشرت
 و منازعه و مناجره لرینه اگر چه مبادرت اولندی لکن حصن مذکور حصن
 و متین بویاق اعدادن امین طواق روزگار دن در کین میان جبال
 شاهقه ده واقع اعتلای بروچی ضواعت مناجقه مانع واذیال ملو بری
 نشبت علایق و مسالقه دافع مدخلی شب قدر دن اخفی و غم و غمی
 لیلله بدر دن اجل اولغین تیمور پر زور و استخیرنده توقع و شاهد و صله
 ایرمکه خون دل بخرج ایدوب بالاخره مهندس افکارین بوباید اشغال
 و ریسمان باز جیله سن بومئوال وزده اعمال و شاهها ز افکارین اول
 حامة فراز سیرک اضطیادینه بو طرز ایلده پرواز ایتدوکیکه ابطال
 رجالدن بر مقدار ارباب سبیز و ارباب جدالدن بر قباچ نفر چابک
 خیز آدملری صندوقله نقیبه و تحمیل و جبال عالیله و قلل راسیه دن
 سلاسل و ریسمان حکیمه ایلده باب قلعه یمه تدقی و تنزیل ایتیمکه نبال ایلما
 و سیوف بتاره و انواع اسلحه و کلا لیب مشتبکه ایلده هوادن مهاوشه
 و جنگ شوا هین جاسر مانند مناوشه ایدوب استعصا دفتح

ازاله ارتعاش و تحصيل انتعاش ایدوب مقام محاصره ده ثابت قدم
 ورد کید اعداده راسخ دم اولدوغندن غیری وارد اولان مردان
 سترک امداد یله مغروران نصارا ذلیل و بازوی ملکی علیل اولغله
 رجوع علی الاعقاب و ترک جسر ایدوب کوشش سده بابا یتد کلرند
 میر محمد جمعیستارینه وصول و معاصره دخول ایتکله اولکرو مکره
 نیر و تبر و رمی جرمه ایلده رد و دفعه هر چند سعی یتد یار ایسه ممکن
 اولوب همیا و معاصد و در پس اولان ظهور و مترصد لری تعقیب
 ایدوب مانند صواعق غضب قلعیه منصب اولملر یله فتح و تسخیر
 و اکثر نصاری قتل اها تده اسیر ایدوب ضبط اموال و اولاد و اخذ
 حرم و اخفاد ایلده میر محمدی حضور یتوره تقدیم و قصد و تعزین دشته
 تقریر تنظیم ایدوب یاره و پاره سی تفقد اولندقد اولن سکرتخم
 جانگاه ایلده مجروح بولمغین تیمور سعین مشکور و مواعید جزایله
 خاطر شکسته سن مجبور ایتد کد نصکر محترم و عزیز نداوی و تعذیل
 مزاج اچون شهر تبریز تجهیز اولوب مذاوات و معالجه سنده حکای
 ایران صرف مقدوره و جراحتان توران مرهم بری الشاعره ایلده جبر کیره
 ما مور اولد یلر حسب الامر طبای بلد و جراحتان شهر عفا قراکار و
 ادهان ارالین بحق ها و تدبیر ایدوب ترکیب انواع مرهم دلپذیر ایلده
 استشفاء و تقویه قوایم قواسته بذل جهود ایتملر یله زمان قلیل ده اذا
 علل و صحت تام ایلده کالاول اولوب خدمت تیموره عودت ایتکله زمر
 اجنادده ریش طایفه و کثیر الوظیفه اولوب مؤخر ایکن مقدم ذلیل
 ایکن مکرم اولدی قلعه مذکور مانند مفاره مامون التوب و القاء
 اولوب چهره بلاد کرجه مانند دینه و جبال عاصیه و قلاع عنیده لینه
 مفتاح و کلید و لغین تسخیر یله کرجیلرک اعصاب قوتلری مختل و مزاج

عزم و خن ملری مختل اولوب تسلط زبانیه فی رحم ایلده کاردان و مردان
 میدا نلری مغلول و قید بلاده اسیر اولغین تیمور سایر مملکتلری
 استخلاصه دخی عازم و ضبط مال و منال و اسرا و اولاد و اخفاد لینه
 جازم اولدی فضل حاکم شروان الشیخ ابراهیم و ساطیتله کرجیلرک
 استیمانی بیانند در طایفه مذکور کند و ضعف و تقصیر و تعطیل
 تدارک و تدبیر لیرین مشاهده ایدجنه قبل الانشاع تر قیع خرقه بهر مساع
 و قبل الانقطاع تقویه جبل حیانه مبادرت ایدوب استغاثه و استیمان
 ایلده حاکم شروان الشیخ ابراهیمک حلقه جنبان باب شفاعت و مبلغی
 سبانه حمایتلری اولوب امر و نهینه راضی و تدبیر دلپذیری ایلده مستکفی
 اولدیلر اولهنکا مده جیش صیف دخی تحریک لوا و طلیعه لشکر
 شناقد و مراستید ایدوب سریره سرما و غارتگر هوا سلب لباس
 شواهد اشجار و دست خریفه قنطاف و راق و انمار ایدوب سلطان
 دی فراز کوه سارده نصب سحابه سفید و قرارش هوا بسط بساط
 جدید و آهنگر بر در روی انهاره شبح حلقات حدید و معمار سردی
 مسالک و مجاری به طرح سده سدید ایدوب تیمور مغرور ایسه
 استدر ارج ایلده کرم و سردی عالمدن مغلول و عاجز کرده سلاطین
 و قابض و باسط غول اولوب عربیه و اذا اراد الله نصر عبده
 کانت له اعداؤه انصارا و اذا اراد خلاصه من هلكه
 آجواله من ناره انهارا فترى العقول تقاصرت عن شوكة
 و ترى كفى شوكة ازهارا مدلولجنه قوت بخت طالع و دستبازی
 طالع مطاوع ایلده بلاد کرجی دخی داخل قبضه تسخیر اتمک تدبیرند
 ایکن الشیخ ابراهیم حضور تیموره چهره سای عبودیت و استاده
 مقام خدمت اولوب موقف شفاعتده تقبیل زمین و خان ضراعند

مختصیل
 انچه سجانه و قتلان نضرتن اراده
 ایتدوی وقت اول قولک اعدای یار مجیبی
 و شد عطفندن خان من اراده ایدر سه
 انیارا قید کرد و در سنگه بر دگندن عقول قاصر
 اولور اما اکا اول دگندن هیچکار بتر

بوسه چین اولوب تحت کاسره و ملاقات قیاض اوزره مراسم
 سیاسی تقدیم ایله عرض حالداستان ایتدکه تیمور طرقدن ملا^{طقت}
 ایله معامله اولمغین بوسیا قد ایراد ما فی الضمیر ایتدیکه امیرک
 شفقت و مراحمی مشمول غنی و فقیر اولدوغندن غیر کترو و سعد
 اختلری سلاطین جهان تنخیر ایله اهالی شرق و غرب مربوط رابطه
 تدبیر لری اولوب دوستان مجبور و بدخواهان مکسور اولمغین فیما
 بعد ضرب و جریدن مستغنی واعوان وانصار دیکر غنائم لایم و لا
 یخصی ایله مستکفی اولمشدر حالا توجه جیش شتا ایله اوده بولنا
 صنعای لشکر مضرور و ملق احتمالی اولور خاصه جماعات تاتار که
 نادیب و تحذیل و سعد بختلری نخوست و اختراق لری ادباره تبدیل
 اولمشدر اگر بود ستورا و زرم استمرار امور اولور ایسه صحیح لری علیل
 و جلیل لری ذلیل و جلد و جسم لری رفیق و اعصاب و عظام لری دقیق
 اولور حالا که بلاد و عبادت امر کزدن خارج استقامت لری محال و اطاعت
 و انقیاد کزدن غیر یه محال لری اولدوغنی طائفه کرج دخی و امیر
 شریفه کزی سمع اطاعت ایله اصفا و قبول و خدمت مطاوعت و انقیاد
 منتها یه مامول و مسؤل ایتمشدر اگر مال و مملوک مراد ایسه العبد
 و ما یملکه کان لمولاه بقصد قات مولادون غیر مملوکه اثبات مال
 محالدر یو فقیر نداشت برله طریق خدمت لری مسلولک ایدرم باقی رای
 شریف لری اعلا و لطف لری بنده لری املند خایب و خاسر اتمکدن اولور
 دیو یو مقوله عبارت مرعوب و کلمات مرطوبه ایله ختم مسئله مرام و طبع
 طوا میر حسن کلام ایتدکه تکلیف و طلبا موال بنسیا دایله مسؤل
 قرین اولوب الشیخ ابراهیم قلب سلیم ایله مال مطلوبی طائفه مذکوره یه
 کند و مالندن امداد ایله خزینه تیمور نقل و تسلیم ایتدی بعد ذلک

تاریخ سال سکریوز آلتی ایله قریخ قال اولدقد تیمور محل مذکور دن
 رجل و مشتاق قریه باغ صحرالوند تکمیل ایتدی فصل تیمور دن ما وراء
 النهر طرفه عودتی بیاتند در سلطان بهار خسته آثار موکب اجلال
 ایله جهان فیض بخشا و مانند شادی لیل و نهار از همه عالم عدالت
 رسا اولوب ما شطه کون تربین عرایس شوا هق و دلالة هوا عطر
 فروشی کل رخاں ریاض و حدائق ایدوب تهیج قوای نایمه و تبرج
 بخذرات ریاض سامیه و مورد و مار قیام و حرکت هوام و وقوع جمرات
 و حشر و حشرات و لمغله اول افنی سر سخت دخی حرکت آغاز ایدوب
 آوازه نفیر شد احوال عالمه و لوله انداز و صدای کوس در حال لرزه رسا
 نشیب و فرازا و لمغله مواکب و کتاب و سرایا و دکایب سدا فاق زمین
 و زمان و لمعان بوس مانند برق براق رخشان و سواد خضاد محیط
 اطوار عالیات و مستعد بودی سا فلان اولوب سنایک الخیل جیشدن
 مرتفع اولان خاک روی فافه بقلیق حجاب و ترا کر غبار عنان آسماندر
 کمر التحاب مرواریدوب فی الجمله ضیای بیادق برق دبیعدن حکایه و اذها
 مزهره اعلام و یقین شقه رایات و عنادل سهام و اغصان دماح
 خوش اندام جمعیت جیش بهادون کتایر و ملق اوزن اول اعرج و افجه
 شاهد سرور ندیم و مخذره صو و خدیم و مشاطه نشاط مسامر
 و قوافل بخت و طالع بین الافراط و التفريط وارد و صادر در فاق
 ملوک و ادبای تیجان ایله مانند بحر بیکران و سیل عزم فر کبی جوشان
 ایدوب قصد ادبچان و ممالک خراسان ایله تحریک دکاب عزیمت
 و کوفه عنان نهضت اولدی فصل ملوک استقبالی تیمور مساعتر
 بیاتند در تیمور دن قصد عزیمت و طان ایتدوکی خبری منتشر قطان
 بلدان اولمغین ملوک اطراف و اکثاف استقبالیه تبادر و سلاطین

ما وراء النهر ملاقاته تطایر ایدوب حکام مرابط و ثغور و ولات
 سرحد و سنوبر توابع و قاصد و حجاب و رایدلو کوندروب تربیت
 قدوم و تهینه فتوحات هند و سند و عراق و کوچ و شام و روم را به
 تقدیم جمل و تهینه ضیافات فوق المأمول ایتدیلر بعد ذلک سادات
 عظام و علماء اعلام و مشایخ کرام و کبار دیار و رؤسای مصادر
 فوج اقبال و رعایت مراسم استقبال ایتدیلر کندن هریری تکویم
 و تمجیل ایلر استحقاقی افزون مقام احترام و تزیین اولند قد نصکوه
 سمع و اطاعتی تاکید و قانون سکون و حرکت و دستور العمل سلوک
 ولایه و قضاتری تمهید اولوب لازم کلان و عد و عهد و تحیر و هریری
 سمنلو سمنه تمهیز اولندی پس از آن سوق ستور و نهر همچون اوزده
 مهتاب اولان سفاین و مرکب ایلر نهر مذکور عبور ایتدیلر اول طرف
 خلقی دخی احرار امل استقبال ایلر مسرور و مرادوب نادیم سنین سکر بون
 بدی ایلر شرف قرین اولدقد بلده سمرقند یتیش ایکی نوع طوایف فوق
 ایلر تزیین احوال ایدوب تفریق عساکره مباشرت و مردمان ما وراء
 النهر اجازت و بر دیلر فصل توزیع عشایر تا تا زیاده در تیمور
 غدار دار و دیار و وطن اصلیه سند استقرار ایدبخه توزیع تا تا ده
 شروع و تشیت اصول و فروعی فکریه دوشدی کا دخی باعث
 و بادی بوایدیکه طایفه مذکور ذو عد و عدد و صاحب سده و شید
 اولوب اگر چه قوایم شوکتی ترزل و اختر بختی منزله ذواله تنزل
 اتمشیدی لکن کثرت و وفرت و بخت و غیرتلی هنوز باقیه اولمغله
 تیمور مباد بر طرفدن خروج و ذرو باغیه عروج ایدلر خاطر سیه
 تشیت و تفریق و کریان جمعیتلرین تفریق ایدوب محذور لیرین دفع
 اچون صحاری و ضوایحی ارسال ایتدی و دخی طوایف مذکور ایلر

سد افواه ثغور و بند ابواب بخور ایدوب بر مقدارین سرحد هند و خطا
 کاشغر طرفنه مامور و بر طایفه سن دخی ممالک جغتای و مغول سرحد
 اولان اسرکول نام جزیر طرفنه حکما طوعا و کرها ارسال ایتدی
 بونلره بعض مساعد ایلر دخی امداد ایتدیلر مکن محل مذکورده قرار ایتدی
 قرار ایلر ناجیه شمالیه ما را الذکر ایدلر کوایر اتصال و بعض قبیللری رغون
 شاهه منظم اولدیلر و بر مقدارین دخی حزم و جزم ایلر حدود دشت
 و خوارزم طرفنه تمهیز ایتدی بناء علیه تیمورک اکثر دخی تبدیل و حال
 بلاد و تغییر حال عباد و تقید ایدوب هر بر رقه و بقعه مستولی اولدقه
 البته عسکرینک بر مقدارین اول بقعه ده اسکان و اول را دخی
 خلقینک بعضی سن بلاد آورده استو طان ایتدیلر و با اهل شرقی غریبه
 و اهل غربی شرق و رجال شمالی جنوب و ابطال جنوبی شماله نقل ایدلر ایدی
 حتی بلدن تبریز مستولی اولدقد مقابل حکومتن فرزند فروزنده
 اخترای امیرانشاهک بد نصرتند تسلیم و خدمت و تقاطی امورینه غلاظ
 و شداد جغتای بیدادک بر مقدارین تقدم و تعیین ایتدی و مردان عراقین
 و هند و حراسنک بر مقدارین اطراف خطا و ترکستان حدودینه ارسال
 ایدوب مقدمه شامدن استصحاب ایتدوکی عبدالملک ابن التکریتی ی
 اعمال ترکستان مدن مدینه سیرام حکومتیه احترام و یلبغای تکران نام بلدن
 توجیه بیلر اکرام ایتدی بو بادی اقصای مراعی رؤسای شام و اعیان روم
 و اعجام و حکمای عرب و علمای بغداد و حلب مابین خدم و حشمه بولند بخر
 ابنای ترک کسب ادب و صفای مشرب ایدوب علم و عرفان ایلر کعلم
 تدبیر امور ملک و ملک اتمک ایدی فصل تدبیر امور و ما حاضر ایتدیلر
 صکر اطراف بلاد و عباد و اصلاح مصالح اطراف و ثغور و اکثاف
 و مخور و اطراف و رعایت کبیر و صغیر و تقاطی احوال غنی و فقیر ایدوب

رفع بدع و اشیاى محله وضع اتمت امریه مبادرت ابتدای عربیه
 لله دَرَانُ شِرْوَانٍ مِنْ دَجَلٍ مَا كَانَ اعْرِفَهُ بِالْوَعْدِ وَالتَّسْفَلِ
 نَهَاَهُمْ اَنْ يَسْتَوْاعِدُوْهُ قُلُومًا وَاَنْ يَزِلُّ بَنُو الْاَحْزَارِ وَالْعَمَلِ
 مدلولی امور مملکت شایسته خدمت اولادى استخدام ایدوب
 توقیر اشراف و سادات و تکریم مشایخ و ارباب ریاضت و تجلیل علما
 و اعزاز فضل و قمع اهل فساد و ضبط ارباب عناد و قطع مارق و خرق
 زانی و صلب سارق اتمکله ذمعه امور سیاسى لازمى و نهره تقدیم
 و طور چکنیز خاتمه و قواعد ریاستى تقویم ابتدای فصل تهورک تزویج
 اولوغ بیک و ابتداء بعض منکرات و خاتمه سنیاتی بیانده در اول
 مغرور و زورک بازاریاستد راجی و رواج بولوب با حوازا اموال مسلمین
 و تنخیر ملوک و سلاطین ایدوب هر طرفدن فارغ البال و هر چه بددن
 محصل الامال اولیحه مصنف مرحومک حال جیاندن یعنی سال اربعین
 و ثمانیاه ده حاکم سمرقند اولوب نواده خانزاده سى شاه رخ زاده الوغ بیک
 زواج و بازار عرض احتشام و رواج و یروب تدارک سور و جمعیت اسباب
 جویده بو وجه اوزره شروع ایندی که ابتدا اهالی مدینه تزیین و تجدید
 لباس ایلد حاضر و مهیا اولوب و ترفیه حال رعایا و بریا با چون رفع تکالیف
 و مظالم و عفو طروح و مغانم و بسط بساط امن و امان و صغیر و کبیر
 و رفیع و وضعه بذل فضل و احسان اولند و غنندن غیرى کمالکده سل
 سیف و اجرای ظلم و حیف و التمام فرمان و بلد سمرقندون بر میل مساف
 و رنجه آیین بند و تزیین اولوغه تنبیه اینکین بلد سمرقند ما تندقطعه
 روضه جنان و غبطه حور و رضوان اولوب عربیه رعنى فیها
 غزال الترنک شیخا فصا رالمسک بعض دم البغزال مدلولیحه فی الحقیقه
 بلد مذکوره نک رواج اهویره سى عبرین و رشحات آبى عین الحیاتدن

معنی این شعر و آنکه الله سبحانه و تعالی
 خیرین کتب را بسوی من فرستاد و من را از اهل
 ابوس که توبه یابد و از اهل آیدى
 اولادى قلعه با شمعند از اهل آیدى
 اینتایسه اهل آدموندن زکوة واقع
 اولسون

معنی این شعر و آنکه الله سبحانه و تعالی
 خیرین کتب را بسوی من فرستاد و من را از اهل
 ابوس که توبه یابد و از اهل آیدى
 اولادى قلعه با شمعند از اهل آیدى
 اینتایسه اهل آدموندن زکوة واقع
 اولسون

لذیذ و تقاریر طیور و صدای طنبور و عوددن طربخیز عربیه
 بساط دَمَرْدَنُ تَرْتَّ عَلَیْهِ مِنَ الْيَا قُوْتِ الْوَانِ الْفُصُوصِ كَاثَ
 مَدَقَرِ الْأَذْهَارِ فیه و دود فی تخاسینه تنضد حنات فی جبین
 او عقیق و مرجان و یاقوت و عسجد فهدی حشوها مسک
 فیت و هدی ضمناها بزمبرد ارادا الروض یجلوها علیه
 فصاع لها الكفا من ذر جند معتر اسجد صباغ قوت خیالیه مشاهیر
 ازهارندن خلط الوان نفوسى تعلم و مشاطه عرايس ادراک نصا و پر
 الوانندن تزیین عواقب کمالی تفهم ایدر روضه لوی جاه غنی کریمه اولان
 امل حریص طامعدن اوسع و تزهنگاهلری اربابا و لوالابصاره جمع و بدو
 روی کلر خان تا ناردن المع مساعد دهر و امداد عصر و عمر طویل و طر
 جلیل انبساط حال و کثرت اموال ایلد بلد مذکوره و احدا ما کن مذکور
 و بقیعه و قطعه لوی تراخت و فحش بر لراقالیم ارضه مشهوره اولوب
 عساکر تیور و فرت و کثرتد ما تندبى اسراشل ایکن قطر اقطارند تابه بی
 دلیل براقلیم واسعه و خطه عامر اولوب تیور مغرور ترتیب اسباب
 سور ایچون ملوک و سلاطین و عده و اساطینک اول ریاض ارضه و مروج
 طریقه و عربیضه بر خروجلین فرمان و هر برینه عیثا و یسار و خلفا و اما
 مقام معلوم معین ایندکد نصکره هر بری تجلات و اسباب مباهات
 و زواهر و جواهر و محاسن و مفاخر و زروسیم و اموال عتیق و جدید
 تقدیم و رخت بختن احضار ایدوب ضرب خیام و نصب قباب خوش اندام
 ایندی تنبیه و التعمین بحسب الامر بازار مباهات و مفاخره بر رواج و اول
 ساحه فسیحه الباحه بر ما ملک لری اخواجه کوشش ایدوب صحایف
 ایا ملندن منظوم و سجات آثا ملندن محتوی اولان خراید اقالیم و مصا
 و فراید جواهر معادن و مجاری و نهبا نقاس ایلد جمع ایندک لری ذخایر

معنی این شعر و آنکه الله سبحانه و تعالی
 خیرین کتب را بسوی من فرستاد و من را از اهل
 ابوس که توبه یابد و از اهل آیدى
 اولادى قلعه با شمعند از اهل آیدى
 اینتایسه اهل آدموندن زکوة واقع
 اولسون

خرید

و نفایس و انعامات و دوطه هلاک ایلر در دست ایتد کلری مخف
 ماکل و ملا بسی تقدیم ساحه تحسین یعنی اول روضه خضری ایچ
 زواهر ایلر تزیین ایدوب توفیر بهجت و تکثیر مضاربت ایتد ایلر اول
 روضه و سورت نام و نشانی نمونازه و دید بزی انداز سی اقالیم
 ارضه و لوله انداز اولدی پس ازان یتوردخی سرادقات خاصه سی
 مرکز دائر و اول مداره قطب ثابته اولق امر انکین نصب سورت
 منقوشه و نصب خیام مفروش و اولوب نشیمنگاه یتوری اول
 چتر اعلا استار مانند سپهر استقرار و مقدمه سند بزد هلیز شایع
 قرار و بریلوب تکیس روس و مشاهد سبله و هول نفوس ایچون دخی
 باب خیمه ده مصنوعه دست سحر کاران ایکی قرن عجیب ترکیب و لغین
 ذوالقرنین ایلر اول چتر شهرت پذیر اولوب بونک داخلند متعدد خیام
 و اخیه و قبابه دخی انتظام ویرلدی از جمله قباب برقه که اعلی و اسفلی
 و ظاهر و باطنی مزین کش بری دخی سرتا پا حری ایلر منشوج و منشوری
 دخی فرق تا قدم لالی مثنی ایلر مکله و علایم عجیه ایلر معکبه بری دخی
 انواع جواهر ایلر مرصع و صحایف ذهب ایلر مرصع و منیع اولوب بومایند
 نقره کامل العیاد دن بر سقف اعلا و نصب معارج سیمین پا اولند و
 غیر عمار و آفاق افروز و اوزر تعلیق سرادقات زرد و زورفع فساطیط عجیه
 و ترتیب مجالس مطربه و وضع سرت مر فوعر و اکواب مصفوفه و ذراتی مشهور
 و انواع فرش و غمازق و اصناف مفایح و مغالقی ایلر راسته اولوب و از
 جمله استار پادشاه سعید سلطان بایزید مر جومک خزینه سندن غضب
 ایتد و کی چوقه دن بر پرده در که یکپاره قطعه واحد ذراع خدید ایلر و
 ذراع اولوب انواع نقوش و صور نباتات و غرورش و اشکال هوام و طیور
 و وحوش و تمایل اشخاص سناء و صبیان و کنایب و بلدان و غریب

اسایی انواع الوان ایلر بر نوع نقش و نگار و بر مرتبه فسون و فتنه ایلر
 سحر کارا و لغین که گویا رای ایلر متحاک و انما را شجاری اقتطافه متداند
 ستر مذکور واحد عجایب الزمان و لیس السمع کالعیان ابدی و بونقل الوان
 و مقابله با دکا هند مباشران امور جمهور و ارباب مناصب و مطالب
 و چاوشان و اهل دیوان ایچون برآت میدانی مسافه ده چهل ستون زمر
 نمون و عوامید سر و کون اوزره اوج آسمانه متلاصق و کوه هوا ایلر متعلق
 بر سایه بان دخی نصب و نشیمن اولند بکه مهتران خیمه مانند فرده اوزر
 صعود ایدوب رابطه و طنابین بند و شد و فتح و عقد ایدر لاییدی
 فصل اهل مدینه محزون صند و خیمه میاها توری ولان تجلات و محفوظ
 دکا پنجه افتخار لری ولان اقمشه لطایف و محسنات و نظایف لری اظهار
 و مقابله سرادقات یتورده مذبحر مقداری مسافه ده نصب و احضان
 ایتد کلرندن غیر ارباب صنایع بدایع و حرف سایه ساخته دست هنری
 اولان صنایع عجیه ایلر هر بری بر شکل غریب ترکیب ایتد ایلر از جمله حلاجان
 قطن مخلو جدن قد رشیق و صنع و یشق و منظر اتیق و جسم رقیق ایلر مانند
 حور و قوام کمال ایلر نمونه غمای قیام قصور بر مناره ترکیب و اول ساحه ده
 استقرار و علم ستاره و اول ابنیه جامعیه مناره ایتد یلر کذلک حدادان
 و نجاران و معماران و کازویران و کمال سازان و قصایبان و ملاحان و مقوله
 فلان و فلان و ارباب ملاعب و ملاهی و اصحاب مضاحک و لهاوی
 و صور عجیه و غریب اشکال ایلر میدان سیر و تماشا ی غفلتگاه جمال
 ایتد یلر بعد ذلک افاضل و ارباب فضایل بلد دخی طریف و تلید و عیش
 و جدید مال و منال و خیام اجلال ایلر طوعا و کرها اول دایره ده عقد
 مجالس و طعاطی امر نشاط و تحاککی مسئله انبساطی بدل مذکوره و مباحث
 مدارس ایدوب و رای خیم و اخیه و خلف قباب عالیه ده نصب بازار

ملوک و صایف و ابناء سلاطین مقام عبودیتند واقفا ولد و غدن
غیری اتفاقات غربیه دند که الجیان سلطان مصر و شام و رسل خطا
و هند و دشت و سند و برید و فرنج و قاصدان حبش و زنج خدم و حشم
ایله مقام خدمتند ثابت قدم اولوب سزتا پایادی و حضرا دفع و انق
مخالف و موافق معادی و مصادق عربیه **قیر العین لا یزجوا ملاذا**
خلی البالی لا یزجوا معاذا مدلولجه بلا خوف و وجل تناول محرمات
و ارتکاب منکرات ایله فعل قبیح و عمل شنیع ایدوب اتباع و انصارینه
هر نه امر ایتدی ایسه بلا مبالا و اسلحه متلاهی اولوب معایب
و ملاعبدن متناهی اولمز ایتدی عربیه **تبدل من سفیک و هتیک**
خریمه اخل بها ما حرمته الشرایع مدلولجه تیمور پر قصور دعوت
سلاطین و کبرا و طلب ملوک و امر و قایدان جند و ذعا ایدوب ید
بیدار سقای کاسات و اشراب مسکرات ایدوب هر برین اخوت و بنوت
مقامند افتاد و خلغ فاخر ایله اسعاد و طرف بین رجاله و شمان
مکان خوابنده تعیین و لنوب بلا ستر و حجاب همشرت شراب ناب
و بومابنده استمرار آواز چنگ و صدای قانون و آهنگ عود و ارغون
و نای خوش نوا و دیاب مطرب و طنبور معجب و مغرب و هوای مشبع
و مراد مجتمع بخوم بدور و ذره آفتاب دایر ماکل سایقه و آمال بالغه
نموده عمر جدید و ذوق تازه و خفت بی اندازه و بر مکی نشاط ایله
مکانشدن نهوض چون حواشی و معا ضد لرندن مستمد و ملغله هر
طرفدن دستگیر و قیامته امداد و اعانت ایتلر ایله قیام ایدوب نیمه
و شینندن عیباتیموب عربیه **شیان عجیانها ابرد من یخ**
شیخ یصا با و صیتی یشیخ مدلولجه سفیهانه و لنگانه
دقصر شروع و مضحک اصول و فروع اولدی عربیت

معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی
معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی
معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی

ومن عجب الدنيا

ومن عجب الدنيا اشل مصیق و ابکم قوال و اعرج راقص
در حال ملوک و کبرا و نساء سلاطین و امراسرید بختنه نثر جواهر و لالی
و فضه و ذهب و هر نفیس عالی ایدوب تیمور بد اندام لهو و لعبندن حصه
تمام اید بجه عروس منتصره بدخول و شاهد مشهودینه و وصول بولوب اهل
مجلس متفرق و هر کس مسکن ما و اسنه لاحق اولدی عربیه
ماکان ذاک العیش الا سکره لذاتها ذهبت و حل خمارها
فصل مفرد مذکور دنیا سنده بالغ نصاب مرام و منتهای املی
و اصل سر منزل احوال و انعام اولوب پای عرج ایله اقصای مراقب آمانه
عروج اید بجه بدر عمری قریب اقول و آفتاب حیاتی سمت ذواله نزول ایدوب
عربیه **وما الدهر الا سقم فبقدر ما یكون صعود المرء فيه هبوط**
وهیهات ما فيه نزول و انما شروط الذي يرقى اليه سقوط
فمن صار اعلا كان أدنى تهتمما و فاء بما كانت عليه شروطه
مدلولی فرع سر و بخرج سلافة موت و حالات قبردن خبر ویر مکه سکون
افاقه و خواب غفلتدن بیدار و ایتدو کی افراط و تفریطدن خبردار و ملغله
ایالت و سیاستدن فراغت و هوای سلطنت و توسیع مملکت و مرتکب
اولدوغی کبار خیایاندن انابت ایدوب زعمیه قضای مافات و کفاره سیئه
مبادرت ایتدی فصل تیمورت سمرقنده بنا ایتدو کی جامع بیاندند
تیمور فتح هند و ستانده عجیب الزمان و جید دوران حسن بنا و وضع
قبة و ادکاتند دیدغ عبرت حیران و مهندس افکار ناتوان رخام سفید
ایله مفروش و انواع صور ایله منقوش برجامع کیر کوردوب پسندیدند
خرده بینی و ملغله بلده سمرقنده مانند دی برجامع بنا سینه میاشرت
و تعیین موضع عمارت ایتدو که نصکوه قطع اجمار صلدا و لنگه فرمان
و امر میاشرتن توابعدن جلد محمد نام کمنه به اشارت ایتدی خدمت

معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی
معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی
معصوم است
بمعنی دنیا نیک بجا بیندند که بر آدم
نیک اوله آل چاکه و بری دخی و لیس اوله خاتمه
ایده و بری دخی عرج اوله رقص اید
معصوم است
بمعنی اول عیش و لذت و انجی بر سر خوشی اید
کسی که دخی خاری کلدی

مذکور به مأمور اولان تجاران و معماران تا سیسنه بذل اجتهاد و تشید
 ارکان و تحسین بنیان و ترکیب و تزیین فوق المراد ایدوب میادین
 اربعه ایله آراسته و قبة عالیله و ارکان راسخه برله پراسته ایدوب
 مباشرینا اولان جلد محمد دخی بویاید بذل اقتدار ایله بومرتبه صنع
 آخرت و سعی اولوب طبع تیمور موافق ادای خدمت ایتکله سعی
 مشکور و خدمتی مبرور اولور ملاحظه سند ایکن اتفاقا اول جلد
 تیمور سفرده بولوب عمارت جامع رسیده سر منزل اکمال اولدقده عود
 و جامع جدید سیرینه عزیمت ایدوب بذل نظرده جلد محمدی و جوی
 اوزره منکوب و کشان برکشان خات سیاه اوزره مسحوب و بند
 دست و پا ایله اول پجاره بی پاره پاره ایتدوب مال و اولادینه استیلا
 ایتدی جبار مرقومک بویاید اولان التهاب آتش غضبینه متعدد سبب
 اولوب معظمی بویاید یکه افره تیمور ملکه کبرابر مدرسه کبرایان سن
 اوده ایتکله مدرسه مرقومه نک موضعی صواب دید معماران و اتفاق
 ارای مهندسان ایله جامع تیموری مقابله سند واقع اولوب استادان
 کاردان بونک دخی عمارتده بذل تاب و توان و تشید ارکان و تعمیق
 اساس و رفع جدا نده تقید تام و اهتمام مالا کلام ایتدوب اتفاقا
 طباق و حیطان جامع مذکور دن ارفع و ارکانی ارسخ و قبة لوی اشخ
 اولوب تیمور غری الطبع اسدی الوضع اولمقین کسسه نک ترفع و تکبرینه
 منحل اولما مغله قامت مدرسه جامع اوزرینه اطاله و فزاجدانی بام
 جامع حواله اولدوغی منظوری و لجه هوای غضبی و خیم و تئور سینه
 پر کینه سی مانند نارجمیم اولوب مباشر مرقومی معرض سیاست و عذابه
 تقدیم ایتدی قضیه مذکور مجمل بود قدر جبر و قزده املا اولوب فیما بعد
 تفصیلی دخی رشته تخریر ان شاء الله تعالی کشیده اولور نک

جامع مذکور صاحبی کبی اوزار اجماره جامع اولوب طاق و درواغه نقل
 و تحمیل اولنان اجمار جسیمه و انقال کراسته و حسنویات ثقیله به مناکب
 ارکان و غوارب جدران منحل اولوب ضعف و رقته ایله لسان الحال
 سقفی اذ الشما انشقت کریمه سن تلاوت ایتکین تیمور هدم و ترمیم
 و نقض بنیانی ایله استیناف تعمیر ایدوب لکن بعض اخشاب منکسر
 و اجمار معلقه سن علی حاله ابقا و اول جای مخوف و مخاطر ده فریضه
 اوقات و اقامه جمعه و جماعات و لنق امر ایتدی حال حیاتده بوقرار اورد
 مستمر و جایجا بنیان و ارکانی مستقر اولوب فوتند بصره بعض
 اجمار عاریه و اخشاب ذایله منزلزل اولدوغندن غیر اجمار معلقه
 سقف سقوطندن جماعت مسلمین هواره احتراز و ترقیه اهتزاز ایدلر
 ایدی بعض حیانه جامع مذکور پر جماعت بلکه ازدحام ایله کثرت
 دخی و ارا یکن سقفدن بر پاره سنک سقوط ایتکله رعب سابق
 ایله خلقت قلوبی مرعوب اولوب صاعقه فاقعه هبوطی مرتبه سند صلاه
 نا تمام و ترک امام ایله باب جامع طرفه فرار و انترام ایدوب نقص
 فرض ایله منتشر ارض اولدیلر بعد حقیقه اطلاع ایله رجوع و مجد
 صلاه شروع ایتدیلر الله داد مارا لک جمله جماعتدن اولوب مزبور
 دهان اذکیادن اولغله جامع مذکوری وصف ایدوب بعد البور بوجامع
 جامع الحرام بی طرف و جای صلاه خوف ایله ملقب اولور کد دیکد بصره
 تیموری اراده ایله عربیه سَمِعْتُكَ تَبْنِي مَسْجِدًا مِنْ حَيَاةٍ وَأَنْتَ
 بِحَمْدِ اللَّهِ غَيْرَ مُوَفَّقٍ كَمُطْعِمَةِ الْإِبْتِامِ مِنْ كَيْدِ فَرَجْهَا لَكَ الْوَيْلُ
 لَا تَزْنِي وَلَا تَصْدَقِي نَادِرَه سن مصنف مرحوم مشافهه ایراد ایتکله
 براینه صحیفه اثری قلشد در فصل تیمور جسور ممالک روم جنت رسوله
 خبط عشوا ایدر کن استخلاص ممالک شرق دغدغه خاطر غدر مائری

مجلسی ایالتی استماع ایتدیکه خیانتله
 مسجد بنا ایدر سن اما مجلدده بوخی موقوف
 دکل سن سنک مثالت اولدانی عوزنه کجری
 فوجی کسندن انجام اطعام طعام ایدر ایدی
 کلا و بلعنی ولسون زنا ائمه و تصدق ائمه

اولوب بودند اقدم مخبر تبا شیرتقریر اولدوغی اوزره الله داددند
اول طرفلک احوال و کیفیت احوال استخبارایدوب الله داد طرفندن
وارد اولان رساله مفصله دن دین و مع سرائله کورمش و اشتمش
مرتب سند اول اقالیم جزوی و کلی و متحرک و ساکن و نشیب و فرازین
و عاصی و مطیع و بعید و دانی سندن خبردار اولججه نیه اول نواحی و خوا
کجا دندن بیردی بیک و تنکری و الیاس خوجیه بعض مردان کار آزما
اضافه و بر مقدار عسکری دخی زیاده ایدوب الله داده ملحق و رای
صواب و بدی اوزره حرکت ایتلرین تنبیه ایلد اشبار بر اون منزل مشاه
واقع متعلقات مغولدن باش خمر نام قلعه منازع فیه و تسلط
جفتای و مغول ایلد خراب و باغ و بستان صحرای و سربا و لشکرین
اقلیم خطایه عزیمتد ذهاب و ایاید عسکره ملجا و معاذ و جای
استراحه و ملاذ اولور ملاحظه سیله جمله تیر و تجدید و تاسیس
و تحکیمه مامور اولدیلر تاریخ سال سنه سبع و ثمانیایه ایلد فرخ فال اولد
مزبور لوم نهضت و عسکر جزار ایلد محل مرقوم تزیل احوال اقامت و خلا
عادت مشغول کار عمارت اولوب لیلا و نههارا تحکیم اساس و دفع سو
و ترسیم دار و دور و تصفیف اجمار و تشبید منار اتمک اوزره لر
ایکن تیمور تکرار مزبور لر رسل و رسایل اصدار و امر بنا تاخیر اولوب
خدمت مرقومیه مامور اولان امر اوزعما و طایفه عسکری یلورینه
عودت و عمارت بلاد متعلق زراعت و حراشته شد میان مقصد
ایدوب جمله اهل فرا و امصار و ساکنان ققار و کوهسار عالم و جاهل
خادم و مخدوم و فلاجان انجاد و اغوار و برزکار و اکار صدر سمرقند
منتهای خطه اشباریه و ارنجه ترک مسایل معاملات و مباحه ایدوب
فولا و فعلا مساقات و مزارعه به صرف مجهود و بذل متاع و نفوذ اتمک

تنبیه اولدوغند غیره امر امیر و کبیر و هر ذمیم و ذمیم جماعت و قبیل
و عشیرتلی بیند صلاح ذروع و انبات اصول و فروع شد میان
همت و جماعتلریله اقامه امر مذکور عقد نیت اتملی بایند بوجه
اوزره دفع صوت ایلد تا ذین اینسونلر کبر بر فردای صلوة فریضه به مضطر
اولور ایشه دخی ترک فلاحت و ذراعتدن الحذر الحذر جواز کوستوریه
ذیوتنیهات و تاکیدات ایلد رساله سن مشغول ایتکیمن حسب احکم
کار عمارتی انداخته زاویه ترک و تاخیر ایدوب اماکن و مساکنلرینه
عودت و زراعت و حراثت نذاکته مبادرت ایدوب اول و اند بساط
ضیف دخی نور دید و راید خریف سماط عیش دیوان عالمه کشید اتمک
هر کس استخراج بقروندان و احیای اموات زمینه بذل امکان ایتد
فصل تیمورت اقلیم خطایه عزیمت و منتقل دارا خرت اولدوغی
بیانند در مغرور مرقوم کارند بیر زراعت و عمارت و قبض و بسط
امور اقلیم و محکم کردن افاق بولججه عادت قدیمه سی اوزره قصد
اطراف و استخلاص بلاد اکثافا چون اهم عساکر بادی و حاضر
اصدار و امر ایدوب دورت سنه لک اهنه و لوازم سفریه و زاد و ذقیق
بذارک و احضار ایلد اقلیم خطا سفر چون حاضر و مهیا و یقین اولنا
معسکه توجیه وجه عزیمت اتملرین تنبیه اکید اتمکیمن اهم طوائف
و اصحاب اقطاع و علایقندن هر اسد پر توان حل و جلیله راه مقصده
پویان و هر نورشدید الخوار نیجه کذیمینی اولان سبله و ساقی کشت زار
املی اولان دلو سقی ایلد طریق اطاعت دوان و هر عقیب راجل دیب
جدی و سیر سلطان اوزره روان اولوب مانند حوت هفت جگر غوطه
بحر خطر و لغه مستحضر و جلب اموال عبادده مانند کفین میزان توأم
و لغله معرکه گاه قیامت اشتباهد احتشاد ایتدیلر اول هنکامده هلا

قوس دخی سهم نامه بر ایلد عالم کون و فسادہ قدوم جیش شتادن خبر و بر
 کفاه عسکری احضار سلب و ساز و عراة و حفاة ترک تاز لشکر سرمدان
 احتر از اید دیولسان حال ایلد ندا و بونوبت زمان آخزه قیاس اولغز آیه
 من آیات الله اولوب ادرک تار ایلد قدوم و اخذ انتقام ایچون کرم عنا
 هجوم اولمشدر اهلاک نفوس و قلع انیاب و ضرور و قتل و ضریر
 سیوف و پیچہ سختگیر ایلد فرک کوش و انوفایدوب کسر ذراع و اسقاع
 کراع و حصد ذواهر اشباح و سلب جواهر ادر و اح ایدر سیماجند
 خریف ریاح بارده و غیوم و اراده ایلد انمودج طلعتی و عنوان کنایه
 و مقدّم مصائبی اولوب ذقیرندن کاشان مرتعد و زمهریرندن حشرات
 قعر چتملرندن منعقد و نیران منتخیز و عذاب مجنون و اوراق اعصان
 زایل و انواع نامیه ذایل و حیوانات مطلق العنان کشت و کذازدن
 مایوس و مادی و مورد و عقرب کودک نام لرند مجبوس و ریاض چمن مغیر
 الحدود و مضارت و ارتیاح کلشن مفقود و خرمن ازهار مرواح ریاح
 ایلد برباد و نابود و لور دیور هبت بخشای اخبار اولغین بتور زنبور
 دخی نفقات هوادن قدوم شتایی استشمام و نفقات نسیم خریفندن
 توجہ سرمایای استعمال ایدنجه نصب و تحکیم لبوس خیمه و قباب و تجدد
 لباس شیخ و شاب اولغز امر اید و کندن غیر صفاغ جدد و بند قه
 برد ایچون قبا یکنده و سوزیندن سپر و فوای پرمویدن درع مجوهر
 احضار و البسه مضاعفه ایلد رد کید برده قرار و یروب بو قدر ایلد
 مستکنفی اولوب و کلام ناسر عدم التفات ایلد غریمتندن منتهی اولوب
 طوایف عسکری یردخی شان شتایر وجود و یرلیکه شدت سرماخیر
 انجام و سردی هوا برد و سلام درد بو تسلیم بخشای نافر جام اولور
 پس ازان احتشاد عساکر و انجام امور و اوامر و لجنه نقل اطفال

خاصه ایچون

خاصه ایچون بشیوز عریه تدارک و احضار اولوب سنه مذکوره
 رجیند راه نورد مقصد و صدای کوس رحلت صماخ عسکر و لوله انداز
 عزیمت و ملغله خروجرینه دخول جیش شتایر مقدارن اولوب خزان بستان
 عمر تیوره دیوان فنادن ایراد فرمان ایتکین اتفاقا یوم حرکتلرندن علی
 الضباح مرقه رقیق محترقه شفقت ایتیز بر برد ظهور ایدوب لابس و عریان
 یکسان لوزه کتان اولمشیکن ینر هر حال افتان و خیزان سر منزل مراد
 تحریک همیز و اماله تکام ایدوب سیر و سفر لری سر نهر چیچونه منتهی
 اولنجه عربیه علی البحر قدعایت جسر امددا بناء الیه العرش صرحا
 مُردّا بکیت خلت الذمّع فی جنبایه رقیق رقیق فی زجاج
 بجمدا مفراسجه نهر مزبور مجدد بولغله هماندم تیور مرورج
 و اصراری و زمره مستمر اعبور ایدوب اولهنگامه جیش شتادخی بر
 طرفدن اوزر لرینه ایقاد نیران بلا و سر و ساما نلرین دست بردینما
 ایدوب صرصر تکجا ضرب وجه و قفا و هبوب دیور عراة و حفاتلرین
 افنا ایدرکن ینر تیور جمع کثیر ایلد عزیمت و اسیر و کسیره مرحمت ایتیب
 برده ایلد تقابل برد و جرد مرد یله مکاخه هوای سرد ایتکله سلطان
 شتادخی ستور لکدن عواصف و رخسار حرون قواصف ایلد مجموع
 و منفزلرین تاخت و مایینلرندن اقامت نایجات ایتد کندن غیر لسان
 ایلد خطاب و تیموری بو وجه اوزر هدف سها و عتاب ایتدیکه هله یا
 مشوم صبر ایلد ای ظلوم و غشوم تا بکی حرق قلوب رفیق و قق اکباد و کسر
 دقایب دقایق ایدرسن اگر انفاس دوزخدن بری ایتک بندخی ثانی
 نفسینم و استیصال عباد و بلادده سنکله شیخاین و کفر سنی دهمان
 و قران محشین ایزاکو تبرید نفوس نفسیه و تنفیر ارواح اینتسیه ایتدک
 ایسه زهر زمهریریم سندن ابرد و کید اکیدم سندن اشد در قسم یا شیخ

محصول بیت
 یعنی بجای اوزندن بر جیش عد و مشاهد
 ایتدکم کویا بر قوی کوشک ایدی کاشان
 اینتس اول اول وقت اغلام و شوق خال
 سر کوزم یا شای آنک اطرافت کویا
 پیشینه ایچون قمری شایید

لوايح
بمعنی حرقات

صنای منون برد و سهام سرد مدن لوايح جمرات مجمره و شراره هب کانون
و مبخرم سنی حایت و ضرر غصم بدن فروه و قبا و عبا و قایت ایتر دیو قریع
سراپند کد نصره شق بیضه فولاد و خرق و خرق اشده جاد ایدر بر دایله
د بود پر زوره مقارین برف مترادف مانند جبال نزول و در عقب شیاطین
زوايح خلل برفه حلول ایلد غبار نیل و بارانی ارد و خلقتن اذان و جاشینگر
و جیب و داما نلرینه تعبیه ایدوب نیجه اولدیج عقیق مصا ذفا ولدوغن
مانند عظام رمیم اینکله عالی و سافل مرتفع و نازل زمین کثرت برف ایلد
مستسوی و کویا نقره خامدن مصنوع بر بحر صافی اولوب بهر حال یوکا
راضیلر ایکن صفای جو و استکشاف بحاب اولدچه آسمان بر خیمه
فیروزه قام و کوره زمین یکجاره بر قطعه بلورین رخام و بوما بیند کوب
زاهره کویا حیات ذهب مشهوره اولوب الیاذ بالله حرکت نسیم نفس نفسی
منجه و حرارت حشا و کبدی منجه ایدوب اولطایفه مرده و ده بر نار غرود
برد و سلام اولور ایدی بوجه اوزده بلای برد عام اولوب عربیه یومر نوذ
الشمس من برده کوثر النار علی قرصها مدلولنجه چشمه افتاب
دخی حرارت نایاب اولوب و هر نفس متفلس اولدچه انجاد سبال و دیش ایلد
مانند فرعون مرصع الخیر و اکبر تافل لفظ تخام انسه با وجود حرارت غم تفاله
بنده حدید خام اولور ایدی حاصل کلام اولفیه مصابک رسته صبر و سکون
کسته و فاروده حیالتی خرده سنک برد ایلد شکسته اولوب عربیه قیارت
آن البر داصح هایکا وانت جالی عالم لا نعلم فان کنت یوما مذخلی فی
جهنم ففی مثل هذا الیوم طابت جهنم دعاسی پیرایه زبان مدعا
اولور ایدی بوضع بدیع ایلد عسکر تیموردن جمع غفیر هالک ولا یحصی افراد
اذان و أنوف و دست و پایلری ساقط اولوب هانق عینی قما خطیائهم اغفر
واذ خلونا را فلهم یحید و الههم من دون الله انصارا کریم سن تلاوت ایدوب

مقصود اینست که
بمعنی بولید باریک
آرزو و ایدیکه فویدی
آتش باندید

مقصود اینست که
باید صافی هالک ایدوب
اولدی وین حالدن عالمی
محتاج دکلین که بون جنبه
بیکینون جنبه مستطاب

هبوب ریاح عامفه و نزول امطار مترادف ایلد عربیه آب و منفق کرداب
عذابا ولدیلر مع ذلک تیمور ظالم ملتفت بیازان و مناسف کدشتکان
اولوب غزمنه و فتور و بر مزایدی فصل تیمور حیات الله داده کوئلدرد
نامه رهبت خانه بیاندید در مغرور مرقوم سرفنددن حرکتدن مقدم
قلعه اشبارده محافظه سنده اولان الله داد ما را الذکره نامه خشونت خام
ارسال و مفهوندن املا ایتدوکی کلمات تهو را شمال ایلد غریب و کراچفا
طایر نومن اطارد و آهو قرا دین مناسندن اثاره ایدوب فحوی کما بندن
الله داد طالب دمار و مؤتم اولاد و مخرب دیاری اولدوغن فهم اینکله
یهوش و صفای مشرفی کدر آلام ایلد مغشوش اولوب نامه مرقومده مامو
اولدوغنی خدمات صعب المناله قیاسا قطع جبال و نقل اجارا یسروشن
بحار مالحه اولی تراولوبادنی و اقل قدومی چون کند و مالک احضار زاد
وزواده و تدارک علف دواب و ماکولات راکب و پیاده و لیلله اقامتی چون
مطبخ خاصه یر یوزدوه یوکی طحین مہیا اولغنی تنبیه و لیلله واحد دن
غیری اشبارده مکث و ارام اولندوغن دخی بیان اینکین الله داد
بومقوله سیارش و فرماتنه تحصیل اطلاع ایدنجه طواحین آبی لسان اریا
حال کبی ساکت و مجاری آب مانند دست بخیل جامد و دما را نهار عرق
جبالک ناضبه و دموع عیون آماق تلالک غاربه ایکن بومقوله تکلیف
تیموردن و قوف آسیاب اقبال و انقلاب روز کارا حوالن فهم ایدوب
ایجن اجرای امر و احضار مطلوبین ناچار اولغین شداید و نواب ایام
ایچون اعداد ایتدوکی مالیدن استعانه و بذل نقایس و اجتهاد ایلد حرکت
مزدانه و اصحاب بخدت و ارباب شدت و هر دوست و دشمندن طلب
اعانه ایدوب استنهاض رای مستفقین و استمداد همت مرفقین ایلد رد
مضرت مخالفین بلا و دفع شدت اشیاء قضایر مزاوله و معالجیه مبادت

و کوفش یواسی

ناضب
چکلش مو

هبوب ریاح

وجمع عکله وفعله وکارگران توانا ایدوب قطع انهار واداره مدار ایدر قدر
 اجرای آیه بذل اقدار ومانند آهنگران مطاوق حدید ایلد قطع صحایف
 جلید ایدوب کشنکیرشتا ایلد مصادره و هوای سرما ایلد مدافعه
 ایدرک هزار خون دل ایلد اجرا ایتد کیری آب مانند حدید در ساعت
 صلب وشدیدا ولفین منشی قهقر ایلد مکروا کسرو قطعه بذل قدر
 ایدوب مقدار ذراع حدید قطع پاره جلید ایتد کچه هبوب هوای ایلد
 ضرب و جوع غایبه اتمکله امر لری غیر ناجز وکار لرنده عاجزا و لور لری
 والله داد ایلد یا لئمال ویا للرجال دیو هر چند مخربین عمال ایتدی
 ایلد کار کار و ایلدوب عربیه فکان کل منہم کالجمار یخرج ما انکنة
 بالمدار یوقفه الماء لا یجادی وکلما اوقفه الماء دار
 مفهومی ماصدق حال لری و لوب جست و جوی و نکا بولرینک فایده سی
 اولدوغی معلوم لری و اتفاق ایلد بومسئله تکلیف مالایطاق اولدوغی
 مفهومی لری و لوب الله داد دخی عذر لرن قبول و تدارک آخر ایلد وصول
 مراد اقدامه ایکن خصوص مذکور اجراسی و خدمت مرقوم اداسی یا
 تکرار مکتوب غدر مصحوب تیموری صادر املقین الله داد بومرتبه تکلیف
 مالایطاق ایلد مکلف اولدوغن معنای هلاکه تاویل و معروض معرض
 بلا ی عریض و طویل اولدوغنه دلیل ایدوب مقدما تیمور غدار حلب
 و شامدن غصب ایتد وکی اموال عباد الله و زاد و ذخیره بلاد الله کند
 سمرقند طرفه تهمیز ایتد و کده غیبتند انتها از فرصت ایلد اغدا و اضداد
 و همکاره و حساد تیمور غزو سعایه و پنجه معایب و مثالین زبان زد و حکا
 اینلریله تیمور کند ویر مغیر الخاطر و مواخذ سی باند متفکر اولدوغی دخی
 معلومی اولدوغندن غیر میباشر جامع ما را الذکر جلد محمد اولان بغداد
 و نهب اموال و اسرا و لاددن دخی عبرت لوب طرف تیمور دن اصنافی شرور

اینست
 از انارک هستی حازه بیدار ایدی
 سدارک هستی ممکن اولوسه آن ایدم
 ایدر ایدی صوجا مد اولدوغی طور ایدی
 و نه وقت که موافقت ایدر ایدی
 دور ایدر ایدی

و انواع فتور ملاحظه سیله لیل و نهار بیقرا و اولوب آبیانندن غسل
 بد و وداع اهل عیال و مال و ولد ایتد تشیکن تیمور آشبارده به اون منزل
 مسافه به نزول و شهر یار شهر صیام دخی هر قریه و مدینه به شرف
 بخشای دخول و لفله ستد و بند دروب و قطع دعوای طالب و مطلق
 اولدی فصل اول جبارک مرد و کوز کوه افکن قهر ایلد خرد اولوب
 احضار دیوان مکافات اولدوغنک بیانتند در تیمور غدر معناد
 قطع اطواد و انجاد و طی طوامیر خراب و باد ایدرکن قلعه انذار نام محله
 ضرب خیام راسخ الاوتاد ایتد و کده ضرر سرما دن ظاهر سالم اولدوغ
 کبی باطناد دخی امین و ملق آذر و سیله آخر عمر نه دک اختراع و ابداع ایتد
 ظلم اقتضای و زره آلوده هر کاب موجب العذاب اولوب کویا دنیا به نافر
 کلد و کی کبی دار الحکم عاقبه الامر دخی احوال آتام ایلد وصول همچون نفوذ
 بالله من سوء العاقبه تسویلات شیطانیه ایلد ادویه نافع حازه و بهار
 موافقه و توایل غیر مضطر ایلد تقطیر عرق خمر ایتد رب تناول و شربیلد
 مشغول و تدبیر احوال عسکر و تدارک مایحتاج سفردن مغفول
 اولوب کیف عرق ایلد کوزنده زمین و آسمان بلا فرق اولدی اما حکم قضا
 و قدر ایلد مظنه حفظ صحت اولان باده مستک ختام باعث مرگ
 و انعدام و مانند شراب مسموم سبب موت محتوم اولوب کویه و سقوط
 ماء حمیما فقطع امعائهم فحوای معجز احتواسی و زره اول رئیس لئام
 شرب حرام تاثیر ایدوب قطع امعا و کبد و تخربیا اساس جسم و تفکیک
 ارکان جسد اتمکین دعوت اطبا و عرض درد و طلب دوا ایتد کده
 اتفاق ارای اطبا ایلد دفع حرارت همچون شکم آتشین و جبین برجی
 او ستنه بوز پاره کوی وضع اولوب هر چند دفع حرارت واسترداد
 صحت کوشش ایتد یلر ایلد فایده ایتدی و هر نقد مقتضای حکمت

محصول اینست
یعنی اول وقت از صبح
تا ظهر و از ظهر تا غروب
و از غروب تا شب
جمع اینست نفع اینست

اونزده عقاب را فک اولین سحر ها و ادراکلری ایدوب سیف و فلز ترتیب
و بزورات استنباط لری کوش ادراکل ترتیب و اشربه بارده ترکیب ایدوب
و بر دیر اینه چاره کرا و لوب عجز اطبا مقرر و لجنه تیمور دخی بقین انتقال
ایدوب قی دم و هزار ندیم ایلده آه سرد کشیده و دست حسرت کویده اولون
وَإِذَا الْمِيْتَةُ انْشَبَتْ أَظْفَارَهَا الْفَيْتُ كُلُّ نَمِيَةٍ لَا تَنْفَعُ
مدلول لجنه مال و ولد و عده و عدد نفع ایتوب نشاء حاسرات الزوس
اطراف قد نوحه کمان و حواشی و اعوان حوالی سنده ناله زنان کمال یاس و عدم
مدد رس ایلده دست ساقی منته دن جرعه کش پیمان مرگ مبرم و یوم ادر
سابع شهر رمضان سنه سبع و ثمانیاه ضواحی ازاده همراه قافله عدم و دار
مجازات و مکافاته وضع قدم ایلده مقطوع الآمال موقوف الاعمال و لدی متبلر
عالم و عالمیان قریرالین ایدوب دفع عذاب مبین ایلده ففقطع دابر القوم الذین
ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ کریم سن پریه زبان شکران ایتدیلر مشنوی

دو نرد و لایه بکوز چرخ پیدا	سرور و شور ایلده دوران معناد
اولور سه بر نفس کام اوزده	اولور بیک نغمه ده آخر ستم ساز
بوکون کورسک برین دولله مغرور	کودور سن یارنی مایوس و مقبور
نجه مه پاره و خورشید طلعت	نجه نازنده و مرغوب سیرت
اولور کن ناز و نعمت ایلده مسرور	جهانده رفعت و جاهیل مشهور
کودور سن آفتاب عز و شانی	خسوفه یاز و اله اولدی دانی
خلوک بر توان اصحاب تدبیر	ایدنلر روی ارضی فتح و تسخیر
جهانده حکم ایدوب شرقا و غربا	نظامن و پر دیر شرعا و دابا
ایوب بعضیلری نفس و هوایه	اولوب طالب همان عز و علایه
هلاک و هرب و اسر و قتله قایل	همیشه طبعی ظلم و غنیم مایل
حقوق الهی جمله ایتدی شیان	دلیل راه دای اولدی شیطان

اولوب

اولوب هر پرسی شیرد زنده
تمسخر له تغنی ایتدی شیطان
حقیقت بلدیلر خواب خیالی
مطالع صاندیلر دنیا بی دایم
برابر و تدیلر جور و رضایی
ایدوب سفلت دمای پرو برنا
ایدوب دنیا ی دون اچون تن
ظهور و فتنه و اسباب فساد
اولور لیسه اکبر دم مضاح
بولوب نام جهانگیری رواجن
سر بر سر و یدم بی محابا
زن صد شوهر جاذوی دنیا
اولور کن طعنه زن حسینه ماهر
سکا عبرت یتر تیمور اعزج
جهانده صالیدی آتش قلدی بر باد
هزاران مجعی قلدی پریشان
اولوب مستدرج و ظلیل مشد
ایدوب آنا چکنیزی نمایان
مباح ایتدی زنا و شرب خموی
هدر ایتدی دماء مؤمنینی
ایدوب افنا ملوک بر و بحر
اولوب اطفای نور الله ساعی
زیاب صایل و کلب عقوری
اذای عالمه مادر کزنده
اول آهنگیله طوردی اولدی قصان
فراموش ایتدیلر وقت ذوالی
خلوده اولدیلر هر دم جازم
موافق صایدیلر حکم قضای
شهیدا ولدی هزارادنا و اعلا
بری بری ایلده هر دم تشاجر
هزاران خانقانی قلدی بر باد
اولور لود دست سیف ایلده مصالح
آلور کن یدی اقلیمک خواجه
ایدر کن عالمو اچم حکم اجرا
ایدر بر مکرنا مامول پیدا
دو شور و تختدن خاک سیاهر
کریمه المنظر و نقصان و افلح
ایدوب اخاری سینی و قتل اجماد
نجه شاهانی ایتدی بند زندان
نجه آزاده بی قلدی مقتید
نجه شاه و کدای قلدی یکسان
عهدی نکش ایدوب نقض ایتدی نذری
هبایه و یردی مال مسلینی
احاطه ایلدی دوزیله قطری
هزاران معبد اسلامه ماحی
هزاران فاسق و اهل فجوری

مسلط ایلدی اجناس ناسه
 اهانسانتدیر آل رسوله
 آیدوب مخیر علم و اهل علی
 اولجہ فسق و استبداجی کامل
 اچوب دست قضا دن کاس مسموم
 دوشوب باشند مضرع کسر و تاج
 نداننده هزاران آه حسرت
 بود کل ملک و مالی اولدی برباد
 اولوب وابسته اعمال و اوزار
 کل ایلدی ای برادر اوله مغرور
 مسافر خانه در بودار دنیا
 الهی لطفک اوله ده نماز
 الهی عفو صفحک ایله احسان
 سکادر یا الهی هب رجاء من
 شفیع ایله خدا یار و زحمشیر
 ایدرله صلاة طیباتک
 اوله اول شاه فخر عالمینه

جهان خلقینی صالیدی ناسه ناسه
 خیانت ایتدیلر اهل قبوله
 سراسر عالمه عام ایتدی ظلمی
 شمس کمر و قری اولدی زایل
 مغان خاکه دوشدی اولدی موم
 لحد اولدی کابالین دیبا ج
 چکوب ایتدی تجارت خنسات
 مدد رس اولدی احفاد و اولاد
 اکا نفع اتمدی جناد و انصار
 جهانند ملک و ماله اوله سرور
 بوخان اچم اقامت فکر چیا
 بنی حقه اوله اقتدا من
 که اهل جرم در اولجہ عفران
 بوکون یارین قوکر در ملجأ من
 شه کویننی اهل جرم یکسر
 کمالیله سلام زاکیاتک
 کذلک آل و صحب و تابعینه

فصل تیمور مقبور اولد قدن صکره ظهور ایدن حوادث بیانند در
 مقدمه ما باش خیره قلعه سی بناسنه ما مور و لان امرای ذی شانندن
 اندکان حاکی امیر سعادته الله داد ایله حقوق سابقه و نواد و انق
 اولوب اردوی تیمورده بولمغین تیمور سقا ک هلاک و انداخته مغان خان
 اولد و غن تحریز نایب شیر تقریر و الله دادی بو نوید غیر ما مول ایله تبشیر
 ایتمکین و ابع عشر رمضان برید فرخنده قدم ما تند حمامه حرم فرح بخشای

درد اولوب تبلیغ رسالت و تسلیم نامه پریشاد ایتمکله الله داد واقع
 حالدن خبردار اولجہ مستانف حیات و کشتی املی دوزخ از چارموجه الم
 ایکن لنگر انداز ساحل نجات اولوب فلاة محترده پریشان حال ایکن شهرستان
 عیش سلا متده فراغ بال ایلله پهلوزن منکای امن و امان اولدی مزبور
 باقی احوالی ان شاء الله تعالی فیما سیاقی قید دفتر اثر قلندر فصل
 سلطنت و جلوس سلطان خلیل بیانند در تیمور پرشور تخت سرورید
 انداخته تخت نایبوت اولجہ فضای عالم کلشن و دیدن عالمیان روشن اولون
 ما بین جنودده اولاد و احفادند از انجمناده سی سلطان خلیل ابن امیرانشاهد
 غیری و مقدمه سلطان مصر الملك الناصر فرار ایدوب کبر و تیموره
 رجوع ایدن همشیره زاده سی سلطان حسیندن غیری کسند بولنا مغل
 مزبوران قضیه فوت تیموری کتم و استنار ایدوب اهل بزم و عسکرانجینی
 اظهار ایتمک مراد ایتدیلر لکن مستورا و لیوب شایع و ذایع اولغله
 واقع حاله جمله واقف و آرای ارباب حل و عقد مختلف اولوب طوایف
 عسکری متحکم و طوفان دریا کبی متلاطم ایکن مساعده بخت عالی ایلله
 تحت و بخت پادشاهی پر سلطان خلیل مستولی اولدی مشارالیهک
 والد ماجدی امیرانشاه متولی ملک ادر بچان اولوب و محمد و ابوبکر
 نام او قلدری دخی خدمتند آیدی ما و راه النهر ایلله بونلک ما بینند
 اطواد و انجاد و اشجار و قفار اولوب ابوبکر مرقوم ما بین چفتایند بخت
 و فوسیت ایلله مشهور و شجاعت و قوت برله لسانند مذکور اولوب
 صنعت شمشیر بازید برده یا کو چکین توقیف و برضرب شمشیر ایلله ایکی
 پاره ایدر ایدی فوت تیمور دن صکره امیرانشاهی فره یوسف ترکمان
 استیصال و ملک ادر بچانند پادشاه علی الاستقلال اولوب و امیر
 عمر ابن امیرانشاه ولایت فارس و متعلقاتند حاکم حاسم ایکن

قفار
 یعنی نباشن و صورت صحرا

برادری بوبکر همراه قافله دار بقا ایندی و ابوبکر دخی متولی کرمان ایسکا
 بدندن پیمان کش نهیای مرقا المذاق فنا اولوب جنگ وجدال و مصاف
 وقتا لری کتب نوار بخند علی التفصیل مذکور و لمغین اول باید اطنا به اجنا
 اولما مغل اختصار قلندی و هتکام موت تیمورده اوغلی شاهرخ هیرات
 و ممالک خراسان بولنوب بوندن اقدم بخیر تحریر تقریر اولدوغی اوزره تیمور
 حال حیاتند نسب طی سلطان محمد بن جهانگیر کجین مبینده آفتاب
 استعداد لامع و اختر سقادت افق کریا تنده طالع اولدوغن مشاهده ایلده
 اولادینه تقدیم زمام ولایت عهدین بد قابلیتند تسلیم انتمشیکن عدم مسا
 قضا و قدر ایلده شجره املی ثمر اولوب ممالک و مدن آق شهرده مرحوم
 اولمغین برادری بر محمدی جای برادره تقدیم و مفتاح ولایت عهدی
 دست تصرفنه تسلیم انتمشیدی لکن کرک اجل تیموره کریان کیراملی
 اولدوقده دشت و رای مسوح و معبوطا مذبح اولمغین مال و اولاددن
 مغفول و کند و جاتنه مشغول اولوب تدارک سلطان جدید و امور سلطنت
 و مملکتی توصیه و تجدید قادر اولدی و سایر اولاد و احفادی دخی ماکن
 دوزدورده خالی البال استقرار ایلده امن یوار و فادغ و مایار اولوب پیر
 محمد ولی العهد دخی اتفاقا سرحد هند و خراسان اولان بلک قندهارده
 بولنوب پای تخت لری اولان سمرقند ایلده قندهار حد و دینک مایشی سبا
 دوز و قفار صعب المرور اولدوغندن غیر خلاج شتاروی زمین و وجه
 لحاف چمنی نقش فرش و اوزرینه جلج اقطان تلج ایلده کاینای ذیر لحاف قطبند
 پوشیده و بنات نباتی مهد زمینده غنوده ایدوب بنی آدم دکل مار و مور و حریک
 سرانکه قادر و ثمر و اهر خوف ضرب بشیدن بستم جاسرا و لما مغل اولاد
 و احفاد تیمور دن برینک حرکت و سفر و اقامت ممالک و خطر امکانی اولوب
 شاهد مقصود تک و تنها و جای وصل تقریر قییدن خالی بولمغین سلطان

معبوطا
 یعنی علت سن

سیاس
 یعنی صحر

خلیل بلا قال و قبل صاحب تخت و تاج اولمغله لسان دولت ندای نعم البدیل
 صار الحبيب الخلیل بدلا للعدو الخلیل ایلده عالم و عالمیان شاد و خرم و روی
 زمین جهنم ایکن روضه نعیم و جویبار کوثر امن و امان افطار ارضه جاد
 و سبیل اولدی پادشاه مشارالیه دخی عساکر و امرا و خلاصه جند و حکام
 و زعمایه وفق مرام اوزره مستولی اولوب طوایف احم و اقایم عرب و عجم
 بعید و قریب و امر و نواهیته بلی و نعم ایلده مجیب اولدی و اولدوغی جمله به
 هشاشت و بنشاشت ایلده اطلاق بشر و حسن معاشرت برله معامله ایلد
 تزیین اسواق صداقت و موالات و فتح حوائت احسان و صلاة التمكن سر
 تا پادشاه و سلاطین و حکام و امرای روی زمین اطاعت و انقیاد لرین
 پیرایه کردن مطاوعت ایدوب طوعا و کرها کسندده یارای خروج عن
 الاطاعة اولدی پادشاه مشارالیه بوسقی الخلق محمدای الخلق خلیل الرحمن
 اسمعیلی الصدق اولوب حروف ملاحی صنوف صباحت ایلده مخوی و درون
 و بیرون صدق و صفا ایلده متساوی منشی فطرت محاسن اخلاق قلم
 کاف و نون ایلده احسن تقویم اوزره ترقیم و حرکات و سکون احسن مایکون
 اوزره ترسیم ایدوب و خوشنویس قدرت لام کیسوی شتو و جبین ذلفین
 و نوین حاجین و عین مقلین و سین اسنانین خط ریحانی و میم
 دهان هند سه روحانی اوزره ترکیب ایدوب بعد دست دایره اید
 نشو و نما بولمغله جامع محاسن و مکارم و آبروی اکابر و اکادم اولوب
 قلب هر بادی و بلدی و هر شهری و روستای محبت مجتلب و اصحاب وعد
 و عهد حرکت خلافتن مجتنب کجینه حسن و ملاحنه حمسق حافظ
 و چشم بددن دولتی یسین و طه محرز ایدی فصل تیمورک عظامیل
 سلطان خلیل سمرقند غریبی بیانند در تیمور پرشوری قضا بقضا
 مانند جزور مذبح سکین فتور ایتدکد نصکره حکم تقدیر دخی جسد

پرجسدين حفره به القايله تحقيق تمت لازم اولفين سلطان خليل
 عظام بنا نظام من محقره به تحمیل وارد و ايله طرف سمرقند راحله بند چل
 اولدى اولهنكام مسترت فرجامه سلطان شتا دخى ادراك تار واخذ
 انتكام ايله واصل منزل مرام اولنجه عالم وجه بسيم ايله اقبال و شدت
 وصعوبتي رفق و سهولته ابدال ايدوب لشكر ربيع منصور و چند بردمنهزم
 و مهور اولدى فصل بعض وزراي تيمور اخفا داضمار ايتد كلوي
 فخر بيا نند در افلاك عساکر تيمورده مانند نجوم سنياه امر او زراي
 صف آرا اولوب كندوسي آفتاب آنرا هاله و كندوسي فاعل و آنرا اله و كندو
 روح و آنرا حواس و آنرا اعضا و كندوسي داس مثابه سند **شعر**
 هر برسي منجنك منجنك رايد مهر و قدسه ارسال تيمورك جناح
 جناح و امورك صلاحي اولوب آنرا ايله استفتاح مغلق و توسيع
 مضائق و عزملوي ايله نيل مارب و خزمليله واصل كنوز مطالب
 اولور ايدى تيمورك فوتيله خورشيد مو اكبري منكدر و كواكب مللوي
 منتشر اولوب عربيه و عوض الكون ضحي بالذبح و بذل
 المخرج بالمشتري مفرجه انقلاب حال و دولت جديد اقبال انمكن
 هر بري قذاح فكورن اقتراح و حادثات زهر و عواقب امر تدبيرن پر خرد
 حواله ايدوب سلطان خليلي استصغار و دولت تيموري كندويه استكنا
 ايتد بلر پادشاه با انتباه دخى شرايع قلوب كدردن صافي و اقل ما في البنا
 لسان اقارب دخى گفت و كويدن خالي اولن ملا خطه سيله يوم شده به عه
 و هر با سه ليس و هر سه ماه ترس و هر خطابه جواب و هر كيد و د و هر
 چنكه فولادي چنك و هر كسر و جبر و هر مهاكمر نذارك و هر مضيقه
 مسالك احضار ايتد كدردن غيري شدت شتا هر سخت سري ذليل و هر
 صيحي عليل ايتد بولنمين جله سى طاعتندن غيري طريق نجات و دخول

بهر حال
 بهر حال
 بهر حال
 بهر حال

دبقه مبايعتندن او ذكه ماده حيات بوليوب كمال انقياد و اطاعت
 برله مقام منزل مرام اما له لكام عزيمت ايتد بلر اما ضميره خيانت او زور
 مجبول و ابن ابي سلوك حضرت رسول صلى الله عليه وسلم اولان علت
 نقافي و زير معلول و ملريله ابتدا برندق نام برامير برتر و بر صورت
 صلاحدن حضور پادشاه ايله اجاله كيت كلام و بوج و جوا و زور تقري
 مرام ايتد كيه صواب ديدراي عالم آراي خداوند كاري و لور ايسه فقير
 مدبر امور دولت و مهند بنيان سلطنتلوي اولوب پيشرو و موكب
 هايون اولمغه امور منازلي تقرير و دار السلطنه به قد و ملرنيك لوازم
 توفير و هر كس مستعد ملاقات و تهيه مايجناح موافات ايدريم ديوسله
 ختيان بابا سبندان اولمغه طرف پادشاه ايدن اذن ايله مطلق العنان
 اولد يلر در حال كوچ وارد و دن انفصال ايله اجراي مافي الضمير استيعا
 ايدوب بطي طومير دشت و هامون ايدرك سر نهر سچونه و رود و نهر
 مذكور و زير مركب راسيات ايله مشيد و سفارين عاليات ايله محمد
 اولان جسري توابع و لواحقيله عبور ايتد و كي كي قطع و تغليشه امر
 ايدوب مجاهر ارفع لواي عصيان ايله سمرقند طرفه عنان تاب عزيمت
 اولدى در عقب سلطان خليل دخى معبر مذكوري مضرب خيام ثريا
 نظام ايتد كيه جسرك انقطاعي منظور و برندق غوايت و عصيان
 معلومي اولوب اما كمال وقار و تمكينك ناشي آتش غضبي متلاشي و ليوب
 تغافل ايله معامله و بلا فتور تكرار نصب جسرايتد و بعبور ايتد اما
 ما وراي بلاد سچونده سابقا متولي اولان خداداد نام امير سلطان
 حسينه منسوب اول فطارده منزله راس و عينه محسوب مداراير
 محتاج اكبر اعداي لجاجدن اولمين سلطان خليل مدارات و مساكن
 غيري چاره بولما مغير اول طرفلرك حكومت و اياتن نامنه ترفيم

و تسطیر و تکریم تو فی ایلد استار و ما فی الضمیر ایدوب تحریک لو و منزل
مقصود رفع پا ایدی فضل سلطان خلیفک بلده سمرقند قغولی
بیانند در پادشاه با انتباه قطع منازل و راه ایدرت قرب سمرقند
مسترت افزای وصول و لذت نایب بلده زغا و امرا و اعیان و اشرف
و حکام اطراف ایلد لباس سیاه منقش و مانند لباس هنگران اوابی
متلبس رعایت مراسم تعزیه ایلد استقباله مسارعت و تعظیم عظام
تموره مبارکت ایدوب چین ملاقات پادشاهین لازم سی او زره ایدی
لوازم تعزیه ائرنده تقدیم شروط تهنیه سلامت و مبارکبادی تحت
و نایح و سلطنت ایدوب عربیه و وَجَّه کُلْ غَدَا مِثْلُ الرِّبْعِ الْقَادِرِ
یعین سَجَب قَد بَکَتْ وَ ذَهْرُ نَفَرِ بَابِیم پیشکش و هدایای سنیه
و پا انداز تحف بهیه ایلد هریری جایز شرف ملاقات و لذت سلطان
خلیل دخی شایسته دولت و لایق شوکت و جشمت و نور حرکات شاهیا
ایلد مقابل و حسن ادا ایلد معامله ایدوب تجلیل و هر کسی منزله استحقاق
تزیین اید و ایدی بواشاده برندق آبق دخی زمین بوس ملاقات و تلمین طرف
پادشاهین تمهید بساط مباسط و مسئله جسر مغالطه و لنوب معامله
خلیل مع الحیب و لور کبی تغافل و تجاهل ایلد مجلس منقضی اولدی بعد ذلک
تحت پادشاهیه ثابت قدم و امر و نهی اموره راسخ دم او لجه مزبوری
شیر مرکه انتقام ایدوب دار و دیارینه کلاب نهاب و یران شهاب التها
تسلط تمکله مزق ایدیم و هتک حریم و اموال حادث و قدیم بر باد و عبرت
اشنا و خور یاد ایدی **فصل تیمورت د فنی و تزیین مرقدی بیانند در**
سلطان خلیل اول قدوم و دفن جد و تدارک حله جهدا ایدوب عظام
تیموری تابوت آئین ایلد فوق روسد و تمهیز و مشی سلطان و تشیع ملوک
و اعیان و ثیاب سیاه و رسم عزرا و زره بکا و اه ایلد جنازه سن دفع ایدوب

محصل بنیاد
هتک حریم لری قادم بهاری
اولادی تنجیب و زیله آغلادی
و شکوفه فیلیک و لور کبی

روح اباد نام موضع مشهورده حنفیدی اولان سلطان محمد سنتی
مدرسده ینه مرجع و سلطان محمدت قبرینه تجلیل ایلد تزیینات و کد
صکره قرائت ختمات و ربعات و دعوات و تفریق صدقات و اطعام اطعم
و تقسیم جلاوات و لنوب قواعد خیرات اجرا و رعایت قلندی پس ازان
نخسین و تزیین قبر مباشرت و لنوب شرافتیه نفیسه و جدارینهها
خراج اقلیم و هر بر جوهرینک قیمتی ما فوق تقویم او لور اسلحه و امنه مکمل
و مرصعه و مژرگش و موصعه تعلیق و بخور قنادیل طلا و نقره ایلد سما
جرم معنون و ساحه درون و بیرون فرش کواکب نقش ایلد مزین قلندی
از جمله قنادیل و دوت بیک مشغال بر قنادیل طلا که برطل سمرقندی و اون
رطل د مستقیمه را و پخته سقفها علا و لدغی تحقیقه رسیده در ذلک
اوقاف و موقوفه و خدام و بواب و وظایف و رواتب دازه تعیین اولندی
بعد ذلک بر استاد شیرازی نادی و ناشینند فولاد صرفدن معمول بر
تابوت عجیب ترکیب ایدوب خدمت سلطان خلیله تقدیم ایتمکین عظام عمر
اول تابوت دمرغ نقل اولندی قبری و اطراف خلقی مابینند مزار مشهور
اولوب نقل ندور و جای طلب حاجات و مکان ابتهال و دعوات اولوب بر مرتبه
رعایت اولندیکه ملوک عظام اولقبردن مرورایتد که خضوع و تجلیل
و اکرام بلکه مرکب بندن نزول اقدام اید و اولدی فضل اعتدال ایام بهار
و احوال سلطان خلیل بیانند در تیمور زرخاف نژاده مهور اولوب
سلطان خلیل سر بر سرور دی ایلد مسرور اولوب جیش شتاد دخی مدبر و خسرو
دبیع مقبل او لجه طوطی خوش الحان زبان شعرا و عبید لیب هزار نفه لسان
فصحا مرثیه پادشاه حدید و تهنیه سلطان جدیدده انشاء قصاید و نو
بلاغت و شواهد فصاحت ایلد بر ایره بخشای مجالس و مشاهد اولوب
اعتدال هوا ایلد کون دخی خرم و خندان و طفلان چمن احسان سما و بر ایلد

تواتر سازشگران اولوب شهریار بهادر دفع اعلام بشقایق نمون و احسن
 ازها را شجاردن نصب خيام بوقلمون و حدائق شارقه ايله تنوير احداق
 بارقه و استنصابت بلغای ناطق و اسکات فصحاى رايق ايد رخطبا
 طيوردی منایرا غصانده تسبیح خالق البرایا ايله استنطاق ایتد رمکله
 عرايس اشجار درقص کنان و امواج انها در دست زنان اولوب بسیط
 غیر از بر بساط سند سید خفته و مردمان باغ بستان ثوب قطنی بری
 انداخته و ثياب متلون مزهره ايله دارسته اولوب و قرائش هوا قدوم
 سلطان جدید همچون فرش زمردین و مقاعد شقایق و انواع محادید
 و یا چین اکین ايله روی زمینی تزیین ایدوب بویله بروقت بهجت اشمال
 و سال فرخنده فالده سلطان خلیل نصرت ملک و مملکت صاحب
 استقلال اولدقد نصکره تمهید ممالک و تسلیک مساکمه مسادعت
 ایدوب اولدقد انسان اولمزالا احسان ايله و جمیعت بال اولمزالا بذل مال
 ايله دیو حل طلسمات قلوب معقوده و انشراح صدور مسدوده و صرف
 علل و موانع و فتح مسالک و شوارع همچون کشف رموز کفر و اخراج
 خیایای مرفوضه به عزیمت همچون تقوی با زوی همت ایدوب بذرجبات
 هیات و نصب شبکات صلات ايله صید عصا فی خواطر اصاغر و شکا
 باز بلند پرواز قلوبا عالی و اکابر ایدوب تیمورت تشنیت شمل بر یا
 ايله جمع ایتد وکی موالی معرض بذله تقدیم و غیرینک ظهیر بنی کسرایدن احمال
 و انقالی جبر قلوبا همچون تقسیم ایدوب سابع الیمین و مبسوط الشمال و المغله
 افواه و مسامع اجناس ناسی ملو و دیده و دست رقبای مجلو و حواصل درنده و پرند
 و چرند و کزنده عساکر مختلفه الخواطری دخی ملجا همچون افراغ حواصل خزاین
 و فتح مغالبات صنادیق و فاین ایتمکله جمله امتلای معده حوص و آزار ایل سرکران
 و حرکت خلافتی بحال و بی توان اولدیلر نتیجه کلام قدوم ربیع اغصان

دوخت نثر انواع زواهرده کویا انا مل منتظم سیدر نثار درهم و دینارده
 و جواد سخاوت مطارد دزدره مشابه سایه وجود فیض جودید راقطار
 عالمه بناء علیه پادشاه مشارالیه اجناس خلافتی قید احسان ایلدرد
 و ترک غوغای عمر و زید ایتدی فصل اظهار عناد بعضی زرای بدنهار
 بیانشده در و زرا و امرانک اکثری هنوز کره خاطرین
 استتار و ضمیر مظهر کربن مضمر اتمشکن ستولی بلاد و رای سبحان
 و ترکستان اولان خداداد الحسینی شهر سیف عصیان و سهام عداوتن ترکیب
 ذه کمان طغیان ایتمکله هر ناقص رسته عهد و جاحد قضیه و عدم مزبور
 امام مقتدی و تفریق جماعت مسلمینه دلیل طریق غوا ایتدی ذکر ربیع
 جرات ثلاثه ایلد تدویب سیایک جمده و تلوج و بساط دیبای زیبای روحنا
 انواع شکوفه ایلد حمز و ج ایدوب مسامع حشرات استماع اصوات رعد ایلد
 مهبای خروج اولمغله هر کسه وفق مرای او ذرم حرکت و تحصیل مامولته عزیمت
 آل و بر ممکن تیمورت مقرب و امین و امرای صاحب تمکیندن الشیخ نورالدین
 دخی تیران عصیان ابقاد و جهار ارفع لوای فساد و لیلا و نهار اترعت
 ایلد خدا داده و ادوب تقوی ظهور و اعضاد و مشارک تجیر و تمرد و عناد
 اولدی بعد ذلک شاه ملک دخی مانند الشیخ نورالدین تیمورت و زرای صاحب
 رای رزین و وکلای میکیندن اولوب سلطان خلیل ایلد سینه صاف
 اولمغله طریق محالفته سالک و نقص و عناده منهدک اولوب سمرقنددن
 خروج ایلد تحریک مہمیر نفاق و قلق ایدوب بارگاه شاه رخ ملحق اولدی
 اما سلطان خلیل عاصی و ماضی به قطعاً ملتفت اولوب انعام و اکوان
 مطیع و منقاد لره عام و ترک اهل عناد لثام ایتدی فصل صاحب
 اشباره الله داذا اخباری بیانشده در مقدمه انکاشه حور
 تقریر اولدوغی و خوره اشباره قلعه سند الله داده موت تیمور خبری فرح افروزی

بیانشده
 بیانشده

ورودا ولد قده همان ليله ده مخصوص صليين دعوت و اناده شمع جمعيت ابدوب
 هلاك تيمور و دفع محذورا ولد و غن تبليغ و بعد اليوم و وجه او زره حركت
 لازمدر و صلاح حال ندر ديواستشاره ايندكده هر برى بر كونه حركتي استصواب
 ايندكده نصكره اشبارده دن رحلت و وطن اصلية به غرمت ايندكده او زره متفق
 الا را اولد يلمز بولر شهر رمضان اولان فاسق محروم زاد و قواي قرآن
 عظيم ما بينته و شمش زنديق فساد اعتقاد كبي قلعه مذكورده مدهوش
 كاس ياس اولد يلمز انتها ز فرصت ابدوب بر ساعت اقدام خلاصه جان آند يلمز
 على الضباح نسيم غبر شميم سحر روى افقدن رفع حجاب و ثقب فجر
 دهانندن القاي شجر اخ اقباب ايندكده امر او زعا و رؤس جنود و سرداران
 ترك و هندو و كاردانان عراق بالاتفاق على العاده زيادت و اداي مرام
 سلام و سلامت همچون مجلس الله داده و زود و هر كس منزله و مقامنده
 اكوار و ترجيب ايله قعود ايندكده نصكره رؤساي قوم ايندكده الله دادتها
 نشين اولوب فضيحه قوت تيموري پرايه سر زبان حكايه و بعد اليوم و زره
 حال نه منوال او زره چاكت و لنق يا بنده استشاره ابدوب طلب وفاق
 و جمله دن استدعاي اتفاق امكنن جمله راي صواب ديدنه امثال برله
 سزا امر زما مورد سز حاكم بزرگ محكوم ايزد بوزمام اختيار لرين دست الله
 داده تسليم اتملر يلمز اولد خي قوايم اقوال لرين و ناد افعا لريشه موافق ايمان
 ايله ربط و تاكيد و اسرار لرين اعلان لريشه اطباق همچون عهد لرين شرايط
 شروط ايله بند و تحكيم و وعد رعايت برله تطيب خاطر و كتم قضيه
 مذكورده بي دخی كلام آخرايدوب بواستلوب او زره ايمان و ائفه و عهد و صا دقه
 ايله جمله اعناق اتفاق لرين ربط اتمكده خلاف و عصيان نلرندن فارغ البال
 اولنجه تكرار جمله به توجه خطاب ابدوب ديديكده اي جماعت خير و اى و قاي اي
 ضر و كفات ضير بومسئله حلقه نتيجه مقدمات انديشم در كه بوا مرده

اما مكرده

اما مكرده اما مكر اولوب جماعتمه سمرقند غرمت و تهديد امريكه مساعرت
 و سز لوى خدمت محافظه اشبارده دن رفع و بد كونه اول طرفدن عساكر
 ارسال و دفع اديم و قسم كه بر آن و بر ساعت منفك اولوب سز لوى دهان
 اعاده بر مضغه ماضع قدرى وقت ترك اينيم اتمدى حسن اتفاق ايله ضبط
 امور و مجمع افراح ايله شرايع قلعه و اسوار يكرى شور شارب خردن يعنى اعداى
 خيره سر دن محافظه اتمكده شد ميان غرمت و بند سيوف خوف جمعيت ايدرسكون
 سز دن اولقدر مد و مهلت استر مكه نه رنجندى عبور و سلطان خليله وصول
 بولم اولقدر زمان صبر و سكون ايدرسكون هر يكر كا مران مرام اولق
 مقرر در ديو ختم كلام ايدنجه جمله امر به تابع و اراده سنه مطاوع اولوب
 غيبتنه خلاف حركت و حلقه رشته معا هدت اتمكده او زره سز لوى
 مرسوم و امضاي قبول و رضا ايله مضى و مختوم اولوب ريش لشكر عراق
 امير معصوم مستند قايم مقامى به تقديم و اسوار و بروج و مسالك دخول
 و خروج قلعه اصحاب سلاح و ارباب صلاحه تقسيم و محافظه لوى تشييم
 و جايجا تحكيم اولندى الله داد اشبارده امتداد مكث ايله مستوطن
 اولوب جمله مال و منال و اولاد و احفادى و لطف قده بولتمين سابع عشر
 رمضان مذكورده بخير امر و ندارك جهاز سفر ايله ملتفت بر د و خر
 اولوب نقيير و قطير مال اطلاق اولنور هر نه سى و ارايه نقل و حريم
 و اولاد و حواشى و اجناد يلمز نهضت و دوزان و شبان غريق برف و باران
 اولارق روز عيده ابرد بلاد و ينوع رنج عاد عربيه اذ انا حاجت
 جهنم زهر پرا تنفس منه انقاس الهجره ما صدق اولان خولان
 خوق نام محكمه وصول بولد يلمز فصل سلطان خليل طرفندن و خدا داد
 طرفندن الله داده و اردا اولان مكتوبين مختلفين بيانده در الله داد
 اشبارده دن نهضت و سمرقند طرفنه غرمت ايدوب كيدركن اثنائى طريقه

الحبيب اولوب وقتان اولان حارت اقباب
 مختوم زهر پرا تنفس منه انقاس الهجره ما صدق اولان خولان
 اولد و قنات اولان هلى اوزده تنفس ايدوب
 اولقدر صا و قدر اولد و قنات زهر پرا تنفس

سلطان خلیل طرفدن قاصد وارد و صادر و حوادث انقلاب روزگار
تذکر و مستولی سر بر سلطنت ولد و عن تقریر و بیعت ملوک و متابعت
کبیر و صغیر بربیع بلیغ ایلده تبلیغ ایدوب و بجد لله تعالی قواعد ملک عاد
قدیمه اوزر مستقیمه اولد و عن اشاره ایلده اشبارده دن حرکت ایتوب
مأمورا ولان اسود جنود و فرود ترک و هنود ایلده خدمت محافظه ده ثابت
قدم و رد کید اعداده راسخ دم اولملرین تنبیه اکیده و کویا عنقریب تبدیل
اولوب محافظین جدید دخی رسال اولتق ایما سیله تطیب خاطرین
ایتمشیدی الله داد مضمون مکتوبه اطلاع ایلده ایتدی و کی حرکت نادم و غیر
و نظام حالده متفکر اولوب شقه افکارین تار و پود بیر ایلده تلجیم
و پای ترد و اندیشه سن تاخیر و تقدیم ایدرکن خدا داد الحسینی طرفدن
برید چابک مسیر پیام و مودت اختتام ایلده وارد اولوب ادای مراسم
رسالت و ایصال نامه دوستی و مصافقت اینمکله مفهوم نامه اشاره
خروجلرین تخریص و کند و طرفه علی جناح الاستیجال و وصوللرین تحضیر
ایتمکین الله داده بومعنا فرج بعد الشدة اولوب سلطان خلیل اندک
پذیر و بسیار بخشا مسامح و عذر پذیری پروا در ملاحظه سیله اول طرفه
وسعت میدان امنیت کوروب یتوردک زهر پرهیبی زمانده مار
فسرده ایکن اژدر هفت سرا اولوب طی سوال ترد و مخداه اسله
نوسد برله با وجودی راه بر نولک شولک و انواع موانعه جامع و عبور
جهون دخی غم بر بالای غم ایکن ملتفت اولوب تو اصل منازل
و تعقیب مراحل ایلده خدا داده واصل اولدی مزبورک قد و مند
خدا داد مسرور و دلشاد و تقویه اعصاب و اعضا و فتنه و فساد
ایدوب بروجه مرافقت قطع نهر چنجد و قصد نواحی سمرقند ایتدی
تاریخ سنه سبع و ثمانمیه شوالنده علی الفقه سمرقند مضافا شدن

تبرک نام محلی قاعده یتور پرغور اوزره سئل سیف برق انداز ایلده
ترک و تاز ایدوب دفع ضرر و دشرلری سلطان خلیلده ممکن اولوب
اهل سمرقند زیر سایه یتورده کما امنیت و عنوده مهد راحت ایکن
اول اقلیمه ابداع شرو شور و جور و فساد بسط ید فوایدن بونلر
اولدی فصل الله دارک اشبارده ایضا ایتدی و کی جنودک مابینلر
واقع اولان اختلاف بیانده در الله داد تمهید امور اشبار و اکا
اجناد داخذ میثاق اتفاق ایلده ولایت مذکور دن رهگیری عزیمت
اولد قد نصکر استیلا مغول غول خویله قلعه ده اولان اجناس
جنود منزل الاقدام و دغدغه هجوم عدو ایلده آرام اولوب اتفاق
نفاقه مبتدل و نصاریف ادری معتدل و لغله بر فرقه سی نکث عهد
و بیعتدن مجتنب اهل بمن ایکن اصحاب شمالدن اولغره مرتکبا اولوب
اقل ما یکون الله داد دن کتاب بلیغ الخطاب و رودینه دل صبر ایدوب
نه طریقه عازم و نه تدبیره جازم اولور کور لوم اول وقت مرادی مرادین
موافق و دایر دایمن مطابق ایسه فیها و نعمه طریق اهل سنت جماعه
تابع اولوب من غیر اعتزال هر بر میثاهد مراد و صالنه استعمال اید لوم
دیدن و بعضیلری طرفا اعتزاله بالکلینه میل و اشبارده دن خروجه
تشریف ذیل اینکی استصواب ایدوب مباحنه و مجادله لری چند وجدله
مودی و حکم قاضی ماضی الحکم سیفه منتهی اولوب اهالی خراسان
اکابرندن برینک مصاف اتراکه قنیل حیاتی منکسر و منطفی و
بعضیلرینک دخی خوف فتنه ایلده پای استقراری لرزان اولوب
هاندم بر طریق خانه کوچ قلعه دن خروج انمکله با قیلرینک دخی سکونه
محالی قالیوب بر برینه اتصال ایلده کبیر و صغیر راکب و راجل صحیح و
مریضلری مانند جراد منتشر طیران و ضوای ترکستاند بریشان اولوب

تحمیل غلات ونعم و خیرات و اموال و اقمشه و نفایس امتعه ایله راه
 مقصوده دوان اولدیله اول اموال مشحونه بی جمله دفع اید و شیئی قلیلدن
 غیر بی و بریزنک مجنون دن او فکرم منزله کسسه لری قالمدی کما دغدغه
 و قلق ایلله الله داده محلق اولدیله لکن الله داد بویاید کسسه هدف بهام
 عتاب ایتوب و سمرقند طرفه کمد و کند و خی خدا دادک مما نعت اعتذار
 ایلله طایفه مذکور بی یا ننده ایتوب سمرقند طرفه رجوع نکه بهان
 فرصت و ملرین تنبیه ایتدی فصل الله دادک خدا داده اولان
 خدعه سی بیانند در خدا داد حظه سمرقند ده ایتقاد نایه فساد
 و ایصال مضرت و بیداد بلاد و عباد ایتکله سلطان خلیله تاکید
 عداوت و محاصره لری مقنن و مبرهن اولوب و بویاید الله داده رکن
 ایلله امور جزویه و کلیه سند مستشأ و خیر خواه صداقتکاری اتمش
 ایدی بواشاده اجناد سلطان خلیل ملوک لرندن بر طایفه خدا داد
 شتر و تخلف برله اول طرف بلادینه منتشر اولماریله خدا داد مسلک
 سند و تضیق و استیصال لرین تصمیم و تحقیق اید بجه الله داد مانع
 اولوب صورت صلاحدن غزوری بوجه اوزر مخدوع و کشتیکر
 غزیمین بوضعت ایلله مصرع ایتدیکه عادت ایتکیاس اوزره استجاب
 خواطر ناسه کوشش اتمک کرک خصوصاً مبادی امور و احداث
 اوایل شرورده بالبریتست قبد الحزم مسلک کنه سالت اولوب متابعتی چون
 جلب قلوب لرینه محتاج در قتل و انعدام و تمزیق ایدیم اجسام لرندن نه فایده
 با وجودی بزمه محذوم لرینک ما بینند رشته تواد و تقاهد بندوبسته
 جایزه مولایرینک بعضی لری سلطان خلیلدن روگردان اولوب آخر ملجا
 و ملاذ فکر لیه متردد اولور ایه ممالک ترکستان آذر و وطرف کز توجیه و
 ایدوب سزم معین و ظهیر اوله لواتما اول مقوله لک متعلق لرینه ایصال

مضرت ایتسکر بو طرفه میل و مجتهدی عذیم الاحتمال اولور اقل مافی البکاء
 بونلرک امرند امساک بالمعروف یا تسبیح بالاحسان اتمک کرک سزوزیرا
 افتدی لری سلطان خلیلک معاضد و مصادق لریدر بونلرله طریق حسن
 معامله به سالت اولور سکر رقیق و جلیله مالت اولور سزوزیرا بومقوله
 نصایح ایلله خدا داد عزیمتندن قصر پیدا ایدوب طایفه مذکور نلک احسان
 توقیر و رعایت لرین تکثیر ایلله جلب قلوب لرینه و جبر کسر لرینه سعی ایتدی
 فصل سلطان خلیل طرفندن الله داده و اردا اولان مکتوب
 بیانند در سابقا سر زده بر اعتراف لرین اولدوغی اوزره الله داد ایلله
 خدا داد صورتاً متفقاً الکله و متحد الشکمه اولوب تدبیر امور مشغول
 ایتن سلطان خلیل طرفندن الله داده برید بجهسته اثر پیام سزرت کسر
 ایلله و اردا اولوب مفهوم نامه جلب قلب خدا داده ساعی و حقوق قدیمه بی
 مراعی اولوب علی کل حال و بای وجه کان خدا دادک خاطرین تطیب
 و مساوت قلبن تلین و آتش فسادین تسکین و الماضی لا یذكر معان سن قبین
 ایلله هر نه مراد ایدر همه متکفل و زعیم و ارکان مصادقت و موالات
 ترمیم ایدوب حاصل ما بینند سفیر و ناصح دلبذیر و صلح و صلاح ایلله
 دیده سن قریر ایتلرین تحریز و اشارت ایتکله الله داد مفهوم مکتوبه
 مطلق و خدا داده متوجه و تبلیغ حال و بیان رفق و اخلاص ایتدی
 سلطان خلیل ایلله خدا دادک علی ما نقل سبب عداوت لری بویاید بیکر سلطان
 خلیل آخر تیمور ایلله خدا دادک زیر دست تربیه سند اولوب غزیر جاق
 غلیظ القلب و جلف خسیس الشب و مغله خشونت و دعوت ایلله معالیه
 ایدر دی سلطان خلیل ایه لطیف الذات ظریف الصفات اولوب غلظت
 و مساوت خدا داده متحمل و لما مغله ما بینند عداوت متولد و سعایه
 ادیاب عرض و خی منافرت لرینه مؤکدا و لمشیدی حتی سلطان خلیل غزیر

دفع ثقلتی همچون تدسیس ایله شراب مهلك و یروب هلاکته سعی ابتدی
 لکن مزبور حشتمکین تناول بعض علاج ایله دفع ایدوب بوفعل و مقوله
 تغذی ایله عداوتی تامة و خصوصتاری عامه و لمشیدی فصل
 مکتوب سلطانی و درود نصکره خدا دار تحصیل امنیت و طمانیت همچون
 الله دار ایمان غلاظ و شداد و تاکید عقود عهد و چون قرآن مجید وضع
 ید و شرط طلاق و التزام ندور و عتاق ایتدی که اگر سر قند و اورا یسه
 عهد ندن نکول و طاعت ندن مغفول و وعده ندن قصرد ایتدیوب تدوی
 منصدع و زد مندفع و دتق و فتق و جمع مفترق و تبرید قلوب محترق و دفع
 شخنا و دفع ارزا ایدوب اصلاح حال و ذوجات یتوزن تومان نام خاتونی
 سلك از واجنه اذ خال ایتمکه شرط و حاصل لامر قطع عروق مواد شرور
 و اصلاح اموره متکفل اولوب بعد المجاهد محوشان و دفع کلفت عداوت
 عاجز اولور ایه ستر و علانیة خدادادک مصادقت ندن دفع عین ایتمکه
 یمین ایدوب بومقوله تلق و اذیال فکرینه تغلق ایله سهام احتیال سویدی
 قلبنه امرار و صید خاطر رمیده سنه بذل اقتدار ایدوب مزدور و ملاحظاتی
 داس خیل ایله محصور و غریبال ختل ایله مشرود و رجای خدعه ایله تطمین و متخل
 مکر ایله مخول و آب لایه ایله تعین و حرارت و گرمیت صحبت ایله نان سگری
 ایدوب خداداد دخی تناوله میل ایله شکار و اذن و اجازت فراد و پردی
 خیمه و خمر کاهلری ساحل سیحون او زره سایه انداز اقامت و شاه رخ ایله
 ما بینلری برید قدر مسافه و وسعت اولوب همان اول لیل الیل جمله
 حواشی و مواشی من احضار و حاشیه شاه رخ ده اولان رفقای دخی اخبار
 ایدوب تمام حذر و احتراز برلر تشبیر ذیل و جنج لیلده قطع نهر مذکور و ده
 دخول و مروا یتدی فصل الله دادک سلطان خلیله لحوقی بیاتند
 الله داد معبر چو ندن عبور و طرف خدا داده حاضر و غایب ندن

شنان
یعنی عداوت

و طریق تلبیدن

طریف یعنی مال جدید
تلبید یعنی مال عتیق

و طریف تلبیدن دشته دن سوزنه و ارنجه بر نشنه سی قالدو
 کبی تعکیم احوال و شدانقاله امر ایدوب احضار آیه قبل النهیب
 همچون توابع و مردان لواحقه توزیع سلاح و صلاة رحیل قبل الصبح
 تاذین و دعای خوفه دفع ید تأمین ایتدکد نصکره ضعفاء قافله
 و پیاده و اثقال را حله در پیش و مردان ستیز در قفاره نور و اولو
 خداداد ایله اولان ماجرا و قبل و قالی علی التفصیل سلطان خلیله
 تحریر و مزبورک طرف ندن بلکه استرداد نر تعید اولور ملاحظه
 بر مقدار عسکر ایله استقبال دخی شطیر ایدوب سهم صایب
 و شهاب ثاقب کبی مرور ایله قطع مفاوز و قفار و طی سنکستان و کو
 ایدرک علی الصباح سعد فلاح ظهور و اولکون دخی طی منوال متر
 و مرور ایدوب اگر چه راکب و مرکوب تعب و نصب طریق ایله کلیل
 و سلیم و صحیح لری رحمت سفر ایله علیل اولدی لکن هر حال احوال
 و اثقال و شینوخ و اطفال لری منزل سلامت ایصال اندیلر تکرار عتقا
 غلام نشر جناح و طاووس زین بال ضیا غوطه خود بحر رواح و ارنجه
 طریق ندن بر سمت عدول و بلا ایقاد نار و بی طبع طعام و طمع بنام
 نزول ایدوب انجی سدر منق اولور قدر طعام و نیام ایله اکتفا و ادای صلوة
 عشا و دواب قطع علق ایدنجه تکرار راکب متن طریق اولدی لر
 فصل مرقوم بو وجه او زره نهضت و منزل مرام تحریک تازیانه
 ایتدکد نصکره خداداد ایتدوکی کاره مخیف و وپردوکی ذنه نادر
 و متأسف اولوب خواب غفلتک بیدار و الله داد شمس عقلن منکشف
 و قمر این مخسفا یتدوکنند خبردار اولغین استرداد ایچون
 عساکر حوال استجمال ایتدردی آنلردخی مانند شهاب بلند پرواز
 جست و جو و هر چند تک و پو ایتدی لر ایه کیفیت حال دن خبره و غبار

را هندن اثره واصل اولوب هرزه کردی ایله بلا فایده رجعت ایتدیلر این
جانب الله داد سر منزل وصول و ملاقات سلطان خلیفه سزاوار خلعت
قبول اولوب مقام وزارت اولان الشیخ نورالدین و شاه ملک و آنله
مانند بعض وزرا و وکلای عیاده سالک و بیدای بغیده هالک
اولمیرله سلطان خلیل مزبورک قدومیله مبتجع و مزبوری سلک
مقربینه مندرج ایدوب حکماکان امر وادکان دولته تقدیم و مهر و زار
و مقالید امور مملکتی بد تصرفه تسلیم ایتکله اولدغی معانی ملک
و ملتد بدیع و بیان احسان و بیجمع و قافیه طبع موزون و نظم و انشا
فکر اصابت مفروضه تمهید امور و تجهیز سربا و حفظ نفوس بذر مقدور
ایدوب احوال عباد و بلاد متلاشی ایکن برقرار و قواعد ملک مشرف
خراب ایکن استوار اولوب کسر قلوب جیره جیره مجبور و انواع قنوریه
اولان قنور جدار دولت مقمور اولدی مزبور دن اقدام اگر چه تدبیر مصالح
ممالک و قبض و بسط مداخل و مساکنه برندق و ارغون شاه و کجوت نام
امرانک مداخله لری و ارپدی لکن دستور اعظم مشیرا فخم مدار قبض
و بسط و ناظم عقود حل و ربط بنه الله داد اولوب الشیخ نورالدین و خدا
داد بقصب و عناد لری و زده مستمر و اطراف بلاده غایر و طریق شر
و شورده سایر اولوب اطراف ترکستان و سیراف و طاش کند و اندکان
و بخمد و شاه رخیه و انزاد و سفتاق بلد لریه و اول کفاف و آفاقه مستو
اولدیلر و وقت بیوقت نهر سیحونی عبور و ممالک ما و اء الله به ایقاي
آتش قنور اولمیرله سلطان خلیل کاه بالنفس رکوب و کاه تجهیز عساکر
جرات مصحوب ایتدیکه توقفه اقتدار کوسنوز میوب مدبر و مفرا و لور
ایدی تفصیل حال لری فیما سیان ان شاء الله ثبت اثر قنور فصل
ممالک توراند و اقع اولان حوادث بیانند در بوندن اقدام سر

نول قلم اولدوغی و زده تیمور اعرج هیبت و شوکت و استدر ارج و عتو
عارج معارج کمال و استیلا ی اهالی اقطار ارضه استقلال بولوب
عربیه نکاد قیسیه من غیر زار ^{تکین} فی قلوبهم الشیالای
نکاد سیوفه من غیر سئل ^{تکین} اتخذ الی رفایم استیلا لا نکادینا
خملیه یغنی عن الاقدار صوباً و آنله لا مفهومی کاشف حالی
اولمیرله ممالک مغول و قدیلله علم افراخته و نبال بخت و تکبرین اولمیرله
و بخوره انداخته ایدوب اول اطراف و اقطاری دخی مختطف و ملوک و سلا
عنان عربین منعطف ایتکله بوخبر و جل و طائفه مذکوره به مستجب
حراس جان و مویت دغدغه جنان اولمیرله اول مکادک شرک مکید
و جباله مصید ندن احتمال خلاص محال اولدوغی تعیین ایله منشئت
بلاد و تشبث اذیال قلاع و روس اطواد و الجای حصون و جروف
و دخول مغارات و کهوف ایتدیلر کذلک اهالی دشیدن احباب
یمین و شمال پریشان تلول و در مال اولوب حاصلی اهل مشرق زمین و خطا
چین حدودن و ارجنه اولان خلا یقک حال لری لامعه لو یجدون ملجا
او مغارات او مدخل اولو الیه و هم یجھون صورت حال لری و لو
بو وجه او زده مرعوب بالقلوب و مجبور و غموم و هوم مغلوبلر ایکن
تیمورک هلاکی خبری البسته ناسد متکرر و استادی ترقی ایله احاد دن
بالغ نصاب تواتر اولوب کسنه ده ججود و تناکر قالما مغله طایفه
مذکور نک قلوب راجفه و ابصار خاشعه لری من و امان ایله
ساکنه و لسان غلیه و جلیه لری امنیت برله ساکنه اولوب رعب
و خشینت لری متروک و کالاول طریق خصوصتی مسلوک ایتکله اخذ
نارانه عزم و شن الفارانه بند خرام خرم ایدوب هر صاحب حق استماع
حقن قصد و هر ما سور فکاک اسرنه جد و جهد مبادرتله ابتدا

محصله
بعضی قریب اولدوغی کمال لری کمال و سزاوار
دشمنک قلوبنه بدلتد و قریب اولدوغی سیکلری
بیکلر سن دشمنک دقانین کسینکله چکله
و قریب اولدوغی سی صابت اقدار دن تفتی ایدر
بعضی اصابت اقدار ایشین ایدر

طائفة مغول طرف شرقی قد صد اشبار و اسی کول اطرافه عمتد
 تا خدا داد مجا و دستند ضرب سکه و و تدایدوب تیمورت استیلا ایتدو
 خلدکترین استرد ایتدیلر خدا داد طائفة مرقومندک دود و طردند
 قادرا و بلا مغله کند و سیله بکدل و یکجهت دشمنه دشمن و دوست
 دوست و لوق و زمره مهاده و مصالحه ایدوب بو تقریب ایلد اول طرفک
 بلاد و عبادی آسوده حال و مطمن البال و لذی و الله اعلم بحقیقه
 الحال فصل ایدکوانک تا تار ایلد نهضت و قصد ما و و آد التهر ایلد
 غریبیتی بیاتند در خبر موت تیمورت که میان دم فرصت و لایله باعث
 سرور و مترصد بخور و وقت حرکت و لایله سبب جلوه و ظهور و لغله
 ارغون شاه کند ویر مضایف تا تار و و قیام ایلد نه رجیون مجید ایکن
 عبور ایدوب ما و ا و مسکته رجوع نصک طرف شمال دن مانند
 رمال تا تار ایلد ایدکوا دخی حزم و حزم ایلد عزم ممالک خوارزم ایتدو
 شایع و لغله ممالک مذکوره نایبی موسبکا خوف نزول بوار ایلد اهل
 و عیال و متعلقات و مالن آلوب بروجه خانه کوچ قرار ایتدو ایدکوا
 وصول و طوایف جغتای نهب و غارت و بخارا اطرافنی دخی استطراد دخول
 ایلد تالان و تاراج ناما مول ایدوب تکراد خوارزم رجوع و طرفندن
 انکی نام امیرین نایب نصب ایتدی بو مرتبه فتور ایلد بینه سلطان خلیل
 مسیلری احسان ایلد مقابلد و هر سا خطک استرضای خاطر ایچون
 حسن معامله و نفایس اموال ایلد اصطیاد نفوسه میادده و اسود مفت
 ابطال افرسان ایلد معالجه ایتدو ایدکوا تمهید ماکن و اطمینان طواعن و سوا
 اتمکین محبوب القلوبا قارب و اباعد و مرغوب النفوس صادر و وارد اولق
 الحق الشیخ نور الدین و خدا داد فساد لری و زره متمادی و تحریب بلاد و اضرا
 عباد و ساغی و لوب عناد لری و زره باقی قالدیلر فصل پیر محمد بن جهانگیر

موسبکا بالبا

طواعن یعنی کوچ ایدلر

ابن تیمورت

ابن تیمورت دعوی ولی العهدی ایتدو کی بیاتند و در بوندن اقدم ایراد
 کرده دفتر اثر اولدوغی و زره تیمورت حنفی و سلطنتک ولی عهدی
 اولان سلطان محمد سر نهاده سنک خدا و لد قد بر ادوی پیر محمد مقام و لا
 عهد تقدیم اولمشیدی لکن فوت تیمورده طرف هند و قندهار و بولوب
 سلطان خلیل پیر سر وری به پیرایه بخشای جلوس و لغین پیر محمد عساکر
 جزا ایلد خروج ایدوب سلطان خلیل و سایر امرا و وزرایه رسل و رسایل
 اصدار و ولی عهد جد و خلیفه تیمور لک اولوب سر بر سلطنت کند ویر مو
 و حق صریحی ایکن نه وجه افزون مغضوب و قیای زیبای خسروی مخصوص
 قد و قامتی ایکن نه طریق ایلد مسلوب اولور و بو بحر پیرایه بیکن امرا و وزرا
 هریری لایق خطاب اولور کلمات خوش ادا ایلد رد جواب ایتدو بلر اما سلطان
 خلیل متصدی معارضه و مسائل خطابی نفی و نقض ایلد مقابلد ایدوب
 ای برادر مسئله سلطنت ایکدن خالی دکلدر یا انتساب و یا اکتساب
 محتاجدرا کانتساب ایلد دعوا ایدر سنک بندن و سندن بود عوایر پدر عالی
 کرم امیر انشاء و عم اکرم شاه رخ اولی و احراد لر بونلرک وجود ایلد سکا
 طلب و دعواد و شمر با خصوص آنلر دخی بنبلد رفع دعوی شفعه و مشایعه
 و ترک مضایبه و مطالبه ایدوب و ولد قلمی مملکته قانع و حفظ و حراست
 جامع و مانع اولمیری انشیدر یا خود حکمیه راضی و کند و لرینه تعیین ایتدو کم
 نصیب لری ایلد مستکفی اولق کرکدر لر زیر اشدیکه حاله مملکت صاحب جوانی
 و نکهدار مذاهی بنم و اگر شق ثانی اذعاسند ایه که کلامکن مستقیم اولر
 زیرا زعم خلف و سلف و زره ملک عقیدد عربیه صونوا خیا ذکر و آجلو
 سلا حکم و شمر و انما ایتام من غلبا و کوزعم ایدر سنک که جدک سنی
 ولی عهد ایتدو اول قضیه دخی غیر مرضیه در ذرا نفس الامر نظر اولور سه
 جدک نه طریق ایلد استیلا و اغتصاب و سر بر سلطنتی اها لیسندن نه وجه

مخطوطه ایست که در کتابخانه
 مجلس شورای ملی تهران
 ثبت شده است و در این کتاب
 تاریخ ۱۳۰۲ قمری
 ثبت شده است

او زده اسجلا با یتد و ک معلومت دکلید و علی تقدیر التسلیم اگر
 امر و صیتی مستقیم ایسه حال حیانتد ممالک و بلادی و اولاد و احفادینه
 توزیع و تقسیم یتد کد نام والد ماجد و ممالک ادر بجای تخریر و غم
 اگر مر و لایت خراسانی تقریر و ابن غم پر عمر عراق عجمی بتطیر و سزی
 اقلیم قندهاره تصدیر و ولایت عهدی عهد کزه تقریر اید و بختل
 مظالم و سنیات ایلد منتقل در مجازات اولدی بوما بیند بنم حصه
 و نصیب اولماق عجیب دکلید رباری هر بر یکز مستولی و ولد و غی
 ممالکدن بکادخی مملکت مخصوصه تعیین ایتکله هر کس مفروز و مقدر
 راضی و لوب صلح و صلاح ایلد رفع نطاح و کفاح اید لودومع هذا
 اگر والد ماجدم و غم محترم ربقه متابعتک وضع کردن اطاعت اید
 ایسه بندگی قلاده بیعتکی زیب کردن مطاوعت ایدیم اما عین
 حقیقت بین ایلد نظر اولنسه شاهد ملک و سلطنت بر صید بلا
 قید در ایتد اکیم که حایز قصب الشبق اولوب شکار ایتدی ایسه ردو الیه
 اول اولو الحالده هذ حضرت مالم الملك علی الاطلاق بیعت عام ایلد
 اسباب سلطنتی بوفیقین مهیا و نصرتی بوحقیر مباح ایدوب لله الحمد
 آیا مرداد و سناد دولتمد و هنگام تعاطی امور عباد و بلاد مملکتدن مزاج
 عالمه سالم و صحیح و فقر و ضعف کوشه امن و اماندن مسترج در
 و غیر ذلک شیوخ مدارس ملک اولاندر ترک مباحث علت و معلول
 و فراغت تقریب فاعل و مفعول ایدوب مبايعتي اولی کوردیلر و هر یک
 عقود سلطنتد شراکتی و ارایسه ترک معامله مضاربه ایدوب
 تولیتی عین مزاجه عدا ایتدیلر دیو خطاب پر محمد رد جواب ایتدی اما
 بعض وزرا و اعیان لاطایل تحت اولان مقالات خارجه و کلمات
 مزعجه ایلد رد جواب ایدوب الحق خطه وسیعه الارجا ما و راء النهرده

سید العلماء و صدر صدور الفضلا مستصرف امور امرا و زعمای
 نافذ الاحکام مسموع الکلام خواجه عبدا لاول پر محمد اول
 مکتوبند مرز بودن استغفار و سلطان خلیلی استنصار ایلد کلامی
 اختصار و نصیحتد بوجه او زمر اقتصار ایتدیکه نعم تیمورت خلیفه
 و بعد الوفات ولی عهدی سن و لکن سعد طالع و مساعد بختک
 اولمش اولیدی اول وقت قرب پای تختد نکمبان نوبت سلطنت اولود
 ایتدی حالکه اولی و قیام احوالکد احرا اولدر که من اراد کله فانه کله
 معنا سندن اکاه اولوب بد نصرت کد اولان مال و ملکه قانع و
 مالمک اولد و غلک خیل و در جاله جامع و دخول اجنبی به مانع اولاس
 اگر ابا ایدوب ما قسم الله ایلد راضی و لمزایسک زحمت کشیدن
 و نصب دیدن اولد و غلکدن غیرى الکره اولان دخی تلف و ملام
 کرده سلف و خلف اولوب خطوط حفظونک مؤذیب لا الی هؤلاء ولا
 الی هؤلاء بینند مذنب و لورسن و السلام فصل سلطان خلیل
 سلطان حسینى تجهیز و مقابلد پر محمد ارسال ایتد و کی بیاتند د
 سلطان خلیل مجرد دقایق اول ایلد مکنتی اولوب حقایق افعال ایلد دخی مجتلی
 اولمعه مباردت بر له جمع جنود مجتهد ایدوب والدینک همیش زاده سلیطان
 حسینى خلعت سرداری ایلد سرفراز و امرای دولندن الله داد و ارغون شاه
 و امیر کچوک و بعض مرای کار ساز و پنجه کار داناان جغتای دخی خدمت مذکور
 همچون افراز پر محمد استقبالنه تعیین تمکین سه سبع و ثمانیایه ذی القعد سنک
 نصفند طائفه مذکور تمام عده و عدد ایلد سرفندن تحریک لوی غزیمت
 ایدوب حلی طوا میر کوب و نزول ایدرک نهر جیون عبور و براری و ضواحی
 بلد بلخه مرور ایدوب اول قطاره مانند سیل منحدرو اول نواحی جزراد
 منبت کی منتشر اولوب فراغ بال و نظام حال و مرافقت سلطان حسین

ایله قریب العین کیدرکن اشای طریقہ سلطان حسین کو یا امور سفریہ
تدبیری بایند مقاولہ و بعض مشاوع همچون دعوت امر اور و سائی
عساکر اید و بامان پس پرده زبانیہ آتش مزاج و جلادان خون آشام
دو کین ایتمکله جین جی و تلافی و بسط بساط ضحیت افافی ایتد کلرند
سلطان مرقوم صاحب بطش و شجاعه و متهور و زی رقاعه و وصول و جول
ایله فعلی قولنه سابق و قوی فعلنه مطابق بر مرد دلیر و ملین ابتدا بالنفس
امری مذکورہ بہ حمله شیرانہ ایله هجوم بعد در کین اولان فدایله نذا تمکین
اندر دخی یکد سنت و درود و حاضر مجلس اولان امرای و ثاق اتفاق ایله مشد
ایدوب بوما بیند تمورک غیا بند اکثر نایب مرقند اولان خواجه یوسف
نام امیر مشهور ملتقم شیر شمشیر قضا تا نیر اولوب غیر یلری تمام قید و بند
ایله مقبوض و ماسورا و لجه سلطان حسین سازبذ آهنگ غرور ایله
ولولہ انداز دار و دور اولوب دعوی سلطنت و خلائی اطراف بیعتنه دعوت
ایتمکله امرای مذکورہ ظهور شدت و نزول بقمنی تحقیق ایدوب نعمت جیاندن
مایوس و لدیلر فصل الله دادک بوباید سلطان حسینہ ایتد و کی خدم
بیانند در الله داد بو حرکت ناما مولی شاهن اید بخه اسحضار حواس
پریشان و مشورت پر خرد دقیقه شناس ایله ابتدا سلطان حسیندن
استیمان ایدوب بعد عبارت صحیحہ و کلمات فصیحہ ایله بای سلطان
سیردن بو حرکت مترقب و بومراده مترصد ایدم لکن اظهاری باعث هلاک
اولور ملاحظه سبله امساک ایدم هر یار و غدغه خاطر
فقیر بوبایدیکه سلطان خلیل منقرذانه استحقاق ایله صاحب سلطنت
جلیلہ اولور با وجود جناب معلا القاب کزک هیبتی مشهوره و منزله خلافت
ایله ما بینکرده مسافه موفور اولمیه بو حرکت بابرکتدن ادق شعور و
اولیدی بوباید ترتیب امور لطیفه و تمهید تدابیر شریفه

رقاعه
یعنی حق
بطش سطوت و غف
ایله مواخذ

اسرار

ایدرد در و ضحیر کریم شهادت صدق عبد قدیم ایدر غیر ذلک خدا دادک
دست غدرند ماسورا ولان اجناد و مملوک پالت اعتقاد کزدن استعلا
بیور و رسکوز اول غدارک شرک شرتدن و قید فترک ضرر ندن کند و
کیم خلاص ایتدی و اول شریرک لهب شراره شرتن کیم اطفال ایتدی کو فقیر
رد کیدینه چار دلبذر اتمسیدم بدایتلرین نهایتیه نهایتلرین بدایتیه
استیصال ایله ایصال ایدوب اولاد و اطفال لرتن بنیم و طریف و نبلدین
معرض قایم تقدیم ایدر ایدم استخبار بیوریلور ایسه اخبار ایدر لر بلکه
دخی مسموع سمع و اعیه و معلوم علوم و افیه و کافیه لری و لمشدر مع
هذا شیخ الاسلام و مفتی الانام اولان عقل عالی نظر لرندن استفتا
ایدر لر ایسه حکم مدعا ایدر دیوبو مقولہ اقوال و آب جزین الاغتيال
ایله اطفای شواظ لهب نقر عن و غیر و طیب احتیال ایله تحشیر خیشوم
نزدین ایدوب اثبات مرامنه اقامه شهود مرکبی و مختن و حکم قاضی
قضا و قدر دخی نصال اقوالن سویدای قلب سلطان حسینده متمکن
ایتمکله بعد ازیں مزبورک حکم کلامن امورند انفاذ و صدیق جیم اتخاذ
ایدوب امرینه متابع و مشا وده سنه مطاوع اولفله تدبیر حالند
استقداح فکر یله مستکفی اولور اولدی پس ازان سار امرانک اهل
یابند سلطان حسین الله داد ایله دست زن فال نامه مشا وده
اولدقد آنلرک دخی استخلاصی همچون لوحه تدبیر بورسمه قرعه انداز عا و
اولدیکه لاجرم سلطان خلیلک اگر چه کارگاه شجاعته بدی قاصر
ولوبیا قتمام مهالک و شداید جاسر دکدر و اولوباید کثیر الاضاعه
و قلیل البضاعه در فاما بذل و احسان ایله قلوب ناسی استجلاب
و حاسد و کایدی جمله احباب و حسن خلق و سیرت حمید ایله استعباد
احرار و عدل و انصاف ایله تسخیر امصار ایتشد در فاما جناب سلطنت

اغتيال حيله و ام العیالان
شجره ستمو یعنی مغیالان
شواظ و خان سزا ولان
لهب آتش

ما بلیک الله الحمد ما نثری مشهوره و منازل منازلاتی ابطال کرده و
ابطالده مشهوره و اعلام مهابتی مانند قرون اکباش جین دوزکارا و
منشوره ویران منازلات ناوردی قرون لیل و نهارا و زره علی الدوام
منصوره در و غیر ذلک عامه جنود طلعت بهیه کز ایلد مبتهج و کرب
و شدت قبلوی رویت جماکتله منفرج اولوب محبت و موالاتکضییر
جاکبرد ببناء علیه عامه عالم و لاته بنی آدمه لایبده رابطة نظام و انظار
بر رابط و صون نفایس نفوسلرینه ضابط اولور برامیرد لیم محتاج در
و لاحاله برقرم لیث خاور و شبیل هار بلکه بحر غار امردن ناصرینده
قاهر برملکه مغاز در لر عربیه **و لا یکتشف الغناء الا این خرقه یری**
غمرات الموت ثم یزودها ما صدق بریتر یاره مستند در لری بو مناهذا
سیردن غیر ی بوا مر شایسته کیم وارد کرم و بخت و حسب و شریک
سزکله راحل و نازل و قوافل بخت و شجاعت و سخاوت خای جمایت کرده محمول
و حاملدر اندن ما عدا شاه ملک و شیخ نور الدین جناب جلالت مابری
کبی بر حصن حصین اولدوغن فهم ایتسه لرا در کان مابری کوه جیشکن
ارنگا ایلد تشید و ملاحظات رایلرین رکن دکن مایعکنز انکا ایلد
نشد یداید لر حاصل الامر سز جمله بر ریش الملوک و جمله سی سز عبد
مملوک در لر قصد اهل کلوی بیورد و غن فقرای امرانک اهلان و ابقالری
قوت و قدر کنه نسبت ایلد مسا و یدر لکن ابقا و لا و عبید هواره مترقب
مراجر مولادر لرا اقتضای رای سندی اولور ایسه اطمینان خاطر سعید
ایچون جمله مزقید جدید و زیاده ایمان اکید ایلد خدمت اطاعت اولالوم
اولبا ید رایلری اعلا و تبا علری احوال اولادر دیو ختم مسئله مدعا
ایدنجه سلطان حسین مختول و عزیم و خزمندان مغفول اولوب امور
جزویه و کلیه سند الله دادک بدرقه داینه اقتدا و شداید حوادث

لیث خاورد
اورمانده اولان ارضانده

جاری یعنی جاری
معقول است
یعنی شدت کشف اینها
غمرات موت کور و در و مبالات
زیادند و ارور

مشاوره سیر

مشاوره سیر اکتفا یدرا و لدی فصل سلطان امرادن اخذ میثاق ایلد
سلطان خلیل او زینه عزیمتی بیاندرد سلطان حسین امرای مذکوره
ممکن اولوب قبضه سطوتند اسیر و سروسا ماندرینه ایقاد ناره
دوزخ زفرایدوب خانه و خانه داندرند اقامه نایجه و ابقاظا آتش
ناعیه امتشیکن تکرار احضار و ستر و ضرا ده کند و سیرله یکدل و سلطان
خلیل عداوتند یکقدم اولملرین قید حدید و وثاق ایمان ایلد بند
و تاکید ایدوب طلب عهد صادق ایدنجه هر بری دست و پایلرین
دو شاخه حدید تقدیم و اعتناق و اختیار لرین ربقة یمینه تسلیم
ایدوب مراد و مختاری او زره زمام امرینه منقاد و او غورندن مال و جاندر
انقاد و نفایس تجملرین بازار بکنند مراد انکه شرط اتملرله قید و بند
ابقا الحق شکجه و عذابدن رها بولدی لر پس ازان سلطان حسین قصد
سمرقند ایلد تحریک لوی خصومت برله عزیمت ایدوب سلطان خلیل
نامه خشونت خامه اصدار و خلافت اولدوغن اظهار برله ملک خالید
حقه اراده و سریر سرورید کند و سیرله منازعه سن افاده ایتدی
بواشاده الله داد دخی سلطان خلیل خفیه نامه صداقت خامه اصد
وما جرای اعلام و ظهور ایدن حوادث غیر ما سوله فی افهام ایتدکن
مفهوم نامه ده ضمیر بیضا نظیر پوشیده اولیده که کوبیا قبالت سعید
وامرد ولتک حمید در همان رای رشید ایلد نهضت بیورد که ضدک
صید مصید و حضرت رب العزیز ناصر کدر قریب و بعید فکر زحمت سفر
و ملاحظه خوف و خطراتیمه سز که صفر سندن اولجوانمزد سز که تکیه
سلطنتد شیخ رشید و عالم سز مریدا ولوب نشیمن موالاتکضییر
قلوب سز مایل و بذل و احسان ایلد خواطر باب کرم کرده سایلدرد
ختم کلام اختتام و بر میکن هاندم سلطان خلیل جیوش دریا خروشی ایلد

ناعیه
خبر موت

نهضت و سلطان حسينك استقباله عزيمت و بنو سودادن رجوعه
 مساعدي ايندي حرکت سلطان خليل کوشکدار سلطان حسين اولمجه
 قيد و بندند اولان امرادن استيناف عهد و ناکيد عقود قيود
 ايندکد نصکوه هر برين مقام قد يملونه تقديم و کالاول مقابليدخل
 و عقد منصلون يد نصرفلونه تسليم ايدوب لباس خلع فاخر و احترام
 و حسن معامله ايله جبر قلوب منکسر ايدوب حواشي و متعلقات برين
 بذل انعام و احسان ايله تفقد و جلب خاطر ليله تقيد ايدوب راه پيمای
 نزول و ارتحال اولادق مدينه کشيد تزييل احوال ايندي ازين جانب
 سلطان خليل دخی بخت جليل ايله مانند شاهها زبیر پرواز محل مذکور
 ترک و ناز ايد بجه سلطان حسين تهيه اداوات کيرودار و احضار اسلحه
 جنگ و بيکار ايدوب استعمال تهو و طيش و تحريص اسود جيش ايله الله
 دادی سردار ميمنه و امرای ماسوره بي نکهدار ميسره ايدوب تصادم جمعا
 و تدافى و حفايق حفايق محاصرتي تحقيق و مضائق قتال وجدالی تدقيق ايندوکی
 کبي الله داد و امر او اجناد علم سرنگون ايله سلطان حسيندن بر تافته رو
 و سلطان خليل سایه سته التجايه نک و پوا غلريله مزبور بي آرام و مسلوب
 الثوب عز و احتشام اولمغه ملتحف توپين خيمه و ميتن اولوب ماصدق
 رجوع و محقق حنين اولمغين هزار دغدغه و قلق ايله قطع صحارى و طي موال
 برادی ايدونک خالی شاه رخه ملحق اولوب آند دخی مدت حياتي ممتد اولوب
 اسقاي ستم ايله يا حنفا نغله منتقل دار آخرت اولوب بوند سلطان حسين
 عهدي تمام و سلطان خليل کامران مرام و دارالملكه اماله لکام ايندي
 فصل بقیته حال پير محمد بيا نند در پير محمد عزم و حزمند مستمر و سلطان
 خليل ايله مباحثه لری متکرر اولوب بالاخره مسايله و مقاوله لری متصارع
 ميدان مقابله و مقاتله اولمغه منجر اولمغين پير محمدک متولی امور مملکت

طيش
يعنى تلاش عقل

الزحف الجش

و مشتيد قواعد سلطنت و قطب دائرة دولتی اولان قدوق العلماء الاعلاء
 پير عليک تدارک و تدبير ليله عساکر قندها ردن ابطال دجال و مرده ان
 قتال بخرید و اصناف جنودک ممتاز و کادساز برين تقيد ايدوب عزم تانار
 اسرع و سرعت سهامدن اقطع مانند حدت سيف صادر و مثال انصيار
 سيل العرم سير ايله نهر جيحون و وصول بولوب شط مذکور بجه عساکر ايله
 متلاطم و متصادم اولوب معنای معجز اختواي مرج البحرين بلقيان هذا
 عدت فوات سائق شرابه و هذا ملع اجاج ظاهر اولوب مانند بنی اسير
 شير سر ايل ساق همت ايدوب نهر مذکور دی عبور و اول جیش منتخب
 و اصل ضواحي مختبأ ولدی فصل عساکر خليليه دخی نيت زکيه ايله
 استقبال عساکر قندها ديه ايند و کوری بيا نند در بوطرفه سلطان
 خليل دخی اسلوب سابق و نهر تجيز امر و تصفيه قلوب ملوک و وزرا و مد
 ايجون بذل جرايات انعام و نشر اثمار اشجار اکرام ايدوب ملاقات شياطين
 قندها رتيه جنود جوان و مردان شهاب بنالدين استغانه ايند کده عام
 و خاص و عفا ريت کوهسار و هر غوامس بحر تيار و مقتطف اثمار احسان
 اولان انس و جان دعوتيه لبيک کويان اولوب مردان خراسان و رؤسا
 جغتو و چنا و فراعين ترکستان و فوارس فارس و عراق و کشتکيران اقطار
 آفاق و هنردان تانار و خيالان صاحب مشوار و تهورک امور ديدن مديرت
 دولتی و سفر و حضرده رفيق صادق و ستر و خزانده معادن و مرافق لری
 سرتاپا مقام اطاعت جمع اولدق سلطان خليل جمله يرفع ابواب
 فتوح يوم شده ايجون انتخاب اسد قاي نصوح ايدوب عطايای جرييله
 ايله قامت هملرنيه لباس دروع سابقات و دوش مللرنيه القاي خلع
 مضاعفات برله صرف خزائن و بذل فلوات دفاين ايدوب هر اهل صاحب
 فرس و کيسه و هر فقير عزيز البسه نفيسه اولمغه نسيمات نصرانقا سارند

فاجحه و لمعات فتح بوارق بیا د قلرندن لایحه و سبع المثنای ظفر و جوه زامره
 فاجحه اولوب مابینه سلطان خلیل بخت جلیل ایله مانند سویدای قلب
 مشی شاهانه و جلوه ملوکانه ایله محل مقصوده عزیمت و سر منزل مرام
 سرعت ایدوب غره شهر رمضان سنه ثمان و ثمانمایدده ضوای قریش
 یعنی مدینه مخشب مضرب خیام لشکر ظفر و هیر اولوب عسکر طرفین
 یعنی جنود سلطان خلیل و لشکر پیر محمد مانند بحرین بر برینه مقابل زد
 و شاه همدرامدن دفع اغیاره مشغول اولوب هر بری اولیلک ختم ذیل
 و جمع خیل ایله معتکف زوایه افکار و مترقب کار فردا ولد یل علی الصباح
 بحر قضا فضای افقد سئل صارم و خورشید قدر لوح آسمان دن محو نقوش
 انجم اید بخت تعبیه میمنه و میسر و ترتیب مقدمه و موخره اولند قدر نصیر
 چرخیان میدان جلاد تنه جولان و ادب بخیل بر برین شکاره تشیر ذیل
 ایتد کلرینه نعا قبا طائفین مانند جلیبن اسطدام و ایقاد ناره مردم
 سوزستیز اقدام برله تدائی و تکافی و تعاون و تکااون و تشاجر و تناجر
 و تقااق و تناحر مبادرت ایدوب ابطال رجال منصارع و فحول قتال
 متقارع اولبجه تحائف قنار و وس استرا و ذره پرده کش ظلام اولوب
 بیست چکا چال خنجر بگردون رسید زهند و ستان خون میچون رسید
 وقت ظهرده بخوم لیل ظاهر و غیوث خون قنات عروق دن اول مسلح اوزره
 سابل ایکن منتصف نهاده دفع ظلام و اندفاع قنار اولبجه کواکب موکب
 خلیلیه ظفر برله اوج سعادت بد منکشف و اختربخت خصما زبر غبار انکسار
 مخسفا و مغله صیت و صدای سلطان خلیل اقطار ارضه انتصار
 ایله منتشر اولوب پیر محمدک راه املی بسته و بازوی قوی شکسته معاند
 و معا و نلری مغلوب و مال و منال لری منهوب و حریم و عبیدی اسیر و جانیل
 عزیزی حقیر اولوب داغ دل و لب کبد و اضطراب خاطر و حرارت جسد

و خوف بود و ملاحظه دما را ایله تشبث اذبال عزیمت و فراری نصف
 سلامت عربیه آیاتک سالیما نصف الغنیمه و کل الغنیم فی النفس
 السلیمه مدلولن پشرو ایدوب انهم از ایل خلاص کویان جان ایتدی
 پس از ان آفتاب دولت سلطان خلیل ایله اکوان مستنیر اولغین نواز
 شکران ملک قدر اولوب رجعت ایله شهر رمضان جلد نیک نام مکانه
 اتمام ایدوب برقاج کون مکت ایله استراحت بعد طرف و طنه اجاله
 کیمت عزیمت ایتدی فصل عساکر عراق ما و راه النهر دن خروج و عزیمت
 اوطان ایتد کلری بیاتند در پادشاه بغداد سلطان احمد پای بخت
 دار السلام رجعت و ضبط مملکت و میاه سلطنت مجاری اولی بر عو
 ایتد و کی ما و راه النهره اولان اهل عراقک مسمو علوی اولبجه سنه
 مذکور نک غره شوال لیلله انشینده اهل سمرقند امور عید انواب
 جدیدین مشغول لرایکن ظلام لیلله طایفه مذکور حریم و اتباع و
 اولاد و امشیا علوی ایله متولی امور لری اولان حاجی پاشا مرافقت و سلطان
 احمدک اوغلی سلطان علاء الدین تیمورک گرفتار زندان اسیری ایکن آزاد
 کرده سلطان خلیل اولوب آند بولمغله آنک دخی منابعتله اهله نام
 و احترام تمام و تدارک بدرقه توفیق ایله دامنگیر طریق اولدی طایفه
 مزبوره جمله اصحاب حول و حول اولمیر ایله طریقلرینک سدینه و سبیل
 سبیل لریینک بند و بطنه کشته قار اولدی قصد جیحون ایله و اصل خراسان
 اولد قلرند بعد مسافه سبیل طریق لری و این ایران من قیران و جمله
 من سیحان مدلولی بند راه امل لری اولوب منزل مرام وصولدن مقدم
 اکثری و لطف بلادینه پریشان و ترک اوطان ایتدی و فصل
 پیر محمدک بعد الانکسار قندهار رجعت و تکرار مقاتله سلطان
 خلیله عزیمتی بیاتند در بعد الانکسار پیر محمد قندهاره وار و یکسب

راحت و تقویة بازوی قدرت برله مستقر دار و دیار و لذت و اموری
 ملتئم و قصوری متمم اولوب انجمن جیشی دور بدرد و لشدن ستاره و افلاک
 قبض و بسطی مرادی اوزده دواره اولنجه سموم غضب و نهودی تسقر
 و شرار و شروری تطیر ایدوب و فعه گذشته دن تأسف و غیظ ایلله
 کریبان صبری تمیز و تحرق برله تکرار سلطان خلیل مصافحه عودت
 سودا سیله اجنه مرسوم ملین اطارد و تمام عدد و عده هر لدیع القلب
 و جریح الطعن و الضرب جمعیتکاهه حاضر اولملری اشاره اولمغیر جمله
 دعوتنه تبلیه برله مجتمع و نداسن سمع قبول ایلله مستمع اولوب اودیر
 و جبال خیل و رجال ایلله آقوب کلوب بحر جیوش مانند قلم جوش و خروش
 ایدنجه تکرار سلطان خلیلله نامه و قاصد تصدیق ایدوب مفهومی اؤکه
 مصافحه برقلته ایدیکه مانند شراره مقدار بلعه ملتئم و منطقی اولدی
 امر مهمه تدارک ایلله استقبال ایتیش اولیدم استدبار ایتیم اکر مستعد
 اولیدم مستحق اولمز ایدم و فعه بی استکبار ایدیدم مستصغر اولمز اید
 لکن اصاعت خزام ایلله محروم السلام اولوب کادشدیدی رؤس انا مل
 ایلله تناول و بعد ندامله عض دست تکاسل ایتدم و غیر ذلک مردان
 لشکرک و فقه ظهیرک و مکنت یدک و سهام قوسک رؤس اهل عراق
 اولوب آنلرک اتفاق ایلله شهره آفاق اولمش ایدک اما الآن اتفاقری
 نفاق و قریبری بعد و شقاقه مبدل اولمغله حواس قدرت و قوتک
 مختل و جنود انکارک مختل اولمشدر ایشته بن حدید جدید و حدید ایلله
 کلام لغایه معده و عدم مستعدا و لاسن مرد ایست میدان کل الحرب
 سجال و ونکه کون بوکون ابدال اولمق مقرر در فصل پیر محمد سلطان
 خلیل اوزدینه تکرار عزیمتی بیانده در پیر محمد جنود نامعدود و عساکر
 نامحدود ایلله نهضت و قطع جیون ایلله حصار شادمان نام قلعه قریبند

ضرب خیام اقامت ایتیمکه سلطان خلیل دخی برو طرفدن مردان کارزار
 و اسود میدان بیکار و اجرای طوفان خون ایدرجراد و قتل و سفادع
 عذاب کی عسکرا ایلله طلی اطوار و بحار ایدرک جنود قندها مقابله سندن
 قرار ایتدی بوندن اقدم و فعه اولی ده شراره آتش زنه شمشیر خلیلی
 طائفه مرقوم نک احراق آنکشت احشالری ایدوب یلان دشلیان ایدوب
 سوردن یسندن قورقار معناسی کریبا تکبر اضطبار لری اولوب نصوت
 نفیر برخاش و تقریع طبل صوا سندن مقدم جنود قندها زنه نک هر
 فرقه سندن تنادی ایزفت لایقه لیسهاین دؤن الله کاشفنه
 قرع سمع ایتیمکه در ساعت آنکسار فاحش ایلله کلد و کلری طریقه
 رجعت ایتدی لر پیر محمد دخی خلع خلعت اقتدار ایلله قلعه مذکور بر فراد
 ایدوب بحکیم ابواب و ضبط اسوار و مستعد جنگ و بیکار اولدی هاند
 عساکر خلیلله احاطه قلعه بی اهتمام و بی یافت و اولاد سام و حار
 تضیق پیر محمد اقدام ایتدی لر پیر محمد مقدما خواجه عبدالاولک نصیحت
 یاد و ناد و قصد و عمدند خطا سنه مقر و جازم اولوب لکن حکم
 قضا و قدره حواله ایلله مستعد اولدی عربی
 و عا جز الراي مضیاع لفر صیه حتی اذافات امر غائب القدر
 منعکس الحال و القال و متغیر الامر و الاحوال اولوب ضایع کرده ملک
 و مال و لغلله اسود الحرب و شور الضرب متلاشی و ذوق رایت و اصحاب
 محبونی متحاشی اولوب منوال فکری اوزره شقه تدبیری مستفوق و آستین
 حول و صولی مضوق اولوب حیلله دن غیری بر چاره سی قالما مغلله مذبر
 امور دولت مشید ارکان سلطنتی اولان پیر علی نک تدبیری ایلله جلود
 مخبوطه دن استدعای عده مضبوطه ایدوب انواع جلودی الوان مستعد
 ایلله تلویح و صحایف آینه و مسامیر مجلا ایلله تزیین ایدوب رعایا و حشو

محمود بن
 ضایع ایدیکه در اینک غایب اولان و ضعیفی
 قضا و قدری غایب ایدر

بلد دن بعض هنج و احقره الباس ایدوب کسراب یقیقه بحسبه الظان
 ماء مسافه بعید دن لبوس فولاد ایلد جوشن پوش سواد عسکر جزار کوسو
 بر زمان بوموال و زره مستمرا ولد یلر کن ینه فایده ایتوب افکار لری
 و خیمه و تدایر لری سقیمه و لغله ارالری مختلف و سترس لری منکشف
 اولوب قضای عالم دیده جهان بین پر محمد تنک و تار و کوبک اشتهاری
 نازل منزله ادا بار اولغین بسط بساط تضرع و طلب و سابط تشفع
 ایدوب لا عاصم الیوم من امر الله الا من رحم مدلولن عین الیقین
 تحقیق اتمکله حلقه جنبان باب صلح و صلاح اولغین عربیه یعطی
 الکرمیم ولا یمل من العطا و العفو شیئیه اذ اوقع الخطا سلطان خلیل
 دجاسن اجابت و مسئولن عنایت ایدوب بر برینک ملک مملکتیه اطالیه
 دست طمع اتمک او زره و پر محمد سر نهاده و سادده الحد اولد قد نصب
 ولی عهد اتمک شرطیه معا هده و معا قد لرین بند و بست و رعایت
 حق قرابت ایدوب صداقت و مودت او زره باقی و تشار و تشا جردن خالی
 اولوب مخالف و لمغه مخالف و هر بری ملک و مالیه قانع و کند ویر
 مخصوص خدم و حشمه جامع اولق او زره تاریخ تسع و ثمانماید ده بجل
 عهد و شر و طری مضای رضای طرفین ایلد محضی و ختم اختیار جانین
 ایلد مخمور اولوب بوجه او زره موافقت و مفارقت ایتدیله فصل
 پر محمد ک مدبر اموری پر علینک خروخی بیانشده در پر محمد دارالملکته
 و اصل و مابین خدم و حشمه مستقرا و لجه و کیل دولت و وزیر سلطنتی
 اولان پر علی طریق مستقیم سلامت عیم اطاعتدن خروج و ذروه بغی
 و فساد عروج ایدوب دعوائ ملک ایلد ممتاز و کت و قریجد ایلد صاحب
 اختیار اولوب تصریح ایلد ارباب قبض و بسط و اصحاب حل و عقد ندا
 ایتدیله امور دنیا مضطرب و قیام الساعه مستقرب در بوایام دجال

محضول احسان ایدوب و احساندن
 عاقل اولد و غفوانتک دخی عاقلیدر
 خطا واقع اولد قانع

و محنا لرا

و محنا لرا یا میدرد دجال اعرج یعنی تیمور زمانی مرور و بومنا هذا
 هنگام دجال افرع و بودند نصکر ظهور دجال اعود در شمدیکه حاله
 بر کسبه تقرب باب سلطنت ایدوبه اولیایه اولی بنم دیوشا حقیه
 غرور او زره ناذین ایتدیله رؤس و اذنا بدن کسبه دعوتن اجابت
 و حصول مدعا سته اعانت اتمکله کند و مملوک و خدا مندن مستند
 اولد قد آنلور دخی روی تنفر کوسو ر مکله بیقرار اولوب جای بجات
 قیاسیله هرات طرفه فرار و سایه صاحب هرات ملینجا ایتدی بو تقریب
 ایلد مقتض و علف شیر شمشیر قصاص اولوب پر محمد ممالک قند هارده
 امین و خلیل الرحمن دخی مملکته صاحب تمکین اولدی فضل سلطان
 خلیل پر محمد ک رد کید ینه و دفع ضربه کند که واقع اولان اختلا بیا تده سلطان
 خلیل پر محمد ک دفع و ددینه مشغول ایکن تانار و در وطن قد بملری
 آوز و سیله قیام و سر منزل مرامه اماله کلام ایدوب هر چیون منجد
 ایکن عبور و سرعت تانادی ایلد مرورده ایکن عساکر اطراف و امرای
 اکثاف رد و ششات و سدره راه مشاة و حقان لرینه منتصد را اولد قلرندن
 غیر طایفه مذکور نک رابطه اتحاد و اتفاق لری محل و ذهب دها بکر
 فلس احمد مبدل اولوب کیر و اولطر فلرده پریشان اولدیله بوایامده
 یعنی غیبت سلطان خلیل ده خداداد و الشیخ نور الدین اغتنام فرصت
 ایلد متوجه سمرقند اولوب قصدید و هجوم بلد اکر یله اهل بلد محضن و
 مقام مدافعه ده تمکن کوسو ر و ب دفع مضر لرینه دامن در میان غیرت
 و حمیت اتملریله خارج بلدی تهب و غارت و مقام و منزل لرینه رجعت
 ایتدیله بو خبر ملاک اثر سلطان خلیلده منعکس اولغله سمرقند رجوع
 جلسه خفیه ایلد احتشاد ارباب داد و ستاد و جمع هزاران اجناد ایدوب
 قبایل ملوم و فیول مغنله و اسود مغترسه ایلد بین الحریکه و التکون

قبل مقتلم یعنی هاج یعنی اسیر ملک

قطع چگون ایدوبیا و لوطرا و ذره اناره نازدات النور ایدبجه قلعه شاه
 رخته و بده نهند اها لیبسی حکمه رام و زما و انقیاد لربن تسلیم دست
 تصرفی ایتکه اقدام ایدوبیا متا بده یا س کند خلقی عناد ایدب خطابه
 رد جواب ایتکه احصار و تضیق لربیه عزم و برج و بار و سن هدم ایدبجه
 شدت جوع و اضطراب اصول و فروع ایدب التجای دارالامن استیمان
 ایدوب صلح ایدب حال لربن اصلاح ایتدیلر فصل سلطان خلیلک
 خدا داد و الشیخ نورالدین ایدب مقابله لری بیاندند در خدا داد و الشیخ
 نورالدینک سمرقنده ایتدکلری مضرتک انتقامی همچون آندن ماعدا
 مزبوران حول حامی خلیلیه ده هر بار د اثر و وقت فرصت دهرم مترقی
 و ناظر اولملری ایدب پادشاه مشارالیه دفع و رفع و کوشا لربیه استجا
 ایدوب سواق اسود و تحریص فهو لشکر ایدوب ککام همتن منعطف
 و شوا هین شوا هق هتیله مرغزار اعدای مختطف اولد قله مزبوران راه
 کبر فرار اولوب مرتبه د ویت رای اولور مسافه ده رحلت و نزول و سلطان
 خلیل تنبع اثر لریله راحل و نازل اولوب کیدر کن سلطان خلیل طوایف
 عسکریه بر اعتماد ایدب متمکن و حلول نصر و ظفری مستیقن اولوب
 اثقال و احواله تقدم برله عازم ایکن طایفه عسکریه بر اولان طلشند
 کویا خایب اولوب میرات خانه نام محله توقف ایتد و کن الشیخ نورالدینک
 اردوی خلیلک اولان جاسوس عسوسلری و ادوبیا اخبار ایتدکن مزبوران
 سلطان خلیل تبیت و ظلام لیلک اردوسنه قریب پای شوملرین
 تبیت ایدوب مایتد ساریه صاعقه بار ادد ویر آتش انداز خسار
 اولملریله قیام الساعه دن خبر و بوارق صوارم شراره دوزخدن اثر
 اولوب علی کل حال مردم میدان هیجادن بر جماعت رد کید لربیه اسراع و سل
 سیف قاطع النزاع ایدب مقابله اتمکله خیت ایدب رجعت ایتدیلر ایتدکن

عسوس
 یا لکن کند و باشند اولیان دوه
 ساریه کیمه ایدب کلان بولت

لص حرامی

لص و سارقه

ینه لص و سارق

لص و سارقه لازم و الا مشعله ایدب قصید صید حرامی کاد عسس
 حاذق دکلد ملا حظه سیله سلطان خلیل اول صیدن دفع ید ایتد
 فصل الشیخ نورالدین ایدب خدا دادک اختلاقلری بیاندند در
 خدا داد ایدب الشیخ نورالدینک مود تلری مانتد کنه فخر و هیبت شوق
 و اشواق لری مثال شجر بی بار اولغین مود تلری عداوت و ایتد لری اختلاق
 و انفاق لری نفاق و صداقلری بغض و شقاقه مبدل اولوب الشیخ نورالدین
 آخر طرفه دفع لوا و بعض بقاع و قلاع استیلا ایدوب سلطان خلیلک
 ارسال رسل و عهد و خطادن اعتذار ایدب استغفار ایدوب عصیان
 مقابل طلب احسان و عواطف علیه سلطانیدن کما کان تصدق امان
 التماس ایتدکله سلطان خلیل مسئولن اجابت و قبول و جرم جنایتند ذیل
 نشیانی مسئول ایتد و کندن غیر زوجه نیمور تومان خاتونی کند و برادر
 ایدوب شاه ملک نام امیرین مظهر صلح و مبطن نفاق ایدب بر طریق سفارت
 راهی ایتدی بوشر طله که بعد السلام و الاستسلام متلاحق و مظهر فرست
 متلاحق و متعاقب اوله لر فرمان سلطانی و ذن شاه ملک توابع و لوا
 طریق مقصوده سالت اولوب سرحد مرامه و وصوله الشیخ نورالدین
 استخبار ایدب قلعه سندن نزول و شاه ملک دخی بلا عدد و غده مزبور
 وصول برله متلاحق و متعاقب و بر مقدار حال گذشته سر دشته صحبت اولوب
 تاکید موافق عهود و بعد الیوم شروط صلح و صلاح اونا د صدق و موالاته
 مشدود اولند قد نصکر شاه ملک اصحابنه رجوع ایدوب اصحابی دخی
 الشیخ نورالدینک مصاحفه و تقبیل بدینه مسارعن ایدوب بکان بکان
 ملاقاتیله کامران اولد قد نصکر مابین جماعت شاه ملکده مانند
 فیل دمان مثال شیر زیان ارغوداق نام برکسینه یه نوبت کلنجه واروب
 وقت مصاحفه ده نورالدینک قبض ید و برالن دخی کردانه کبی کردنه بند

ایدوب بنجم بختن هبوطه تنزیل و کاردانه بدن خانه زیندن تحویل اینکله
استیصال و در حال قافله عدم ایصال ایندی بو خبر ملالت اثر دن
شاه رخ با خبر اولوب شاه ملک وادغوداقه دست رس اولدوقه سب
شاه ملک و ضربا رغوداق ایندی لکن ینته فائده مندا اولوب وصل
مقطوع و غرس مقلوع اولما مقله انجی بزمان چشم اعتبارد دور و بیفوله
نشیانده مجور ایدوب بعد ینه مضی ما مضی اولوب رضا یله مقابله و حسن
معامله اولندیلر الشیخ نورالدینک بومنوال اوزره طومار حیاتی
منطوی اولوب انجی خداداد متشیت اذبال عناد و سالک طریق عتق
و فساد اولدی قالدی قصور حالی فیما سیاتی ان شاء الله تعالی ثبت اثر
قلور فضل سلطان خلیل بلده ترمذ بنا سنه مبارکیت ایتدوکی پائنده
چنکیز فتنه انکیز ظهور دن بلده ترمذی خراب و عمارات عالیات منفق
غراب ایدوب تاریخ سال سنه عشر و ثمانیا یله ایلخ فرخ قال اولنجیه به دن
اول حال اوزره ایکن سنه مذکور نک ماه صفر المظفر دن سلطان
خلیل بلده مذکور نک مجددا بنا و عمارت مراد ایدوب الله دادی خدمت
مذکور به مامور و روسای جناده دن الیاس خوجه و ابن قماری منصور
و توکل علی قورا و دولت تیمور نام امرای بر مقدار عسکر ایلخ راهی ایدوب
عمارت مذکور نک بغیلن تا کید ایتدی مزبور لدخی علی جناح الاستیصال
و ادوب بلده مذکوره تنزیل احوال و جمع اجمار و اخشاب و طرف طرف
برج و بدن قلعه مابینده مقاسمه و تاسیس و تعمیر جدار و قتل و اسوری
حصه و رصد ایلخ ترک نیام و اکل طعامی حرا ایدوب بذل همت و صرف
مقدرت ایلخ اون بش کون تمامند اتمام و محله و حاره لرین بقیق و طرق
و اسواق تبیین و رفع اعلام و مساجد و جوامع و بنای بیوت و حمامات
و مجامع ایتدوکی نصکوه ولایت مذکوره دن رحلت ایدن اهالی ولایت

ند او وطن اصلیه لرینه رجعت صلا ایدوب جمله بشارت و رجعت ایلخ
بر لوب لر زدن نهضت و بلده مذکوره به غریبت ایدوب ماوی و منزلت
رجعت بر لوب متوطن و اسواق و دکا کین و رباط و حوانین لرین تجدید
و اسباب معاش و قوت لرین تجدید ایتدیلر بلده مذکور نک خرابی چنکیز
خان زماندن تیمور کویرکان ایا منه کلجه مستمر اولوب اهالی بلده
محل مذکور به برفریخ مسافه ده نهر چیمون دن دور بلده جدید انشا
و ناچار تازه منزل و ماوی ایتدیلر ایدی اما بلده عتیق خوش هوا
و تراکت و نصارت دن دل ربا اولوب نهر چیمون اوزره استوار و نهر
مذکور مصالح اقدام اسواری و مقله مجددا انشا اولنان بلده دن
احسن و اطیب و لمغین اهل بلد بالطوع و الاختیار نزول و سکنا سنه
رجعت ایدوب قال وجداله و ارجحه تراحم ایتدیلر و لکن الله داد منازعه
ملکت اولوب کسنه ری رجعت خاطر اتمدی انجی هر منزل و محله ابتدا
تسابق ایلخ وضع ید ایدن ذوالید اولوب آخری منازع و مدافع اولیه
دیو امرای تکله دفع نزاع اولوب هر کس حقنه راضی و نصیبی ایلخ مستکفی
اولدی بعد ذلک ادبای خرف نصیب کا دکاه بیع و شرا و حکم صنایع لرین
اجرایه مامور و ایلر یله خبازان و طبخا خان و قضا بان و سایر جا بجا
مکان لرین افراز و هر طایفه بر برندن امتیا ز ایلخ مایعه به مبارکیت ایدوب
بلد بقدری و نزاع فتح ابواب بیع و شرا اولوب انسان مدق الطبع اولمقله
هر کس ما یحنا جنه وصول ایلخ حال عسکری و بلدی منظم و قور و قور ^{منظم}
اولدی پس ازان الله داد دخی قواعد لازمه بلدی مقتضا سخته تمهید و
ضبط و ربط و حفظ و خراست مملکتی تجدید ایدوب جمع جنود و سرقند
طرفه رجوع ایتدی فصل شاه رخ سلطان خلیله تقلید ایتدوکی
بلده بیاننده در شاه رخ فعل حسن سلطان خلیل استماع اید بجه کنند

دخی غیرت پادشاهانه و حمیت ملوکانه ایدوب عسکر خراسانند بر مقدار
مردان کارگذار انتخاب و خدمت مذکور به مقدمه دمشق محصور
اولان جها لشاهک برادری مزداب نام امیرین مامور ایدوب اقصای
خراسانند ترمذ چغان ایلد ممالک خراسان بینند واقع حصن النود نام
قلعه بناسن فرمان ایتدی مزبور دخی قلم خراسانند مهند ساز دقیقه
شناس و معماران راست قیاس استحباب و محل مذکور و ایدوب
بنا و غماره بذل قدرت ایتدی بومابیند امیر مزداب ایلد الله داد ایل
احکام دوستی و رعایت قوانین آشتی ایدوب ارسال رسل و وسایل و تقدیم
هدایا ایلد متصافی و متواصل اولدی لر فصل اقلیم ایرانند حدوث ایلد
بعضی فن بیانند در سا بقا بغداد دارالسلامد سکر زن سلطنت
اولان سلطان احمدک توفیق ربانی دستگیر و رفیق اولوب قوه یوسف
ترکمانی مرافقیله عراق رجعت و زانو زن سر بر سلطنت اولوب قوه یوسف
قصد دما رجعتای بی امان و استخلاص بلاد اذربایجان ایلد عزیمت ایدوب
نصر من الله پیرایه اعلام اقبالی و فتح قریب طراز الویه اجلائی و لغین
امیرانشاهی استیصال و طویف جغتای افنا برله اذربایجانند مستند
نشین استقلال ولدی احسن الاجم یعنی اقلیم عراق عجم پر عمر پادشاه
مستقل ایکن اقباسندن اسکندر زهمام بدرای خروج و ذروه دعوی
عروج ایدوب مقاتله و مقابله ایلد پر عمری کرفقار فتراک بلاد عراق
عجم استیلا ایتد وکی صاحب هیرات شاه رخه متحدیش سامعرا تمکین
بجای غیرت کفانداز اضطراب و آتش غضبی شراره ریز التهاب اولوب قصد
اسکندر ایلد رفع لوای جلال و اقلیم عراق عجمی فرسوده سنابک الخیل
ابطال دجال ایدوب اسکندر مرقوم شواهد انتقامه شکا و طعمه کرکس
دمار و اولاد و اتباع بریشان وادی دبارا بتمکله اول اقلیم دخی بلاد

نقب و متصرف مسلم دست بصری ولدی پادشاه مشارالیهک ملکی
اوسط ممالک روی زمین اولوب اطرافند اولان سلاطیندن کمسنه
ملکده پادرازی و اطاله دست تعدی و عداوت و خصومه متصدی
اولیوب چهره سلطنتی کدورت اختلالدن عاری و دامن مملکتی کرد
کدورتدن خالی اولوب روزگاری راحت ایلد گذار ایتدی مشارالیه
فصیح الخطاب حسن الجواب مقبول الحركات مرغوب الشکات ممالک عجم
دعوی ملک و شایسته سلطنت اولان روی بودند اقدام سرزده قلم
اولدوغی و زده تیمور غدار آغشته دمار خاک ایدوب و لمقوله مدافع
و منازع اولما مغله اعدا مکبوت و اصدقا بشوت اولوب اراضی دولتی
بنات نبات امن ایلد زاهر و دروی سلطنتی فوز و فلاح برله ناضر
و عیون بهجت مراقبه و عرایس ملک مخاطبه مستند اولوب غریبه
نیزه فوادک عن سوانا و الفنا فحنا بنا حل لکل مشرزه
و انظر بحل طلیسم کتیر و صالینا من حل ذی الطلسم فاز یکتیره
بوندن اقدام زور بازوی تیمور ایلد طرف ما و راه التهر نقل اولنان
خلاق بلاد آفاق بالاتفاق متشئت و هر غریب آرزو ساز وطن و هر
غربت زده هوادار مسکن اولوب بعضیسی مازنا و بعضیسی حتما و بعضیسی محفیا
دامن کپر راه دخواه اولدی لر ابتدا اهل شامدن شهاب الدین احمد
الشهید الوزیر اجازت ایلد رحلت ایدوب بعد عربستان عجمی
عجمستان عراقی عراقه بریشان اولدی لر وینه بوایامده خطه سمرقنده
فخط و غلای سعاد واقع اولوب درهم و دینار دن انزان برنسنه
قالمدی بعد ذلك بلطف الله تعالی رفع شدت و محصولات و فرت بولوب
فرار ایدن فقر تحصیل امن ایلد مسکن لویه رجعت جیش غصه و الم مدبر
و جل عیش و عشرت مقبل اولوب عامه عالم نوازشدار شکران نعمت

مجموعه
یعنی فلکی غریب دن ایلد و بوی ماز اول
که خایه بر من زاهت طلب ایدن کسینه بر حالند
نیم و صالرت کتیری طلسمات حلقه نظر الیکه کتیریم
اول طلسمی کتیریه فایز اولور

خالق البرایا اولدیلر فصل بعض حوادث روزگار بسیارند در
سلطان خلیل سیفالذینک زوجه سی بانوی حرمسرای عفت شاد
ملك نام خانونی ادخال سر پرده اذد واجی ایدوب پنجه زماندن بروغم
وصاليله دكبر وفتراك عشق و محبتنه اسیرا یکن بروفق مرام در آغوش
دل مستهام ایتمکین میل کلی ايله جمله حواس و فکریں و جمیع عقل
و خاطرین مزبوره نك عشرت و صحبتنه مصروف و لبلا و نههارانظا
حسن و نضارتنه مشغوف اولوب قصه لری خسر و شیرین و مناقب یلی
و مجنون قصه لرندن افزون اولدی عربیه اعانیقها و النفس بقند
مشتوقه ایلها و هل بعد العناق تدانی و الهم فاهلکی نزول خرابی
فیشند ما اتقی من الهیما ن **کآن قواد ی کینس یهدی قراره**
سوی آن یری الوو جین تجتمعان مدلولنجه شدت عشق و محبت تزام
و غلبه سودای مفرط و متراک حاکمین بر مرتبه بر رسید ایتدی که بر برهن
واسع الذیل عریض الاردان تفصیل ایتدرب عربیه
أنا من أهوى ومن أهوى أنا نحن روحان حللنا بدننا
مدلولی ايله فیص مذکور ی لبس ايله جسم واحد و بدن متحد اولور لولاید
عربیه **اتما کانت بروچ نفخت مذبراها ربنا فی بدن**
سلطان خلیل نقده راین جمله صحبت زن مرقوم بر مصرف ایتد و کدن
غیری امور جمهور دیوانه و تدبیر و تدارک ملك سلطانیته بر دخی ادخال
ایله قبض و بسط و تعاطی مهام انا م تقدیم و غایت بلا هتدن ناشی مقایله
امور فحوی بر زن ناقصه العقله تسلیم ایتدی برین تقریب شاد مملکت
اخس ناس نادان و ناشناس ممش الطرف ممش الوجه قبح الصوره
مذموم السیر بابا ترمش نام برخادمی اولوب مخدومه سنک قوتیله
تکبیل اعتبار و نظر شاد مملکه معتبر صاحب وقار اولوب بلا تکلیف

محمول
معنی جمیع المذمومات
منه و شوق با فیکر ایا معانقده غیر
تعطیل و ادمد رلجین بوس ایدیم
حارتم نایل اولد اما حیرتم مشد اولور
قار کا هنی بلز آکی در فکرت جمیعندن غیری
بنی قار کا هی محبوبه بر اولقدرا کیلک
رفع اولقدرا

محمول
معنی جمیع و جمیع بنیم اکی روح این
ب بدنه طول ایشور
محمول
معنی سحانه و تعالی خلق ایتد و کندن
بر روح ایدیکه بدنه نفع اولدی

ممش الطرف
یعنی بشاق کوزلی

ممش الوجه
یعنی یوزنده بیاض انلی

حرم بادشاهی بر تر د بلكه سلطان خلیلدن زیاده محرر اولغله
اطناب خیمه ملك شاد ملك قواعد امرینه مشدود و آنك دخی
رشته عقل و تدبیری بابا ترمشك اوتاد مقصودینه معقودا و لغین
اسباب امر و نهیه و دخول محاکمات دیوانیه و اجرای احکام سلطانیته
تقدم بر لر عزل و نصبه و ارنجه عموما امور بادشاهی بر مداخله اید
ترقی درجه استدر ارج ايله دستور الممالك و متمد قواعد طریق و مسالك
اولوب شوکت سلطنت کند و سندن عبارت و ملك و ملك موقوف
اشاد فی اولغله الله داد و ارغون شاه مناخرو بابا ترمش متقدم
اولوب آنك رشته حکمی کسسته اما بونك تار ساز بد آهنگی هر
آینه بسته اولد و غندن غیری مزبورانی تحقیر بر له آداب مجلس منظور
اولیوب حضور لرند عدم مبالا تا ايله اطاله رجل ایدوب و قد و لرند
رعایت آداب قیام ایتیموب حتی طرف پادشا هیدن بابا ترمش حاضر
اولد قچه جزوی و کلی اموزه فیصل و برلما مک و حاضر اولرسه حضور
دك تاخیر اولمق با بندن تا کید اکید صد و راینکله بومرتبه حقارت
الله داد و ارغون شاه متعل اولیوب بابا ترمشك بومقوله تد رجندن
متضرر و عفاتیت حقای دخی تخرج زهراب عذاب ایدوب طیب فکری
بود ردك دوا سنده علیل و فلاطون تدبیر لری بوامرک تدارکند بر دلیل
اولغین ذهاب عیشه راضی و بابا ترمشك زوالله ساعی اولدیلر فصل
الله دادك خدا داده ارسال ایتد و کی مکتوب بیاتنه الله دادك آفتاب
اقبالی قول و اختر بجئی افق مخومنه نزول ایدوب انعکاس امرینه ساعی
واد بار دولته مستدعی من حقیر یتر الاخیه وقع فیه مدلولندك
مغفول اولغله خدا داده نامه خیانت رقم تحریر و قاصد جا بکسیر ايله
نصیر ایدوب صورت قصیه تلخیص و حضور قلب و صفای خاطر ایلر سندن

تو جهن نصیرج و تحریص ایتکین در حال خداداد جیش و جماعتیله نهضت
و دبت دبیب مورد و ما را نرا ایدوب و رایتانام موضیعه و صولی سلطان
خلیلک مسموعی اولجی و قاحتندن متعجب و شورشورندن متعوزا و لوق
الله داد و ارغون شاهی عساکر جرار و مردان میدان کیر و دار ایلده مقابلده
ور دیکدینه اسراع ایتد ردی مزبوران و اربوب مقابلده خداداده نزول و بلا
مجادله ترک مطلوب و مسئول ایدوب سلطان خلیله مکتوب دروغ
مصحوب ارسال و خدادادک و فریت و کثرت عساکر و صدای هیبت
و شوکت و و اورد اولان عسکرون عدم مبالان اشارت ایلده استعدادین
اعداد و طلب امداد ایتد یلر سلطان خلیل قصور جیوش و تهمه جنودی
تجهیز و ارسال ایتد کده آنکله دخی مکتفی اولیوب تکرار نامه خیانت خاهر
ارسال و خدادادک عتوفساد و عدوان قوم نمرد و عاذا و ذره اولدوغن
تحریر و بالتفس کند بکو کلد کجه بوبلای منزل مرفوع و بود اهیته دهیا مدفوع
اولمز زیر اجناب شهریارینک هیبتی زیاده و توقع بخت و طالعی مقام علاوه و
لوای دولتلی نصر و ظفر ایلده کشاده در دیو سلطان خلیل اعزا ابو نوحه
خروجنه دام بلا ایتد یلر بیت چون شود دشمن ملایم احتیاطه
از دست من مکرها در پرده دار و آب زیرگاه راه مدلولندن سلطان
خلیل مغفول اولوب قلب مطمئن و خاطر مستکین و امل فیض و نیت جمیع ایلده
فکر فردای سالب و عز و احتشامی جالب فته قلیله و شرذمه نبیله قرب جلال
و در توجمال ایلده لسان حال عربیه **بِهْ دِلَا لَا فَاَنْتَ اَهْلُ بَدْكََا وَ تَحْتَمُ**
فَاَلْحَسَنُ قَدْ اَعْطَاكَ نَادِرَه سِلَه مَرْتَمِ اُولَارِق سَكْرَ بُوَرَاوَن اِيَكِي تَارِيخْتَه
طرف عسکریه دیرانه روانه اولدی فصل خدادادک سلطان خلیله اولان
اکیدی بیاتند در خداداد جیلده معناد سلطان خلیلک آهسته رفتار
ایلده نلت و تنها سمرقنددن نهضت و طرف عسکریه عزیمت استماع ایدجی

محصول این کتاب
یعنی محمد بن حسن
در سن ۸۰۰ هجری
در شهر بغداد
تألیف شده است

الله داد ایلده اولان عساکری اشغال همچون فی الجمله نصب کادکاه ناورد
ایدوب احوال و احوال مقوله سن عسکریه مقابل و کزین لشکرین قفا سندن
تعبیه ایتد کد نکزه ابطال قتال و فحول دجالدن بر مقدار فته جاسره
و مردان غیر خایفه انتخاب و استصحاب ایدوب ملتخف ذیل لیل و راکب ظهور
خیل طریق معوجه دن فواد و جاده رخشان مطلوب اولوب عربیه
لَا تَلْقَ إِلَّا يَلِيلًا مِنْ تَوَاصِلِهِ قَالَتُمْسُ ثَمَامَةُ وَاللَّيْلُ قَوَادِجُ
لَيْلِهِ علی جناح الاستیصال سلطانیه قصبه سنه قریب منزله سلطان
خلیلی فجاء باصوب اخذ و قبضه اقدام ایدجی طرفیندن آتش جنگ
و ستیز ملتیب و دریای حرب و ضرب مضطرب اولوب سلطان خلیل
ایقان حلول بلا ایلده هر چند مقاتله قتال موت ایتدی ایسه فلت اجتا
و کثرت خصما ایلده چاره کرا اولوب لشکر خلیله عسکر خداداد میاستند
مانند کوسفند موقوده و مترقیه اولمغله حقیر و جیللری مقتول و صدیق
و خلیللری مخبول اولوب تسلیم امر ایتد یلر خداداد ظفر برله عسکر کا هنر
رجوع ایتدی فصل خداداد و سلطان خلیل ایلده اولان عهدی
بیاتند در خداداد سلطان خلیله ارسال رسول ایدوب فیما بعد
قصد بد ایلده طرف اذاسندن اولیوب و عین معیشتنه القای قذا
ایتمیوب قول و عمل ایلده خفا سندن و ظاهر و باطن خلافت و مکر
و جیلده طرفندن اولما مغه ایمان صادق و عهد و ائفه ایتد کد نکزه
الله داد و معاً اولان اجناد کند و بر تسلیم زمام انقیاد ایتد یلری
با بند سلطان خلیل طرفندن فرمان طالب اولدوغندن غیر
اطراف بلاده اطاره اجنه مراسلات ایدوب سلطان خلیله غالب
و سرپرست و ریبر جالب اولدوغن املا و هر کیم اطاعت ایدرسه رها
و سعاندلر پازده ستورفتنا و لاجفن انها ایتدی سلطان خلیل دخی

محصول این کتاب
یعنی محمد بن حسن
در سن ۸۰۰ هجری
در شهر بغداد
تألیف شده است

بوطریق او ذره باد رکل و ذورق املی بو کرداب بلادن خلاص صعب
 و مشکلی اولدوغن مقنن و مامن توهم ایتدوکی مکان کین دشمن
 اولدوغن معین ایتمکله جنک وجدال دن رفع دست هر نه و جراود
 حرکت ایدر سرب ی فایده و غدر دودان و مخالف انبای زمانی تحقق
 ایتمکله عربیه جزائیه عنّا الحیر من لیس بیتا ولا بیتة و ذولا
 نتعارف قسا سمانا خستفا ولا شفتا اذی من الناس لا
 من توذ و نالیف ناچار الله داد و رؤس اجناده نامه تحریر و خداداده
 متقاد اولمیرن تا کید ایتمکله آنلر دخی زبردست اولمیرله خداداد جلیر
 مستولی و امر سلطنته متولی اولوب غوایل دهر دن رماح رشقیه
 مستند و بواب عصر دن سیوف مهند یر متوسدا اولوب جنود مجند و اسود
 ترکستان و فهودا و رخنه مقام خدمتده قیام کورستور دیر اما بونلری
 اول طرفده ابقا و سایر عساکر ایل سمرقند طرفنه اماله کلام عزیمت ایدو
 الله داده عدم التفات و بیکانه حرکات کورستور مکله اولدخی بومعامله
 صفه سی مغبون و خاسر و بوبازارده تضییع سرماییه ایله مفلس مدبر
 اولدوغن ظاهر مشاهد ایدمجه ندامت ایله سخت قمار خسارت و سینه
 کوبان ملالت اولوب عز و جاه منسلب و فلک املی منقلب اولمفلک لعبت
 دهرک عدم وفا سینه پیرایه دست املی اولان درهم و دینار و زینبند
 قنای دوش اعتباری اولان عز و وقار مختطف مخالب ایدار اولدی
 فصل خدا داد سمرقند قدومنده ظهور ایدن فساد بیاندرد
 خدادادک معارج استدر ارجی عالی و بلاد و عبادیه فیرا مستولی اولمفلک
 سمرقند متوجه و بلا منازع سمرقند وصول و من غیر مدافع دخول
 ایتدکده محور قور و تغیر رسوم و تبدیل حال ملل و تخیل ایدوب رؤس
 اشها رده الله داد نام ولدینه یقین سلطنت ایتدکده نصکوه تفتیش

محصل است
 یعنی بزمه تعارف و تمیزی
 اولیان کسندون الله راهی
 اولسون زیر اجفای دوست
 کسندون و مودت ایتدو کسند
 کسندون کوردک

ط
او دکنج

خراین

خراین و بحث کجایا و دفاین و مکان ایله معادنه فایز و جواهر و نقره
 و طلایه حایز اولوب عربیه اتمّا الحیرا قاتنها کجایا منیم و آری پشاک
 الحی غیر نیشانهها مدلولیغه تغیر اوضاع و تبدیل طبع ایله دولت زاهر
 خلیلیه کان کوریکن اولدی فصل بو واقعه فاقعه نک خبری شاه رخ ابن
 بنوره و صولی بیاتند در بو خبر وحشت از شاه رخه باعث سوز جکرا و کون
 عیم غضب ایله مغرور و حرارت غیظ ایله محرو و متغیر متفکر متعسر محسّر
 عربیه لقد عزلت حتی بداین هزارها کلاها و حتی ساهما ککل
 مفلس نادره سبله متاوه منشوة اولوب اطراف و اکثافه رسل و رسایل
 پریشان و امر او زعما و وزرائک بوا امر مهمه استیجی اللین سرزده نول
 املا ایتدکده نصکوه شاه ملک اتصال سیر و تشایقده سبق عنان طیر
 ایدوب نظام مملکده ظهور ایدن اختلاک چاره سن تدارک و مامن
 و مسکن ملک و ملت و زود ایدن درنده و چرند نک دفع دفعه منها لک
 اولما سن تنیه ایتمکله اولدخی فی الحال مددده ماتند جبال عددده
 کالرمال عساکر ایل سمرقند طرفنه اماله کلام اجلال ایتدکن شاه رخ
 دخی عساکر جزار و جنود انجم شمار ایله تعاقب ایدوب شاطی حیون
 ملتقای بحرین عسکری اولدقد مثال غمام عام بر و بحر سایه انداز
 ظالم اولوب نهر مذکور ی برق خاطف کیی مرود و عبور ایتدکلری
 خیری خدا داده رهبت اقزای و زود اولدقد ذباب و کلابیله زیاب
 یزانیاب شاه رخه عدم مقاومتن مقرراتمکین و محلی ایله اکثر
 توابعی شاه رخ طرفنه میل ایدجکلرین دخی محقق بلکین تجیز مآربه
 مسارعت و تجهیز مطالبیه مبارزت ایدوب امکان طاقت و حوصله
 پذیر قدرتی اولور مرتبه نقل انتقال و تحمیل اموال ایدوب سلطان
 خلیل ایله قلعه اندکان طرفنه عزیمت والله داد وارغون شاه

محصل است
 یعنی خبر قدیمی و متداول
 اما کور و رسم سنک خاتون نلری
 غیر ایدوب و بایا تبدیل اولمشدر

محصل است
 قایل بیت ناکه و یا قصص اغتک بدجان
 وصف ایدوب دیرک اولقد زبون اولدیکه
 بوبره کی کورینوب هر مفلس بها و بری مشغری
 اولدی دولت تیور و بلک سمرقند خداداد
 کبی مغیر منتقل اولدوغنه تشبیه اولمشدر

و بایا ترمنشی سمرقند ده بند قلعه ایدوب و براه هریت اولدی خداداد
 بیداد سمرقند دن شارد و شاه رخ طرقدن دخی ضبط امور ایدر کسره
 وارد اولما مغله الله داد وارغون بشاه شاه رخ طرفه رجوع و خال استقامت
 وضع جبهه خضوع اینکه تحریک پای خاهش ایتد کلرند خواجه عبدالاول
 سدر اهلری اولوب و محافظه لرینه دیدن بانه لر یقین و بویا بد اکابر بلدا ایل
 مستغین اولوب قید و بند لرین تا کید ایتدی بوندن اقدام الله دادک
 خواجه عبدالاوله فعلا و قولا بعض وضع ناپسندید سنی اولوب
 مابیند شکر ایلری اولغله من یزوع الشوک لایحضد عینیا مدلولجه
 بشجره فعلتک بووچرا و ذره ثمره سن اجتنای ایتدی اول ایام خالیده خواجه
 عبدالاول تمهید ولایت و سیاست رعیت ایدوب شاه رخ قدومند
 الله داد و رفقا سنک قبض و ضبط لرند سعی بلیغ ایتدی فصل شاه
 رخک سمرقند و صولی بیاند در شاه رخ بخت سعید و رای سدید
 ایلر عزیمت ایدوب آفتاب طلعت بهتیه لری سواد سمرقند پر تواند از اجلال
 اولد قده اهل بلد استبشار ایلر استقبالیه مبارک دوت و رؤیه روی
 و رخسار لرینه تنویر ابصار قلوب مسارعت ایدوب ملاقات ایلر انواع سرور
 حایر و دست بوس بر لر اصناف امن و امانه فایز اولد کلرند هر برین
 ترحیب و تجلیل و مقام استحقاقه افتاد و تنزیل ایتدرد کد نصره زیارت
 پدیده کوشش و رعایت مراسم زیارت و تقدیم قواعد دعا و ضراعت اینکله
 شرایط عزیزی تجدید و روابط خدای مجدداً یقین و تجدید ایدوب اما پیرایه
 قنوقه اولان امتعه و اقمشه و قنادیل طلا و نقره و سایر مجمل و اسلحه
 خزینر سنه نقل ایتدی بعد ذلک الله داد وارغون شاه میدان سیاست
 تقدیم و دست جلادان بی امانه تسلیم اولوب انواع شکنجه و عذاب ایلر
 ابتدا استخلاص مال همچون سیاست لرند مبالغه اولوب بالآخر کشته

محمود بن ابی طالب
 بنو هاشم
 بنو عبدالمطلب

محمود استقام

محمود استقام و همراه قافله اقدام اولدی بایا ترمنش دخی گرفتار عذاب
 شدید و موثوق و ثاق حدید اولوب عفاریت چغنائی اندر مهمان ایکن
 بعض ایتامد دست موکلورده قضای حاجت همچون خلایه کیدر کن طریق بر
 حوض عربض و عیمقه واقع اولغین بر نوعله ایدای زبانه دن کندوسن
 استخلاص و حوضه بر تاب ایلر عذاب دنیا دن خلاص اولدی پس از ان
 شاد ملک احضار و انواع اهانت آزار ایلر عذاب گرفتار و شاعت فاضحه
 و عقوبت موجه ایلر تعذیب و هتک حرمت حرم محترم اولوب نازبالش
 ما هتایه استغنا و تحق آفتابه نازایدن نازیندن کمال ایتد ایلر استخلاص
 مال ایتد کلرند صکره شهره شهر ایتدیلر بعد ذلک شاه مشار ایلر ترتیب
 مراتب قادت و اباعد و تمهید رسومات و قواعد ایدوب بواختلال
 موجب الملال ایلر نجه لره ارتفاع صد و در ونجه لره انقصام ظهور واقع اولد
 نجه اکابر ذلیل و نجه اراذل جلیل اولدی فیضان الله من ملک لا یزول
 ولا یزال فصل خدادادک سلطان خلیله اظهار خلوصی بیاند در
 خداداد سلطان خلیل ایلر اندکانه دخول و اول ماکن صعبه عروقه حلول
 ایتد کلرند خداداد سلطان خلیل ایلر تجدید عهد و بعد ایوم شرک مکر
 و حیل مابیند ملفوفه و در وابط صدق و خلوص طوبه مألوفه و ملق اود
 تحقیق موافق ثابت و تا کید شروط راسخه ایدوب الله داد وارغون شاه
 نفاق و خیانت لرین سر رشته حکایه ایدوب اولقدرا نعام و احساند نصره
 کافر نعمت و مستحق نعمت اولوب حقوق پادشاهی بی فراموش و نایاب
 اولد قلمری عز و وقاره مجازات ستمدار ایتد کلرین یکان یکان ابراد ایلر کند
 خلوص اثبات ایتد کد نصره شهریار ایدوب یوسف منظور اولد و خلوص نیت
 و صفای سینه ایلر نه منوال و ذره معامله ایدرم غنیمت کد و راتر ذاهب
 و عیش اوله جالب محو جفا و ثبت وفا ایدوب بقیه عمر مستعداری سنگله

متصافی کچور و با و لکی غزنی ان شاء الله رد و تحصیل نشا طکه جهدا یدرم
دیونسلیم بخشای خاطر سلطان خلیل ولد قد نصکره بتحقیق عهد ایچون
اندکانه سلطان خلیل نامنه قرائت خطبه و ضرب سکه ایندردی
فصل خدادادک سلطان خلیل ایلر اولان عهدی و دار آخرته انتقالی
بیانند در خداداد سلطان خلیل ایلر عقد عهد و پیمان و بند عرو
الوثقای ایمان ایندکد نصکره طلب امداد ایلر طوایف مغول طرفه امانه
لکام عزیمت ایندی بوندن اقدام مفضل استوید و ترفیم اولند و غی و ذ
یتورک طوایف مذکور طرفه عزیمتی شهرت یافته آفاق اولدقه فر بود
عدم قدرت مقابله برله سلب قرار و تخلیه بلاد ایدوب الجای حصون
و نشینت اذبال جبال و کف مصون انمشلا ایکن تیمورک موتی خبری بشاد
رسان کوش هوشلری و لغین شاد باش ایلر تنادی و کبر و مسکن و مواد
ندانی برله اکثر قلاع و بقاع لرین استرداد ایدوب حتی خداداد ایلر مجاور
مکان ایتشلر ایدی بنا علیه طائفه مذکور دن استمداد امید یلر خدا
داد و ایدوب عرض نیاز و بویا یدر کند و سیله مشفقه الکله و متعه الهه
و الشکره و المهرین استمدعا یتدکده طائفه مذکور سلطان خلیل نام
و قاصدا صدادر و تطیب خاطرینه مشتمل کلمات خوش آینده و نکات پسندید
نخر بر ایندکد نندن غیر هدایای سنییه و تحفه فاخره بهیته از جمله قالب
عجیبه مسبک و ترکیب غریبه مصنوع منقش و مرصع بر کرسی طلا
کوند و ب عرض عبودیت ایتدیلر سلطان خلیل دخی قاصد لرین تحفیل
و تکریم ایدوب حسن حرکت ایلر مقابله و ملوکانه ادا ایلر معامله برله
پیشکش لرینک برینه اون مجازات ایلر عودت ایتدردی عربیه
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَ لَوْ كُنَّا لَمُتْنَا وَ الشُّرَاقِبُ مَا أَوْعَيْتَ مِنْ ذَاد
طایفه مذکور ایلر علی الدوام خلع مودت منسوجه و مقدمات

مجموعه دست
یعنی ابولک و خلیل
زمان کچور
بولور و شرفیجدر نقد مال دخی
مالک اولور سک

مخایب منجه

مخایب منجه اولغین تکرار خدادادی مأخوذ و مقبوض ایدوب سلطان
خلیل صورت حالی افاده و عرض خلوصی اعاده ایدوب خدادادک افعالن
و تبدل حال و خروج ملک و ماله سبب ولد و غن تقریر ایتدکد نصکره
حقن فرما نکرند راستیصالن یا خود ابقاسن فرمان بیور و سزا کا
کور عمل اولنه دیو اشارت ایتدیلر سلطان خلیل دخی نامه اصدار
و مفهومی مذبذبه مزبورک عدم مبالا ق و بکا اولان اهانن و غریبه خبا
بیلور سز بنی ملکدن اخراج و عرض بادشاهانه می تفریق ایدوب خانه
و خاندانندن تفریق و انواع جفا ایلر تحذیل و اصناف عقوبت ایلر تذلیل
ایتدی شمدی ایه حوادث زمان ایچون بنی سپر ایدوب هدف یترقضا
انک استرو علی کل حال اعداف لایتمعرف ایددی هر نه که صلاح حال
و مناسب احوال و لایق ملک و ملت و شایسته مصلحت در وجوده کتوره
دیو نخر بر اینمکله فی الحال خدادادی استیصال و سر مقطوعن درگاه
سلطان خلیل ایتدیلر فصل سلطان خلیل سمرقند
عودتی بیانند در سلطان خلیل بلده اندکان و حدود ترکستان
اولدقچه اشعار کبریه خیز و انشاء قصاید غصه آمیز ایدوب پی در پی سمرقند
ارسال و حالات غربت و لیالی سود کربنی ذکر و ایراد و دیارده یار ایلر مرور
ایدن آیامی مضامین خوش ادا و عبارت حزن افزا ایلر یاد ایدوب عیون
اخوانی جیمون و قلوب اجائی پر خون ایدردی بر قاج آیام اول طرفه نغو
ایلر مزاج عیشلری مختل و طبیعتن ملل حاصل انمکله تشمیر ذیل و ضم دل
و خیل ایدوب قصد عم اجمد یعنی طرف شاه رخه تحریک تا زیانه عزیمت
ایتدی چین وصول و اثنای ملاقات ده شاه رخ منزل سن تکریم و رعایت
مراسم تعظیم ایلر جواری و خدم و شاد ملک و سایر حرمن تسلیم ایدوب
رعایت خاطر ایلر تقید ایتدی بعد ذلک شاه رخ بلده سمرقندک قواعد

وقوانين تمهيد واركان ديوانيه ورسومات وتشديد ملكيه ايدوب
وما يحتاج عساكر وجنودى تقديم برله مفاليد حكومتن فرزند فروزن
اخترى الوغ بلك بد مؤيدنه تسليم وسلطان خليلي استصحاب ايله
خراسان طرفه دفع لواي اجلال ومقر سلطنتلرنيه اتصال بولدى بعد
ذلك ممالك رى حكومتن سلطان خليله توجيه ايله اول طرفه تهر ايتدى
لكن على ما نقل كويانيه شاه دخلت تد سبيله مسموماً بلده ريزه مستقل
محملة خاموشان ومنظر رحمت رحمان اولدى شاد ملك دخی خليلك
فرا قبله دفع ناله واغاره ناره توجه ايدوب بيت

نه كل اوليدى نه بلبل نه ابتلا مز اوليدى نه آشنا لى ايديدك نه آشنا مز اوليدى
ناده سيله سينه چاك آغشته خاك اولوب عربيه
كُنْتُ السَّوَادَ لِقُلَّتِي فَكُنْتُ لَكَ نَوَافِرَ مِنْ شَأْنٍ بَعْدَكَ فَلِمْتُ فَلَيْتَ كُنْتُ أَجَاذِ
مرتبه سيله فرمايدكان مسلوب العقل اولوب دفع عذاب فراق و تيريدى
احترق آرزو سيله تقليد عاشق صادق ودعوا سنده محق اولدوغلت
اشياى ايجون برخج سر تير راس فوادينه وضع واودرينه دوشوب شهيد
عشق اولغله زمره عشاقه واصل وقصه لري حكايه خسر وشيرينه مماثل اولق
لسان حالى دخی عربيه آجَارَتْنَا أَنَا غَرِيبَانِ هُمُ مَنَّا
وكل غريب للغريب سبب لامعه سيله حزن اورزند و مرده
اولدى بعد ذلك ممالك ما وراء النهر وخراسان و خوارزم و جرجان
وعراق عجم ومازندران وقندهار وكرمان وجميع حدود عجم ادر بجان
حدودينه وارجنه شاه رخه مسلم اولوب مصطفى مرحوم بوتار بخت يعنى
سنه اربعين وثمانمائه يمور واولادينك دفاتر ماثر لرى نور دين و شير
منزله تمامه رسيد اينشدر نسل الله حسن العاقبه والمن بالعاقبه
فصل يمورن شكل و هيئتى بيانده در طويل النجاد رفيع العاد بقيقه

محمول است
بمعنى ملك ديم ايدوب
اورس اولسون انجى سلك اورس
خون ايدوبم

محمول است
بمعنى غريب
غريب لغريب
غريب لغريب

لحم النخاع
بمعنى لحم النخاع

عالمه صاحب قامت شاهقه عظيم الجهر كبير داس شديده القوة
والباس عجيب الكون ابيض اللون حرم به مشرب هيبته مجلب عريض
الاكتاف فخيم الاطراف غليظ الاصابع قوي الاكارع مستكمل البنية مسترسل
الحية اشل اليمين براق العين جهر الصوت ناهراس موت سن ثمانينه واصل
مع ذلك مصارع اماثل متماسك الاعضا ما تند جرح صماد شمن مزاج
وكذب مستعمل هو ولعب صدق محب كذب بدى مجتنب اولوب ماضى به مشاف
مستقبله مستوف اولمز ايدى نقش خاتمي راستى رستى يعنى صاد وايست
بجات بولورسن ونقش سكه و تمغاي دواي ٥٥ بوصودنه اوج حلقه
مدقنه اولوب مجلس صحبت ونادى عشرتند كلام هذله وبذله و غشيتا
ومسخرات وسفك و هتك ونهب و غارت وكسر حرم و ذكر حرم و ناهرم
ايندر ميوب مقدم وشجاع مهيب ومطاع ابطال دجاله مفتاح اقبال
اموال واسود حربه آلت هدم قلل و جبال ايدى ممالك افكار مصيبه صاب
فراست عجيبه مظهر سعد قايق مصدر طالع موافق صدق له ناطق امر
ونهينده صادق عربيه فكم قد حث راؤه دند فتنه حخته لى
الباساء واودش قبايلا عجاج و تجاج لمحبه عارف رمز كاشف تلبيس
وندليس مدلسه مشرف سليم العقل والنها محق ومبطله دانا اولوب
اجراى امر ونهينه مصر و رجوع امر دن مفرايدى و حركات وسكانت
دكاكت رايه غرمت ايتوب عربيه اذا قال قولا او اشار ايشارة
ترى امره في ذاك كالتصق فاطمنا السنه منشيان ذاكه وزبان خطباى
صافعه ده باسط بساط الدوله والرفعه صاحب قران اقاليم السبعه قهرمان
الماء والطين قايد الملوك والسلاطين ايله تليق اولوز ايدى فصل
نفاذن روايتد كه قاضى القضاة مصر قاهر ولي الدين ابن خلدون
لما لى موزع نارنج عجيب و ابراد كرده طرز غريب اولوب دفعه شامده

محمول است
بمعنى محمود
انما اول فتنه ضرر و فتنه كند وى حايث
ايدوب قبايلى ايدى

محمول است
بمعنى محمود
نقش فاطم عبي كور و دسن امينى

بدیعه و حرکات عجیبه کردن استنباط ایلد سزى جمله یر تفوق ایتدم
 دیور دجواب اتمکین تیمور بو خوش آمدیدن دخی مسرور اولوب جماعتنه
 قاضی امامد رکند ویر اقتدا ایدک دیوتنبیه ایتدی بعد تیمور فتح کلزم
 و بسط مرام ایدوب کند و وقوف و علن اعلام اچون قاضینک بلد و قوا
 و قصباشندن واقع اولان حالات سلف و خلف و تبدیل دول عرب
 و مالک اولد قلری ساز و سلب و اخبار خلایق و مسالک و طرائق حتی
 قاضینک اهل و عیال و اطفال و علایقن کالمشاهد نقل و تقریر اتمکین
 قاضی مبهوت و منفکر و غریب بجه تحیر اولدی پس ازان قاضی قاهره یر حجت
 و کتب و اولاد و اهل و عیال نقل ایلد تیمور ملحق اولق شریفله ما ذونا
 آرزوی ماوی ایلد دفع پا ایدوب صفد طرفه اماله لکام اهتمام و دفع
 دغدغه و آلام و واصل سر منزل مرافرا و لدی **فصل** تیمور و حجت
 علمای اعلام و مقرب سادات کرام و معزز فضلاء لازم الاحترام اولون
 هر برین منزل سنده تنزیل و استحقاقنه مناسب تمجیل و هیبت ایلد همزوج
 انبساط و مصاحبت و انصاف ایلد مخلوط حشمت و عظمت ایلد بحالست
 ایدوب آب ناب احسان سحاب صاعقه بارقه برندن مندرج نفوذ لطفن
 صق عنفندن مندمج ایدرایدی هر کار و صنعتده صاحب وقوف اهل حرف
 و مکتبلر ایلد معامله معروف ایدوب منزل خود یرهوده کومسخره و مضحکه
 مانع و مبین و حکما و طبایه جامع لعب شطرنجه ملازم اما شطرنج
 صغیر تنزل ایتوب اکثر کبیر مقید ایدی رفته شطرنج کبیر طولا و اون بر
 خانه و عرضا و اون خانه اولوب زوایدی جملین و ذرافتین و طلیعتین و ذبنا
 اولوب کبیر نسبة صغیر لایشتی اولغله اکثر لعب کبیر تعید ایدرایدی
 حینقا مصنف مرحوم زوایدک حرکتلری نه طریق اوزره اولد و غنلت
 بیانندن غفلت غشله و الاشطرنج کبیرک بساطی یقین و ملاعبه سی دخی

تنبین اولنق ممکن ایدی تیمور تتبع تواریخ و قصص انبیا علیهم السلام
 و سیر ملوک و اخبار سلف ایدوب سفر و حضروه مطالعه دن خالی
 اولما معین نکوار ایلد بر مرتبه ضبط عبارت ایتمشیدیکه نقل و قرائت
 برکسندن خبط واقع اولور سه رده غلط ایدردی لکن اخی اولوب لغت
 فارسی و لسان مغول و زبان ترکی دان و فی الجمله فارسی خوان اولوب اما
 کتابت و عربیه ده بالکلیه نادان ایدی رعاید قواعد چکنیزیه ایتکله
 و جغتای و اهل دشت و خطا و ترکستان جمله اول قاعده بی رعایت
 ایدوب شریعت غرای محمدیه یر تقدیم ایتلر یله الشیخ حافظ الدین
 محمد البزاری علیه الرحمه و مولانا الشیخ علاء الدین محمد البخاری قدس
 سره و علمای اعلام مدن بعضیلر تیمور و قاعد چکنیزیه شریعت
 اسلامیته یر تفوق ایدنلرک کفرینه حکم ایتدیلر نقلد شاه رخ اول
 قاعد باطله فی شیخ ایدوب سیاست بلد و حکومت انا حی جداول
 شریعت اسلامیته اوزره اجرا ایتدی لکن طوایف مذکور اول داب
 عاطلی مله صریحه و معتقدات صحیحه عدا ایدوب بر مرتبه اصرار ایلد عادت
 اولمشیدیکه منعلری عدیم الاحتمال ددیو مصنف مرحوم انکار اتمشدر
 فصل تیمور مغرور ند بیرنر بعد المغرور فکرنر عمیق القهر مستولی اولدوغی
 مما لکدن قلع نوامیس و ممالک آخرده اقامه جوامیس ایدوب جاسوسلری
 دخی مابین امیر و فقیر و متسبب و ناجر و پهلوان فاجر و کشیکیر شربر
 و مکدی و صنایعی و مہم طبایعی و قلندری قوال و حیدری جوال و بحری
 ستیاح و بری ستیاح و سقای ظریف و عیار عریف و زنان دلالة و خدائ
 محاله و مجربان امور و سال خرده کان دهورا اولوب زمره صوفیه سمصانیه
 مانند اطلامیس قاهره مغروره و مسعود اچای دمشق شامند و هر بر
 ملککنر بر مقوله جناس و جناسی اولوب بونلرک اخبار و نثر بر ایتله

بودن نوامیس تمام
 و تماملر معنا سند در

مقام مکر و احتیال و بالغ برج کمال اولوب لطایف جیل ایلد آب و آنته
تالیف و هدایت و ضلالت و توفیق و یروب جیل و کیده سا سان و بازید
عابق و حکمت و جدال و ابن سینا به فایق ادب اب منطق یونانی مفهم و حکمای
عصر و دهری ملزم اولوب عکس قضایا ایلد جمع متافیکتی و تالیف
متعاندین ایدردی مزبور لرحوادث اطراف و اخبار اکثاف بقوده مختبر
و آنها و کورد کلوی و بلد و کلوی آثار و اشعار و اوضاع کبار و صفات
املا ایلد منازل و امصار و بلاد و جهات اقطار و بیوت و حارات
وقر و قصبات و طرائق و مضایق و اذقه و اسواق و سمرات ذاق
و شرایع و مشوارع و مفاوز و مهمامه و براری و معالیه و القاب منازل
و فراسخ مراخل اهالی و اکابر و اعیان و اصاغر و امر اکبر و فضلا
و شرفا و اغنیاء و فقرانک هر برین اسم و دشمن و خرفت و سبب و شهرت
و نسب و لقب و کسب علی التفصیل تصویر و تقریر ایدوب سر زده سر ز
اقدام و بی دینی فاده و اعلام ایدر لرایدی بو تقریر ایلد تمور هر مملکت
جزوی و کلی ظاهر و باطن احوالندن خبردار اولوب بر ولایت تازده دخول
یا خود بر غریبه وصول و تفحص حال و تجسس احوال ایدوب فلان و فلان
نه کارده در و فلان و فلان نه حالده در فلانک فلان ایلد اولان
دعواسی نه منتهی و واقعه فلان نه منجر اولدی دیو سوال تمکله
مستمع اولانلر مبهوت اولوب بواسطه وضع و حرکت کرامت یا صفا
و سواس خناس اولدوغنه حل ایدر لرایدی و بعضی یا مدد مجلس فضایل
مسئله غریبه القا ایلد مباحث عجیبه و حل مشکلات غریبه ایدوب
اکثر ناس عالم و فاضل یا خدمت علما و فاضل ایتش قیاس ایدر لردی
فصل مزبور صاحب فراست قوی و مالک بصیرت جیل
اولوب سبواسه تنزل احوال شدت و باس ایتد و کده مرده عسکرین

کاد احصاره تحریص ایدوب اون سکر کونده بو قلمه نک تسخیری میسر اولور
دیو حکم ایتدی اتفاق لیله ثمانیه عشرده مفاطم فتح تسلیم دست فوجی
اولوب قوت استند راجی جا یکیر ضعیف کیر و صغیر اولدی بو وضع بدیع اوزده
اول اعرج مستند رج صاحب مطالعات و مستنبط حالات اولوب کاهی
بر مملکت دفعه مبطن و جلبد معطن و کاهی بر اهری ظاهر ايراد و باطن اعکس
مراد ایدردی فصل مشا و ده و مطالعه تمور بیاینده در غزب و دهر بر
ساحه قومه نزول ایتد کده اخفای مقصد و تعمیر مرصد ایدوب قصد ابهام
و طلب توریه و ابهام و تجسس حال عسکر و تفحص مافی الضمیر لشکر ایدوب
بروغ عین ذی العیندن مستور اولدوغی کبی ظاهر و باطن غریب و قریب
کند ویر محبوب دکل ایدی بنا بران اراده سفر و بر طرفی پامال ستر خطیب و خط
انک مراد ایتد کجه ارکان دولت و اعیان مملکت امرای دیشید و اصحاب رای
سدید دعوت و والد ولدینه محل و مولود والدینه بدل اولماق اوزده بسط
بساط مشاره و اظهار امور خفیه ایدوب هر بری اطلاق عنان کلام و هر
کس نقل معلوم طبق نقله تقدیمه اهتمام ایتسونکه هر کیم حضیض خطایه لغزیه
بای نزول و یا اوج صوابه پرکشای وصول و لورایسه صواب و خطا ده معلوم
و کلام رطب و یا بسد مذموم اولوب خطایسه مسامحه صوابایسه
احسان ایلد معامله اولور دیو خطاب و مستطیر جواب و لغین هر کس
علی قدر الطاقه حسن مشا و ده پیر پر خرد و خدام حواس اشغال و حل امور
ناخن افکارین اعمال و تشجید اذهان و تنقید نقود فایده و زیان ایدوب اتفاق
ارالری بر محمل متفق اولنج معروض انها به تقدیم ایدر لرایدی تمور اصفا
ورد و قبول ایلد تفوه و تفرش ایتوب دفع مجلس ایدردی بعد ذلک
ندیم و اصحاب قدیم ما شد سلیمان شاه و قاری و سیف الدین و الله
داد و شاه ملک و الشیخ نور الدینی دعوت و قضیه معهوده بحث تجدید

بروغ
یعنی ظهور

ودامن عصمتنه اطاله دست ایتمک سیاه و شرافت سیاه عاجز
 اولوب برنوعلمه مقاتله به سبیل وحوالسنده مبیت و مقبل و الماقله
 دروننده اولان مستحفظین شرومه قلیله ایکن ینه طایفه غیر خایفه
 اولوب قلعہ لرینه استظما رایله مقابله و مقاتله به قرار و پروت عسکر
 تیمورایسه دورادور مهاوشه و مسافه بعید دن مناوشه به الحق
 قادر اولوب یومیه هزاران دزد مند مانند کوسفند مذبح منای
 منایاده قربان اولورکن تیمور عمر مندن رجوعه جزم و حل حرام حزم
 ایتموب نصب کارگاه دزمد اصرار و دمیدم عسکری طایفه سن
 مخربص بیکار ایتمکین بومما ما آبکش بحاب فراغ سجال آبایدوب
 باران بی پایان و سیول دریا خروش سیلان ایتمکین بالنفس سوار
 و رخش ران کادزار اولوب دوستای عسکر و دعای لشکری دعوت
 برله اعصاب عرضلرین تفرین وادیم ناموسلرین تمزین ایدوب شور
 خیشوم خشمی اضطرام و سوراخ دهاندن اطلاق عفاریت دشنام
 ایله بالنام واکله حرام نعمته اقبال و دشمندن اهل ایدر سوزانته
 تعالی نعمتی سزم و بال و احسان غی خبیت و نکال ایتسون اصحاب الذم
 و کافرا لنعم و ساقط الهمم و مستوجبا لنقم اولاسز اقدام اقدام
 ایله رقاب ملوک و وضع با واجتیه اهتمام ایله آفاق جهانیه استیلا و حرام
 سولتم ایله فتح مغلقات فتوح و حصصا همتم ایله منزهات اقالیم سزم
 مفتوح اولوب دولتمده مغرب و مشرقه مالک و غرتمده ضبط طرق
 و مسالک و کرمیت عزیمت ایله دنیا نیک بیخودین اذابه و عمارتن خرابه
 ایتمدیکرمی عربیه اهل الک نارا اسططیه اعدوکم و جزا لئلا یلجائکم
 من وراثتها و یاسط خیر منکم یمینیه و قایض شر عنکم یشمالیک
 بومقوله تمهم و تنغم و نهذتم و تبرطم ایله جمله بی هدف سهام

افراط
یعنی کوپہ لری

و دامن عصمت

[illegible]

دشنام ایتمکله هر بری سر فرو ورد جوابه تک و پویه قادرا و محبوب
خطابه سکوت ایله جواب و برملرله نهودین از دیاد و غضبه اشتداد
و دست یسار ایله سل سیف ایدوب بطونلرین قواب و خونلرین مشرب
ذیابا تمکه اقدام ایتدی آنلرایسه کمال شرمسار ایله انکسار و ذل نفوس
و نکس رؤس کوسور ملرله نیمورا مرینه مقبل و مدبر کور محکمه تماسک
غضب و ترک غیظ و عتب ایدوب اغما دسیف مسلول و مرکبندن
نزول ایله شطرنج طلب ایتدی مابین امراده محمد فاجین نام امیر
مکرم و اکثر و زرادن مقدم مسموع القول مهیب القول صبیح القوره
میلح السیر یمورک بر ندیم قدیمی و لغین اکابر عسکر مزبوره النجا و بو
مشکلات حلنده شفاعت استدعا و ادنا لفظ و معنا ایله تربیه لرین
رجا ایدوب *فَسَاءَ عَيْدٍ جَاهِلُكَ مَنْ يَأْتِيكَ مُتَّقِرًا فَالْجُودُ بِالْجَاهِ قَوْلُ الْبُورِ*
بِالْمَالِ وَأَهْوَى مَا يَقْبِضُ الصَّدِيقُ صَدِيقُهُ مِنَ الْهَيْتِ الْمِسُورِ أَنْ يَنْكَلِمَا
مدلولنجه کلمه مرطوبه و تربیه مرغوبه لرین نیازا تملرله مسؤلرین
قبول و یموری بوال التزامدن رد ایتکه و عدا ایدوب مترقب وقت مقاوله
و مترصد فرصت مکالمه اولدی تیمورایسه احصار قلعه ده مصر و مقام
خصامده مستقر تحریر عسکر و سوق لشکره اقدام و امر فحجه اهتمام
اوزره ایکن بعض احیانده محمد فاجین وقت فرصت قیاسیله نوازل
بلایه محط و کزاک قضایه مقط اولوب تیموره اطال الله بقاء مولانا
الامیر معنا سیله دعا و بوجه اوزره عرض مافی الضمیر ایتدی بکه
اصحاب بخند و منعه پامال سئور فتور اولد قد نصکره فتح قلعه اولد
تقدیرجه ایزادی مصرفنه مقابل و نفی ضررینه معادل اولد و می
دبد کده تیمور قطعا رد جواب ایتوب در حال قیبح المنظر عرقندن لعل
کلبا طهر مطبخدن او سبخ مسلخدن اسبخ عصاره قیر و بینه نسبت

موصول بقوله
فَسَاءَ عَيْدٍ جَاهِلُكَ
مَنْ يَأْتِيكَ مُتَّقِرًا
فَالْجُودُ بِالْجَاهِ
قَوْلُ الْبُورِ
بِالْمَالِ وَأَهْوَى
مَا يَقْبِضُ الصَّدِيقُ
صَدِيقُهُ مِنَ الْهَيْتِ
الْمِسُورِ أَنْ يَنْكَلِمَا

ایله حلیب و تباشر هر املک نام بر شخص نام شخصی دعوت ایدوب محمد فاجین
اثواب انتزاع و هر املکه اختراع و هر املک خلق و سلین محمد خلعت غضب
ایدوب عزیز و متعلق خدم و حشم و مباحثان امور متحرک و ثابت و ضابطان
ناطق و صامت و کتاب و تحاب و اموال نامیه و جامده و ملک و عقار و اهل
و دیار و اوقاف و اقطاع و بسا این ضیاع و ممالیک و اتباع و خیل و جمال و ثقل
و احوال و استروا و شتر حتی ذوات و سراری و عبید و جواری سنه و ابخر غضب
ارام و هر املکه انعام ایدوب محمدی فقر خاص و عام ایتدکن غیر آیات بینات و طاق
ارض و سموات و هر نی و معجزات و هر ولی و کرامات و کند و سر و صفاته قسم ایتدی بکه
هر کیم محمد ایدوب موکله یا مشاربه یا مصاحبه یا مصادقه یا مخالطه یا مجالسه باشا
بکا مراجعت یا ابراد معذرت ایدر سه کند و سن زیروز و بوندن بدتر ایدرم دیون
محمدی زجر ایله طرد ایتکه مسلوب النعمه مصحوب النعمه نعمتی اقل قلیل و دولت و شوکتی
اذ لذل لولوب داد و دیارندن دور و احباب و احبابندن مجبور و زهر غم ایله تلخ
کام و ذوایای هجرده نامراد و ناکام و معذب الابرار و مغله مراد موفی اختیار و وود
اجلی استبشار و هر خضر بوحیف ایله مضروب سیف و لغه راضی اولدی موت یمورده
حالی بو منوال اوزره مستمر اولوب بعد سلطان خلیل جالنه مرحمت برله مال و منال
و اهل و عیال و منزل و ما و اسیر دایله مجدد الحیا و کالاول بقا ایتدی فصل یمورده
هیبت و مخوفی بیا تدر ملوک اطراف و سلاطین اکثاف مانند ملک ممالک شروان
الشیخ ابراهیم و خواجه علی بن مؤید الطوسی و پادشاه خراسان و اسفندیارد و می
و ابن قزمان و ملوک فارس و ادیجان و ملوک دشت و خطا و ترکستان و امرای
بدخشان و میر میران مازندران و پادشاهان ایران و توران خطبه و سکه زنند
مستقل و زعامت و ریاستلرند مستجمل و امور ایالت و سیاستلرند مستکمل
ایکن بارگاه یمورده قدوم ایتدی بکه هدایای سنیه و تحفه بیه ایله عرض عبودیت
ایدر لرایدی و باب خدمتند منتظر نظر عنایت و ملاقات یموره و رود ایتدی بکه

سرا دقات باد کاهن مذبح صفر مسافره توقف ايله رعایت مشروط
تکلف ایدوب منتظر از دخول اولودلرایدی تیمور برین مراد ایتدیکه خدامدن
بری واروب یا فلان یا فلان دیوند ایتدیکه مطلوب اولان کسسه فی الحال
قیامه سرعت و لبتیک و لبتیک کویان دعوت اجابت و پای جردی ذیل
سرعتیله متعذر اولادق حضوره وارد قد چهره سای خاک خضوع و بوسه
چین بساط خشوع اولوب تذلل ايله اصفا یقول واستغفار موصول ايله
رجعت ایدوب بوقدرجه التفات ملاقات ايله امثال و اقارنه مباهات
ایدر لودی **فصل** بعضی نوابغ تیمور یوما مالعب خرد ایدر کن
نقش کمینند مناقشه و مناظره لری واقع اولوب بری اثبات دعویسته
وسيلة ايله سر تیمور یمین ایتکی خصلی غضبناک و چهره سن بر
طباخه حیدری ايله دشمنان ایدوب یا این فاعل و خلفا سافل محذره
خداک و جبهه جهدک لایق مداس امیر تیمور دکل ایکن تابو مرنبه هتک
برده حرمت و تلویط بساط سلطنت ایدر سنگه اسم و راسن لسیه دهها
آلوب ملوث ایدر سن امیر تیمورک اسامی و القاب و اعضا و اعصایانند
اجل و اعلا در که بنم و سنک کبیر آن لسانه آله اولملوک مشادق و مفاد
و اصحاب جاه و مناصبدن اقدم و یکسر و کیکاوس و فراسیاب و سیاه و شد
اکرم و بخت نصر و شداددن ائندردیو خصمی توبیح و لودر ایتدی **فصل**
وقتا تیمور قصد شکار ايله صحرانورد اولوب یمین و یسار و جنوب شمال
اهالیسی سوق سید ایتلرین تنبیه ایتدیکه اجناس اجناد و جمله حفاة و مشاة
صحران اطواد و اول طرفلرده اولان رعایا و بریا غنی و فقیر و کبیر و صغیری
سرجله جهادی و براری و کوهساز و پیشه زاردن سوق سباع و جمع و
وضباع ایدوب پیشگاه تیمور ایراد و ذایر بنداصطیاد اولغله صفوف
اخراب مانند بنیان مرصوص و هرطایفه بر طرفک سدیته مخصوص اولوب

متعذر
یعنی سوزجه

مانند

مانند هاله مدوره محیط قرا اولد قلندر حیوانات مجموعه موج در موج
متلاطم فوج در فوج متراکم متعذر و متکسر متضیق و متعسر این و چنین ايله
مضطرب نازه ناله ايله مله تب ایکن ضرب طبول و نضوت فرامی رودق
کوس و زعق نفیر و انواع شهباق و ذقیر ايله وادی متزلزل و اصوات
صامت و ناطق متبیل قوایم قوتلری مرتبط و قوای قدرتلی ساقط اولوق
تلاطم و تقارب طناطخ و تضارب ايله نور متعاقب شیراجم و ذیب متضاح
غنم و سر جان مختلط غزالان و ثعلب مستحیر ادنت و عقاب غرای ملاحه و
یربوع کثام ضعیفی معاذ ایدوب مضطرب ایکن تیمور کند و اولاد و احفادی
وامرا و وزرائک ولید و تلید لری اصطیاده میا شربت ایتلرین امر ایتدیکه
مانند عقبان عقاب و بلای آسمان کبی نزول و امر شکار شروع ایدوب
هر بری بر حیوان ايله متدافع و متقارع و متکافح و متضارع اولدق صیبا
شتاب و حیواناتک اضطر ایلرین تیمور مشاهده ایدوب تیمور قهقهه ايله
خند و شکار لری تشجیع و تاخیر ایدلری سر زشت ايله تقریب ایدوب
عربیته صید الملوك آرتب و تغالب و اذا رکبت فصیدی الغزالان
مغرا بجه مترنم اولور دی **فصل** معادن خراسان و لعل بدخشان و متاع
هند و الماس سند و لالی هر مز و قطیف و انواع اقمشه لطیف و غیره سادام
مشک خطا و فضه و ذهب مصفا ی در پی طرف بلاد و اقطار ارضند زینشکا
تیمور تقدیم و خزینه لویه مکمل تسلیم اولور دی فرود سمرقنده انشاء
بساتین عذیده و دفع قصور شاخه و مفیده ایدوب هر برین ترتیب عجیب
و وضع غریب ايله تاسیس و انواع زخارف و رخا ايله تزیین و ترصیص
ایتدیکه نضکره اشجار زاهر و نخل فاخره غرس ایدوب برین باغ ادر و برین
زینت دنیا و برین بستان شمال و برین جنت العلیا ايله تسمیه ایدوب
صحایف بنیا نلرین نقوش رنگارنگ و مانند مانی و اژدرنگ نقاشان

زعق
یعنی صوت
شهباق الحار آخر صوت
متبیل خلط السن

ولید یعنی ولد
تلمیه یعنی مولودی عجم و لایبی
اولوب عربی نشو و نما اولان دیر

مجموعه
یعنی یادنا املک شکار ایدلرین
و در کتب و تفاتی بنده شکار ایدلر

چین و صور تکران فرنگ مجاهد سیله مجالس ملوک و سلاطین و محافل
سادات و علما و ثواب و اساطین و نوادی امر و وزرا و اولاد و احفاد و
معسکریون و آلائی اجناد و بعض وجوه ضاحکه و اشکال صور عابسه
و شکارگاه و کینکاه و خدم و خشم و وقایع هند و سفر سست و انکسار
عسکر و نصرت لشکر و بنم شراب ناب و کردش سقات دل یاب و جنت روم
و عجم و فتوحات مؤخر و مقدم و وقایع دشت و ترکستان و استخیر بلاد
ادریجان و ارباب اصوات و اصحاب نعمات حتی حرم و خوانین و جواری و سرای
و ارجه تصویر و هر کورد و کین و بلد و کین نقش آید و مرب بومقوله لایقین
و لایقینی اشیا ایله تزین و بوشکل لایقین نقوش ایله تحسین آید و دی تیمو
سمرقند و نهمضت و برطرفه اماله لکام و غریمت آید و ب بلد مذکوره
و مرده عسکر و شیاطین لشکر نندن خالیه اولدجه اهل بلد باغات مذکوره
خروج و تفرج کنان عیش و عشرت و غرق و عروشدن امن و امان ایله بنم
بسته مجالست اولوب نعمات و جذایته و صحبت روحانیه ایله تناول فواکه
طیبه و تنقل نقل اثمار و غریبه آید و برایدی برین تقریب بلد مذکوره ده
فواکه بر مرتبه اوزان و سبیل اولدیکه میوه لذیذ نک قطاری بیع و شراده
بر حقه تقریر مساوی و ملز اولدی بوندن ما عدا ضواحی سمرقند و قرای
کبیر السواد و قصبات عظیم البنیاد انشا ایدوب نام اکبر بلدان مانند
دمشق و بغداد و مصر و سلطانیه و شیراز ایله بنام آید و بوندن غیر
طریق یکشدن واقع سحراده بر حد یقه و اسعه بنا و انشا و تحت قراجا ایله
مستما آید و نقلد که باغ مذکوره فعله دن برینک ملواری ضایع اولون
اول چاکا هده دعی و خواهشی و زره کردش و گذارش ایدوب آلتی آی
تمامند الحق صید و در قید اولدی فصل تیمورت زوجاتی بیاندن در
اکبر زوجاتی ملکه کبری اولوب جمله دن اقدم و اکمل و ثانیه ملکه صفرا جمله دن

بوندن دخی اتین تصویر آید و دی تیمو
و منقوش لک سلطان شهبان ایلدیم بانی
نامه سنک و کینکاه و غریمت آید و کین
مناقب الحق مصنف موم بونقید و کین
غفلت ایلدی غریبه

حسن و اجل اولوب ایکسی دخی بنات ملوک ممالک خطا ایدی ثالثه تومان
بنت امیر موسی امیر بخشب رابعه حلبان نام کومر کالبد در عند الکمال
و مانند شمس قبل الزوال اولوب مزبوره دن کذب یا صدقا ظنا یا یقینا
بعض مساوی نقل و لنفین غضب تیموری پیر دوچار و علف شیر شمشیر
بتا و اولدی سراری و جواری حرم سرالوی لایقند و لایقینی اولوب ملکه
کبرا و صفرا دن سلطان خلیله اصابت ضرر اولور و ملاحظه سینه شاد
ملکک تد سیس و شیمی ایله رختکش دار آخرت اولدی و تومانی سلطان
خلیل الشیخ نورالدینه ارسال آید و کین بوندن اقدم سر زده قلم و لهند
مزبوره بعد سمرقند کلوب تاریخ سنه اربعین و ثمانیه ده دلالت
بد رفه توفیق ایله عزیمت حج بیت الله عتیق آید و فصل تیمورت اولادی
بیاندن در مزبور جسر عدم عبورده امیرانشاه و شاه رخ یکی فرزنددی
قالوب اما امیرانشاه قره یوسفک سعی ایله صحرای عدم وضع قدم آید
اما شاه رخ مصطفی مر جومک ختم اثر و ایام خیر انجا منده یعنی سنه
اربعین و ثمانیه ده وارث تاج و تخت ملک پدر اولدی و تیمورت سلطان
نام برد ختری دخی اولوب امر مر جله اولوب نکاح قبول آید و یکین نشاء
بغداد مات ایلله موافقت ایدوب ملائمت ایلد سالک طریق عام و سلیمان
شاهک دام نکاحند دام اولدی فصل تیمور احفادینک غالبی منقرض
اولوب الحق اولاد و اولاد اولاد شاه رخ باقی اولوب فرزند فروزند
اختری اولوغ بیک سلطان خلیل وقعه سند نصکره بوندن اقدم ثبت
جریده اثر اولدوغی و زره حاکم سمرقند اولدی و ابراهیم سلطان بن شاه
رخ حاکم شیراز و بای سنقر بن شاه رخ حاکم قرمان اولوب تاریخ سنه
ثمانیه و ثلثین و ثمانیه ده ایکسی دخی منتقل دار قرار اولدی و چون بیک
قره بلوک فوتند نصکره قره یوسف زاده اسکندر او سنه مد عسکر و جتر

ولشکر ایدوب تاریخ تسع وثلثین وثمانمایدده اسکندرک ملک ومان
دست زده باذقادر بوده مکینسه جور و عنا ابتدی بتوفیق الله تعالی
بومختصر شریف کرده مطالعه ارباب نظر اولدقه پوشیده ضمیر
انور لریا و لمیه که مصنف مرحوم تاریخ مذکور دجالندن اولوب تیمورک
اولاد و احفادینک نتیجه حال و منتهای احوال لریا استیفا ممکنه اولما مقلد
تذیل محتاج اولغین سہمی فقیر ایلہ تکمیل و ختم کتاب باسرم بیان حالک
ایلدان شاء الله تذیل اولنور **فصل** وزرا و امرای تیمور حد شماردن
افزون و قلم و تحریردن بیرون اولوب اشهر لری بوندن اقدام ذکر لری رقم
زده قلم رقم اولانلردن غیر خواجه محمود ابن شہاب سہروردی
و مسعود التمنانی و محمد الشاغرچی و تاج الدین سلیمان و علاء الدولہ
و احمد الطوسی ایدی **فصل** فارسی و عربیہ منشیان دیوان و کاتب
اسرادی قاضی زمانہ شمس الدین ایدی مزبور فصیح الکلام بلیغ الاقلام
اولوب سہم اثر و انشاسی استخیرا قالیہ بلا غند سنان محمد و منذر انقد
و کلام ثریا نظامی کثیر المعنا و قویا لماخذ اولوب فوت تیمور دن صکرہ طیب
خدمت ملوک و طریق عزلتہ سلوک ایتکین بعض اصحاب بچون دخل امور
حکومت و بوقدر فضل و دانش ایلہ اختلاط ارباب دولت ایتمز سزود بومترش
اولدقده دانای خدمتم و مقوم قیمتم کندی حدائت خدمت ایلہ قضیع
سرما یز حرمت ایتیم دیورده جواب ایتدی و امامی عبد الجبار بن التمنان
المعزلی و صدور مملکتی قطب الدین و خواجه عبد الملک و ابن عمی خواجه عبد
الاول و غیرہ اولوب قضہ خوان و تواریخ شناسی خواجه عبید و طیبی
فضل الله و ریش طبای شام جمال الدین ایدی تیمور علی الدوام استعجال
معاجین اجمار و بوقدر کبرستن ایلہ اجتنای باکوره اباکار ایدوب قول
منجین ایلہ عمل ایدردی و ریش منجین احمد الطیب القاسی اولوب

تاریخ ثمانین و ثمانمایدده کند و تقریری و زمره ایکونر سنہ یہ و ارجہ
استخراج زایرچہ طالع ایتدوکن مصنف مرحوم ثبت اثر قلوب سائر لری
اسامیلری و محفوظی اولدو غین ایراد ایتشد **فصل**
زمان استیلا ی تیمورده سمرقندہ نشو و نما بولان علما ای اعلامک
بری اخلاق صاحب هدایردن خواجه عبد الملک اولوب فادہ علوم
و تدریس آداب و رسوم یکاثر دهر و لعب شطرنج و نرد و نظم
اشعارده فرید عصر ایدی بری دخی پدر عبد الجبار مذکور نعمان الدین
خوارزمی الضریر نعمان ثانی ایلہ تلقیب اولنور ایدی بری دخی خواجه عبد
الاول ابن عم خواجه عبد الملک بری دخی عاصم الدین ابن عبد الملک
اولوب ریاست ماوراء النہر لریا یکی بہ منتهی و لشیدی و محقق لردن
سعد الدین التفتازانی اولوب سال احدى و تسعین و ثمانمایدده سمرقندہ
مقیم مدرسه دار تقسیم اولدی بری دخی السید الشریف محمد الجرجانی
اولوب فوت تیمور دن صکرہ شیرازده عالم البقیند عارف عالم عربین
البقین اولدی و اصحاب حدیث نبویردن الشیخ شمس الدین محمد الجرجانی
مقدم مصر دن فرار ایلہ رومد استقرار ایتکین تیمورہ استصحاب
ایلہ بلاد شرقہ تحریک دکا با تمکین شیرازده لبتیک کوی دعوت حق
و عالم ارواحہ ملحق اولدی و مفسرین خواجه کبیر المفسر الحافظ محمد
الزاهد البخاری تفسیر کلام قدیم ایدوب سال ثنین و عشرين و
ثمانمایدده مدینہ منورہ ده دار بقادہ مقیم اولدی و حفاظ قرآن مجید دن
صوتاً و قراءۃ مجود فصیح عبد اللطیف الدامغان و اسد و الشریف
الحافظ الحسینی و محمود الحرق الخوارزمی اولوب مومی الیہک شہار
ترجماتی صایب و رنات او تار صوتی مانند نجم ناقد اولغین نغمہ
آتشبازی احراق سامان ارواح و ترانہ سوزناکی محرق خرمن اشباح

و بمحویل اینمندی فصل بلد مذکوره ده مظنه خیر اولانلک
بری الشیخ العزبان ایله مسمی بر فقیر ادهمی اولوب مابین اهل بلده
اوچینورالی سنه سن ایله شهرت یافته ایکن بو قدر کبر عمر ایله مستو
القاهر و حسن الجهام اولوب پنجه مسن سال خورده مزبوری بو
ترکیبک مشاهده ایند کلرندن غیری پدر وجد لرندن دخی بوقیا
کورد و کلرین اخبار ایدر لرایدی طلس الحیه صاحب قوت و حدت
کبر سندن اعضا و اعصابند اثر اولوب امر او و ذرا و اعیان
واهل دیوان و مشایخ و صلحا و ادبای معارف و فضلائک معتقد
اولوب همواره زیارتنه راغب و دعا سنه طالب اولور لرایدی بری
دخی الشیخ ذکر یا نام ولی بنام اولوب معتقد اهل بلد و صاحب
مقامات لایق و کرامات پیدا ولد و غندن غیری مراد برانواری
فوق جیلده سمرقندن بر منزل مسافه ده مکان مشهوره و جای
مسجباب الدعوه اولغله محل مذکور شاهقه ذات قرار و جئات بحری
من تحتها الانهار امن و اتش ایله معروف و حضرت قدس ایله محفوظ
اولوب نقل در بلد سمرقنده مستحضر نه الشراح بخشا و واده
روح افزا باطنام بر مسجد نورانی اولوب ابتدای عمارتند شیخ مشار
ایله جمله فعله دن اولغله قطعه طین رسیده جبینی اولوب اوچ کون
اول قرارده مستقر ایکن استادان کار و مهندسان راست افکار
تعیین جای محراب چون استصوابه شتاب ایند کلرند اختلاف ارایله
تختلف و تردد لری واقع اولغین شیخ مشار ایله محراب بو فقره اوزره
وضع اولق وجه اصوبدردو تعیین جای محراب ایند کله مباشر عمار
شیخک جبینده اولان طیندن استدلال ایله سبحان الله بر کسه که
اوچ کوندن برو وضو ساز وادی فریضه نماز اتمیه بو قدر استادان

دقیقه شناس و معتقد اکابر ناسی تخطیه برله ارشاد ایدردو پیشی
توبیح اینمکین شیخ دخی اوچ کون اوچ کجه دن برو نقض مضوایتین
کسنه نه دیر سن کل ابدی ای منکر مدعا بر عالم و انکاره نادم اولوب
برمکاند و قوف ایله نظر ایله دیکله مزبور دخی کلام شیخ اوزره
وقوف و مامور اولدوغی طرفه نظرین مصروف اید پنجه مکة معظمه
مقابلده جامه مشکین قام ایله مشیخ و اعلام و اماراتی نور بخشا
دید ناظر اولدوغن مشاهده ایدوب عین الیقین حاصل ایندو
ساعت شیخ مشار ایله مفقود و دیده دن مستور اولوب هر
چند جست و جوا ولندی ایسه نادیده و ناشینده اولدی اما غرا
بوند در که مصنف مرحوم شیخک مراد برانوار برین تعیین ایند کدن
صکوه بواسطه بد غیبته قایل اولمشدر اللهم مکر بعد زمان ظهور
و محل مذکوره آسوده الحد پر نور اولمش اوله لر مسجد مرقوم مساجد
معدوده و مقامات مشهوره دن مکان نورانی و جای روحانی
اولوب اخشاب عجیبه دن اسطوانات غریبه اوزره قائم و طاق
ورواقی تعرض متعرضدن سالم اولدو غندن ماعداد اون بش
ذراع حدید ایله مذروع طول و باع رجه صغیر عرض ایله بر ساری
و شامخیه حاوی اولوب ساریه مرقوم شجر فطن اولق اوزره نقل
برله خواص عجیبه و تاثیرات غریبه سی روایت اولور از جمله و جمع اسنا
بر حبه سی وضع اولنسه بفعی بحریه کوده نقاد سیر سمرقند ایدو
عجایب و غرایب و ظرایف و علامات و لطایفلرین نقل ایند لردن
اسطوانه مذکوره استخبار اولند قد کما هو و صفایدر سه رؤیای
صادقه و صادق الکلام مدر و الادروایتی کاذبه و منامی اصفیات
احلامدر فصل بلد سمرقنده کیل و صاع ایله خرید و فروخت

اوقات اولیوب جمله میزان معاملات ایدر لور رطل سمرقند فرق و قیة
 و هر وقت یوز مثقال و هر مثقال برحق درهم اولوب بو تقدیرجه
 رطل لری اون رطل دمشق اولمش اولور محمود خوارزمی مارالذکر
 مصنف مرحومه مشافهة نقل ایدر که بعض اسفانده تیمور فقیری
 استحباب اتمکله خدمتده مداوم و لیل و نهار وحدت و کثرتده
 ملازم ایدم بعض ازمانده بر حصن حصینک تفتیقه اقدام و تفرج
 کشتکیران میدان خصام اچون کند و خیمه سینه بر مکان مرتفعده
 قیام و پردرب مکث ایتد که اتفاقا اول اثناده کریبان صحتی گرفتار
 سر پنجه خا و دامن عافیتی دریده کوک کرب و بلا اولوب یوما ما فقیر
 و ایکی مرد حقیر خدمت تیمورده ایکن ما بین عسکرده نوازل قضا
 مجتبه و رماح قتال مشتبه اولمغله تیمور احوال و افعال لریه اطلاع
 مراد ایدوب بین الرجلین مشیحب الرجلین باب خیمه یه قدوم
 و تمیز حروب قروم و مشاهد ضرر و غمور ایدکن بعض معانی
 رسیده خاطر بیدادی و لغین فقیری یا محمود دیود دعوت اتمکن اچا
 برله دوان و قیامنه امداد اچون قولتوغنه کیروب منتظر فرمان
 اولدم بعد رفیق دیکری دعوت و تعلیم بعض امور قتال ایل طرف
 عسکر مسارعت ایتدروب مانند عظام بالیه و بالحم علی الباریه
 قعود و رفیق آخری دخی بر خدمت ایل دفع ایتد کد نصکره فقیره تو
 کلام برله یا محمود ضعف خال و قلت احتیاله نظرات تعطیل دست
 و پا و تحلیل عضو و قوامه ثامل ایت بو وقتده ارباب بخت و اصحاب
 کبر و بخت سلب ربقه اطاعت و مرتب طریق معاندت اولوب بنی
 ترک ایتسه لر نه مانع و حال پلشانه کیم جامع اولور بو قدر ضعف ایل
 جلب خیر و دفع ضرر و ضیعه قادر دکل ایکن حضرت فاعل علی الاطلاق

محمود خوارزمی

تیسیر و تسخیر عباد و فتح مغلقات بلاد ایدوب هیبت حول وصولی
 القای قلوب اهل مشرقین و رعب ذول و جولی انداخته ساکنان ضمایر
 خافقین اتمکله محقر ملوک جباریه و تذلیل اکاسیم و قیامصر ایتد
 بو فعله کند و دن غیری فاعل مطلق و بو عمله امرندن اوزکره عامل محقق
 وار میدر بو فقیر فقیر ذی فاقه و بو طریق سلوکه بی طاقت اولد و غم
 کالبدی کمال و الشمس قبل الزوال ظاهر در دیوب کریمه آغاز
 اتمکله فقیر دخی اول ساخته کند و یه دمساز اولدم بو معناده نواد
 ارباب و رایتدندر بیست
 نیم تنی ملک جهانرا گرفت : چشم کشا قدرت یزدان بین
 پای نه و تحت بریز قدرد : دست نه و ملک بریز نیکین
 فصل تیمور عسکر نیک طریق و سلوکلری ساند طوایف مذکور همواره
 احتساب ایتد و کلری طرفدن مفتوح الباب و خاطر نادرسیده اول
 سمندن کامیاب اولمغله خفیات دقایق و خبیات خزاین و مکان معاد
 مستخر لری اولوب هر بری قطادن اهدی و دخول مهالکده فیل دمان
 و شیر زیاندن اقوا جهر با موز و مدبر حوادث و هود و مقایس عصور
 و مکابد مکاید و معالج شداید و ممارس اشیا و لابس ملابس باسا
 و ضرا عازف مداخل و مخارج و مدرک مدارک و معارج سبیل داهیند
 مصون و نیل طاغیردن مأمون اولد قلندن غیری کاه و بیگاه اولور دیکر
 نزول ایتد و کلری صحاری و مها میده عربیه
 لَا يَفْرَعُ الْأَدْنَبَ أَهْوَالُهَا وَلَا تَرَى النَّصَبَ يَهَابُهَا
 مفر اسبجه و جوش و طیور و مید اولیوب رام شکار لری اولور دی
 و کاه اولور دیکر بعض ماکنه مرورده بعضیلری بو خاک طریق مأمون
 دکلد و دیوب دایره سندن نزول و استشمام تراب و جهات اربعه به التقا

الزول
العجب

قطا قبل فوری و فوشی

محمود خوارزمی
محمود خوارزمی
محمود خوارزمی

برله بر طرفه رخشان و اعوان و انصاری دخی در عقب دوان اولوب مکان
آخه نزول و خفر زمین ایله اخراج دفاین رنگین و احرار مغلات و خراین سیمین
ایدولرایدی کذلک بعض معمره به حرور و بعض قبرستانه عبورده بنش
اماکن و مساکن و اخراج مکان اینکله اول بقعه اها لیسسی حاله واقف
اولوب سیاه به کزید ندامت و بخرع خون خسرت ایدولرایدی و دخی امور
صعبه ده روایات عجیبه و سهام رایلی اکثر مصیبه اولوب رکوب و تحمل
ماده کا و بقرو خرواسترایله سفر ایدوب بو مقوله و اب بی تاب ایله
نسابق ارباب خیل و نکاون اصحاب خیل ایدولرایدی اکثر دایه و فرسارینه
کندم و جو و برنج و دخن و عنب و علس و بروب کند و لر خیر شیر ایله مقنا
اولوب بعض سفرده اقتضا ایندیکه کند و نفسارینه تناول صبر مصابره
تکلیف و دوا بلین اوراق اشجار ایله تغلیف ایدولرایدی فصل قاضی برهان
الذین ما را الذکرک مصنف مرحومه مشافهه روایتید که ضوایف نانا
کبید بلده مشقه سهام شدت و نول صعبترین امر ایتد کلزنده اصحاب
بروبال و اولوالا حقه مال و منال و لای نذر فرار و اکثر مالکین عبون اشراف
اراضی خالیه به دفن ایله استتار ایتد یلرا از جمله صاحبخانه ساکنند
صاحب عیش رضیه مالک اموال و فیه بر تاجر ذی المفاخر اولوب واقعه
فاقعه مذکورده اموال صامته سن وضع قدر دزین و سرپوش ایله زمین
ایدوب بر برکه عمیق فخرین حفر و قدر مذکور دی دفن اینکله ناپیدا
و نایاب و قدیمی و زره اجرای بایدوب ترک دارد و یار ایله و ثوب
و نزدیک رکوب اولد قدر وجه بیچاره سی منکوشلری اخفا اتمکده غفلت
ایتمشور علی الطريق حدوث محال فقدان خوف ایدرم استتارینه بر مکان
تداریکله در امان اولق کرک دیوز و جن آگاه ایدنجه اولدخی شمد نکبر و
تنک وقت و آخر زمان ارحال ایله فکرمکانه مجال قالمدی دیوب

سیاه
شهادت بر ما غی

کبد جگر

منکوشلری

منکوشلری خشبه شققه القا و دیده بددن اخفا ایدوب بعض رفیق
ایله راه نورد طریق اولدیلر ازیں جانب طوایف تا ناردن بعض نابکا
دار مذکورده استقرار و عیش و عشرت ایله اوقات گذار اولوب یوماما
اکل و شرب و تمسخر و لعب ایدرکن بر موش کشتنی منکوش معهوددن
بر لول و قطع و مجلس تا تاره وضع ایتکن طائفه مذکوره لولی مذکور دی
مختطف اولد قلزدن غیری بو تقریب ایله بیدار و بو مقوله خوابا دن
خبردار اولوب زیر و بالای داری تخریب و حوض و برکه بی نش و تنقیب
ایدوب منکوش مذکور و قدر ذی قدره دهیاب اولوب مقبوض دست
غذر لری اولدی کذلک هر امر که واصل اولدیلر سهولت ایله میسر و
صعبه که توجه ایتد یلر محذور ملری کبی ادنا سبب ایله مستخر لری اولوب
غایت مقصوده عارج و ایا ملری بو منوال و زره مستدرج اولدی
از جمله اهل دها دن صاحب فروغ منهوش و تاج سری طرپوش پر
نقوش و ترکشی جلد اسود و سهامی دیش و روشن مجرد مرکبی بفر و سوج
و عده سی خشب نکستر و جبل و بر بر شخص یوماما با زنی بال و پری
درد دست و قصد صید ایله جوادینه سوار و شکارگاه طرفه کوم عنان
گذار اولوب طریق اتفاقا ساحل غدیده بر مقدار مرغان آبی یرد و شکله
باز نیست پروازین بر ساعت مقداری دفع و شکار طرفه هر چند
دفع ایتک مراد ایتدی ایه طیرانه قدرت و پرواز بی طاقت اولفله
ناچار زمینه وضع ایدر اولدخی شدت ضعفدن ناشی آهسته آهسته
حرکت برله مابین مرغانه دخول و برین گرفتار سر پنجه اهتمام ایتکله
شخص مرقوم کمران مرار اولور فصل طوایف تا تار بلده
اغصان وجودندن اوراق نعمت سلب و غنم و بفر خمیدن شیر و شرب
حلب ایدوب بلده مذکورده دن فقولده مضبوط دست نهیلری اولان بعض

بقره عاد تری اوزره غصب ایتد کله ای تقالی و سبی ایتد و کله ای نسا و اطفا
 تخمیل ایدوب کیدرکن بومایینده ماده کا و مدرکه ایکی اوج مترلر و در
 صکره حمله تخمیلی قالمیوب لسان حالی بومقوله احوال و انقال ایلده مالموف
 و بوکارا چون مقلوف دکل ایزدیوهر چند فیرایا ایتدی ایسه و دادخوا
 اولدی ایسه لسان حالن فهم ایدر پناه بولما مقله طریق عجز سلوک
 و متوکل علی الله برون ایتدی اصحابی بو حال کورنجه حملن تخفیف و دفع
 صوت ایلده قیامچون هر چند تعقیف ایتدی ایسه چاره کراولما مقله بالکله
 بوکن تزیل و جالن تخمیل ایتدی لیرینه فایده منداولما مقله ضرب و جمع و شتم
 شنیع ایتدی لیر ممکن اولدی نازبانیه دوسرا یله ششردیلر آتش شندن ایلده
 بشوردیلر حرکت ایتدیوب مبارکه بردن بارکه اولمقله کیی مقدمندن جازب
 و کیی مؤخرندن جالب کی کوشنه متعلق کی شاخه متعلق اولوب مشابه
 فیل بره حرکت انما مکله مایوس اولوب ترکی تدارکنده ایکن سالك مشا
 و مفارب صاحب انواع بخارب دهرک کرم و سر دین کشید و مژ و حلون
 چشید ما تدد شجره عویج بر شیخ کویج پیدا و مزبور لک بو بایده عاجز
 و بینوا اولد قلرین مشاهده اید بنجه بر قبضه تراب ناعم ایلده بقره به تقرب
 و یدند اولان ترابی کوش بقره ارسال و تحریک و اهتزاز سیریه آنا رغبار
 اتم دماغنه اتصال اید بنجه بقره فقیر غطسات متواتره ایلده برتاب
 و کمال سرعت ایلده مسیر شتابا تمکین علی العاده احوال و انقال اعاده اید
 راه پهای مرام اولدی لیر فصل عسکر چغتای مایینده اولان ملل و خلایا
 تیمورک عسکری میا تدد انرا کدن عبده اصنام و آتش پرست و مجوس اعجاز
 و کهنه و سحر و ظلم و کفر اولوب مشرک لری نقل اصنام و سحر و کهنه
 تسبیح کلام ایلده تضلیل عوام ایدوب اکل میتة و دم مسفوح اتمکله
 فرق مخنوق و مذبح ایتد لرایدی و بعضیلر الواح غنه نظر و حکم احوال

سال و دعایا و اعمال و حوادث اقالیم سیمه و بقیاع و بقعه و امن و امان و خوف
 و خطر و درخص و غلای ایتام و سقم و شفا ای نام ایدر لرایدی و ضبط شهر
 و ایتام و حساب فصول و اعوام انچون مخصوص اصطلاح و عبارت لری اولوب هر
 سنه یی بر حیوانه نسبت ایلده حساب و ضبط سنین ایدوب خطا ایتد لری و اهل
 خطا نك قرق بر حرف ایلده دایر چین ایلده بنام خط لری اولوب بحر بر ایلری جمله
 اول قاعده اوزره اولور و سبب زیاده دخی بودر که خروف مفهم و امالات
 و دنیائی بر حرف عدا اتمکله زواید متولد اولور و چغتای و مقولک بکر
 دورت حرف ایلده اولغور نام قلم و رقم مشهور لری اولوب مقطعاتی
 مصنف هر حومک اشارتی اوزره نقل بالمسطر ثبت اثر قلندی
 هذه صورت مقطعاته

پ	ف	م	و	سا	ه
چ	کا	دا	ما	با	سا
پ	ع	و	را	شا	لا
ع	پ	و	کا	دی	ه
مضروف	صمرت	حویفه	هیر	ملوب	
ان	وسو	ینک	مکس	محد	
هصلی	هیر	مصوص	لوکاوی		
سل	شقی				

سبب نقصان دخی بو املاده حروف خلقی هیئت واحد ده املار و تلفظ

این مختصر فی علم خط و مقطعات و کلمات و اصول و لغت
 مطابقاً مع این کتب و فہم ایدکنسہ کو مردم اینی
 عندکام الناس مقبول

و مانند با وفا وزای و سبن و صاد و دال و طال اولان
 متقارب المخرج حروفی بر اسلوبین تحریر و تلفظ ایدوب جمله توقیعات
 و مناشیر و مکاتبات و دفاتر و اسامی عساکر و تواریخ و اشعار و قصص
 و اخبار و سبجات و اسفار و اموردنیا و بیرون و تورچکیز خانی بیورسم
 اوزر ضبط ایدوب بوقاعده به مهارت له داقم و بوا ملایه حذاقت ایل
 راسم اولانر ما بینلرند معزز و اسمع العیش و معتبر بین الجیش اولور
 فصل مابین عسکرده اولان غلاظ شداد عالم تقی و شفی بیانند
 عساکر مذکور بینند نجه قلیل الرحم قاطع الارحام و کافر عیدم الاسلام
 و کفر و فجور و غلاظ و شداد مانند قوم نمود و عداد اولوب تموده بر مرتبه
 معتقد و ادای امر و نهینه اولغایتد مجتهد ایدیلر که نفوذ بالله مزبور
 هادی و نصیر و مستکبر و کبر عدا ایدوب دعوی نبوت و الوهیت ایتسه تصدیق
 اید جکوری تحقیق ایدی و بعضیلری طاعت تیموری تقریباً لی الله زعم
 ایدوب بر بلایر کفار و یاشدند و چار و لسه تیمور نذر و بختندن استمداد
 ایل دفع کریمه تحصیل استمداد ایدردی ایام حیات تیمورده احوالری
 بوموال اوزر مستمر و بعد وفاته دخی بواعثا باطل اوزر مستقر اولوب
 مزارینه نقل نذور نمیشه و تقدیم قرابین سینه ایدر لایدی و بعضیلر تیمور ایل
 صاحبده و اصل مقام مراقبه اولور ایدی روایتد که بعض سفر کرده
 عسکریدن برینک کبرستن و مرور سنین ایل اعصاب رقبه سی منحل
 و بیضه قطار سری منزل اولوب حوادث دهر و مشقت سفر ایل غصن
 قاضی نحیف و قوایم قدرتی ضعیف اولوب هر حالینه خالنه راضی و شاکر کید
 ایکن تیمور جبار مزبورک حائن مشاهد ایدنجه فقیر معبود و مستحق
 ضرب و سب و لایق لوم و عتاب و لیوب بلکه شایسته مرحمت و سزا و
 تقویت ایکن بر کسسه یوقیدر بونک تکه سرین قبا ی جسد ندن انداخته

زمین و کوچه صولجان شمشیر آتشین ایدر دیوبو قدرجه نفوذ اتمکله
 امرای کبار و کفر نابکار دن لایس ثوب نقت استشمام رایحه رحمت
 انعامش دولت تیمور نام کفور فی الحال سل شمشیر و قطع داس فقیر مزبور
 ایدوب سر مقطوع عن حضور بی نور تیمور احضار ایتدکن تیمورک
 آتش غضبی لامع و بونه امر قاطع در دیوبو مزبور ی تو بیج و سرزنش
 ایل لوم ایدنجه قطع فرمان ایتد ککز سربنی دولت در دیوبو جواب
 ویرمکین تیمور بو قدرجه ادنا اشارتته امثال اولند و غنه متعجب
 و بومرتبه مطاع و مبتاع اولد و غنه متعجب اولدی و بونلرک
 ما بینند ظرفا و ادبا و ادکیا و شعرا و اهل فضل و تکمیل و علماء
 واجب التحیل و ادبایب تحقیق و کاشفان مکوم و دقیق و مشارک
 علوم و عارف منطق و مفهوم و مقرر اصطلاح صوفیه و ناقل عبادت
 احواء العلوم مع هذا مؤمن پالت عقیده و زاهد نورانی سریر اولوب
 بعضیلری دخی صاحب ذکاوت و افیه و لطافت کافیه و ظرافت شافیه
 و جمال فایق و کمال شایق و حسن رایق ایکن قساوت قلبی بحر و مدردن
 اشد و حدت فعلی ضرب سیفدن احد اولوب عالم عدا و لنور برینک
 مخالف تقدینیه بر مسلم و یا غریب بر تقریب ایل و شرایسه اول عالم
 محقق و جبرمدقق استخراج مالد تصنیف رساله عذاب و قنون جور
 و عناده استخراج و استنباط مواد عقاب ایدوب کتب خانه علومند
 نقل خطب و مسایل و نقل عبارات رسایل اتمکله مبتلی مسکینی داغ
 جفا ایل سوزان و خون دل ایل کریان ایدوب فقیر کفر قنار هر چند
 حضرت آفریده کائنات و آیات ایل مسجیر و مستضرع و ارض و سمود
 اولان ملک و نبی و صدیق و ولی ایل منتشف اولدی ایه اولظریف
 سفیر صفات ایل شمس و تمایل و تفاخر ایدوب ابراد لطایف ایشهار و حاله

دقیق الحاشیه
 و دقیق الاطراف

مناسب نقل تمثيل و ذکر نوادر و اخبار ایدردی و کاه غدرد بد تراز کاه بوا مرده
 نامورا ولد و عن سر بند خارا غنذار ایتمکه حال فقیر مناسف و باکی
 و متاوه و شاکی و لوبیا موال مسلینه مستولی و لان قاضی مرتشی مانند
 مال ایتامه اطاله دست تعدی ایدوب عرف و قانونه حواله ایتد و کی کبی
 اولدخی عباد الله اولان جورندن قاعدن تاناری کرز کاه ایدر ایدی
فصل بلان دمشق شام جنت مشامد کوچمه عجم اعیان و لایتدن برینک
 خانه سی انواع نقایس و خیرات ایلده ملو و اصناف زیب و زینت ایلده مجلوا و لوب
 عربیه قصر اعلیه تحیه و سلام **خَلَقَتْ عَلَیْهَا جَاهَا الْاِیَامِ** استیلای
 تانارده بر مقدار او باش بد معاش خانه مذکور دخول و صاحب منزلی قید و
 ایلده مبتلای شد عذاب و انواع شکنجه ایلده تعقیب و ضرب برله عقاب
 و تعذیب و تمیق چون شد با ایلده خشیه سقفه تعلیق ایدوب با استخراج بقا
 و استجواب علی عرایس ایتد کد نصکوه احضار لذایذ مطاعم و مشارب
 و تنعم و تفکهن قضا یارب ایدوب شرب مدام و طرب علی المرام
 مایستند بعض خبیثک عرق کفری و شرابین ظلمی حرکت ایتد و کجه در عذاب
 اولان صاحب خانه یی عذاب و ثوب و فقیر اشراب ماء ملح و زما د
 و تعذیبینه اشتداد و پرور ایدی مایستلرند بر عالم متعشف شرب
 مسکون متعفف اولوب عربیه **عَجِبْتُ مِنْ شِیْخٍ وَتَسَّ زُهْدُهُ وَذُكِرَ**
النَّارَ وَآخَوَاهَا تَبْكُرُهُ أَنْ تَشْرَبَ فِي فِیضَةٍ وَیَشْرَبُ
الْفِیضَةَ أَنْ نَاهَا سغرا سنجه اگر چه شرب مسکرا ایتد ایدی ماهم
 عجب اولدوغی خرا خرا ده لراده ماکل مزعفر و احضار شراب احمر ایدوب
 افراغ افداح و مزج ماء فراح ایدوب تناول و استعمال ایتد کجه شیخ نامر جو
 مانند فاسق محرور و عاقل کچنور ایکن دوا یح راح ایلده مست لایعقل
 اولوب کاهی صاحب منزله متوجه و ضحک و هزل ایلده متفوه و نمای امتداد

بغی اول فصلی که در دنیا باقی است
 و از دنیا بر می ماند

المتعفف الخفی فون و مرقه مالک
 مبلات انین کینه
 معقول بیست
 معنی بخیدن و زهدندن و نجیب
 که کو شطرسه صوابت باجمکدن
 آراه ایدر تا الله کو مشق و تنفس
 کو شنی عینیه اجب

و بخیر نامتعارف ایدوب اول ماکل متفکه و متعفف و بشر مال البخیل بجاد
 او وارث نغمه سبله متعفف اولور ایدی فصل طایفه مذکور بینند
 رجال ایلده هنجایه و لوج و میدان شداید خروج و تقابل خول رجال
 و تقابل مردان ابطال ایدر زنان لبوه نظیر و نشاء نر شیر اولوب
 حین ستیزه طغن نیزه سرتیز و رمی بنال خونین ایدر لر ایدی حامله کر
 حین وضع حملده طریقدن بر طرفه کنار گیر و مولودین وضع بستر ایلده
 لف خلق و در عقب اهلنه ملحق اولور ایدی بوا سلوبده سفر کرده طوغوب
 بیویوب تزوج ایدوب صاحب اولاد و احفاد اولمش رجال و اقرب و نشاء
 کثیره و ارایدی **فصل** طوایف مذکور مایستند پنجه صلی و عباد و زهاد
 و اجواد مداوم او را د خیر و احسانه معناد تولیت خیر اند صاحب اراد د ایل
 تخلیص ماسور جبر مکسور اطفای حریق انقا ذ غرق اصطناع معروف اغاثه
 ملهوف اعانت فقیر شفقت صغیر اولوب و لمقوله لره دست رس اولدخیر
 مهمما امکن قوت ید یا خدعه یا کید مؤکد یا استیهاب یا حسن خطاب
 یا استشفاع یا تقویض یا ابتیاع ایلده نجاشنه کوشش ایدوب اول طایفه
 جایفه ایلده معاد ابر و سایر اولد قلمری بالاضطرار یا مجر د بومعنا همچون
 بالاختیار ایدی **فصل** جمال الدین احمد القاری المجود کند و حالن
 و سرگذشت احوالن بوجه او زمر زبان ذوق تقریر ایتشد ذکر فقیر هر قدر
 سلطان محمدن محالیکن تعلیم و اولاد امرای اقواء کلام قدیم ایدردم
 تیمور ظلوم سلطان محمد و امیر سیف الدینی بر طریق مرافقت بلاد دروم
 مرز بومر طلب ایتد کین مرز بوران امتثال امر ایلده اعداد و لوازم سفر
 و احضار خروا ستر ایدوب سلطان محمد فقیرک استصحابن مراد
 ایتمکه تدارک سفر و قطع علایق و بویاق و زمزمه مرافقت موافقت
 ایلده دیوتنبیه ایتد کد فقیر ذهابدن استعفا ایلده یا مولانا بو حقیق

ناتوان اهل قرآن صاحب قافه و تدبیرک سفر عید الطافه اولاد و غنم
 غیر ضعیف البنیان مخیف لارکان بر شیخ بیاب و توانم اگر چه صحبت عالیه
 غم و غصه یر سالب و خیرات کثیره و اقراح و فیه یر جالب در لکن عدم قدرت
 و معدوم قوت ایلد حرکت اقدارم اولوب دجل اسفارد کلم سیمما بوسفر طویل
 المشقه کثیر المشقه یر استعداد وجود راحت مقامم اولد و عندن ماعد طویل
 سفره برداس خیرا استر بطنه قادر د کلم اما جاب معلا القابلینیه بو حرکت
 حتم و لازم مانند حق ملازم اولوب تخلف و تشوق ممکن د کلید بومقوله هر چند
 ایراد اغذار ایلد معالج و مقدم مقدمات صحیحه النتائج اولدم ایسه پذیرای
 طبعی اولوب اولدخی عمل کثیره ایراد و فقری دیر دیمز منقاد تمکین ناچار
 تدارک زاد و زواده راه و طریق و موی ایلده رفیق اولوب قطع برادی
 و اطوار و نزول و ارتحال بلاد ایدرک افتان و خیزان هزار غصه و قلق ایلده
 ردوی تیموده ملحق اولوب اول جباری لباس خود رای و وطنه دارایی ایلد
 کمال تجر و تکبره مشاهده و کثرت جنود و خیل و حشم و وفوت لشکر و حوشتی
 و خدمی هر مرتبه ده که احاد عسکر دن بری کراه و سهو طریق ایلد ضایع کرده رفیق
 اولسه تراحم و تراکم خلایق دن ناشی مکر بردخی یومر الجمع اصحاب ایلده متلاقی اوله
 ایدی اول بحر ذخا ایلده فقیر دخی کشت کذا ایدوب لکن چکا چاک حرکت ایلد
 صندوق عینه چاک و عظام ظهر کسیر و مابین ارا ذلله مانند اسیر اولوب
 حصول نصب و نقب ایلده بدنه عل و طبعه ملططادی و لغین ترفیه حال و تسلیه
 بال بر ملال چون یوما ما طر فیکر طریق اولوب کسب راحت ایلد تلاوت قرآن
 مجید مباشرت ایدوب آواز حزین و تجوید رنگین ایلد قرائت ایدرکن ایکی مرد ضعیف
 مانند عود بالی مخیف اشعین اغبرین اصفرین جنب فقیرده حاضر و حال
 و اطوار یر ناظر اولوب عیون دامعه و اذان خاشعه ایلد آیات کیمیه یر سامع
 اولدیر فقیر دخی قرائت ایلد کامران مرام اولوب جواهریات محفوظه محفوظه

وزو اهر بنیان بر پایه سر شیشه سرب و اولمغله عند لیب ناطقه دم بسته
 و زبان ضراعت مناجاته دفع و دست ایتد که مزبوران کویه خونین ایلد
 آمین کویان اولوب طومار دعا دخی مطوی و لجنه فقیر متوجه و سلام و تحیت
 ایلد متفوه اولوب قرائت فقیری تحسین و تریتل و تجوید یر هزار آفرین ایتد
 صکره حضرت منزل الکتاب مجری الشهاب پیوسته مشکوه فلیکی انوار
 فرآینه یر مظهر اید که قلمی منور و حسن تلا و تکلمه آینه صد و یرزدن دفع
 کدر ایتد دیو فقیری مظهر و عای خیر لری ایتد یر بعد ذلک فقیر توجیه
 خطاب ایدوب بلد و جارد و بوسفرده رفیق دلدارم نه اولد و غن و کرم
 اولد و غن استخیار ایلد منتظر جواب اولد یر اولامحاوره و مکالمه لرندن
 ضمیم چغتای تیمور جبار و طوایف تانار اشرار دن اولد قلین فهم ایتد
 مولد و مجید و مسقط راس و وطن عتیق و جدیدی و اهل قرآن و رفیق
 محمد سلطان اولد و غمی بیان ایتدم پس ازان یاسند ناطق احسان ایلد
 ر و مال خال اعتذار اولوب بر نشسته سوال ایدر نخل انیموب حل مشکل ایتد
 رجا اولنور دید یر سوال عرض و طوای ایتد که مذهب فقیرده استعمال
 ملال حلال دکلدر دیدم اولد و غن کارده اگر چه ناچار ایز لکن هزاران
 مرتبه بیزار ایز اشتغال مالا یعنی ترک مایغیند را منیا زخیر و شربین
 شره جواز کوشور مش اولور الله تعالی نه مانند دن مقنات اولور سیغ
 دید یر خوان بر الوان سلطان محمد دن دیدم بو طایفه نک ماکولانی
 حلال یا حرام و بالمیدر دید یر غالی حرام بلکه جمله مظالم و مائندن
 زیرا معادات و منهب و غارات و مشلب و اختلاسات و مقصب در
 دیدم والله یا امام اساءت ادب ایدوب دور و دراز مسایل ایلد سزی
 نصدیغ ایتد لکن سز لرا اهل علم و دایکوعفو و حلم و عادت کز خیر کسیر
 و فک اسیر و تیسیر امر عسیر در تفحصه جر مجری عفو ایلد مقابل ایتد

مجید محسماوی

خشونت ایله معامله اتمک کرت سزدیدر سوال ایدک لکن تسلسل
 کلام اقدام اتمک دیدم اول بایستعالی همچون که سزی خزینه دار کجینته
 کلامی اتمشد ر معامله حلال و حرامی بیان ایدوب بومرتبه تهجم ابله بزی
 ملام و هدف سها و دشنام اتمیه سزی را شیخ مرشد اشفق من الوالد
 اولمغه ترک ادب محک عروق غضب و عتب اولیه دیدیدیلر بومرتبه تکلف
 و تصلف بسدر سوال ایدک و هر نه مرتبه تسلسل سلاسل کلام ایدر سکر
 ایدک دیدم یا سیدی بولشا مک مرا فقتندن غیر سزی شریعه و بوجرا
 اجتناب را و زکر ذریعه یوقیدی دیدیلر مرا فقتندن مضطر و مجبورند
 مجبور اولوب سلطان محمد فقیری اکراه ابله همراه ایدی دیدم آیا خروجدن
 امتناع کوستوریدکنرا قدم واسر ولد یا سبی حر را ایدر لمیدی دیدیلر
 لا والله و حاشا لله دیدم یو خسه ضرب و جیس یا مصا ذره یا بعض مفاد
 ایدر لمیدی دیدیلر فقیرا و لمقوله عذاب و عقاب و عتابدن مامون
 الساجدیم زیرا حافظ قرآنم مخدوم هر ضرردن حافظد دیدم ایدی اول
 فاعلک غایت فعللری سزی یا دشنام یا ملام یا قطع و طیفه یا منع صلا
 ما لوفه ایدی دیدیلر آئی دخی ایتوب تغرز و تمتع و رفعت و ترفعی تزیل
 و وقار و اعتباری تقلیل ایتز لرایدی انحق دعوتلر نه اجابت و طلبلر نه
 اطاعت و خدعه لر یله مخدع اولدم ای کاش که مجتنب اولوب بوطایفه ایل
 مجتمع اولسیدم دیدم بوسکا سبیل غدر و عندالله حجت و عذرا و لیز آ یا
 وحدت خاکلره جالس و تلاوت ایلر نفسکی جابس و مطالعه علم و مباحثه
 اخوان و جلب خصال حلم و مستعد غفران اولوب دیدر کزی رایت اجاب
 ایلر فریر و معدن حرصی حلال ایلر سیر ایتکله حامی یقین و سایه دیند بولشا
 ضرردن مخفی و قوت مقدرا ایلر مکنتی اولوب حرام مضطر و زحمت
 سفر ایلر در بدر اولمقدن اولی دکلیدی سیمما امثال کزودن مسروع و منقول

اهل القرآن

اهل القرآن خاصه الله و عتقاد بین خلق الله و برکات لری محط سحاب از نازق
 اولوب مدح لری پیرایه سر شاخ زبان اهل آفا قدر ملوک زمان سلطان
 اهل فیند را اما سیز لر ملوک سلاطین اهل دین سز طلب رضای الهی بر غریب
 و اختلاط ناسدن فراغت ایتسکر جسم عالمه منزله قلب و داس اولوب
 تسلط شیطان الانسدن امین اولور سز لکن نفسکزی بو و رطبه القا
 ایلر طریق عوامه سالت و افتخام مهالك و ضایع کرده احسن المسالک اولمش
 ایراد ایتدکنر اضطرار عندالله اعتذار اولوب فردانه وجه اوزره جواب
 قادر اولور سز اما نتیجه حالکزه معاشر القرا یا ملح البلد ما یصلح الملح اذا
 الملح فسد مدلولی ما صدق اولمشدرد دیدیلر فقیر دخی قضیه مجتنب
 اولمشه جمله من نتیجه ده علی السویه از عربیه فی مثل ما یلک یا حاتم البلی
 انا یا القدود و انت یا الأغصان مفهومیله جواب و بردم رد و بدل
 بو مقام رسیدن و طومار کفت و کو بو محله نوردیدن اولنجه مزبوران
 کویه خوین و هزار عویل و صد جندان آه خیز ایدوب بزمه سزک قضیه
 ما بیندن بقدا لغریب و مسافه مشرقین وارد لکن مقاله محال و ما کلا
 نعم یقال و این الستر من الاعلان و این الحیا طین کها اذان دیدیلر
 بو کلام انحق بهت خصم همچون مرتب و مستجع بر کلام بر انتظامد ریخته
 سز حجه و دعوا کزه محجه اولمز دیدم کرها مضطر و قهر اجمیر ایزد فاسر
 دیوانده مستقلا اسمز مر سوم و عسکری نمره سنده رسمز مرقوم اولوب
 تابع اعیان و امرایه اعوان دکل ایز مثلا فرمان پادشاهی بوم عید یارو
 نور و زده وقت ظهرده دکو بایلر خروج بابنده وارد ایکن بر فرد حرکتن
 وقت عصر تا خیر ایتسه ضرب و شتم و تشیع و تعذیر و تذلیل و تحقیر
 و توبیخ و نشه پردن قطع نظر قطع راس یا صلب مقرر در بوقدره ناخبر
 ایلر بر آدم بومرتبه عذابه مستحق اولنجه یا عذر مقبول یا ما هو الواقع عرض

معنی الکلام
 اهل قرآن اولان علیا علیا بلید در بعضی اهل ایل
 فساد بولوشه علیا آیلری اصلاح ایدر اما اصلاح
 اولور لبسه آیلر کیم اصلاح ایدر
 محصول بیست
 بان بنجرا حمید یعنی شجره بان اوزرند
 اولان جام سندن اولان سندن دخی وارد
 انجمن اغصان اوزرند سندن بنقد و قائل
 اوزرندیم

ایسته یا بلا عذر قعود یا طول مدت تخلف یا استتار یا بر مقدار توقف
 ایسته مرتبه مبتلای عذاب بد و گرفتار شکنجه امد اولیق لازم کلور بومعا
 چوق کسند ده تحقیق و تجربه و هزاران عسکر بد سمعا و نظرا استماع و
 مشاهد ایدوب السعید من انقط بعین مدلولیجه نصیحت پذیر و یوسب
 ایله بند و اسیر و لشوز دره اولیدی قلم و حکمکنان تحویل ممکن و میسر
 و حکم قضا ایله آخر مملکت رحلت مقدار اولیدی اولدخی عیدم الامکاندر
 زیرا بر محل که وطن و مسکن و مسقط دامن و عز و غرر و مجمع رجال
 و محط احوال و مألوف دل و معتاد خاطر و مکان انتعاش و کسب معاش
 و مدرج آبا و مخرج ابنا و مقام قبایل و عشایر و مسکن غایب و حاضرین
 اوله ترکیبچه ممکن اولور با خصوص کشت زار قبیله دن بلیل و هدهد
 دکل بر ججد غایب اولور ایسه یا قیلری مختطف بناهین حیف و علف
 شیر شمشیر و سیف اولور اما بر سفره ما مور اولدقد اولانه طرف مرادور
 و قاج سنه لک سفر در دیو استخارا ایدوب اکا مناسب احضار زاد و
 ایتمکه کوشش ایتد و کزده اکا دخی رضا کوسور دیوب هر بریز بر جراب سوبق
 ایله اکفا ایتمکه مجبور و کلفت نفس و علق فرسی دخی بار بار کیر اتمکه
 ما مور اولوب مدی الدهر و روزه دار و سدر و مق قدر شی ایله افطار و ستر
 عورت ایدر خرقه ایله استتار حال ایدر زاولدخی جمله کدیمین و عرف جبین
 اولوب کسند نک مال و عرضه متعرض و بر فردک طریق نفقه سنه ناقص
 دکل ایز و غیر یلرک بیتزده نسبی و آخرک بزمه سببی یوقدر لکن یا مولانا بو
 بر بای طام و مصیبت عام در دیوب تخریک سرو منک ایتمکه سفید لب
 اولوب هزار کوبه دلشوز و سوزن آه ایله چکر و زاولدیلر فقیر بوجال غریب
 و کیفیت عجیبی مشاهد ایدبجه والله آتش حسرت ایله سوزان و هزار
 ندامت ایله کریم اولوب کبار مشایخی بوتله نسبت ایله استصفا و اکابر

جد جدد
 چکر که به مشایخ برقی شد

علمای انلره قیاسا احتقار ایدوب بعد ذلک تفکر و شدت امر و قابض علی الجمر اولدور
 یقین ایتمکه کند و حالمه پشیمان و کیر و آه ایله خاطر پشیمان اولوب ای برادر
 اول بلای طام و مصیبت عام ندردیدم حیل و مواشی و حوامل حواشی و غواشی
 اموری قسم ظهور ایتشد اول واسطه ایلر حرامدن نحاشی ایتوب اموال
 مسلمینه اطاله دست یعدی و دغی زدوع عباد الله تجوی ایتشوز دغیا بوند
 بزه بر بجات اولوب بولش ساما شوزک اطفا سنه سحاب فضل و بجا کرمد
 قطره اجازت و ادمیدر تا که آنکه اطفای ناره غصه و تبرید خای عسره
 ایدر لودیدیلر فقیر دخی لاله فضل الهی و لطف نامتناهیدن غیری چاره
 یوقدر لکن قسم که کند و بنفسه نظر اشترحالمی بکا استمع و امر عیشی بکاتج
 ایتدرب داغ بر بلای داغ و غم فوق غم و نصیب علی المنصب ایلدیکر الله تعالی
 سیر کریم سز و اسمکن ندردن قطر و نراقلم و نر سما و نر زمیندن سز اخبار ایله
 فقیری کامران مرام ایدک که باری کاهی سلام کفره فایز و مصاحبتکن ایله انواع
 خیر حایز اولام دیدم یا مولانا الحمد لله که دیدن دیدار بکرایله قیر العین و شرف
 صحبتکن ایلر زین اولدق معرفت سز جلیب خیر و عدی باعث خیر و ضیاء و لعل
 و اغلب ظنر فیما بعد صحبت عالیه لیلر مشرف اولق واقع اولیه کرا اجتماع مقدار ایسه
 بوبند لوی مشیا علی الوجه لامشیا علی القدم ملاقات نوبه سبی و کوشش ایدر ایز و
 نکن سیری حضرت باری تعالی امانت ایتدک دیوب الم فراق و داغ افراق ایلر و داغ
 ایتدیلر شیخ موی ایلر یور تیمور سلطان محمدک حال حیاتنه اما می و بعد الموت
 مدرسه سنک اما می و خطیبی اولوب تاریخ احادی و ثلثین و ثمانمایدده داعی حق
 لبیک ایله اجایت و رختکش دار آخرت اولدی الحمد لله الملك المنان داستان تیمور
 کورمان مجردن قطره و اطوار عالیاندن ذره مانندی پایان بولوب رشته تسویه
 کشید قلمغله افعال و اقوال خلل و علمدن مصون و احوال و اطوار بمنزل و ملل
 مامون اولق در خواست بارگاه بچوندن الخاتمه ادبای نهاییان اولدکر تیمور

یوت
 اوغل معناسنه در
 مثلا شاپور یعنی شهادت

اعرجت احوالی شدی غیر و اخبار و آناری عجیب آثار و خبر اولوب مورد و ظهوری افتاد
 دبع نهاردن اظهر و دایب جنود مرد و دی عاد و نمودن اشهر و ولوله کوس خروج
 و عروجی صماخ جهانی سیرایتمکله تقدی و بحر تیزی شرقا و غربا عالمگیر اولوب
 ایقاد ایتدوکی نیران فساد عیدیم المود و برآ و بحر اجرا ایتدوکی سیولفته و اشتداد
 مستحیل المود اولغین بویا بدین مبالغه در اجتناب برله مصنف مرحومک قصیدین
 افصاح و فحوی مرادین ایضاح ایدوب کچه مرحوم مختصرین اوضاع دهر و فساد
 عصر دن شکایت ایلد ختم ایتشدر لکن ضحی الشکر بزیذ النعمه مدلولن تفکر یا خود اقل
 مافی الباب بیت گذشتم از سر مطلب تمام شد مطلب مفهوم تذکر برله اولجا
 مورد اللال و اول معنای بی مالی لاطائل ختمه عدا یتکله شکران ایلد امضا کتن مختصر اولغی
 اولفهم ایدو استغفر الله فکر اعتبار و اعوذ بالله ملاحظه کسب اشتهاردن انجمن افاده
 اراده اولوب عادت زمانه آورده آداب ادیب کجایر سیمایا آمدن معارف ادیب ازان
 ناسد ما تند طین ذبایا مثال صریح باب یکن اولجاله ملتفت اولوب صرف مجاهد
 والله الحمد دستیار دی توفیق دخی مساعد ایتکله بعایت الله تعالی تعرض حوادث و خلق
 ملوان و تکثیر اینیاب قطوب نرمان و صدق قارعه دافعه و ظهور مشاغل مانعه
 اولوب قوافل اهتمام بند نگاه مراره خطا احوال و سودا خواهش سر منزل مقصود
 بند کشای متاع آمال اولوب عند لبینا دره کوی ناطق کزار ما مولد بال نوردد
 آدام اولغین شکر گذاری برله بورسمه نغمه سرا اولمشدر **قطعه**
 بحمد الله بوتالیف لطیفک :: معانی پرور اولدی مراداسی ::
 ایدوب توفیق حق شدیدا افکار :: وجوده کلدی خاطر مدعاسی ::
 بضاعت کم امضا عا کثر یکن :: میسر اولدی خواهش منتها سی ::
 بوبر مجموعه درآر باب فهمه :: ویرور بر نشسته تازه اداسی ::
 عروس جمله آرای سخن در :: غدا در روحه روی خوشنما سی ::
 سکر اولطوی مرآت دلدرد :: که روح افزا اولور هر بر نواسی ::

قطوب
اصلاک

عجب آینه در اهل نهایی وقایع نامه عبرت نمایی
 اولوب مقبول طبع اهل عرفان اولور سه جایجا عفو خطاسی
 سزادر اولسه کرمشهور آفاق جهان منشهر صیت و صداسی
 فصل فی بیان ماهو واقع بعنایت الملک المعین
 صدق نیت و همت خلوص غریب برله قضایای عبرت نمایی تینور عریض
 و طویل و حقیر و جلیل ترجمه و تالیف و قلاب فکر ایلد بر مقدار نوادر عبرت
 مصادری جذب و تصنیف ایدوب بدایع معانی رعایت و آداب منطق
 صیانت و مراعات التظیر ملحوظ و شرایط سجع و قوافی محفوظ اولوب
 امثال فایقه و استشهادات لایقه و استطرادات رایقه و مجازات
 مقبوله و معلومات منقول و معقوله و تشبیهات غریبه و استعارات
 عجیبه ایلد دقت و لطایف کلام حاوی و دقت و ظرافت شعر و فصاحت
 ادب و بلاغت فصحا و حقایق حکما و دقایق علمایه مخفی اعلام آیات
 کریمه ایلد خوش طراز و نقوش آثار اکابر ایلد مختصر ممتاز اولوب ظریف
 المعانی لطیف المبانی محفظه نوادر بدیعه و مجموعه نکات غریبه اولوب
 امید اولغین غلستان خوش هوا سندن تفکله و تتره مراد ایدن دقیقه
 شناسان پاک اذهان صحایف لطایفه امعان انظار ایشه اجتنای رطب
 یا نغمه عیش روحانی و النقاط اذهار فایحه ذوق وجدانی ایتدو کندن غیری
 نفخه عبر و بختس خبر ایدن اصحاب اعتبار اخبارین تدبر و تدقیق و آثارین تتبع
 برله تحقیق ایدر سه کشت زار حکما یا نندن لافط سنابل مرهم و حایر خرم اهتمام
 اولوب مقرر در مع ذلک ادای حق تهذیب کلام و تذهیب اوراق مرام ایتکله بضاعت
 قلیل و نیل مقام کماله پای جهد علیل اولد و غنه انصاف ایلد اعتراف ایدرم زیر ربط
 روابط کلام ما تند سبط در ره هوا از نظام اولوب لایذ تعاق شواهد لفظ و معنا
 و جمع شواهد عبارت و فحویر محتاج در اول منزلتیه ایسه هر ماشینی و حافی پای

عجب آینه در

کمال و لوق عظیم الاحتمال در ولاجرم بموقوله صعب المنال دقیق المقال وادی به
 سلوک بحر دهن صافی و معدن جواهر علم وافی و هر حال صاحب رای
 صایب و فکر ثاقب و دفاقت توفیق و کشف استار تحقیق و محیط علوم ثقلیه
 و عقلیه بلکه مالک قوت قدسیه اولغه نیازمند در عربیست که
 فانی انتبخی للنظم دُرّاً و کثر تظفریدی منه بود عکه
 اول حالت ملکیت بوزمانه ایسه کیم میسر در که فقیه مقدراوله انجن
 عنوان اثرده ذکر می سبق ایدن سبب لازم ایله شروع اولوب انما منه
 کوشش امر مختم اولفین الله الحمد فتح مغلقات لغات و کشف استار
 نکات اولوب تزیین ابکار افکار و تحسین عرایس انظار ایله سلك ادبایه
 سالك و طریقین نعم المسالك یلوی علی قدر الطاقه کما ندر همت آهوی
 معانی دقیقه اقتناصه حواله سهم تصور و غواص دقت قصد جواهر
 الفاظ دقیقه غوص بحار تدبر ایدوب پیرایه دست امل اولان متاع جلیل
 و حقیر طبعیه اخلاصه تقدیم اولوب مجازات مشهوره حقایق مجرب در دن
 اولی و غلط مستعمل صواب مملدن احکام اولفین اولبابه واقع اولان
 عبارات تدبر آرای صاف صفا انصاف از باب کرم حواله اولمشدر بود در سریره
 اولوالالبابیه ستیر دکلر که مصنفات ذوی الآداب سلف ایله خلف بیتند
 بون مدید و آید بعید اولوب فی الجمله قرن اول ثانیدن خیر لوا ولد و غنی بلا
 نزاع اولد و غنه بناء لا محاله زمانلری مساعد ساعد استعدا لری اولون
 هر بری منظور و مرغوب ملوک و اکابر و مطلوب ارباب فضل و ماثرو ملتفت
 اصحاب جاه و مفاخر اولد و غندن غیرى نصارت وقت ایله افهام مدد که
 و قرائح متحرکه اولوب غالبینک دخی محمد و ملری ارجمند دانش پستند معارف
 آشنا فضایل آزما مقرب ادبا و علما مرئی شعر و ظرفا اولد و قلری بلا قیل
 و قالدر فاما الآن شکایت دکل بر طریق حکایت کثرت مشاغل و خطوب

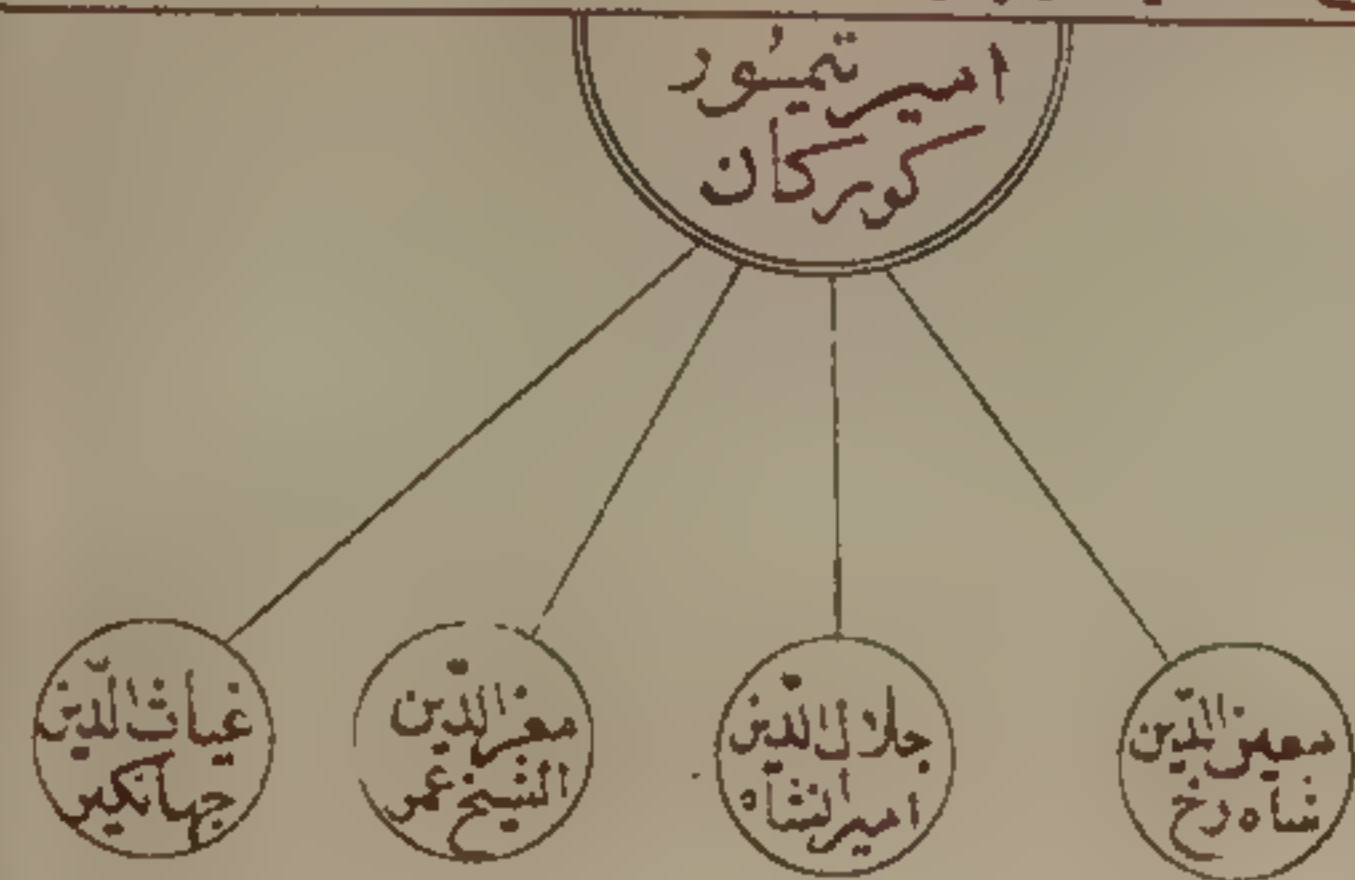
زمان ایله ما تند روز هر جان یا چو کفی میزان اعلا وادنا تک غدا
 و عشق و جمیعت و تلا شیلری یکسان اولوب شداید عصر ایله افهام
 جامد و قرائح خامد و حرارت غریز کوشش و جوشش بارده اولد و غنی
 نمایاندر بنا برین سلك تسوید کشید قلنان اخبار صادق و عبارات
 صدق باطنه و الفاظ فایقه نک هر چند اصلاح و تنقیح دقت صرف
 و تنقید و تصحیح امر اطر فاولندی ایسه دخی هو و خطا دن خالی
 و شایسته تکلف ز عاری و لما مغله انکشت نما اولان مواضع حسن تاویل
 ایله ماثول یا تصحیح حال ایله مزاول یورلق مسؤل اصحاب قبولدر التاریخ
 بوبر مجموعه عبرت نماد : ذوی الافهام اولدی اختصاصی
 دواء المشک ترکیب سخندر : فرح اقرار در ادنا خواصی :
 اوله بو مختصر امید وارم : پسند خاطر دانی و قاصی :
 بحمد الله تمام اولدی تمنا : میسر اولدی تمام و خلاصی :
 دیامدی مرتضی تصنیف تاریخ : وقایع نامه تیمور عاصی :

الله

ان شاء الله تعالی رسید دست ذوی الافهام و علماء منشور الاعلام
 اولوب مطالعه عالیه لری ایله شرفیاب اعتبار و کامران افتخارا اولورسه
 نظر افاده و استفاده ایله منظور و عشرات و زلاتین معذور و کسری
 مجبور و عیبی مستورا اولوب رفع خلل و تصریف عمل و عفوز لیل یورلق
 ملتئم لطف غم و درخواست صفح و کرم لری در الحمد لله حمدا یملا اردان
 الامکان و یعیطر خیا شیم التوحید فی جمیع الازمان و صلی الله علی سیدنا
 محمد صلوة یتلغ قائلها ما منه و یجعل فی جنة الخلد مسکنه و علی آله واصحابه
 الذین استمعوا القول واتبعوا احسنه و استغفر الله من حصایه الالسنه محراب
 فی صباح یوم الاحد الثاني والعشرون من شهر ربيع الاول من شهر سنة مایه

وعشر بعد ألف من هجرة من له العز والشرف
الذليل

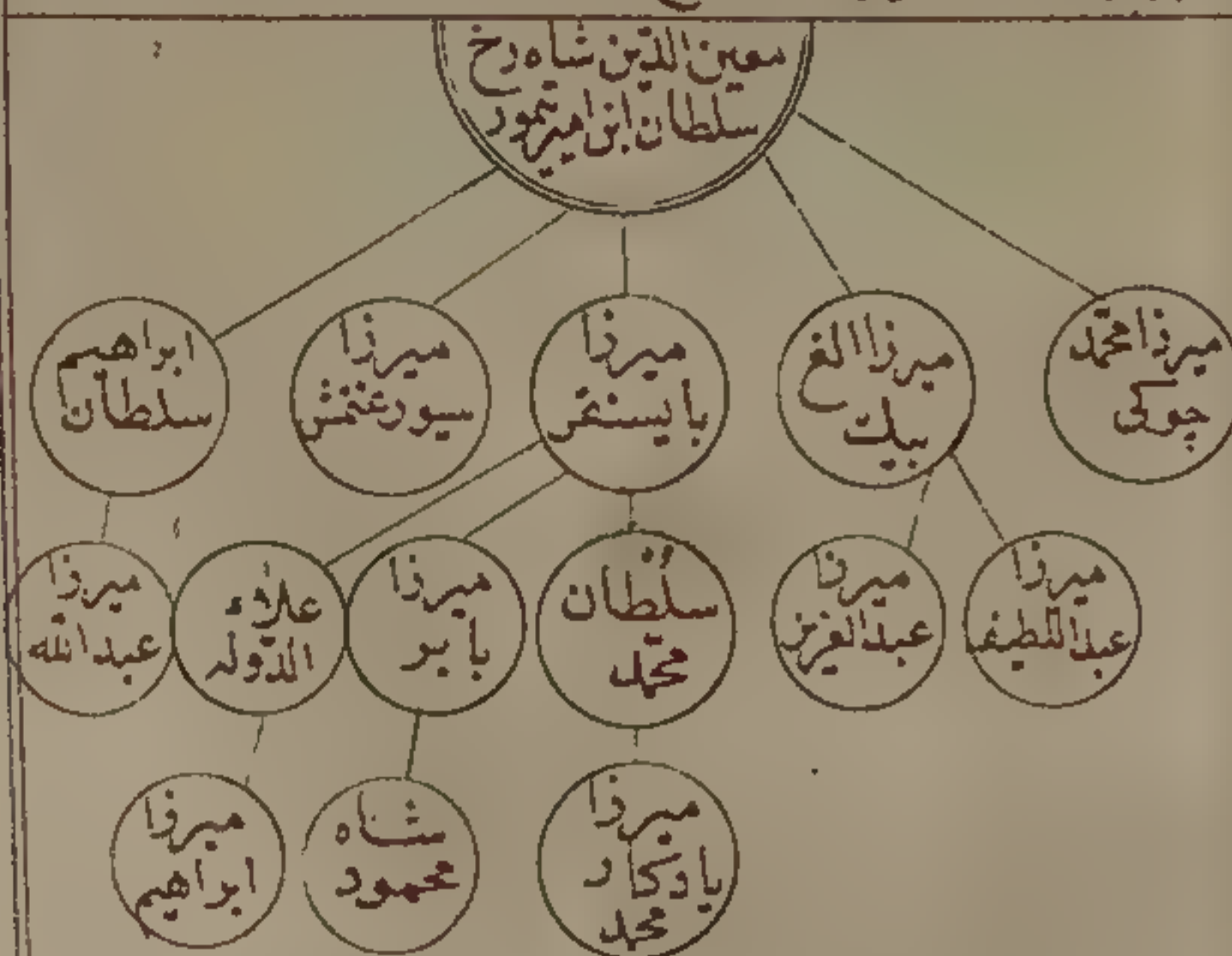
مصنف مرحومك تاريخ اثر و مرسومى سال اربعين وثمانماية ايله
مختوم اولوب ذكر احوال اولاد و احفاد تيمور استيفا اولما مغلان
شاء الله تعالى نلرك دخی ذكر لری و كیفیت حال و نتیجه مالدی بیانی اثنا
ذكر اولاد تيمورده و عدا و لمشیدی حالا بتوفیق الله تعالى یقای وعد
ایله بوجه نمودج جمله نك بیان حاليله مسودة فقیر تذیل اولندی
در بیان سلطنت امیر تیمور کورگان و اولاد او در ممالك هند و ایران و توران



وجه محتر و اوزر تيمورك معین الدین شاه رخ و جلال الدین امیرانشاه و معین
الدین الشيخ عمر و غیاث الدین جهانگیر نام و لقب دژت تفرق زندی اولوب اما
شاه رخ توجیه پدر ايله سال تسع و سبعین و سبعماية ده حکومت ممالك خراسان ايله
مسرو و الجان اولوب زمان پدرده سكر سنه ممالك مذکورده فرمان دان اولدقدن
سكره فرق اوج سنه دخی پادشاه ایران و توران اولوب جمعا اللی برسنه سلطنت
ایله تاریخ خمسين وثمانماية ده یتیش برسنه عمر ايله نیشا بورده مقبور اولدی
اما امیرانشاه پدری فرمانيله تحت هلاکوخاند که عراقین و ادیجان
و دیاربکر و حدود رومدن مملکت شامه و ارجنه اولان بلاددن عبادتد

حاکم حاسم اولمشیدی تیمور وفاتندن صكره اوج سنه مرورنده تاریخ عشر
و ثمانماية ده قره قیونلی قره یوسف تركمانيله ادیجانده واقع اولان محاربه
مفتول و دارالبقایه وصول بولدی اما الشيخ عمر تاریخ خمس و سبعین
و سبعماية ده اصفهان قریبده تیمور آل مظفری عموما استیصال ایدوب
حما لك فارس حكومتنه تعیین پدر ايله متصرف و برسنه حكومتد نصكره
سال ست و سبعین و سبعماية ده خرمانقونام قلعه جنكند اصابت
سهم ايله زخمدار و اول زخم ايله رختكش دارقرار اولدی اما جهانگیر
تيمورك اوایل خروچنده سال ست و سبعین و سبعماية ده بلده
سمرقندده جل خراجیات و سونهاده بالین حمات اولدی

ذكر احوال اولاد معین الدین شاه رخ سلطان بن تیمور کورگان

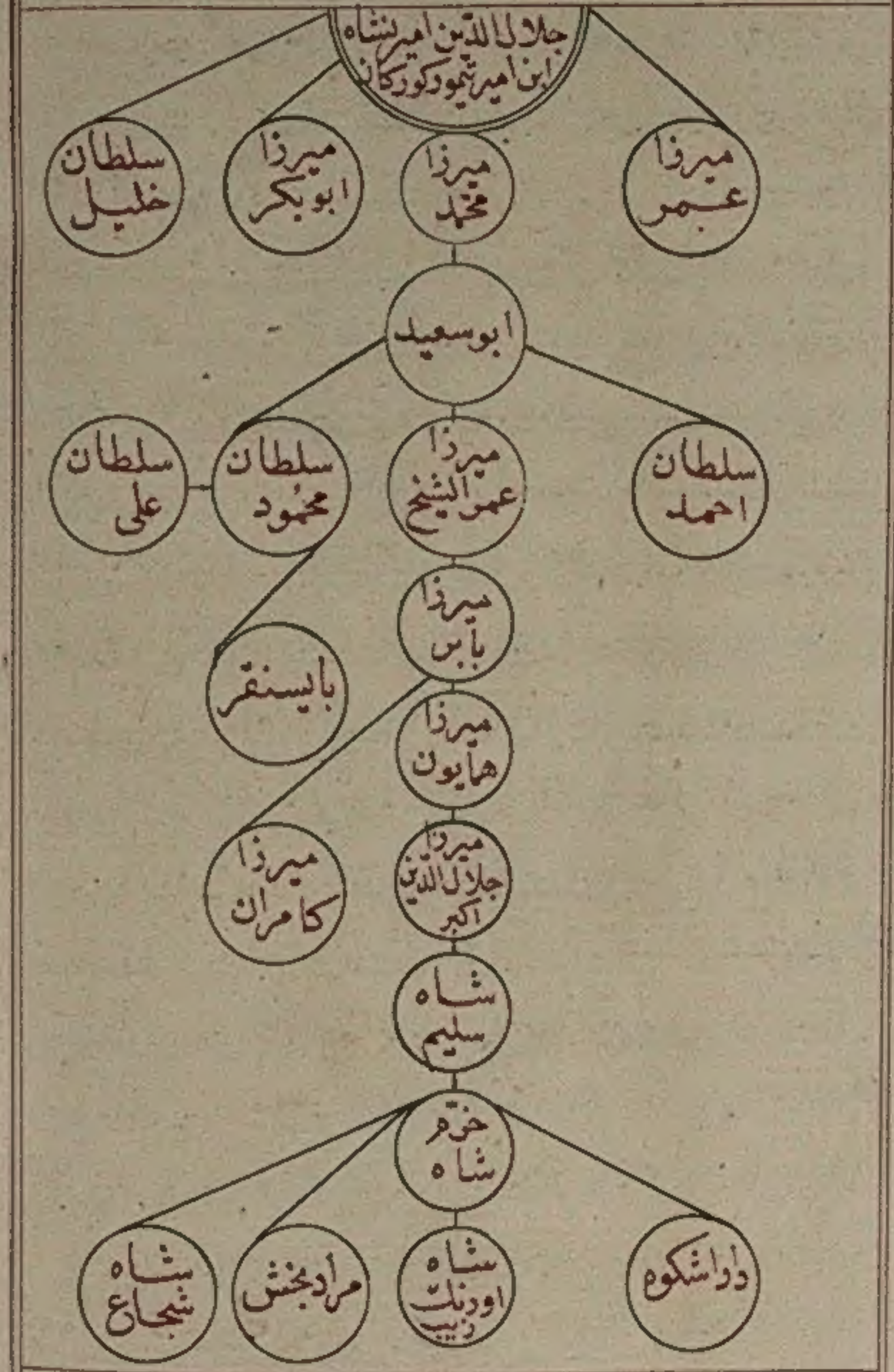


اولاد و احفاد شاه رخ وجه عمر را و زده اولوب اما میرزا محمد والدی
ایامده سال ثمان و اربعین و ثمانماية ده مشقل دار آخرت اولدی اما میرزا
اولوغ بیک تاریخ اربع عشر و ثمانماية ده پدری تعیینی ايله حاکم سمرقند
اولوب فرق برسنه حکومت ايله اتلی باشنده اوغلی عبداللطیفك دست

گذراندن سال نهم و خنشین و ثمانمایه ده صهباشک شهادت اولوب
 منتقل دار آخرت اولدی و میرزا عبداللطیف دخی قتل پدر و نضکره پادشاه
 ماوراءالنهر اولوب انحق آلی سلطنت ایلد بر خورده و عمر اولوب امر استند
 برینک غدیر ایلد هلاک اولدی میرزا عبدالعزیز دخی قتل پدر و مقدم
 برادر علی عبداللطیف مباحث ایلد سلا فکش پیمان شهادت اولدی اما میرزا
 بایسنقر پدری تا منده سنه سبع و ثلثین و ثمانمایه ده سن ثلثین ایلد
 هیزانده ترک حیات مستعار و عازم دارالقرار اولدی و علی سلطان محمد
 جدی شاه رخ زمانده تاریخ ست و اربعین و ثمانمایه ده حاکم عراقین ایکن
 جدی وفاتند نضکره رفع لوای خروج و ذرو عدا و ان عروج ایدوب عراق
 و فارس پادشاه مستقل اولد قد نضکره و قصد خراسان ایدوب میرزا
 بآبر ایلد محاربه و مقابله مکرره لری واقع اولوب بالاخره برادر میرزا
 بایرنده کشته و بندرگاه عدمه بار بسته اولدی و میرزا بایرنده کشته
 شاه رخ جد و دینشایورده مقبور اولد قد اردوسن غارت و استرابا
 طرفه اماله کلام عزیمت ایدوب میرزا اولغ بیک ماوراءالنهرده بولمقله
 تاریخ انین و خنشین و ثمانمایه ده واروب پای تخت هیزانده زانوژن
 سر بر سلطنت اولد قد نضکره برادر علی علاء الدوله ایلد نصب کارگاه جنگ
 و بیکار ایدوب بر سنه سلطنت ایلد و خنکش دار قرار اولدی و علاء الدوله
 مذکور جدی شاه رخ عراق ایکن ملک خراسانده قایم مقام اولوب انتقال
 شاه رخ خبری اشاعت بولجده دعوی سلطنت ایلد صاحب تخت
 خرابین جدا و لشیک برادر میرزا بایرنده غلبه و استیلا سنده تاریخ خمس
 و ستین و ثمانمایه ده فرار و رستمدار حدودی بحر قزقره کنارند فرق
 بش سال عمر ایلد منتقل دار خلد اولوب نفسی هیزانده رفع و کوه
 شاد بیکم مدرسه سنده صندوق حده وضع اولندی

سلطان محمد مرقومک فرزندی یادگار محمد سلطان ابوسعید غدر
 حسن طویل ایلد شهید اولد قد مزبورک امداد و اعانتیله پادشاه
 خراسان اولوب تاریخ خمس و سبعین و ثمانمایه ده سلطان حسین
 بیقرا اقدام ایلد عازم دار بقا اولدی میرزا بایرنده مرقوم و او علی شاه محمود
 صغیر السن ایکن پدری فوتند نضکره حاشین پدر اولد قد عتی
 زاده سی میرزا ابراهیمک تسلط ایلد منزما استراباده واروب سال
 احدی و ستین و ثمانمایه ده اون بر سنه عمر ایلد راه عدمه وضع قدم
 ایتدی و میرزا ابراهیم مزبور شاه محمود مرقوم غالب اولوب عقبینه
 استراباده متوجه ایکن میرزا جهان شاه ابن قره یوسف خراسان طرفه
 لشکر کش اولغین علی الطريق بر برینه متصادم و متصادف اولوب میرزا
 ابراهیم آنک ایلد فرار و سال ثلث و ستین و ثمانمایه ده هیزانده مرغل
 دارالقرار اولدی اما میرزا سیور غمش والدی شاه رخ منشور ایلد غریز
 و عند والی و حاکم مقدم اولوب زمان بدرده تاریخ ثلثین و ثمانمایه
 عمر ثلثین ایلد منتقل دار البیقین اولدی اما ابراهیم سلطان پدری
 شاه رخ زمانده یکرمی سنه مقداری فارسده حاکم اولوب حال
 حیات پدرده سنه ثلث و ثلثین و ثمانمایه ده اجل مستی ایلد منتقل دار
 بقا اولدی و علی میرزا عبداللہ پدری فوتند نضکره شاه رخ منشور ایلد
 حاکم فارس اولوب تاریخ سبع و اربعین و ثمانمایه ده میرزا سلطان
 محمد فارسه استیلا ایتد کده جدی شاه رخ فارسه کلوب سلطان
 محمد فراد اینم کله نکو از مزبور میرزا عبداللہ حکومت فارسی تقریر
 ایتدی بعد فوت شاه رخ نوبت ثانیه محمد میرزا فارسه استیلا
 ایلد عبداللہی اخراج انکیکن سال اربع و خنشین و ثمانمایه ده عبد
 اللطیف میرزا مقتول و لغین عبداللہ واروب سلطنت ماوراءالنهر

ایله جالس سر سروردی اولوب برسنه سلطنتد نصکره نیئر امیرانشا
سلطان ابوسعید ایله سنه خمس و خمسين و ثمانمایدده واقع محاربه لرین
اون طقوز سال سن ایله مقتولا ساکن محله خاموشان اولدی
ذکر احوال اولاد جلال الدین امیران شاه ابن امیر تیمور کورگان



اولاد جلال الدین امیرانشاه ذکر اولندوغی و ذره دُرت نفر اولوب

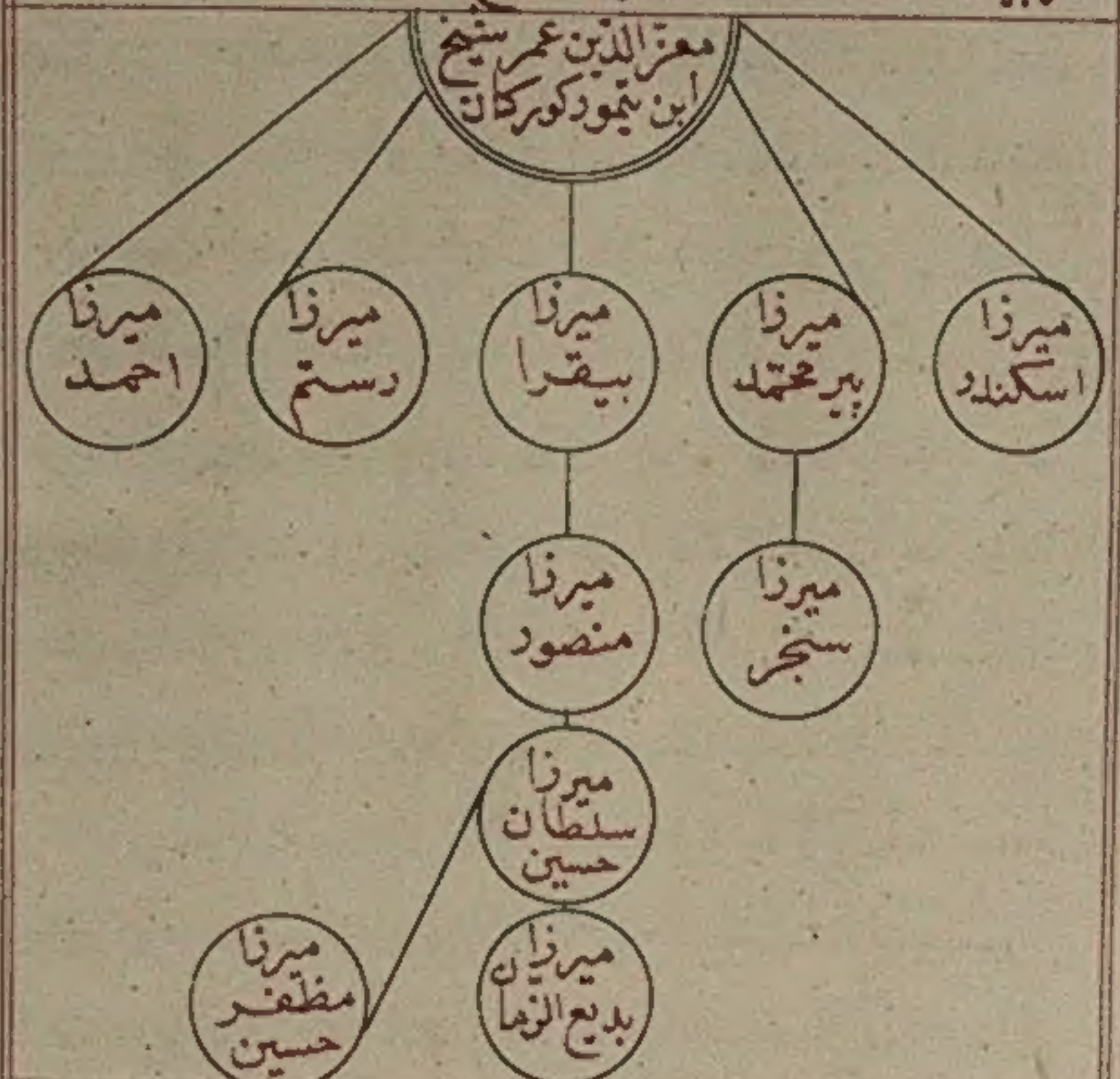
اما میرزا عمر عهد تیمورده پدری میرانشاه آتدن تکرلنوب دماغی بر
مقدار مختل اولمغله تیمور پدری کندویه سپارش و خدمت و تدوین
توصیه برله پدرینک حکومتکاهی اولان عراقین و ادربجان و دیاربکر
حاکم قلشیدی فوت تیمور د نصکره برادر ی ابوبکر ایله نصب کادکاه
جنگ وجدال ایدوب منزه ممالک خراسان پادشاهی شاه رخ سایه
النجاه و برمدتد نصکره آنکله دخی اشغال نازه جنگ وجدال ایدوب
مجر و حاسیر و اول جرح ایله سال شمع و ثمانمایدده منتقل دار آخرت
اولدی اما میرزا محمد ک کیفیت حالی نامعلوم اولوب انجق فرزند
سعدا ختری سلطان ابوسعید ابن سلطان محمد میرزا عبدالله بن
ابراهیم بن شاه رخ مقتولا ولد قد نصکره سمرقندده تخت پادشاهی
جلوس و مساعدت بخت سعید ایله خراسان و غزنه و کابل و سیستان
و عراقده فرمانران اولوب سکن سنه پادشاه مستقل اولد قد نصکره
سال ثلث و سبعین و ثمانمایدده دیاربکر و ادربجان ملکند
فرمانران پادشاهی اولان آل بایندر حسن طویلله اسیر اولوب
مقتولا عازم دار قرار اولمغله اوغلی سلطان احمد مقار پدرده سریر
سرور یه جالس و یکرمی سنه پادشاه ما و راه التهر اولوب شمع
و سبعین و ثمانمایدده ترک دار غرور و درختکش سرای سرور اولدی
اما میرزا ابوبکر برادر ی میرزا عمر فرزند نصکره نصدی خدمت
پدر ایدوب نیابته حاکم ادربجان اولد قدده سال عشر و ثمانمایدده
قره یوسف ترکمانیلله امیرانشاه بیئتده واقع اولان جنگه امیرانشاه
عالم عدمه وضع قدم اتمکین میرزا ابوبکر کرمان و سیستان طرفلرینه
فرار و حدود حیر قدده حاکم کرمان ایله آتش افروز ستیز اولوب سال
احدی عشر و ثمانمایدده کشته و طالع و اقبالی برکشته اولدی اما سلطان

خلیل فوت تیمورده یا نند بولنوب تخت تیموری پر زانوزن جلوس ولوب
 پادشاه ما وراه التهر و ترکستان اولدی دُرَت سنه سلطنتد نصکوه
 بعض امرانک خیانت و اهانیکه سلطنتدن خلع اولغین غمی شاه رخک
 منشور یله بعض مناصب و حکومت دی ایله اوقات کذا ولوب بلده
 مذکورده سال دبع عشر و ثمانیایده یکرمی سکن سنه سن ایله ترک عالم
 فنا و اختیار داد بقا ایتدی سلطان محمود ابن ابوسعید برادر دی سلطان
 احمد مذکور وفاتند نصکوه پادشاه ما وراه التهر ولوب انجق ایکی آی
 سلطنت ایله ترک غوغای فنا و عازم دار بقا ولوب اوغلی میرزا بایسفر
 برادر دی سلطان علی ایله منازعه لری واقع اولغین بایسفر منزه ما
 پدری خدامندن قندهار حاکی امیر خسرو وارد قد امیر مذکور دخی
 کافر نعمت ولوب سنه خمس و تسعمایده مزبور دی استیصال ایدوب
 سلطان علی دخی بایسفر فرارند نصکوه مسند پادشاهید برقرار
 اولمشیکن سنه مذکورده شیبک خان ازبکی طرف دشتدن خروج
 ایله کلوب بلده سمرقندی حصار ایتدیکه بازار آشتی پر ترویج و پرو
 سلطان علیک والد سن ترویج اتمک حیله سیله یا نه کتوردوب
 مادر و پسرک ایکسنه دخی خیانت برله اشراق شربت شهادت ایتدری
 خراسان حدودند شیبک خان ازبکی ایله شاه اسمعیل مابیند
 واقع جنگ وجدان شیبک خان مقنول اولغین سعی قزلباش ایله
 سلطنت ما وراه التهر میرزا بابر بن الشیخ عمر ابن ابوسعید نایل
 اولمشیکن سهل مدته عبید خان ازبکی تحریک لوای انتقام اتمکین
 مزبور انزام برله وادوب سلطنت غزنه و بعض بلاد هند ایله قناعت
 و او تود دُرَت سنه اول قلیمه سلطنت ایله تاریخ سبع و ثلثین
 و تسعمایده منتقل دار آخرت ولوب ایکی سنه کندود نصکوه پدری

الشیخ عمر دخی دار بقایه سفر ایتدی بعد ذلک سلطنت ما وراه
 التهر تیمور یاندن خالی ولوب اول مقامه ازبکیان مستولی اولدی میرزا
 بابر تارک تاج و تخت اولد قد فرزند دلبندی میرزا هایون بخت
 هایون ایله جالس مسند سلطنت ولوب معظم ممالک هند و زابلستان
 و قندهار و غزنه و کابل ضبط ایتدکدن غیری دار الملک هند اول
 شهر دهلی دخی تخیر ایدوب یکرمی آلتی سنه استقلال اوزره سلطنتد
 صکره سال ثلث و ستین و تسعمایده تقدیرا وقت شامد نزد باندن
 نزول ایدر کن لغزیه پای ولوب اول سبب ایله دهر و ان عالم بقایه همراه
 اولدی برادر دی میرزا کامران انجق بعض ولایت هند ایله قناعت
 ایدوب اوغلی میرزا جلال الدین اکبر وارث ملک پدر و سلطنت اول
 مزبورک سلطنتی ممتد اولغله بلاد هنددن فوقات جلیله یه نایل
 و توسیع ملک ایدوب دختکش دار بقا اولد قد ولد ارجندی میرزا
 سلیم شاه پادشاه هندوستان ولوب اولد دخی ما شاء الله سلطنت ایله
 مسرورا ولد قد نصکوه مرتحل دار قرار و لجنه اوغلی شاه جهان خرم جانشین
 پدر ولوب بونک اموال و ارزاقی زاید و روزگار بختی مساعد و جلالت
 مناقبه جمله اجدادینه غالب و ایامد ولتی متمادی ولوب کبریا ایله
 اعضا و قواسنه قورطاری اولغین ولد اکبری دارا شکوهی ولی عهد
 تعین اتمکین فرزند دیگر مراد بخش بو بازاره رواج و برمیوب مابیند
 منازعات کثیره و فتن و فیه ظهور اتمکین ولد ثالث اورنگ زیب صورت
 صلاحدن اصلا حلیه کوشش ایدر کبی اول مراد بخش کفر قار دام و قتل
 بی آرام ایتدکد نصکوه دارا شکوهی دخی باقی وجهه کان استیصال ایدوب
 پدر پری حبس ایله از عاج و کندوسی مستقل صاحب تخت تاج اولد
 فیو مناهذا فرق سنه دن متجاوزد کر ممالک هندده امر معروف

و صلاح و تقوی و عدالت و غزایله موصوف پادشاه عالی دستگاه
برادر رابع شاه شجاع زمان پدیده بنکاله حاکی ایکن پدر و برادر
مابینند واقع اولان مشاجره و مناقشه ایله نفرت و ترک دعوی سلطنت
ایدوب تبدیل جامه و هیئت درویشان ایله نک و تنها عزت و سیاحت
اختیار ایدوب احوالی نیه منتهی ولدوغی معلوم اولدی

در بیان احوال اولاد معزالدین عمر شیخ بن امیر تیمور کورکان



معزالدین الشیخ عمرک وجه مشروح اوزره بش نفر اولادی اولوب
اما میرزا اسکندر جدی امیر تیمور و مدن عودتده سنه ست و
ثما نمایه ده قره باغ قشلاک سنده ایکن همدان و نها و ند حکومتلرین
کنده سپادش اتمشیدی قره یوسف ترکمانی خرو جده مزبورک خوفند
ترک همدان ایدوب فارسده برادری میرزا پیر محمد سنایه سنه الحجا
ایله حاکم یزد اولدی اما میرزا پیر محمد پدری فوتنده تعیین تیمور

ایله حاکم فارس اولوب بعض ملازملرندن شربتدار حسین نام
خاینک غدیر یله مقتول اولدی بوند نصکوه فارس و اصفهان دخی
میرزا اسکندر مادر الذکر ضبط ایتدکد نصکوه عتی شاه رخه عصیا
وما بینده فتح باب بغی و عدوان ایتمکین شاه دخله نصب معرکه کبرو
دارده اسیر مغلوب و سال سبع عشر و ثما نمایه ده مکول اولدی
اما میرزا بایقر امیرزا اسکندر مکول ایله یکدل اولوب اصفهانده
ایکن برادر دیکر رستم اوزر لرینه کلدکده اول مابینده اسکندر
ماسور و مقتول اولوب مزبور اسکندر مکول ولد قد نصکوه شاه
رخ فرمایله میرزا بایقر حاکم همدان و نها و ند ایکن عصیان
ایدوب شیرازه عزیمت و حاکی اولان سلطان ابراهیم بن شاه رخ
ایله محاربه و ضبط ولایت ایتدوکی تخدیش سمع شاه رخ ایتمکین
اوزرینه واروب تضیق ایتدکده مزبور جرمنه اعتراف ایله استیما
ایتمکین حضورینه کتوروب قندها حاکمه ارسال ایتدی آنده دخی
حرکت ناسزا سی ظهور ایتمکین محبوسا نکوراد شاه رخه ارسال ایتدی
شاه رخ دخی بعض خدامله سمرقند طرفه راهی ایدوب اول دیارده
نتیجه حالی نیه منتهی ولدوغی معلوم اولدی اما میرزا رستم جد
امیر تیمور فوتند نصکوه حاکم اصفهان اولوب برادری اسکندر مار
الذکر ایله اولان ترا علندن صکوه اسکندر مأخوذ و رتبه دعوادن
ساقط و لجنه حکومت اصفهانده قرار داده اولدی اما میرزا احمد
بن الشیخ عمر شاه رخ سنه احدی عشر و ثما نمایه ده سمرقند وارد قد
ایالت و حکومت قلمرو اوزر چند حکومتیله مزبوری مسرور ایتمشیدی
بعده عتی زاده سی اولغ بک ایله اولان محاربه لرند انکسار ایله فرار
مغولستانه واروب بعد خراسان عودتده عتی شاه رخ طرفند فوق

الغایه احترام اولند قدنصرکه قصد حج ایل متوجه بیت الله الحرام
اولوب بعد ذلك نتیجه حالی نه منجر اولدوغی معلوم اولدی اما میرزا
سبحان میرزا احمد تاریخ ثلث وستین وثمانماید ده هیرات قریبند
میرزا ابراهیم بن علاء الدوله بن بابینقرابن شاه رخ اتفاقیله میرزا
ابوسعید ایلد واقع اولان قتال لرنده مقتولا دار عقبایه انتقال
ایتدی اما میرزا منصورک حالی نامعلوم اولوب انجق فرزند فرزند
اختری سلطان حسین بن منصور بن بابقر اولاد الشیخ عمرک
آب روی و ممدوح ملاجامی علیه الرحمه اولوب مرقوم پادشاه خراسان
میرزا یادگار محمدی استیصال یتدکد نصرکه اول مملکت پادشاه
علی الاستقلال اولوب او توزسکزنه سلطنت ایلد تاریخ احدی
عشر و شصتمایه بنش سنه عمر ایلد تارک تاج و تخت و کند و بناسی
اولان قبه ده سر نهاده بالین راحت اولدی او غلی میرزا مظفر
تاریخ ثلث عشر و شصتمایه ده ما و راء النهر پادشاهی شیک خان
اوزبکی ایلد اولان جنکه فرار ایلد استرا با د طرفه عزیمت
وا و لطفه منتقل دار آخرت اولدی فرزند دیکری
میرزا بدیع الزمان پدری فوتند نصرکه برادری میرزا
مظفر ایلد بوجه شراکت پادشاه ایکن شیک خان
محاربه سندن فرار تاریخ مذکورده شاه عجم اولان
شاه اسمعیله الجا ایتشیدی پادشاه روم خسرو
سلیمان رسور سلطان سلیم مرخومک شاه اسمعیل
ایلد چلدران جنکی واقع اولوب شاه انکسار ایلد فرار ایتدکه
پادشاه مرخوم بلده تبریزه قدومده بدیع الزمانی آنده بولمقین
تکریم و احترامله معا استنبوله کونورب سهل مدته اولدخی

آنده منتقل

آنده منتقل دار آخرت اولدی

در بیان احوال اولاد غیاث الدین جهانگیر بن امیر تیمور کورکان

غیاث الدین جهانگیر
بن امیر تیمور کورکان

سلطان محمد

میرزا پیر محمد

غیاث الدین جهانگیر بن تیمورک وجه محرز او زره ایکی نفر فرزندی
اولوب اما سلطان محمدی جدی تیمور حال جیاتندن ولی عهد ایتشیدی
رومده قشلا بوب اول بهارده سمرقند طرفه عزیمت ایتدکه اجل سنی
ایلد تاریخ خمس و ثمانماید ده محل بند دار فرار اولمقین برادری پیر محمدی
ولی عهد تعیین ایتشیدی تقصیل حالی بوندن اقدام
نبت اثر اولمقین تکرار محتاج دکلدر فرمود
حاکم قندهار و غزنه و حدود دهند
اولوب تاریخ شص و ثمانماید
امر اسنک جیاتن
و غدر ایلد منتقل
دار آخرت
اولد
تم بالخر

